بعون خالق سخن آفرین و بانی آسمان و زمین جل جلاله

الحمد لله والمنة که این رسالهٔ مجموعهٔ طب سراپا حکمت و عمدهٔ صحت مسمی به

میزان الادویه

(از صفحه اول سرخانه شد)

الفاظ الادویه

(در متن)

فرهنگ نصیریه

(حل لغات معروف)

مخزن الادویه

(بر صفحه ۲۳۹ سرخانه شد)

حسب فرمایش تاجر عالی وقار سراپا تمیز جناب شیخ عبد العزیز صاحب

در مطبع خاص فیض اختصاص ثمر هند واقع لکهنو فی وقت طبع یافت

ماه ذی الحجه سنه ۱۲۶۳ھ

هُوَ اللّٰهُ الْاَحَدُ الصَّمَدُ کہ پایۂ حقیقت بیچونیش از دائرۂ دریافت و احاطۂ شناخت برترست
و تفکر ادراک کنہ ذاتش کاشف انوار تجلیات شیونات و فنونات اوست عز شانہ کہ آناً فآناً
بفحوای کُنْتُ کَنْزًا مَخْفِیًّا فَاَحْبَبْتُ اَنْ اُعْرَفَ خود بخود از خود بصفات لاتناهی جلوه ظهور
فرموده معنی را بحجل صورت و صوت را آئینہ معنی نموده و بقدرت کاملہ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ
شَیْءٍ قَدِیْرٌ ہر فردی از افراد ممکنات را بتجلی خاص الخاص متجلی الاحکام و مخصوص ساختہ
و بحکمت بالغہ اَللّٰهُ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ہر ذره از ذرات کائنات را بمعانی خاص
کہ حقائق اشیا عبارت از انست بخلعت اسما مخلع گردانیده و ہر اسمی را مخصوص بصفتی و ہر
صفتی را منسوب باسمی کرده نقطۂ ہویہ جزو لا یتجزی را بحسب آمیزش شیونات بنقوط و نقطہ را
بحروف و حروف را بکلمہ و کلمہ را بکلام ارتباط معنوی موہبت فرموده از کتم علم بعالم عین آورده
و انشای ہزاران ہزار اسرار بدیعہ و نقوش غریبہ بموجب مَا شَاءَ اللّٰهُ کَانَ وَمَا لَمْ یَشَاءْ
لَمْ یَکُنْ بکاف کن مفوض داشتہ سرگرم ایجاد و تقدیر گردانیده و ہمگی کلیات عناصر اجرام را
و جزئیات موالید ثلاثہ سر انجام ظهور بخشیده و بظهور واجب الوجودی استظهار ممکنات گشت

تا جماد را که منشار نشو ونما نباتست ونزد حکما ر حقانی از جماد ونبات لوح وقلم مراد بحرکت

ارادی الٰہی ن وَالْقَلَمِ وَمَا یَسْطُرُوْنَ پرده از روی کار خود برداشت جماد لوح شد

ونبات قلم حقیقت اَوَّلُ مَا خَلَقَ اللّٰهُ از تحرک قلم نقش هستی برگرفت وانبساط

منصب تعینات بحقائق لامکان را مکانی بهم رسیده احدیی بواحد گردیده بیچونی بچگونگی

بعبارت چون وچرا گنجیده صور را آمیزشی بنقوش دست داد تاویل صورت ونقش در میان

آمد والت وسبب واسطه صناعت مصور ومسبب گردیدند ومضمون دُبٌّ وَاحِدٌ یَعْلُو

اَلْفًا یعنی لسبابکی که هزار سیگرد بوضوح پیوست غذل که لازمه امتزاج اعتدال مزاج حقیقت

ومجازیست علم ظهور برافراخت میم معنی بر فرق معرفت نهاد وبرد نمائی جلوه حیوان

بامر نَفَخْتُ فِیْهِ مِنْ رُّوْحِیْ پرده از روی کار نهان وآشکارا فرو هشت وجهت

اثبات دعوی لَیْسَ کَمِثْلِهٖ شَیْءٌ وَّهُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ مرج گفت وشنفت آمده

حکمت پوشیده را آشکار ساخت یعنی معنی عدم صوت وجود گرفته اسمار بسمی شناخته شد

وتمهید وَالْبَلَدُ الطَّیِّبُ یَخْرُجُ نَبَاتُهٗ بِاِذْنِ رَبِّهٖ وَالَّذِیْ خَبُثَ لَا یَخْرُجُ اِلَّا

نَکِدًا ایجاد بنت نبات ونبات مصدر روی حیات که کنایت از حیوان ست گشت

وبحسب اعتدال حقیقی وحدت بکثرت گرائید وجلوه شهود بمظهر اتم که مستجمع جمیع بروز

ومکنونست از ظهور شرف حضرت محمدی ختم انجا سید صلی الله علیه وآله وسلم تفسیر جَفَّ

الْقَلَمُ بِمَا هُوَ کَائِنٌ بر وی بیان آمد وبچندین ظهور وتجلیات زبان نطق حالی

باشیا عطا فرموده که آثار خواص هر شی وشاهد حال نطق آن شی ست پس باین حیثیت

بمقتضای وَاِنْ مِّنْ شَیْءٍ اِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهٖ جمیع مکونات واشیا لَحْظَةً فَلَحْظَةً

با هر اسپاس انواع تجلیات خواه بلفظ صوت وخواه بنقش معنی می از مهجورت سرائی عمل

نباشد هرگاه همگی ستایش ظهور آثار تجلیات باشد وعالم وعامل و واحد واحد وسبب

وسبب وحمد ومحمد ونظر مبصران وحدت گزین یکی بود کجاست ثانی وکو شی لمولفه

۳

سبحان حضرت رسول ملک منان علیه وعلی آله السلام فرزند الابد ان مقدم علی علوم الادیان پس

عالم همه طلسم می بینم من ٭ جانی نه بدن جسم همی بینم من ٭ از روی زمین گرفته تا عرش
برین ٭ یک نقطه هزار قسم می بینم من ٭ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا یَقُولُونَ عُلُوًّا
کَبِیرًا ابیات از حکیم العزیز بدنا بید ٭ هر چه را گر دآنچنان شاید ٭ نظری پاک
اینچنین ببیند ٭ نازنین جمله نازنین بیند ٭ زهی شرافت فضل و کمال حبذا
رفعت مقام و صال صاحب لوای لَوْلَاکَ لَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلَاکَ که بمفتاح وَ
مَا اَرْسَلْنَاکَ اِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِیْنَ سبب کشاد کار عقود خَتَمَ اللّٰهُ عَلٰی قُلُوْبِهِمْ
وَعَلٰی سَمْعِهِمْ وَعَلٰی اَبْصَارِهِمْ آمده بود ای کُنْتُ نَبِیًّا وَّ اٰدَمُ بَیْنَ الْمَاءِ وَالطِّیْنِ
شرف امتیاز وَعَلَّمَ اٰدَمَ الْاَسْمَاءَ کُلَّهَا به آدم خاکی ارزانی داشته و بنیروی حکم وَلَا
رَطْبٍ وَّلَا یَابِسٍ اِلَّا فِیْ کِتَابٍ مُّبِیْنٍ تجلیات فیوض وافیات را بشیونات
لاتیناهی وتعینات بحد و غایت تصیبه نظارگیان صور و معانی نموده بجهة احصای
تفاصیل جزوی مجمل کلی بدست آورده که بدینسیر از مین انگشت قدرت تاثیرش باشاره
وَمَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ مشرف بذکر اِنْشَقَّ الْقَمَرُ وعقل خبیر از سیر تورای صنعت
نمایش بایمای وَمَا عَلَی الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلَاغُ در اول مَا خَلَقَ اللّٰهُ مستتر از
لطافت کلام معجز نظامش احکام و آیات صحف پیشینیه منسوخ و از شرافت نام گرامی
انتظامش آثار و بینات ملل دینیه مکسور گشتیس احتشام اقتدار آنرا از دو اسرار کبریا دیده
کشای سرایر انبیا اینکه در لباس صورت کسوت معنی را بسر ابیه ظاهر باطن الکاشته و در عالم ظاهر
علم باطن اسرار صورت و معنی بنهفته و موت اهل بیت او که بموجب آیه کریمه اِنَّمَا یُرِیْدُ اللّٰهُ
لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیْرًا الطهارت ازلی مخصوص
اند مستطع قُلْ لَّا اَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبٰی بشرافت لم یزلی منصوص
سرمایه نجات گمرشدگان وادی ضلالت و تیه غوایت ست و محبت عزت او که وَاٰتِ
ذِی الْقُرْبٰی حَقَّهٗ در شان ایشان نازل ست زاد و راحله سرگشتگان بادیه جهالت و مضیق

منزلت چون صیت دبدبهٔ رسالت و طنطنهٔ جلالتش کون و مکان را فرو گرفته صلی الله
علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین و آوازهٔ اکرام و افضال صحبه واجب التجلیل و الاجلال و تبعه
خیر العاقبه و المآلش که سالکان مراحل معنی و ناسکان مشاعر صورت را از هامون
ضلالت و بیابان اختلاف بدار الملک هدایت و ایتلاف آورده باقاصی و ادانی رسیده
رضی الله عنهم اجمعین احوط آنست که رعایت ادب و پاس امر رب بر ذمهٔ طبع و طبیعت که مودع
نفائس و ودائع اند لازم و انسته بر خطی از ثناگستری خدیو کشور جهانبانی عذب البیان
گردد تا در محکم أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ از سلوک مسالک
و رسوم مراسم اسلاف بندگی اتصاف بیرون نباشد حمداً لک ثم حمداً لک که اولی الامر
آوان گیتی خداوند کشورستان اورنگ آرای سریر گورکان مطلع نجوم سپهر سلطنت و
کامگاری منبع رسوم حق شناسی و دین داری آئینی شاه جم جاه کیوان بارگاه برجیس سعادت
مریخ صولت ناهید عشرت قمر شرافت آفتاب تاب بلال کلاب کند خطبت خلافت منزلت سلیمان حشمت
عالم عامل مرشد کامل خسرو گیهان کشای شهنشاه جهان آرای خداوند عدالت پیرای
المخصوص بعنایت سبحانی ظل الله ابو المظفر شهاب الدین محمد شاهجهان بادشاه صاحب
قران ثانی است که بیمن متابعت سنت نبوی و اطاعت طریقت مصطفوی علم دولت
و ارشاد و رایت رشد و رشاد برافراشت و در قوم مسائل دقیق و نقوش سرائر تحقیق بر صفحه
جان و دل چنان معتقدان صادق و مسترشدان واثق بموافق بنگاشت آئینش همه مطابق
بآئین اسلام و احکامش همه موافق بنص کلام و زبان حال را از شورش فتن و آشوب
حوادث نگاه داشته و در معموری خراب آباد صوری چنان همت گماشته که جمهور انام از خواص
و عوام با اختلاف و اتفاق در بسیط امن و بسیط امان مرفه الحال و فارغ البال آسوده
دل و شگفته خاطر اند و لقد رایج و انش از جنس کاسد جهل امتیاز تمام دارد ابیات خدایا
تو این شاه درویش دوست که آسایش خلق در ظل اوست بسی بر سر خلق پاینده دار

5

مقدمه و نتیجه و خاتمه مقدمه مشتمل ست بر چهار فائده فائده اول در بیان تصحیح
اعراب فائده دوم در بیان علامات زبان هر دیار فائده سوم در تحقیق طبایع
و درجات آن و علاماتیکه بنسبت بآن و ذکر مجملی از دوا الطبیع و دریچه و قوت
فائده چهارم در بیان مختار و شربت و مصلح و بدل و دوا علامات آن نتیجه در ذکر الفاظ
دوا بطریق اثبت و بیان علامات آن خاتمه در بیان ادویه کثیر المنفعت
که در کتب قدما کمترست و ذکر آنها چون پادزهر و مومیائی و چوب چینی و چای و قهوه
و تنباکو امید از دقیقه رسان این فن آنست که اگر بر سهوی و خطائی آگاهی یابند
بقلم انصاف اصلاح فرمایند بالله التوفیق و به المستعان مقدمه مشتمل بر چهار
فائده فائده اول در بیان تصحیح اعراب پوشیده نماند که در تحقیق اعراب لغتی تتبع
صحاح الادویه این مؤلف اختیارات بدیعی و برخی از جاهای ثقات و کتب معتبره
لغة تازی و فرهنگهای پارسی سند کرده هر جا اشاره باول سیر و مراد از حرف نخستین
لفظ ست و آن ثانی حرف دوم که متصل نخستین ست و همچنین علیه عبارت از همزه مکسور
کج که بصوت کاف تازی ست بر پارو قفیه جهت اضافت مانند شجره مریم که همزه بر ها
دارد و موحده نشان حرف باست و فوقانی اشارت بحرف تا و مثلثه ایمای بثا و
واو معروف مانند واویکه در کافورست پس هر جا که بسکون او نوشته شده اراده
واو معروفست و واو مجهول مانند واویکه در دوغ و شورست و واو معدوله واویکه مکتوب شود
و بتلفظ در نیاید مانند واویکه در خواجه کتابست و تحتانی عبارت از یاست و تحتانی معروف
مانند تحتانیکه در تحبیل نیل قیبست و بسکون تحتانی مراد از تحتانی معروفست و تحتانی مجهول حنا و سیر
چند بیدستر معروفست و چهار حرف پارسی که بران نقطه مینویسند پ چ ژ گ موسوی بفارسی ست
و معجمه بیان حرف نقطه دار و مهمله تفسیر حروف بی نقط فائده دوم در بیان
علامات اصطلاح و زبان هر دیار و سرزمین مثلا از عربی ع که حرف اول او ست و

و همچنین از فارسی ف و از هندی ﻫ و از مشهور و معروف و مذکور م مرقوم ساخت
و اسامی بسیار دیگر را برابر سه نقش پذیر گردانیده **فائده سوم** در تحقیق طبایع و درجات
و دواء علامتیکه منسوب است بآن و ذکر مجملی از دواء الطبع و درجه و قوت و خاصیت
بدانکه نزد جمهور اطباء مزاج کیفیتی است که بهم میرسد از اول استحاله امتزاج اجزاء عناصر که آنرا
هرگاه بر دواء اطلاق کنند طبع نامند و طبایع بیرون نباشند از نه کیفیت چهار
از آن کیفیات اربعه بسیطه که حرارت[۱] و برودت[۲] و یبوست[۳] و رطوبت[۴] باشند و چهار
دیگر مرکب بکیفیات اربعه و یکی اعتدال فرضی اطباء و تعیین از طبع ط و از حرارت ح
و از برودت ب و از رطوبت ر و از یبوست ی و از معتدل مع منتقش
گردانیده و اطباء دواء را در کیفیت و اثر منحصر بچهار پایه قرار گرفته هر پایه را درجه خوانند
چه هر چه وارد بدن شود و منفعل گردد از حرارت غریزی خالی از آن نیست که احداث
میکند در بدن کیفیتی زائده بر چیزیکه انسان راست یا نمی کند اگر احداث نمی کند
آنچیز را معتدل گویند و اگر احداث می کند محسوس میشود یا نمی شود اگر نمیشود
در درجه اول[۱] گویند و البته میشود تاثیرش از تکرار تناول یا اکثار مقدار و اگر
محسوس میشود بجائی میرسد که ضرر میکند یا نمی کند اگر نمی کند در درجه دوم[۲] گویند
و اگر میرسد بجائیکه ضرر منجر بهلاک میشود یا نمیشود اگر نمیشود درجه سوم[۳] گویند
و اگر منجر بهلاک میشود در درجه چهارم[۴] گویند و آنرا دواء سمی نیز گویند و آن
غیر سم است زیرا که قتل دواء سمی بکیفیت است و قتل سم بصورت نوعیه اطلاق
سم بر وی تشبیه است او السم و الهلاک و الا در حقیقت دو است و هر درجه را سه مرتبه
اعتبار کرده اند عالی[۱] و سافل[۲] و متوسط[۳] بینهما کلیه حکما است که گرم در تجاوز نمی کند
حرارت او از درجه اول از برای آنکه اگر حرارت زیاده شود بر این مقدار فانی میسازد
رطوبت را لیس از برای اینست که یافته نمیشود دواء گرم در درجه دوم[۲] و سوم[۳] الا

آنکه یابس باشد و هر چیز که گرم باشد در درجه چهارم پس او یابس
است در درجه چهارم یعنیها و درجات را بحساب هندسه که از یکی واز
دوم واز سوم واز چهارم ۴ درجه تحریر آورده اکنون مجملی از ادویه امر قوم میسازد بطبع
و درجه و قوت و خاصیت و مراد از قوت و خاصیت یعنی افعال آن ادویه
چنانکه سقمونیا مسهل صفراست و سنا مسهل سوداست و دارچینی مفتح و علی هذا القیاس
پس علامت ق اشارت از وست ادویه حاره یعنی گرم در درجه اول افسنتین
بابونه مر تخم کتان حمص ریا و حلزون بری شاهتره صبر لوف لادن گرم در
درجه دوم اصل الغرب اصل مازریون سپید و سیاه استاقس که نوعی از اکلیل الملک
ست بادرنج برنجاسف بلسان بزر الانجره و برگ او جند بید ستر بلسه ورد دی عصا
زیتون دبق راعی الابل زرنباد و طویل و مدحرج زعفران شبت تر و خشک غراب
مستحکم عسل عصاره قثاء الحمار فراسیون قصب الذریره عنصل قشور شجره الخضر
و ورق او کماشیطوس کرفس کبریت کندر سیعه مصطگی ملح و تخم الکواریر گرم
در درجه سوم انیسون اسارون افتیمون پودینه جبلی جاوشیر برگ فنجنگشت
تر و برگ او تخم فنجنگشت حماما شاهترمل خرلقین سیر و بلیخه سداب شیح ارمنی
محرق سکبینج شیلم شب محرق شراب کهنه جمیع انواع شیر شعر محرق صوف محرق
قار فودنج نهری قشور قصب محرق قنه کرویا کرفس کوهی و بری کمادریوس
کاشم مر جوز مرزنجوش نانخواه نعناع وج ینبوب گرم در درجه چهارم انواع یتوع
اصل ثوم جمیع اشیا محرق زبد البحر سداب بری فربیون قسط قطران کراث کرم
بارد یعنی سرد در درجه اول اصل السوس اقاقیا و نا شسته برگ بنفشه بلوط برادهٔ نحاس
برگ قصب بسفایج ثمر علیق نبل بهین رطب جاورس خشخاش دهن ورد لب
زجاج زنجفر سرق شجره نبق عجم الزبیب کمثری ماسیثا نشاسته هند باشر در درجه دوم

9

تخم ساگ دیبا بزر البقل

ثمره تیزک

قوم نحرول سداب بری قطران کرم کرات مقفنه غیر لذع آذان الفا اصل السعد
اصل قنطافلن انزروت بیاض رقیق بیض برگ غرب و گل او و عصاره
برگ او باقلا بیخ نیلوفر بسفایج توتیا تخم انجره و ورق او ترمس ثلج جاورس
جمیع اجزا شجر سدر و جمیع انواع طین حب الصنوبر بردی عصاره زیتون سوسن
قشور جوز محرق کثیرا الحیة الطیبس لسان الحمل تمر رطب یعنی تر در درجهٔ اول برگ
بنفشه حمص خصیة الثعلب خوخ روغن گل عصاره سوسن قطر کاهو لسان الثور
تر در درجه دوم بقله یمانیه بقلة الحمقا بطیخ سرق طحلب قسریع مشمش ادویه ملیه
مائل اقاقیا انزروت بزر قطونا بسبایدار بقلة الحمقا بقله یمانیه برگ بنفشه
خشک خشخاش دبق دلب دم الاخوین رصاص سرق شوکران شجر جوز طحلب
قطر قثا بستانی کدو کاهو لسان الحمل ماميثا مشمش ورق علیق میانه در
گرمی و سردی اصل غنثی سیاوشان باقلا حمص حب صنوبر جزیره خصیة الثعلب
زیت عذبه زیتون خس شمع شجر مصطگی طین طوس طین سابوس عدس
فاوانیا عصاره سوسن ناشر قشور اشج مرداسنج هلیون میانه در تری و خشکی اصل
جوت ضماد خصیة الثعلب زیت عذبه مخدرات یعنی ادویه که بخوابانند حس و حرکت را
افیون اسبند اصل اللفاح اذاراقی اصل الذرت بیخ موله جنگلی بیخ تخم و برگ تنباکو
جوز ماثل سراج القطرب یعنی شوکران قنب کا بیخ کندر لبن الخیل اونگ جنگلی سرنج ام
مسهلات صفرا اجاص افسنتین بنفشه خشک تمر هندی ترنجبین خیار شنبر
سقمونیا شاهتره شیرخشت شبرم صبر گلسرخ لبلاب بادزیون هلیله زرد مسهلات
بلغم بسفایج تربد حب النیل حرمل فرفیون شحم حنظل غاریقون قنطوریون قثاء الحمار
ماهیزهرج ماهودانه مسهلات سودا افتیمون آمله اسطوخودوس بالنگو
بسفایج حجر لازورد سنا غاریقون کشوث هلیله کابلی مقیات یعنی دوائی از ...

منضجات ادویه که اورام و صلابات را نضج دهند اکلیل الملک ایرسا انجیر بزرگ
خطمی زعفران صمغ بطم کرنب لادن مر میعه موم مرداسنگ **مفشّات** ادویه
که نفخ و ریح را بشکنند و تحلیل برد انیسون افتیمون بسباسه پنجنگشت تخم گزر جاوشیر
حماما دارفلفل زیره زنجبیل زراوند زرنباد سداب سعد صعتر فلفل قردمانا کندر
کرفس نانخواه **مقویات دماغ** آملج انفحه ضان بلادر بندق بالنگو بهار سیب و
بهار امرود دماغ حیوانات روغن عنبر زنجبیل سعد سیب سنبل شربت نارنج عود عنبر
غالیه قرنفل کندر گل سرخ لحم تذرج لحم دجاج لحم دراج لبن ضان ماءالورد مشک
نسرین یاسمین **مقویات دل و مفرحات آن** امرود انار شیرین اسطوخودوس
اترج ابریشم آمله بهمنین بسفایج پوست ترنج تبد بالنگو بادروج تمر هندی جدوار
دارچینی درونج ریباس زرنباد زعفران سیب سوسن سنبل سعد سلیخه شقاقل
صندل طباشیر طین مختوم عود عنبر تخم خشک فاوانیا قاقله کهربا کافور گاوزبان
کشنیز خشک گل سرخ لولو لازورد ورد سوری نمام نیلوفر بادرشک نعناع نارنج
ورق نقره ورق زر هلیله یاقوت **مقویات کبد** یعنی جگر اشنه اظفار الطیب
حماما جوزبوا حب البلسان دارچینی غافث قرنفل قرفه کشوث مصطکی ناردین
مقویات معده آمله اذخر پوست ترنج بلیله بالنگو جوزبوا دارچینی زرنباد سعد
سلیخه سماق سفرجل ساذج هندی طباشیر قرفه قرنفل قاقله گل سرخ کندر کهربا مصطکی
مشک طراثیث نعناع هلیله **مبهّیات** انگور انجیر رطب بسباسه بیضه کبوتر بیضه گنجشک
ولبلاب باقلا پنیرمایه شترجیر جرجیر جلغوزه حبة الخضرا حبة الزلم حلتیت خولنجان خصیة الثعلب
دارچینی زرنباد زنجبیل سورنجان سقنقور شقاقل شیر میش فندق فستق قرفه قسط
کندر کرفس کنجد کتیرا لوبیا مغز دماغ گنجشک و بره مغز بادام مغز جوز مغز نارجیل نخود
هلیون **مسکنات اوجاع** ادویه که دردها را ساکن کند افیون اسفیداج [illegible]

١٣

مختار عبارت از اجناس هر دواست که همواره در هر امر مستعمل اطباست و مراد از تعیین مقدار خوردن هر دواست و استعمال آن و آن موقوف ست بر استعمال وزن اوزان چند مشهور مثلا مطابق رسالهٔ اوزان میر محمد مومن استرآبادی مثلا حبه یکجو میانه قمح و دو جو میانه قیراط چهار جو گهونگچی که بفارسی سرخ و بهندی رتی گویند یک جو میانه که عبارت از هشت برنج باشد ماشه هشت سرخ توله دوازده ماشه ٹانک چهار ماشه دانگ و دانق چهار سرخ و سدس سرخ درهم و درم سه ماشه و یک سرخ مثقال چهار ماشه و سه و نیم سرخ استار و سیر شاهی یک نیم توله و دو ماشه اوقیه و وقیه هفت و نیم مثقال رطل بغدادی نوزده سیر شاهی من طبی چهل استار ست مصلح دارو یکه ضرر دوای دیگر باز دارد بدل آنکه هر گاه در نسخه دوائی باشد که بهم نرسد دوای دیگر قائم مقام آن سیدانند و قول کلی در بدل آنست که اگر دوای یافته نشود بدل ثمر او بوزن آن بیخ وی بود و بدل برگ و دانگ وزن آن تخم او باشد پس از مختار خ و از شربت ش و از مصلح ص و از بدل ل ثبت نموده نتیجه در ذکر الفاظ ادویه بدانکه اسامی ادویه اثبت بعلامت ترقیم که از ان حرف نخستین مراد ست و تنسیق که اشارت بحرف ثانی که متصل نخستین ست و تمنیق که ایما از حرف اخیر کلمه ست مرتسم گردانیده عبارت کثیر را باشارات قلیل مضمون گشته مسافت دور و دراز بر جویندگان و سالکان این راه کوتاه ساخت ترقیم الهمزه تنسیق الالف و تمنیق السین المهمله آاغیس دمشقی و مصری و تبریزی بفتح همزه اول و ثانی و سکون راء مهمله و کسر غین معجمه و سکون تحتانی و سین مهمله با معجمه ف بیخ درخت زرشک طح اهی ۲ تمنیق اللام آاطریلال یونانی بفتح همزه اول و ثانی و کسر طاء مهمله و راء مهمله و سکون تحتانی و لام و الف و لام ثانی و بقول علامه قطب الدین شیرازی

بروزن افعیلال و در نسخه دیگر بروزن فاعیلال هم آمده و در مصر جزر الشیاطین و در شام رجل الغراب گویند ف تخم خلال خلیل گویند ه کاکجنگی و ستی بین طح ا ـــ ۲ خ تخم وی تمنیق النون آلسن بوزن فاعلن ف سپند سوختنی
تمنیق الباء الموحده و تمنیق الالف ابرکاکیا بفتح همزه و باء موحده و سکون راء مهمله و کاف و الف و کسر کاف ثانی و تحتانی و الف ثانی و بعضی در اخیر موحده نیز می آرند ع نسج العنکبوت و بشیرازی کرتینه گویند ف کمه و تنیده عنکبوت ه مکڑی کا جالا طح ی ۱۱ ابن المارع ف مرغابی ابوخلسا بفتح اول و ضم موحده و سکون واو و فتح خاء معجمه و سکون لام و سین مهمله و الف ف شنکار و بهوچوه طح ی ۲ خ سیاه بسیار و رق سطبر بیخ ش تا دوورم مضر دماغ صداع آورد مصلح آن روغن بنفشه تمنیق الفوقانی آبست بمد اول و فتح ثانی و سکون سین مهمله و فوقانی ف گوشت ترنج و بهیه پالنک ه بجوری کاگودا ح دانح گوشت پالنک دانند که آنرا باتو خوانند و اکثر مصریان مرکب گویند تمنیق الجیم آبلوج ف بمد و فتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو و جیم هم قند تمنیق الدال المهمله آبرود ف بمد همزه و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون واو و دال مهمله هم سنبل ه جهڑ گویند نیلوفر تمنیق الراء المهمله آبار ع بمد اول و ثانی و الف و راء مهمله ف سرب سوخته ه بنگ بفتح موحده و خفاء نون و سکون کاف فارسی طب ی ۲ ل اثمد ابرار بفتح اول و سکون ثانی و راء مهمله و الف و راء مهمله ثانی هم حی العالم ابقر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف ف شوره ه باجی طح ی ۳ ش نمدر م ص کثیر اوسل ل ملح اندرانی ابن طاب ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون با طاء مهمله و الف و ها و راء مهمله ف لبلب تمنیق السین المهمله ابن عرس ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون

سنبل و نصف وزن او پوست اترج تمنیق النون ابرون بمد اول و بی مدنیز
و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون واو و نون ع حی العالم آ آبکون بمد اول و سکون و
ثانی و ضم کاف فارسی و سکون واو و نون هم نشاستهٔ گیهون کا هیر تمنیق الواو
آبوف بمد اول و ضم ثانی و سکون واو هم گل نیلوفر تمنیق الهاء ابرار القطع
بفتح اول و سکون ثانی و راء مهمله و الف و ضم راء مهمله ثانی و سکون لام و ضم قاف
و طاء مهمله مشدد و خفاء ہاء هم تخم حی العالم ابره ف بضم اول و سکون ثانی و فتح
راء مهمله و اظهار ہاء خیار ی و تبر کی تو غذ ے ابرہمیع بکسر اول و سکون ثانی و
کسر راء مهمله و فتحها و سکون تحتانی و کسر میم و فتح تحتانی ثانی و ہا و الف ہیمیہ نیز گویند
ف ہیست مانند زیره باج طمع آبکامه ف ترشی نان ست که آب در آفتاب
نگاهدارنده کانجی آآبگینیع بمد اول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی و سکون تحتانی
و فتح نون و ہاء مخفی ف شیشه کانچ ابن حبع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون
و فتح حاء مهمله و موحده مشدده و ہاء ف نان تمنیق التحتانی ابن اوی ع بکسر همزه و
سکون ثانی و کسر نون و همزه و الف و واو و الف مقصوره ف شغال آبی
ف بمد اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ع سفرجل ه بهی و نام نوعی از انگور طبیعت
آن معح ب لاش ا ب ی تا وی درم ۲ عسل و انیسون تمنیق الموحده
فارسی و تمنیق اللام ف ابل بفتح اول و موحده فارسی و سکون لام ع
طر انیث طب ی ۳ ق قابض و مقوی کبد و معده ص در باب به شکر
تا دو درم ل ثلث وزن آن عفص و دو ثلث آن قرظ و نصف وزن آن قشر
بیض محرق خ تیز بو تمنیق النون الیسان ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی
با سین مهمله و الف و نون هم سنگ فشان ع تمیس آ آپیون بفتح اول و سکون
ثانی فارسی و ضم تحتانی و سکون واو و نون هم افیون طب ۴ و گویند ۳

ق منجر گرقابض مسدد منوم محلل مسکن ا وجاع ص جند بید ستر و زعفران دارچینی
وفرفیون وجد وار و زنجبیل و فلفل سیاه بن از یکجه س تا چهار قیراط و زیاده از یک دانگ
ممنوع ل ۳۵ وزن او بزر البنج و بوزن آن تخم لفاح یا پوست بیخ آن یا بوزن آن
تودری سفید گفته اند تنسیق التاء الفوقانی وتمنیق الجیم اترج ع بضم اول
وسکون فوقانی وضم راء مهمله وسکون جیم ف ترنج ۵ بجوراط پوست زرد او
ح ی ۲ وگوشت سفید را ترشی ب ی ۲ وتخم ح رق مفرح ومقوی ل سموم و
ملطف ومدرخ بزرگ زرد ش از تخم او دو مثقال جهة گزیدگی عقرب بآب گرم
وگویند نیم مثقال ص شراب خشخاش ل آب لیمو تمنیق الراء المهمله اثرار بفتح
اول وسکون ثانی ثاء مثلثه وراء مهمله والف دراء مهمله ثانی ف زرشک ۵ زرک
طب ی خ شقاف آتش خوار بمد اول وفتح ثانی وسکون شین معجمه وضم خاء معجمه
با واو معدوله والف م آتشخواره تمنیق السین المهمله اثناسیس بفتح اول و
سکون ثانی ونون والف وکسر سیم وسکون تحتانی وسین مهمله ف بابونه بری
انیس ۵ بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وسین مهمله طح ۲ ی اق مقوی باه
وباضم تمنیق النون اثان ع بفتح اول وثانی والف ونون ف ماده خره گد هی
تمنیق الهاء آتش خواره ف بمد اول مرغیکه اکثر آتش خورد تنسیق الثاء المثلثه
وتمنیق الدال المهمله اثمد بکسر اول وسکون مثلثه وکسر میم وسکون دال مهمله ف
سنگ سرمه ۵ انجن طب ای ۲ ق مجفف وحابس مرخ براق ریزنده ش نیم درم
ص شکر و کتیرا ل آب تمنیق القاف اثلق بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وسکون
قاف ف تخم پنجنگشت ۵ سبنهالو کی بیج طح ی ۳ تمنیق اللام اثل ع بفتح
اول وسکون ثانی ولام ف گزه جهاو تنسیق الجیم وتمنیق اللالف اجل گیا
بفتح اول جیم وسکون لام وکسر کاف فارسی وتحتانی والف ف بشین فرهره لس وسیطها

٢٠

تمیق الجیم اجّ ف بضم اول وسکون جیم کدو تمیق الدال المهمله
اجمووه بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو ودال مهمله ع بزر الکرفس
طح ی ۲ ق مفتح محلل ص انیسون ش از یک درم تا سه درم تمیق الراء
المهمله آجرع بمد اول وضم ثانی وسکون را مهمله ف خشت پخته ه اینٹ
طح ی ۳ ق مجفف خ غیر مستعمل ش از روغن تا یکمثقال ص روغن بنفشه ل
غرف تمیق الصاد المهمله اجاص ع بکسر اول وفتح ثانی مشدد والف صاد
مهمله ف آلوه آڑو طب د ۲ ق ملین مسهل صفرا خ رسیده بزرگ شیرین ش
پانزده دانه ص گلنگبین یا عسل یا عناب ل آلو بخارا هندی تمیق النون اجواین ه بفتح
اول وسکون ثانی و واو والف وکسر تحتانی وسکون نون ف نانخواه طح ی
۳ ق مجفف محلل ریاح ملین ص کشنیز و ترمس ش تا سه درم ل شونیز تمیق الهاء
اجهره ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح ها و را مهمله و خفاء ها چچیڑه تمیق التحتانی
اجوائن خراسانی ه ع بزر البنج تنسیق الحاء المهمله و تمیق الالف اجلب
دباره می بکسر اول وسکون حاء مهمله وفتح لام وسکون موحده وکسر دال مهمله و تحتانی
والف هم شیر م تمیق الضاد المعجمه اجریض ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون
تحتانی وضاد معجمه ف درخت کاجره پنجکنبه و گویند اقحوان
است طح ای ۲ تمیق التحتانی اجلاق المرضی ع بکسر اول وسکون ثانی و دال مهمله
والف وضم قاف وسکون لام وفتح میم و راء مهمله وضاد معجمه والف مقصوره ف بابونه
گاو طح ی ۲ تنسیق الطاء المعجمه و تمیق التاء الفوقانی اخروٹ ه بفتح اول
وسکون خاء معجمه وضم راء مهمله وسکون واو و فوقانی هندی ع جوز ف چارمغز و گردگان
تمیق الراء المهمله اخثاء البقر ع بفتح اول وکسر ثانی یا سین مهمله مشدد والف و
همزه وسکون لام وفتح موحده وقاف وسکون راء مهمله ف سرگین گاو ه گوبر

محلل ورام اخگر ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح کاف فارسی وسکون را مهمله م انگشت افروخته ه انگارا تمنیق السین المهمله اخینوس بفتح اول وکسر ثانی و سکون ثانی وضم نون وسکون واو و سین مهمله ف خود نبا الکب بیخ نباتی ست سیاه پوست که مثل کنول در تالابها و آبها روید تمنیق الطاء المهمله اخریطیر اول وسکون ثانی وکسر را مهمله وسکون تحتانی وطا مهمله م فرابیون ف گندنا بری ه بن کا گندنا تمنیق اللام آخیل ع بفتح اول وسکون ثانی و فتح تحتانی و سکون لام م بوقلمون ست وآن مرغیست که عرب آنرا شوم میگیرند و بزبان اهل گیلان دادهکو گویند تمنیق المیم اخرم ع بفتح اول وسکون ثانی و فتح معجمه وسکون میم ف مازو تمنیق النون اخیون یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو و نون نباتی ست ع راس الافعی تمنیق الهاء اخبروسه بکسر اول وسکون ثانی وکسر موحده وضم را مهمله وسکون واو و فتح سین مهمله و خفا ها م دوسرف گندم دشتی ه بن گیهون تنسیق الدال المهمله و تمنیق اللام ادا بمد اول و ثانی و فتح دال مهمله و الف ف زنجبیل تر م ادرک ق ملین ادادا بفتح اول و دو دال مهمله و دو الف ف درخت کرد انطرح ی م آدتحاف بفتح اول وسکون ثانی وکسر با جیم و الف م اجهره چیچلو تمنیق الکاف ادرک بکسر اول وسکون ثانی و فتح نیز وکسر را مهمله وسکون کاف ف آلوچه و بفتح اول و را مهمله زنجبیل تر تمنیق النون ادمن ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح میم وسکون نون هم مشک خالص ع اذفر تمنیق الهاء ادهیاره بمد اول وکسر ثانی و اظهار ها و سکون تحتانی با جیم و الف و فتح را مهمله و خفا ها ف خار واژگون ه چیچیرا تمنیق الیاء التحتانی ادراسقی بفتح اول و ثانی و الف و را مهمله و الف ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی ف ذلوس ماهی ه کجلا طرح ی م ق محمد حسن قرن

٢١

بقشیر تازه و روغن بادام ادوی ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر او و تحتانی مجهول ترکی اکبر گویند ع فج ج تنسیق الذال المعجمه وتمنیق الباء الموحده اذان الارنب بدال اول وذال معجمه والف وضم نون وسکون لام وفتح همزه وسکون راء مهمله وفتح نون ثانی وسکون موحده هم نوعی از لسان الحمل و ورق آن بهتر از آذان الجدی ست ف ورق بارتنگ اذان الدبع بضم دال مهمله مشدد وسکون موحده هم بوصیر ف گوش خرس تمنیق الذال المهمله اذن العبد بضم ال وسکون لام وفتح عین مهمله وسکون موحده ودال مهمله هم نوعی از عصی الراعی تمنیق الواء المهمله اذان الفار بسکون لام بافا و الف وراء مهمله هم مرزنگوش و مرزنجوش که جوهر کنی طح اذخر بکسر اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمه وسکون راء مهمله ف کور گیاه و گیاه مکی که کندهیل و گنده راج وراج هنس ورو هنس طح ی۲ ق مفتح ملطف قابض محلل مقوی معده خ باریک سخت خوشبو مش بیخ در تا لکنقا ص بگلاب شستن و صندل بوئیدن ل بیخ او با قصب الذریره یا بوزن او سنبل و ثمن وزن زعفران تمنیق السین المهمله اذان القسیس ع بسکون لام وفتح قاف وکسر سین مهمله وسکون تحتانی وسین مهمله ثانی هم نوعی از حی العالم اذریاس بمد و ضم ثانی وسکون راء مهمله ویاء تحتانی والف وسین مهمله ف صمغ سداب کوهی تمنیق اللام اذان الغزال بسکون لام وکسر غین معجمه وزاء معجمه والف ولام ثانی هم نوعی از لسان الحمل اذان الفیل ع بکسر فاء وسکون تحتانی ولام ف پیلگوش ولوف و گویند ریحان وادی مرزنگوش واذان الفاجمین ست وسبق العتابر گویند که برگ درخت ساگون اذناب الخیل ع بفتح اول وسکون ثانی ونون والف وضم موحده وسکون لام وفتح خاء معجمه وسکون تحتانی ولام ثانی ع لحیة التیس فا سلیح که درخت سس یا درخت بط تمنیق النون اذار افیون بمد اول ثانی و

الف و رای مهمله و فتح همزه و سکون فا و ضم تحتانی و سکون واو و نون ف نوعی از کف دریا بتحقیق النون

آذرگون و آذریون و آذرسون نیز گویند بمد اول و ضم ثانی و سکون رای مهمله و

ضم کاف فارسی و سکون واو و نون نوعی از شقائق که کنارهای آن بغایت

سرخ رنگ شود و میانه اش سیاه آذریون بمد اول مع فتح ثانی و سکون رای مهمله

و ضم تحتانی و سکون واو و نون و آذربیون نیز گویند ف نوعی از لاله کوهی و بعضی گویند

نوعی از اقحوان ست طح ی ۲ ق محلل خ بهی ش بیخ در مص عسل یا بیاس

ل بازرد یا بهار بتحقیق الواو آذربوع بمد اول و ضم ثانی و سکون رای مهمله و ضم موحده

و سکون واو هم گل اشنان و آن زرد میشود و بوته اش پرخار میباشد و بیخ آن

کلیشوی ست ف فلارا آذربو بمد اول و ضم ثانی و سکون رای مهمله و ضم تحتانی

و سکون واو همی ست فارسی معرب بوکه او را باتش نسبت کرده اند ف گل زرد

که بآفتاب میگردد و گویند چوب یک اشنان طح ی ۳ ش تا یکدرم ل تخم اترج و

نیمونن او باد آورد بتحقیق الهاء آذربویه ف بمد اول و ضم ثانی و سکون رای

مهمله و ضم موحده و سکون واو و فتح تحتانی و خفا رهاء آذربو بتحقیق التحتانی

اذان الجدی ع بسکون لام و فتح جیم و سکون دال مهمله و تحتانی مجهول هم لسان الحمل

ف ورق بارتنگ بتحقیق الراء المهمله و تحقیق الالف ارا قوا بفتح

اول و رای مهمله و ضم قاف و واو و الف ف سهک گندم که کیلا ارسطاری

بفتح اول و کسر ثانی و سکون سین مهمله و طاء مهمله و الف ف بنگ ارطا یاسیه

و فتح اول و سکون رای مهمله و طاء مهمله و الف و میم و الف ثانی و کسر سین مهمله

و تحتانی و الف ثالث و ارطیمیسیا بکسر طاء مهمله و سکون تحتانی ثانی نیز گویند ف

برنجاسف و بوی مادران طح ی ۲ ارسطلوخیا بفتح اول و کسر گویند

و سکون سین مهمله و فتح طاء مهمله و ضم لام و سکون واو و کسر خاء معجمه با تحتانی و

٢٣

والف م زراوند طویل ارکاکیا بفتح اول وسکون ثانی وکاف والف وکسر
کاف ثانی وتحتانی والف ثانی م ابرکاکیا ارمینیا بفتح اول وسکون
را مهمله وکسر میم وسکون تحتانی با نون والف م نوشادر اڑ وسناه بفتح اول
وضم ثانی وسکون واو یا سین مهمله والف م بان تمنیق الباء الموحدة از قبیل
ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون موحده ف بزکوهی تمنیق التاء
الفوقانی ارزتع بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وسکون فوقانی ف
درخت صنوبری برطح ی ۲ گوینج ای ۲ تمنیق الجیم ارج ف بفتح اول
وسکون ثانی وجیم م کرگدن ومنج تمنیق الدال المهمله ارنده بفتح اول و
سکون ثانی وفتح مثلثه وسکون دال مهمله ف بچنگشت ه سپنها لوا رشدع
بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین معجمه وسکون دال مهمله م قرشیشا وحجر الفوس
طح ی ۲ اسود ف بضم اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو ودال مهمله
م ابر ودطب دق مسکن حدت صفرا وخون با قوت قابضه ارنده بفتح اول
و ثانی وسکون نون ودال مهمله هندی رینڈی ف بیدانجیر اریدبیدیف بفتح
اول وکسر ثانی وسکون تحتانی مجهول ودال مهمله وفتح موحده وکسر راء مهمله ثانی
وسکون تحتانی ثانی ودال مهمله ثانی اسم فارسی ست دوائی ست مانند پیاز
شگافته که از بلیستان خیزد تمنیق الراء المهمله ارف بفتح اول وسکون ثانی
م گنجاره کمل تمنیق الزاء المعجمه ارزیع بضم اول وثانی وسکون زاء معجمه ف
گنج وبرنج ه چاول طب ی ۲ گوینده گوینج ای ۲ ق منفی خ سفید
ص شیر تازه با روغن یا عسل وشکر سرخ ل لیست جو یا جاورس اززیرف
بفتح اول وسکون ثانی وکسر زای معجمه وسکون تحتانی وزاء معجمه ثانی ع رصاص
م قلعی ه رانگ کتهیر تمنیق الزاء الفارسی ازنیژ ف بفتح اول و ثانی وسکو

نون و فتح تحتانی و کسر موحده و سکون زای فارسی م بطم ع طرخون ٥ مجیده تمنیق
السین اُرس ف بضم اول و سکون ثانی و سین مهمله درختی ست که درطرف
چین و زیرباد بهم رسد و ازان کافور چیده اند حاصل شود و نیز سرو کوهی تمنیق
الطاء المهمله ارقطع بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون طاء
مهمله ف پلنگ ارماط یونانی بفتح اول و سکون ثانی و میم و الف و طاء مهمله
٥ گل کیوڑه تمنیق الغین المعجمه ارغ ف بضم اول و سکون ثانی و غین معجمه
بادام و پسته و گردگان و فندق و نارگیل و امثال آن که اندرون آن تیز و
تلخ و بدبوی شده باشد تمنیق الکاف اراک ع بفتح اول و ثانی و الف و کاف
٥ درخت پیلو طح ٣ ی اق مقتح خ تیز بوش از ثمرا و یکمثقال ارماک بفتح
اول و سکون ثانی و فتح میم و الف م درخت کیوڑه طح ٣ ی اتمنیق اللام
ارمال رومی بفتح اول و سکون ثانی و میم و الف و لام م چوبی ست خوشبو
چون قرنفل از مین خیزد و گویند لباک طح ٣ ی اخ بو لیش بوی قرنفه ماند
ل چوب کاوی یا لادن تمنیق المیم ارهم رومی بفتح اول و سکون ثانی
و فتح دال مهمله و سکون میم ف کل م مازریون ارقم ع بفتح اول و سکون
ثانی و فتح قاف و سکون میم ف مار ابلق سپید و سیاه تمنیق النون ارمیان
ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده و تحتانی و الف و نون ف تلخ دریائی
٥ جینگا ط نمکسود اوح ی خ تازه ص روغن بادام تلخ ل ربتا ارجان
بفتح اول و سکون ثانی و جیم و الف و نون ف بادام کوهی ٥ جنگلی بادام
ارجوان ع بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم و واو و الف و نون بهار درختی
ف ارغوان ط ب ی ار و شیران بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله
و کسر شین معجمه و تحتانی مجهول و رای مهمله و الف و نون ف نوعی از سیر تلخ ف

ارزن بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وسکون نون نام علف‌است ع دخن ه چینه وبنا و فارسی هم درخت بادام تلخ کوهی ارسانیقون یونانی بفتح اول وسکون ثانی وسین مهمله والف وکسر نون وسکون تحتانی وضم قاف وسکون نون نون ثانی ف زرنیخ زرده ه هرتال ارسقیلون بفتح اول و سکون ثانی وفتح سین مهمله وکسر قاف وسکون تحتانی وضم لام وسکون واو ونون هم ارسانیقون ارقان بفتح اول وسکون ثانی وقاف والف ونون ف حناه مهندی ارانیقون بفتح اول وسکون ثانی ومیم والف وکسر نون وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ونون ثانی ع بزر البنج ارمنیس وهی ست بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وکسر نون وسکون تحتانی ونون ثانی هم فلفل ف انار دشتی ه جنگلی انار ارسیان بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم ویا تحتانی والف ف نوشادر بتمیق الواو اربوف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو هم امرود ار دشیر ار بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر شین معجمه وتحتانی وسکون راء مهمله والف بادال مهمله ثانی والف وراء مهمله وواو ف نوعی از مرو تلخ بتمیق الهاء اراد رومی بفتح اول وثانی وهام مصطکی ارجقینه بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی وکسر قاف وفتح نون وهاء خفیفه بجاء معجمه وفا نیز گویند ف زریره ه اسپرک ارزه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وخفاء ها هم زفت وآن چیزیست شبیه بقطران که از درخت صنوبر تازه حاصل شود و صنوبر نده آن ست که برند بهار دانه ف بفتح اول وسکون ثانی وواو والف وفتح نون وخفاء ها هم نوعی از شیر بتمیق التحتانی اردفنانی یونانی بکسر اول وفتح ثانی وسکون دال وفتح فا ونون والف وکسر نون ثانی و

وسکون تحتانی ع فشار الحمار رطی رومی بفتح اول وسکون ثانی وکسر طاء مهمله
وسکون تحتانی ف درخت رزرنگ هم سپیدار غاموئی بفتح اول
وسکون ثانی وغین معجمه الف وضم میم وسکون واو وکسر نون وسکون
تحتانی نباتی ست در شکل مانند خشخاش بری وبلون مانند شقایق النعمان
چنانچه فرقی درمیان این وشقائق نتوان کرد هم ماسیثای سرخ طبری
ارنب بحری ع حیوانی ست دریائی صدفی شکل از سمومات ست ۸ سمندرکا
سسا ارنب بری ع بفتح اول وسکون را وفتح نون وسکون موحده وفتح
موحده ثانی وکسر راء مهمله مشدده وسکون تحتانی ف خرگوش ۸ ستساط
ح ۲۱ ق مجفف خ سیاه بیابانی فربه که سگ صید کرده باشد ش بقدر
اعتدال ص روغن زردل ثعلب تنسیق الزاء المعجمه آزاد درخت ف
بمد اول وزاء معجمه والف ودال مهمله وفتح دال مهمله ثانی وراء مهمله وسکون خاء معجمه
وفوقانی ع درخت طاشک ۸ بیت طح ی ۸ گویند ح ۲ ی ال در دراز کردن
سوورق شهدانه تنسیق الجیم الفارسی ازچج بفتح اول وسکون ثانی وکسر غین
معجمه وسکون جیم فارسی ف بپاره الیست بر بهر درختیکه پیچد خشک سازد ع
عشقه تنسیق الدال المهمله آزاد ف بمد اول وثانی والف ودال مهمله
سرو وگویند سوسن سفید وگویند درختی ست که میوه ندهد همانا سرو سوسن را
بدان اعتبار آزاد خوانند وگویند درختی ست بلند قد که بیشتر در گیلان شود
بلندیش شصت گز وهفتاد گز رسد وشاخهایش مانند درخت صنوبر وبالا
وتنه اش راست وهموار وچوبش تا بالا بر یک منوال ست وصفا وجوهر او
کیکی از چوب سرو چنار ریزه تر باشد وگویند نوعی از ماهی ست در گیلان هم
وگویند درختی ست که چون بهائم برگ وچوب او بخورند بمیرند وگویند درخت

ارزن یعنی م ف رخت بادام کوهی ست و در کوهستان پارس بیشتر از جاهای دیگر پیدا
شود و نیز نوعی از رطب که بغایت شیرین و لذیذ باشد ازود بفتح اول و سکون
ثانی و فتح واو و سکون رای مهمله الشیرازی اندوه قوتیم جند قوفی تمیق الفا
ازدف ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله و سکون فا میوه الیست
زنگ که اکثر در شوره زمین شود م کوز تمیق الکاف الفارسی ازنگ ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح را مهمله و سکون نون م خیار تمیق الکاف
ارغک م ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر غین معجمه مشقه تمیق المیم
ازازدف ف بفتح اول و ثانی والف و سکون زای معجمه ثانی و فتح دال
مهمله و سکون میم م لوبیا تمیق الزاء الفارسی اژه ف بفتح اول و ثانی
و خفا ها م آهک لح کلس و نوره تمیق السین المهمله استخوان با ف
بضم اول و سکون سین مهمله و ضم فوقانی و خای معجمه با واو معدوله والف و سکون
نون و ضم رای مهمله با موحده والف ثانی م طائر هما استرخایه ثانی بضم اول م
کسر نیز گویند بفتح و سکون سین مهمله و ضم فوقانی و سکون رای مهمله و خای معجمه
والف ف زنبج سرخ ۱۲ سنبل استخریا ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
و ضم کلینه و ضم خای معجمه و سکون رای مهمله با میم والف م تخم خرباق سوخته او
مجفف قروح اسموسیا بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون واو با سین
مهمله والف ف نوعی از مرو گویند گذربری تمیق الموحده ۱۲ اسرع بضم
اول و سکون ثانی و ضم رای مهمله و سکون موحده م سرب ۱۲ سیما تمیق الفوقانی
اسپست بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده فارسی و سکون سین مهمله ثانی
و فوقانی ع فصفصه م رطبه ست ف بفتح اول و سکون ثانی م اشتر و خر و
دا استخوان آدمی و سائر میوه تمیق الجیم اسپلنج ف بکسر اول و سکون ثا

وضم راء مهمله و واو مجهول مرغی ست کوچک مانند گنجشک و بر سران چند پر بلند باشد
مثل شاخ ع قطاه اسفند اسفید م خردل سفید ف تخم سپندان ه اسبند
طح می ۳ ق مخدر تمنیق الراء المهمله استار ف بکسر اول وسکون ثانی
وفتح فوقانی وراء مهمله والف وراء مهمله ثانی ع عدس اسغر ف بضم اول وسکون
ثانی وضم غین معجمه م خارپشت ه شاهی اسقنقور ع بکسر اول وسکون ثانی و
فتح قاف وسکون نون وضم قاف ثانی وسکون واو وراء مهمله م سقنقور ف
ریگ ماهی و نهنگ وشتی ه ریت مچهلی سمار ف بمد اول و فتح نیز وسکون ثانی
ومیم والف وراء مهمله هم درخت مورد آسمندر ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
میم وسکون نون وفتح دال مهمله م سمندر ه آگ کا کیڑا اسیر ع بضم اول وکسر ثانی
وسکون تحتانی ف کانص ه کاندل طب ا تمنیق السین المهمله
اس ع بمد اول وسکون سین مهمله ف نام درخت مورد که آنرا اسمار گویند و نیز
آنرا حب الآس گویند وشگوفه آن خوشبو شود و هر کس که آنرا ببوید و خواب کند
محتلم گردد اسبوس ف بکسر اول وسکون ثانی و فتح موحده فارسی وضم تحتانی و
سکون واو ع بزر قطونا م بنگوه اسبغول اسطلس یونانی بکسر اول وسکون ثانی
وفتح فوقانی وسکون طاء مهمله وفتح لام م فقر الیهود خیر لیست چون مومیائی
اسطر ماطوس یونانی بضم اول وسکون ثانی وفتح طاء مهمله وسکون راء مهمله ومیم و
الف وضم طاء مهمله ثانی وسکون واو ف اسبند آسطوخودوس رومی بضم اول
وسکون ثانی وضم طاء مهمله وسکون واو وضم خاء معجمه وسکون واو ثانی وضم دال
مهمله وسکون واو ثالث از جزیره ستخاوس خیزد و موافق الارواح نیز گویند
م شاهسفرم رومی ه دہار و گویند سندی طح ای ۲ ق ملطف منضج مسهل
سوداء مقوی و مفرح دل خ تازه سرخ مایل بسبزی تلخ خریف مش از جمله او

و دو درم تا ثلثه درم و در مطبوخ تا هفت درم ص صمغ عربی یا کتیرا و گویند حماما یا بارزد
یا سکنجبین و گویند مقل ل فراسیون یا مرو یا افیتمون نصف وزن و میوزن با وزن آن
اسفیوس بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا وضم تحتانی وسکون واو وسین مهمله یا معجمه
ع بزر قطونا ف بنگو ه اسبغول اسقاقس بکسر اول وسکون ثانی وقاف والف
وکسر قاف ثانی وسین مهمله م نوعی از اکلیل الملک طح ی ۲ اسقوریدوس یونانی
بضم اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وکسر رای مهمله وسکون تحتانی وضم دال
مهمله وسکون واو ثانی ف پنیر مایه اسقولوس یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم قاف
وسکون واو وضم لام وسکون واو ثانی بیخی ست م خنثی ف گیاه سریشم ه سریشا
کا کهانس ح ی اسیوس بضم اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو وسین مهمله
ثانی سنگی ست سبک که زود ریزان شود و از نم دریا نمک بر وی بندد و آنرا زهره اسیوس
خوانند ف نمک چینی ه چین کالون طح ی تمنیق الضاد المعجمه اسد الارض ع بفتح
اول و ثانی وضم دال مهمله وسکون لام وفتح همزه ثانی وسکون رای مهمله وضاد معجمه ایضا
ع حرباف بوقلمون ه گرگٹ و باصطلاح کیمیاگران سیماب تمنیق الکاف اسپرک
ه بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده فارسی ورای مهمله وسکون کاف ع اکلیل الملک
وزرد استخوان رنگ ف بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وخای معجمه با واو معدوله
والف وسکون نون وفتح رای مهمله ونون ثانی وکاف م هماهی تمنیق الکاف الفارسی
استرنگ بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی ورای مهمله وسکون نون ع بیروج ف
مردم گیاهی لکھمنا لکھمنی تمنیق اللام اسپغول ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحده
فارسی وضم خای معجمه وسکون واو ولام م سپغال مرغان اسقیل ع بکسر اول وسکون
ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی ولام ف پیاز دشتی ه کانده طح ی ۲ گویند
ق مقطع محلل ملطف مفتح منضج مشهی لش بگشتقال ص حماما یا شیر تازه که در عقبش

۳۱

نیز این بجوشانند و یک دو ساعت بعد از آن صافی کنند … در چشم چکانند سفیدی را که در چشم بود نافع آید و این مجرب ست
انیسون

بنوشند ل بلیوس یا اسقوردیون یالوف یا قرومانا یا وج یا بیخ کبر تمنیق المسیح
اسپرغم و اسپرهم ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح موحده فارسی و سکون رای مهمله
و فتح غین معجمه و اسپرم ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح موحده فارسی و سکون رای مهمله
و میم ساکن گلهای دریایی چین اسفرم بکسر اول و سکون ثانی و کسر فا و فتح رای مهمله و سکون
میم ف سورنجان تمنیق النون اسارون ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم رای مهمله و سکون
واو بیخ گیاهی ست که نگر طح ی ۲ ف ملطف مفتح محلل منفت خ خوشبو شو سنبل پیان
باریکی و سنبلی یش نیم درم تا نیم مثقال ص سونیخ یا مقل ل بلیغ وزن وج یا شش یک
آن حامایا یا قرومانا و حب بلسان یا نیم وزن خولنجان یا زنجبیل یا الفنتین و گویند سلیخه وزن نیم
آسن ف بفتح اول و سکون ثانی و نون م خربوزه نورسیده آسمان ف بفتح اول
و سکون ثانی و نون م دوغ اسطفلین و اسطفلین یونانی بکسر اول و سکون ثانی
و فتح طای مهمله و سکون فا و کسر لام و سکون تحتانی و در لغت اول و کسر فا و سکون تحتانی
در لغت ثانی ف زردک که گاجر طح د اسفیداج الجصاصین ع بکسر اول و سکون
ثانی و کسر فا تحتانی مجهول با دال مهمله و الف و ضم جیم و سکون لام و فتح جیم ثانی و صاد
مهمله مشدد و الف و کسر صاد مهمله ثانی و سکون تحتانی ف چونه قلعی که کلی اسطوخودوس
بضم اول و سکون ثانی و ضم طای مهمله و سکون واو و نون ف زردک اسقوردیون
یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون واو و رای مهمله و فتح دال مهمله و ضم تحتانی
و سکون واو ثانی و نون م ثوم بری ست ع ثوم الحیة ف سیر مار و سیر دشتی که جنگلی
لهسن طح ی ۲ ل عنصل کوچک یا ثوم الذکر اسقوردون بضم اول و سکون
ثانی و ضم قاف و سکون واو و ضم رای مهمله و سکون واو ثانی ع خبث الحدید ف
ریم آهن که کیت اسقولوقندریون یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و
سکون واو و ضم لام و سکون واو ثانی و فتح قاف ثانی و سکون نون و فتح دال مهمله

وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثالث م سقولوقندریون ف زنگی ار
واسقید ولیون یونانی بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی وضم
دال مهمله وسکون واو وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی ونون م کاکنج ف عرو
پس پرده تمنیق الماء آس بنگیع بمداول وکسر ثانی وسوحده وسکون نون وفتح
کاف وخفاء هاف سور وطب ا ی ۲ گویند ۳ ق قابض ومقوی دل خ خسروا
تیرپوش ازتخم او یکمثقال ص بنفشه تازه ونیلوفر وروغن آنهال ورق توت یا
عصاره زرشک یا گل حنا استه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی م تخم سوتا
وخسته استینه ف بمداول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی وفتح نون و
هاء مخفی م تخم مرغ اسخاره رومی بکسر اول وسکون ثانی وخاء معجمه الف وفتح راء مهمله و
خفاء هاف تودسی اسروره بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وفتح
راء مهمله ثانی وهاء مخفی م سنبل الطیب اسغرنه ف بضم اول وسکون ثانی وضم غین
معجمه وسکون راء مهمله وفتح نون وخفاء هاء م خارپشت اسگنده ه بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف فارسی وخفاء نون وفتح دال مهمله واظهار هاء دوای مشهور هندیست
طح ق مبهی تمنیق التحتانی آس بربیع بمداول وکسر ثانی وفتح سوحده وکسر راء مهمله
وسکون تحتانی ف سورداسفرم تلنسیق الشین المعجمه وتمنیق الالف اشترکا
بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وراء مهمله باکاف والف ع عنقا اشترگیا ف
بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وکسر کاف فارسی با تحتانی
والف م اشترخار اشمیسا بفتح اول وسکون ثانی با تحتانی والف کسرفا با میم والف
ثانی وکسر میم ثانی وسکون تحتانی ثانی باشلشه م عصاره ماميثا طب ی ل وسا
طلا کردن بوش وبندی یا حضض تمنیق الدال المهمله اشنازدا و ف بفتح ال
وسکون ثانی با نون والف وکسر ذال معجمه دال مهمله الف وضم همزه وسکون اودال مهمله

ثانی هم ریزه فا خشک تمیق الراء المهمله اشترخار ف بضم اول وسکون ثانی و
ضم فوقانی وسکون راء مهمله باخاء معجمه والف وراء مهمله ثانی هم شترخار ه صوالنا شترغار
بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وغین معجمه والف وراء مهمله
ف بیخ درخت انگدان ست طح ۳ گویند ۲ خ رومی ص سرکه ل انجدان
اشترسور ف بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وضم سین
و واو مجهول گویند که در جنگلی از جنگلهای مغرب درختی ست که برگهای آن اکسیر ست
و دران جنگل مورچه بهم رسد که بکلانی شتر باشد همین که کسی بآن جنگل جهت بدست آوردن
برگ درخت اکسیر در آید آن موران دررسند و در آویزند و در زمان پاره پاره اش کنند لهذا
کسی از ترس آن موران بآن جنگل در نتواند آمد و آن را اشترمور نیز گویند اشغرف بضم
اول وسکون ثانی وضم غین معجمه هم خارپشت تمیق السین المهمله اسطالیوس
بکسر اول وسکون ثانی وکسر فوقانی ولام والف وضم تحتانی وسکون واو وسین مهمله
هم وار شبشعان ه کابهل تمیق الشین المعجمه اشراش ع بکسر اول وسکون ثانی
وراء مهمله والف وشین معجمه ثانی هم عربی ف سریشم ه سریش تمیق الصاد المهمله
اشخیص یونانی بکسر اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمه وسکون تحتانی وصاد مهمله هم نوعی
از مازریون تمیق القاف اشق ع بضم اول وثانی وسکون قاف وبقول صاحب
مهذب بفتح اول هم صمغ طراثیث ست بعضی گویند صمغ توت یا صمغ اشترخار طح ی ۲ ف
مقل خ سفیدی که دانه درشت داشته باشد زرد وصل شود بیش نمیدرم ص ریوفا
وگویند بادام تلخ است ل ریخ الکواریه سکبینج یا غول سفید تمیق اللام اشقاقل
ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح قاف والف وضم قاف ثانی وسکون لام دشقاقل
ف گزر صحرائی ه پہاڑکی گاجر تمیق المیم اشکلیل بفتح اول وسکون ثانی
وکسر کاف وتحتانی مجهول وسکون لام وفتح جیم فارسی وسکون شین معجمه ومیم ساکن

موحده ف بیخ نی ه سرکنڈ کی جڑ طح ی ۲ تمنیق الفوقانی اصابع الفتیات
ع بفتح اول وسکون ثانی والف وکسر موحده وضم عین مهمله وسکون لام وفتح
فا وکسر فوقانی وفتح تحتانی والف وفوقانی ثانی ف انگشت کنیزکان وآن
قسم گیاهی ست یعنی بالنگوی خورده تلسی اصل الذرت ع بفتح اول وسکون
ثانی وضم لام وذال معجمه مشدد وفتح راء مهمله مشدد وسکون تاء فوقانی ف بیخ غله
جوار طب ی ق مخدر تمنیق الجیم اصل الرازیانج ع براء مهمله مشدد والف
وزاء معجمه وتحتانی والف ثانی وفتح نون وسکون جیم ف بیخ بادیان ه سونف کی
جڑ تمنیق الحاء المهمله اصل اللفاح ع بضم لام وتشدید لام ثانی مکسور وفاء
مفتوح والف وحاء حطی م بیروج ف سابیرک ه لکھمنا لکھمنی ق مخدر تمنیق
الواو المهمله اصابع صفر ع بفتح اول وثانی والف وکسر موحده وعین مهمله وصاد
مهمله ثانی وسکون فا وراء مهمله ف کف مریم وکف عایشه طح ی ۲ ل سعد و
هزارچشان اصل الجاوشیر ع بجیم والف وواو وکسر شین معجمه وسکون تحتانی ف
بیخ گاوشیر جاوشیر اصل الکبر ع بفتح کاف وموحده وراء مهمله ف بیخ کبر اصل اللوز المر
ع بفتح لام مشدد با ثانی وسکون واو وضم زاء معجمه وسکون لام ثالث وضم میم ف
بیخ بادام تلخ ه کڑوی بادام کی جڑ اصل المر ع بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون
لام ثانی وضم میم ف بیخ مر طح ی ۲ تمنیق السین المهمله اصابع هرمس
ع بفتح اول وثانی وکسر موحده وعین مهمله وضم هاء وسکون راء مهمله وضم میم وسکون
سین مهمله ف گل سورنجان طح ی ۲ ل سورنجان اصل السوس ع بضم سین
مهمله مشدد وسکون واو ف بیخ مهک ه ملهٹی ومرہٹی ط معج ب دی گویند
ب ی اتش یکدرم تا دو درم اصل الکرفس ع بفتح کاف وراء مهمله وسکون ثانی ف
بیخ کرفس ه اجمود کی جڑ تمنیق الضاد المعجمه اصل السوس الابیض ع بضم سین مهمله

درطعام بجهت ترشی آنرا استعمال کنند سرد وخشک ست در درجه دوم وقابض ست ایرسا بیخ سوسن آسمان گونی ست

مشدد و سکون واو و فتح سین مهمله ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح تحتانی و سکون
ضاد معجمه ف بیخ سوسن سفید که در روم و بیان بنفشه بسیر وید و مشهور ست به بیخ بنفشه
و گویند قسط شیرین تمنیق الفاء اصل الاصفع ع بمد همزه و فتح صاد مهمله و سکون فا ف
بیخ کبر اصل اللوف ع بضم لام مشدد ثانی و سکون واو ف بیخ پیلگوش طح ی ۳
تمنیق الکاف اصطرک بفتح اول و کسر نیز و سکون ثانی و فتح طا مهمله و را مهمله و سکون
کاف ف میعه و گویند صمغی ست که از درخت روم حاصل میشود و گویند زیتون ست
طح ۳ ی اگویند ح ی ۲ تمنیق اللام اصل التنبول ع بفتح فوقانی مشدد و سکون
نون و ضم موحده و واو مجهول و لام م بیخ پان کا کلیجن اصل الفلفل ع بکسر هر دو فا
و سکون هر دو لام ف بیخ فلفل دراز و فلفلمویه کا پیپلا مول ل دار فلفل اصل النیل
ع بکسر نون مشدد و سکون تحتانی ف بیخ حب النیل کا کوادودی کی جڑ طح ی ۱
تمنیق النون اصطفین ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح طا مهمله و کسر فا و سکون تحتانی
و نون م اسطفین که مذکور شد اصل الراسن بفتح را مهمله مشدد و الف و فتح سین مهمله و
نون ف بیخ زنجبیل شامی گویند نوعی از فیلجوش ست طح ی ۲ گویند اصل الباذرنبو
ع با میم و الف و فتح زای معجمه و سکون را مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ف بیخ بنجنکشت
طح ی ۳ تمنیق الهاء اصل الکشاء ع بضم کاف بمثلثه و الف و اظهار ها ف بیخ کرفس
اصول الاربع ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم لام ثانی و فتح همزه و سکون را مهمله و
فتح موحده و عین مهمله و ها ف بیخ کاسنی م بیخ رازیانه و بیخ کبر و بیخ کرفس تمنیق التحتانی
اصابع العذاری ع بکسر غین معجمه و ذال معجمه و الف و کسر را مهمله و تحتانی ف نوعی از
انگور سیاه و آنرا انگور زیتونی خوانند کا کالی داکه طح د اصل الانجدان الخراسانی
ع بفتح همزه و سکون نون و ضم جیم با دال مهمله و الف و کسر نون ثانی و سکون لام ثالث
و ضم خای معجمه با را مهمله و الف و سین مهمله الف ثانی و کسر نون م انشترغاز اصل الخنثی

وسکون تحتانی وکسر قاف وتحتانی ثانی ف دوشاب تنبیق الفاء وتمیق الفوقانی
آفتاب پرست ف نیلوفر و بوقلمون را نیز گویند و گلیست که بهر جانب آفتاب بگردد
برگهایش و بدان جانب کنند و اهل هند گل کبودرا گویند تنبیق الجیم افشرج ع
بفتح اول وسکون فا وضم شین معجمه وفتح راء مهمله وسکون جیم ف معرب افشرده یعنی
عصاره هر چیز افرغنج بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح غین معجمه وسکون نون
کهشوث تنبیق الراء المهمله افکار بفتح اول وسکون ثانی با کاف والف وراء مهمله
تکمهکی تنبیق الکاف آفتاب کردک بمد اول وسکون ثانی با فوقانی والف وضم
وفتح کاف فارسی وسکون راء مهمله وفتح دال مهمله وکاف م آفتاب پرست افرنجمشک بفتح
اول وکسر اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون نون وفتح جیم وکسر میم وسکون
شین معجمه ف بالنگوی خورد و ریحان قرنفلی ه گویند تلسی طح ی ۲ ص نفث
ل قرنفل افشک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون کاف م
شبنم تنبیق النون افاسون بفتح اول وثانی والف وضم سین مهمله وسکون واو
ونون ف روغن ترب ه مولی کا تیل افتیمون بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی
وسکون تحتانی وضم میم وسکون واو ونون ه اکاس بیل م امربیل طح ی ۳ ف مسهل
سودا بفتح وفتح خ افریطی یا مقدسی سرخ تخم تازه بش انطبوخ پنج درم تا هفت درم
وانجیرم اووودرم تا سه درم ص کتیرا یا رب سیب یا سکنجبین یا روغن بادام حاشا
یکوزن ونیم یا تربد یکوزن او یا اسطوخودوس م لبسفایج افربیون بفتح اول وثانی
سکون راء مهمله وکسر موحده وضم تحتانی وسکون واو ونون م فرفیون فا حیشنا
زقوم سینده کار وافسان ف بفتح اول وسکون ثانی با سین مهمله والف و
نون م سنگ فسان افسنتین بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله وسکون نون
وکسر فوقانی وسکون تحتانی ف برنجاسف کوهی وگویند نوعی از درمنه ه مجری دستار

طح ای ۲ گویند ۳ ق مفتح و مسهل صفرا و قاطع دیدان خ تازه زرد ش از جرم او
تا دو درم و در طبیخ از پنج درم تا هفت درم و از عصاره او یکدرم تا یک مثقال ص انیسون
یا نیلوفر ل جعده یا شیح ارمنی یا قیصوم و در تقویت معده اسارون یا انیسون ن
هلیله زرد افلاطون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و ضم طاء مهمله
و سکون واو ه مقل ه گوگل طح ۳ ی ۲ و گویند ح ۲ ق جالی و محلل و ملین یا توت تریاق ص
در باب بیه کثیرا و در باب کبد زعفران ن یکدرم ل و ثلث آن مرکی ربع آن سقوطری افلن
یونانی بفتح اول کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم لام و سکون واو ف دهنه کوهی نیون می و فار
بفتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون واو ف شیر خشخاش ۵ انیم طب ۲ ی ۲ ق مخدر و مسکن اوجاع
خ در آب گرم زود حل شود و در آفتاب گرم نرم شود ش یکدرم تا دو درم ص
فلفل و دارچینی و سکنجبین و گویند بزر کرفس و جند بیدستر ل ثلث وزن وی بزر البنج و
یکوزن لفاح تنبیق الصاع اقاویع بفتح اول و ثانی و الف و کسر واو و فتح تحتانی و خا
ف داروهای گرم چون قرنفل و خولنجان و دارچینی آفلنجه بکسر اول و سکون
ثانی و فتح لام و سکون نون و فتح جیم ه فلنجه نخست مانند خردل و بیشتر در عطرها
استعمال میکنند خ چون بسته بمالند بوی سیب دهد تنبیق التحتانی افمع بفتح
اول و سکون ثانی و کسر عین مهمله و سکون تحتانی ف مار شهور طح ی ۴ ق ملطف
خ ماده اش از گوشت او سه مثقال ص تریاق ل مار تنبیق القاف و تنبیق الالف
اقاقیا بفتح اول و قاف و الف و کسر قاف ثانی با تحتانی و الف ثانی م عصاره قرظ
و فلفل طح شسته وی ب ۲ ی ۳ و ناشسته ب ی ۲ ق قابض منفض ش
نیم درم ص لبوب ل حضض یا صندل و عدس مقشر یا سواد القصاه یا وصل اللحیه
اقلیمیا ع و یونانی بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و ضم تحتانی
ثانی و الف ف ثفلی ست یا دودی ست که بالای بوته طلا یا نقره باشد و در ان

ع بمده وضم اول وثانی ولام وفتح نون وسکون فا وسین مهمله اظهار نام فریون
تمنیق التحتانی اکاهولی ه بمده اول وثانی والف وضم ها وسکون واو وکسر لام و
سکون تحتانی دوائی ست هندی واقع پیچ یعنی سوزاک تمنیق الکاف
الفارسی وتمنیق الفوقانی اکن هنت ه بفتح اول وکسر کاف فارسی وسکون نون
وفتح میم سکون نون ثانی وفوقانی ه اکونت وارنی طح تمنیق الراء المهمله
اگرف بکسر اول وثانی فارسی وسکون را مهمله وج ه بچ وبفتح اول ثانی اگورف
بمده اول وضم ثانی فارسی وسکون واو خشت پخته که آنرا العربی اجر گویند
تمنیق اللام وتمنیق الالف السا بفتح اول سکون ثانی باسین مهمله والف ف
ناشخواه ه اجواین الواف بکسر اول وسکون ثانی با واو والف ع صبر تمنیق الموحده
آکب بکسر اول وثانی وسکون موحده ع ه ایلوا تمنیق المیم النح ف بمده اول وضم
ثانی وسکون نون وجیم م آلوچه الوج بفتح اول وضم ثانی وسکون واو ف کالریسا
وآن نوعی از خلاصه ست تمنیق الراء المهمله النته العصافیر ع بفتح اول سکون
ثانی وکسر سین مهمله وفتح نون وضم فوقانی وسکون لام ثانی وفتح عین مهمله وصاد مهمله
والف وکسر فا وسکون تحتانی ورا مهمله م لسان العصافیر ف اهره اندرجو النجا
ف بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون نون با جیم والف میوه ایست
شبیه بزرد آلو که رنگش سبز منقش وزرد ودیگر الوان نشود طعمش میخوش بود م
کروه آلو وآلو کرده وخلو کرده تمنیق السین المهمله البانیس بفتح اول وسکون
ثانی با موحده والف وکسر نون وسکون تحتانی وسین مهمله ه ساگ چولائی الماس
بفتح اول وسکون ثانی وسیم والف ف ماس ه هیرا تمنیق الطاء المهمله البطو
بفتح اول وکسر ثانی وسکون موحده وضم طاء مهمله وسکون واو وطاء مهمله ثانی
ف کشت برگشت ه بهنبهلی الطرومی بفتح اول وثانی ع سنبل الطیب ه بالهرط

۴۴

تمیق اللام آل ف بمد اول وسکون لام نوعی از ماهی فلوس اسکه آنرا بال د
دال نیز خوانند و درختی ست که از بیخ آن رنگ سرخی حاصل شود مانند رنگ و قال
داران جامه رنگ کنند و در دواها بکار دارند تمیق المیم آلم ف بفتح اول و ضم
ثانی وسکون میم م ارزن تمیق النون آلانیون رومی بفتح اول و ثانی و الف
و کسر نون و ضم تحتانی وسکون واو و نون ثانی م رسن تمیق الواو الاو ف بفتح
اول و ثانی و الف و واو مجهول م آتش آلو ف بمد اول و ضم ثانی نام میوه معروف
ع اجاص آلیو بفتح اول وسکون ثانی و ضم تحتانی ه گولر تمیق الهاء الغونه الکونه
ف بمد اول وسکون ثانی و ضم غین معجمه در لغت اول و ضم کاف فارسی در لغت
ثانی وسکون واو و فتح نون و خفا ها م سرخی که زنان بر روی مالند م غازه
آله بفتح اول و ضم ثانی و اظهار ها ف عقاب ه گیده و بفتح ثانی و خفا ها ف ع
سقل ارزق و بمد اول و فتح ثانی و خفا ها ف ع سنبل الطیب آلیج بفتح اول
وسکون ثانی و فتح تحتانی ف گوسفند ه و بچه کی بوچه طح رق طین ج نام
از حیوان فی بحوان ص زنجبیل و فلفل و دارچینی و سرکه ل سمین تمیق التحتانی
الالطینی رومی بفتح اول و ثانی و الف و کسر طا مهمله سکون تحتانی و کسر نون سکون
تحتانی ثانی م لبلاب ه عشق پیچا الایجی ه بکسر اول و لام و الف و کسر تحتانی و جیم
فارسی وسکون تحتانی ثانی ع قاقله آلسی ه بفتح اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله ع
بزرکتان تلنیق المیم و تمیق الالف آمراه بمد اول و بی مد نیز و فتح میم و را مهمله و
الف م میوه هندی ست مشابه بانبه تمیق الفوقانی امروت فارسی بفتح اول
وسکون ثانی و ضم را مهمله فوقانی م امرود آملبیت ه بفتح اول و ثانی وسکون
لام و کسر موحده وسکون تحتانی و خفا نون و فوقانی م ثمر درخت هندست
تمیق الجیم آملج ع بمد اول وسکون ثانی و فتح لام ف آمله ه آنرا طب گویند

ای ۲ ق قابض ومجفف ومقوی دماغ ومعده ومفرح دل وگویند مسهل سوداء خ
سیاهی که لونش مائل بسرخی باشد وتیز بوی ش یکمثقال تا سه درم ص عسل
یا شراب بخیل شیر آمله یا ہلیلۂ سیاه یا کنیم وزن بلیله تمنیق الدال المهمله مرو
ف بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو ع ناشپاتی تمنیق السین
المهمله اموس بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وسین مهمله ف زنبان و ناخن
سواجائن تمنیق الضاد المعجمه اسعار الارض ع بفتح اول وسکون ثانی وعین
مهمله والف وضم همزه وسکون لام وفتح همزۀ ثانی وسکون راء مهمله وضاد معجمه ف
زغار کرم م خراطین ه کینچوا تمنیق النون اماسون یونانی بفتح اول وثانی والف
وضم میم ثانی وسکون واو ونون م حماما امعاسین رومی بفتح اول وسکون ثانی
وفتح عین مهمله والف وکسر سین مهمله وسکون تحتانی ونون ف آب غورۀ انگور
ه داکه کا پانی امغیلان ع بضم اول وکسر ثانی مشدد وغین معجمه وسکون تحتانی بالام
والف ف مغیلان ه کیکر وببول طب ی ۲ گو بنج ق قابض مجفف ش بقدر
حاجت ص بنفشه تلنیق النون وتمنیق الالف انارگیرا ف بفتح اول وثانی والف
وراء مهمله وکسر کاف فارسی وسکون تحتانی با راء مهمله والف ثانی م غورۀ خشخاش یعنی کوکنار
انثله سوداء سریانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وفتح لام وهمزه بلینه وفتح سین مهمله
وسکون واو با دال مهمله ع ماه فرفین وجد وار ک نرسی انجبا بفتح اول وسکون ثانی و
کسر جیم وضم نیز وسین مهمله والف م شنکار انخفطینا سریانی بفتح اول وسکون نون وفتح
وکسر حاء مهمله وسکون فاء وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ونون ثانی والف ع جلنار ف
گلنار اندزاف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون راء مهمله با زاء معجمه والف
م گاؤ زهره وآن سنگی ست که در میان زهرۀ گاو سکون شود ویا در میان شیر ونیش
و بیشتر از گاؤ هندوستان بهم رسد و مانند بادزهر بود ودر لون وخاصیت ع حجر البقر

بزرگ بقیاس خرمای هندی و بوقت رسیدن با برگ و گل و بار سیر دیده بزبان مالوه
مهارا گویند تمیق الهاء انبله بفتح اول و سکون موحده و فتح لام و خفا ها م تمر هندی
انجدره بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح رای مهمله ف تخم گرنه ه انگن کی بیج ط
برگ و ح ی ۲ ف ملطف ص صمغ عربی و کتیرا الحرف و قردمانا یا تخم گندنا انجیده
ف و یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تحتانی و فتح دال مهمله ف
گندنای کوهی انجیره بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تحتانی و فتح رای مهمله
هم انجیر انثره ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زای فارسی م غله النکع عدس سیاه
مسور انکسته ف بضم اول و فتح ثانی و سکون سین مهمله و فتح فوقانی ع سعده مرتهما الفنحه
الحشیع بفتح اول و سکون ثانی و کسر فا و فتح خای معجمه و ضم فوقانی و سکون لام و کسر
حای مهمله با میم و الف و کسر رای مهمله و سکون لام ثانی و فتح واو و سکون حای مهمله ثانی
و کسر شین معجمه و فتح تحتانی مشدد ف پنیرمایه گوزگر الفحج ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح
فا و خای معجمه و خفا ها ف شیردان و پنیرمایه سے چپتا ط ح ی ۲ ق ملطف
محلل و مقوی و دافع سم انجدان و از اقسام تری نموده باشند ش دو و انک داشتر کبدانگ
ص عسل یا انبر باریس ل مرادف انکمه بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف و فتح میم ف خاریکرچه
کا چیرا انگزره ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و فتح زای فارسی ع حلتیت
انیثره ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح زای فارسی م بوی مادران تمتیق
التحتانی انالیقی ر وی بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون تحتانی و کسر قاف
و سکون تحتانی ثانی هم انجره انبلی ه بفتح اول و سکون ثانی و موحده و کسر لام ف
تمر هندی انبوت الراعی بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو و ضم
فوقانی با رای مهمله مشدده و الف و کسر عین مهمله م نوعی از حی العالم انبوت ملکی بفتح
اول و سکون واو و کسر فوقانی و فتح میم و کسر لام و کاف ف بستان افروز انجیر دشتی

بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی وکسر راء مهمله وفتح دال مهمله وسکون شین وکسر فوقانی هم انجیر ادم ه گولر وگویند انجیر جنگلی ست ه گتھوبری الفخته الطبیخ بفتح اول وسکون ثانی وفتح فاء وخاء معجمه وضم فوقانی وفتح طاء معجمه مشدد وکسر موحده ف پنیر مایه آهو تنسیق الواو وتمنیق الالف ادیاد یونانی بضم اول وسکون واو ویا میم والف ودال مهمله والف ثانی هم عصاره قثاء الحمار تمنیق الجیم اورنج ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون نون وجیم هم سک انگور بضم اول وواو مجهول ف چوب خوشه انگور که انگورها ازو چیده باشند آونگ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی وسکون نون وجیم هم سپستان آولنج ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وسکون نون هم اورنج تمنیق الدال المهمله آوده ه بفتح اول وسکون ثانی مجهول ودال مهمله وکسر موحده واظهار ها ه هم پان کالون اوسپید بضم اول وثانی ساکن وکسر سین مهمله وموحده فارسی وتحتانی مجهول ف نوعی نیلوفر هندی طح ی تمنیق الذال المهمله آوذر یونانی بضم اول وسکون ثانی وفتح ذال معجمه وسکون راء مهمله ف آب باقی وحل وسرف بضم اول وثانی مجهول م گرد گان وبادام وجوز هندی وپسته وامثال آن که مغز آن ضایع وتیره شده باشد تمنیق الزاء المعجمه آوزغ بضم اول وسکون ثانی وزاء معجمه ف مرغابی طح ی تمنیق السین المهمله اورس ف بفتح اول وسکون ثانی وزاء معجمه وسکون سین مهمله هم سرو کوهی ع ابهل آونانیس بفتح اول وسکون ثانی بانون والف وکسر نون ثانی وسکون تحتانی ف شگوفه انار تمنیق العین المهمله وشع ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه سکون عین مهمله ف جانور سمو تمنیق النون آوداسالیون یونانی بضم اول وسکون ثانی ودال مهمله الف وسین مهمله والف ثانی وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی هم کرفس کوهی اوقطاریون بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وطاء مهمله والف وکسر راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو هم غافث اوقیمن

یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون تحتانی و فتح میم ع بادروج اوریش
ف بکسر اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول و فتح شین معجمه ع صعتر و بزبان عراق کالونی
و بگیلانی کنکتو و بترکی کلیک اوتی خوانند ع ساتل هروا تمنیق الهاء آولیثه ف بکسر
اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول و فتح شین معجمه و خفاء ها ع اویس تمنیق التحتانی اوریا
داومالی یونانی بضم اول و سکون ثانی و راء مهمله و بی راء مهمله نیز و میم و الف و کسر لام
و سکون تحتانی ع دهن العسل ف عسل ع او روان روغنی ست که از ساق درخت
حاصل میشود و مانند عسل است با سطبری و شیرینی طعم رخ کهنه شد طعم صافی آونیالی
یونانی بضم اول و فتح نیز و سکون ثانی و ضم نون و سکون واو ثانی با میم و الف و کسر لام
ف شراب و عسل تمنیق الهاء و تمنیق الدال المهمله اهلیلج اسود ع بکسر اول و
سکون ثانی و کسر لام و تحتانی مجهول و فتح لام ثانی و کسر جیم و فتح همزه و سکون سین مهمله
و فتح واو و سکون دال مهمله ف هلیله سیاه و زنگی ه طب ای ۲ ق مسهل خ
هندی ش از چهار و یک درم تا دو درم و در مطبوخ از هفت درم تا ده درم ص عسل ع گویند
و غیر رمل هلیله کابلی تمنیق الراء المهمله آهرف بفتح اول و سکون ثانی و راء مهمله
ع و بخت بلسان بالحصافیر اهلیلج اصفر ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و تحتانی مجهول
و فتح لام ثانی و کسر جیم و فتح همزه و سکون صاد مهمله و فتح قاف هلیله زرد ه زنگی طب ا
ی ۲ ق مسهل صفرا و مقوی دل و معده خ قریب ش از چهار ده تا پنج درم و در مطبوخ
از هفت درم تا ده درم و تا بیست درم ص قند یا ترنجبین با آب گرم یا عناب ل پوست
انار اهرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم ع شغال تمنیق الطاء المهمله اطالل بکسر
اول و سکون ثانی با لام و الف و ضم لام ثانی و سکون لام ثالث و ضم قاف
و سکون سین مهمله طاء مهمله ف نوعی از بادیه تمنیق الکاف آکه ف بکسر
اول و فتح ثانی و سکون کاف ه چوبان ق سرخ و شسته اوا کال تمنیق التحتانی ف

وسکون ثانی و واو مهمله یا قاف والف م حنا ایرن بفتح اول وسکون ثانی و فتح را
مهمله ف و ع آیرون بفتح اول وسکون ثانی و ضم را مهمله و سکون واو ف گوگرد
زرد ایقاقین بفتح اول وسکون ثانی و قاف و الف و کسر قاف ثانی وسکون تحتانی
ع تمود ایهقان بفتح اول وسکون ثانی و ضم ها با قاف و الف م جرجیر بیابانی که جنگلی
ترقیم الباء الموحدة وتمیق الالف مع التمیق الالف
باجراه بموحده والف وسکون جیم و فتح را مهمله والف غله الیست مشهور ف کاورس یا م
بسکون دال مهمله فتح را مهمله و واو م بیرره بر نجا باقلاع بکسر قاف بالام الف
باکلا و دال طح ب مع گویند ب ای ۲ قسمی ست هندی که او را سیم گویند ق
قابض منضج محلل مهیج خ فربه بزرگ خشک ش دو درم ص صعتر ل ماش بالا بموحده
والف ولام الف ه بلام بنج کاندل که از خسخانه سازند و بر بالا انیز گویند بانجه گکوڑا
لا بخفا نون و فتح جیم و اظهار ها هندی و فتح کاف اول و ضم کاف ثانی و واو مجهول و را
مهمله هندی دوا هندی ست بانساه بخفا نون و سین مهمله م اڑوسا تمیق الفوقانی
یار دست بسکون را مهمله و فتح دال مهمله وسکون سین مهمله و فوقانی م آبنوس تمیق
الجیم بابونج ع بضم موحده ثانی وسکون واو و فتح نون وسکون جیم ف بابونه
مرچتی و سونبل طح ی ق ملطف محلل مفتح بزرگ زرد گل ش یک قبضه گویند
۲ مثقال ص سنبل یا بنفشه گل ل برنجاسف یا اکلیل الملک بادروج ع بموحده الف
و دال مهمله ساکنه و ضم را مهمله وسکون واو و جیم نوعی از ریحان ست که در کوه های
ف تره خراسانی که بابری و بابچی که تلسی جنگلی ست طح ۲ ی اق محلل و مقوی و
منضج دل و حابس خون خ خوشبو تازه ش از تخم او ۲ درم ص بقلة الزهرا ل مرزنجوش
یا بادرنجبویه بارنج ع بموحده والف وکسر دال مهمله و فتح نون ف جوز هندی و نارگیل که
ناریل و کهوپره بارج ف بموحده والف و فتح را مهمله م سک انگور تمیق الجیم القادسی

بهرو موحده و بهرو والف و کسر راء مهمله و سکون تحتانی ف قفل سیاه ه کالی مرچ با
ه بسکون موحده ثانی و کسر جیم فارسی م بادروج باجی ه بکسر جیم ع الفرف
بادنجان دشتی ف بکسر دال مهمله و سکون نون و فتح جیم و الف و کسر نون ثانی و فتح
دال مهمله ثانی و سکون شین معجمه و کسر فوقانی ه کٹائی بزرگ بارجی ه بسکون راء مهمله
و کسر ع جدوار ه نربسی باقلای قبطی بکسر قاف بالام و الف و کسر تحتانی و قاف
ثانی و سکون موحده و کسر طاء مهمله م جاسه باقلای مصری بکسر میم و سکون صاد مهمله
و کسر راء مهمله م ترمس تنسیق الباء الموحده ه و تمنیق الالف ببھاع بفتح اول
و سکون موحده ثانی با غین معجمه و الف ف طوطا ه ترتا و سوها تمنیق الراء المهمله
ببرف بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله م جانور صحرائی شبیه بگربه که دم ندارد و از پوستش
پوستین سازند و آنرا وبر نیز نامند تمنیق اللام ببول ه بفتح اول و ضم موحده ثانی و
سکون واو ف درخت مغیلان م ه کیکر تمنیق الهاء بر الیونانی بضم اول و سکون
ثانی و راء مهمله و الف و فتح لام و خفاء ها م زراوند طویل تنسیق التاء الفوقانی و تمنیق
الالف بتبهوا ه بفتح اول و ضم ثانی و اظهار ها و واو و الف ع قطف تمنیق الباء الموحده
ببتلاب ف بضم اول و کسر نیز و سکون ثانی بالام و الف و موحده ثانی م گل خرما و آنرا
کوزه مغ نیز خوانند تمنیق العین المهمله تبع ع بضم اول و سکون ثانی و عین مهمله
ف شراب مست کننده تنسیق الجیم و تمنیق الالف بجوراه بکسر اول و فتح جیم
و سکون واو و راء مهمله ع اتیج تمنیق الجیم الفارسی بچ ه بفتح اول و سکون ثانی
ع وج طح ویا بفتح اول و سکون جیم ف پالایش آب و شراب و امثال آن بضم
اول ف برو بکسر اول ف بیخ تمنیق الراء المهمله بجیاره بکسر اول و فتح ثانی
و سکون تحتانی و سین مهمله و الف و راء مهمله م درخت هندیست تمنیق الکاف الفارسی
بجر بهانک ه بفتح اول و ثانی مشدده و سکون راء مهمله موحده ثانی و خفاء ها و الف

۵۷

وخفاء نون م نیشا لوطح ی ہم ق محمد بفتح ص شیر تمنیق اللام مجال ف بضم
اول و فتح جیم والف م اخگر تمنیق المیم مجمر بضم اول و سکون ثانی و میم ع ثمرة الطرفا
گز مازو و لاما ئین تمنیق المہا الهندی مجمر کنندہ کہ بفتح اول و ثانی مشددہ و سکون
مہملہ و فتح کاف فارسی و خفاء نون و دال مہملہ سوزن تنسیق الخاء المعجمہ و تمنیق
الفوقانی مختجات یونانی بفتح اول و سکون خاء معجمہ و فتح فوقانی با جیم والف ذ فوقانی
ثانی ف کشتہ زرت سکا تمنیق الراء المهملہ مجور ف بضم اول و ثانی و سکون او راء
مہملہ م عسل لبنی ع میوہ سائلہ تمنیق المیم مخسو ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین
مہملہ شیرینی معنبر کہ از گندم و ارزن و حبوبات سازند مجور مریم ع بضم اول و ثانی و سکون
واو و کسر راء مہملہ و فتح میم و سکون راء مہملہ ثانی و فتح تحتانی و سکون میم ثانی م شجرة مریم
کبریج آن عرطیثاست و آن نوعی از سناست طح ی ۳ گویند ۲ ق سقطع محلل خ
تر و تازہ ص تی و حقنہ ل کندش تمنیق الہاء مخته ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
فوقانی و خفاء ہا م گوسپند نر سہ سال و بفتح اول فارسی م پیہ مخلہ ف بفتح اول و
سکون ثانی و فتح فوقانی و خفاء ہا مخیلہ ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح
لام و خفاء ہا م خرفہ تنسیق الدال المهملہ و تمنیق الالف بدہارا بکسر اول و فتح
دال مہملہ و خفاء ہا والف و راء مہملہ دوای ہندیست طح ق بلین تمنیق الجیم
بدیج ف بفتح اول و نیز ضم اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ع ہلیلہ تمنیق الدال المهملہ
بدارمی کندہ بکسر اول و فتح ثانی والف و کسر راء مہملہ و سکون تحتانی دوای ہندیست
تمنیق الکاف بدبک و بدیک ف بضم ہر دو سوءہ و سکون دال مہملہ اول و فتح دال
مہملہ ثانی در لغت اول و ضم اول و فتح ثانی در لغت ثانی ع ہدہد تمنیق اللام بدل
بفتح اول و سکون دال مہملہ ہندی و فتح ہا م میوہ ہندی ہنخوش ست لبلبل
بدو یر تخم طح تمنیق المیم بدم بفتح اول و سکون ثانی و میم ف شگوفہ درخت

مغیلان ل بید مشک تمیق النون بد اسقان یونانی بفتح اول و ثانی والف و فتح
سین مهمله و قاف والف ثانی و نون ف بد سکان ل کشت بر کشت بدلون د
بکسر اول و سکون ثانی هندی و ضم لام و سکون واو ف نمک سیاه طح بدلیون
سریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو م مقل ۸ کوگل
تنسیق الواء المهمله و تمیق الالف برنا بفتح اول و سکون ثانی م حنا برنج مکرا
۸ بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و کسر جیم و فتح میم و سکون کاف با راء مهمله ثانی م
چاول چهراوری که خود رواست بر بتیا ۸ بکسر اول و فتح ثانی و سکون یا و فتح
فوقانی هندی و تحتانی ۸ کتانی بزرگ بر الیا یونانی بفتح اول و سکون راء مهمله و کسر
لام و سکون لام با تحتانی ع رازیانه ۸ سونف تمیق الموحدة الفارسی برنجاسپ ف
بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون با جیم و الف و سکون سین مهمله و باء موحده فارسی م
بوی مادران تمیق الفوقانی بر غشت ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح غین معجمه
و سکون سین مهمله با شین معجمه و فوقانی م گیاهی سبز که مانند اسپناخ ست آنرا
داخل آش سازند و خودرو بود و آنرا ابرند نیز گویند و بیشتر در زراعت گندم و دیگر
غلات و کنار جوی آب بروید تمیق الدال المهمله هندی برجیه کندهی بکسر
اول و ثانی و سکون جیم فارسی مع اظهار هاء هندی و فتح کاف و سکون نون و فتح دال
مهمله م سندالو تمیق الواء المهمله بر بضم اول و سکون ثانی ف گندم ۸ گیهون
بر مهی بفتح اول و سکون ثانی هندی شجر معروف هندیست ع ذات الذوائب
تمیق الفا بر چاف ف بضم اول و سکون ثانی با جیم فارسی و الف م نام غله جلبان
و ملک برنجاسف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و جیم و الف و سین مهمله ع قیصوم
ف برنجاسف بوی مادران که قسمی از افسنتین ست ۸ کندها تمیق القاف برقوق
بفتح اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون واو و قاف ف شمشش ۸ خوبانی

٥٩

بَرواق بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وقاف با واو والف ف گیاه
ترشین تمیق الکاف برتاسک ف بفتح اول سکون ثانی با فوقانی والف
وفتح سین مهمله م برنجاسف برنجشک بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم وکسر میم
وسکون شین معجمه وکاف ف بالنگو بروشک ف بضم اول وثانی وسکون واو
وفتح شین معجمه م خاک تمیق الکاف الفارسی برنگ بفتح اول وثانی وسکون
نون وکاف فارسی ع برنج کابلی تمیق اللام برغول بفتح اول وسکون ثانی و
ضم غین معجمه وسکون واو ف دلیده گندم تمیق المیم برقوم بفتح اول وسکون
ثانی وضم فوقانی وسکون واو ومیم ف خرمای خشک که بیک بگیرند حسیده م خرما
بیرون برده وسلامح ع بفتح اول وسکون ثانی وضم دال مهمله بنون وفتح واو وسین مهمله
ولام والف وضم میم منون ف ورق بارتنگ برشوم بفتح اول وضم شین وسکون ثانی
وضم شین معجمه وسکون واو ومیم بلغت اهل بحرع قصب ثانی برعم ع بفتح اول و
ثانی م شکوفه درخت مغیلان برندکام ف بکسر اول وثانی وسکون نون ودال مهمله
وکاف والف م بابونه کاوتمیق النون برسان ف بفتح اول وسکون ثانی باسین
مهمله والف م نوعی از دوشاب خوشبو برسن بکسر اول وسکون ثانی وضم سین مهمله ف
پنبه برنان ه بفتح اول وسکون ثانی با نون والف م شجریست که در هند در دیار
اجمیر از و تسبیح سازند تمیق الواو برشیاندار و بفتح اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه
وتحتانی والف وخفاء نون بادال مهمله والف ثانی وضم راء مهمله وسکون واو م عصی [illegible]
طب ۲ می ۳ گویند رص بسدل عنب الثعلب بالسان الجمل یا نیموزن آن خرفه تمیق
اللعاب برسته ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح سوحده ثانی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی
وخفاء ہاء ع جماد وہرچه بنفرامید ومنجمد باشد برده ه بکسر اول وثانی ودال مهمله ہاء
ہندی دوای ہندیست برهوه ف بفتح اول وسکون ثانی وضم ہاء وواو مجهول

وانطمار ہا م صابون بریزہ ف بکسر اول و ثانی و تحتانی مجہول و فتح زای معجمہ و خفای ہا
صمغی ست شبیہ بمصطکی و سبک و خشک بود مانند عسل صاف و تیز بو باشد م
بابزرو تمیق التحتانی بردی ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال مہملہ و سکون یای
مثناۃ تحتانیہ م لوح کہ در کیج می اندازند و در مصر از و کاغذ سازند ف تک ۵ تیر اب
طب ی ۲ ق مجفف و بزبان فارسی نوعی از خرمای لطیف کہ آنرا سنگ اشکشک
نیز خوانند و ظرف سنگی برطانیقی بفتح اول و سکون ثانی و طای مہملہ الف و کسر نون
و سکون تحتانی و کسر قاف ف بستان افروز و تاج خروس کا سرانی برغوثی بفتح اول
و سکون ثانی و ضم عین مہملہ و سکون واو و کسر مثلثہ ع بزر قطونا ۵ اسبغول برنبہتی ۵
بفتح اول و ثانی و خفای نون و کسر موحدہ ثانی و انطمار ہا م زرنبیج کابلی ع بفتح اول
و ثانی و سکون نون و جیم و کاف و الف و ضم موحدہ ثانی و کسر لام ف بزرنگ ۵
بای بڑنگ طح ای ۲ ق قابض قاطع دیدان خ کوچک سرخی مائل ش دو درم
با شیر تازہ ص کیترال بسن بار و وزن آن قنبیل برقی ۵ بضم اول و ثانی و سکون
واو و کسر فوقانی م پکہان بید تنسیق الزاء المعجمہ و تمیق الالف بزر القثاء
بفتح اول و سکون زای معجمہ و ضم رای مہملہ و سکون لام و فتح قاف با مثلثہ و الف
ف تخم خیارہ ککڑی کی بیج طب دخ فرسہ ص سکنجبین ل تخم بادرنگ بزر الہندبا
بکسر ہا و سکون نون و ضم دال مہملہ و موحدہ ف تخم کاسنی طمع ح بس ی خ
سیاہ فربہ پستانی ش دو درم تا سہ درم ص سکنجبین بزر البقلۃ الحمقاء بکسر رای مہملہ
و فتح موحدہ ثانی و سکون قاف و فتح لام و ضم فوقانی و سکون لام ثانی و حای مہملہ
و فتح میم و قاف ف تخم تورک و خرفہ ۵ لونیا کی بیج بزر قطونا ع بفتح اول و سکون
زای معجمہ و کسر رای مہملہ و ضم قاف و طای مہملہ و سکون واو و نون ف سنگو ۵
اسبغول طب ر ۲ گویند سہ گویند مع دی ف رادع خ سرخ سیاہی یل فربہ گیران

که در آب فرو رود ش د و درم تا سه درم ص کثیرال حب السفرجل یا تخم لسان الحمل یا
بزر المرو و در قبض تخم خرفه تمنیق الموحده بزر السداب ع بضم باء مهمله وضم سین
مهمله مشدد و دال مهمله مشدد و الف و سکون موحده ثانی ف تخم سداب ط ح ی
خ سیاه فر بش یکدرم تا دو درم جهت فواق بلغمی ص کثیرا یا عسل ل سداب
بزر القنب ع بکسر قاف و فتح نون مشدد ف شهدانه و تخم بنگ ه بجیا کی بیج
بزر الکنب ع بسکون لام و فتح کاف و سکون راء مهمله و فتح نون ف تخم کلم ط ح
ی خ تازه فر به تمنیق الفوقانی بزر الشبت ع بکسر شین معجمه مشدد و موحده و سکون
فوقانی ف تخم شبوت ه سوئی کا بیج ط ح ی ۲ گویند ص ق مقی خ فر بش دو درم
ص عسل ل د وزن آن شبت بزر الفنجنکشت ع بسکون لام و فتح فا و سکون نون
و فتح جیم و سکون نون و فتح جیم و سکون نون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون شین
معجمه سنبهالو کی بیج ط ح ی ۲ گویند ح فر بش دو درم ص شیر بزر بزر اللفت
ع بکسر اللام المشدد و سکون قاف تخم شلغم ط خ د خ سرخ فر بش دو درم ص
بزر البطیخ ل بزر الرطبه یا تخم خربزه و وزن تمنیق المثلثه بزر الکراث ع بضم کاف
و راء مهمله مشدد و الف ف تخم گندنا ط ح ی ۳ گویند و آن بعینه بگنجی ماند بسیار
سیاه خ شامی تازه فر بش یکدرم تا دو درم ص عسل ل جرجیر بزر الکشوث ع بضم
کاف و شین معجمه و سکون واو ه امربیل کی بیج ط مع ح ب ی خ فر بش دو درم ص
عسل ل بزر هندبا چهار دانگ وزن آن افسنتین تمنیق الجیم بزر البنج ع بسکون
لام و فتح موحده و سکون نون و جیم ف تخم بنج ه اجواین خراسانی ط سیاه او ب
ی ۳ سفید او ب ی ۲ ق قابض حابس خون خ سفید و بعده سرخ بش یکدانگ
تا دو دانگ ص عسل و قی کردن با آب گرم و روغن و عسل ل افیون یا لفاح و خشخاش
بزر الرازیانج ع باراء مهمله مشدد و الف و سکون زاء معجمه یا تحتانی و الف ثانی و فتح

حب القلت
ما نش ہندو بست
گفته شود
حب الرمان
بپارسی دانه
انار را گویند
سرد و خشک
است و اول
حب اللاس
بپارسی تخم

نون ف تخم بادیان ه سونف کی بیج ل انیسون بزر الکاکنج ع بسکون لام با کاف
والف وسکون کاف ثانی وفتح نون ف تخم عروسک در پرده بزغنج ف بضم
اول وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون نون گویند که درخت بسته یکسال میوه
با مغز بار آورد ویکسال بی مغز وآن مغز دار البسته گویند وبی مغز را باین نام خوانند
تمنیق الخاء المعجمه بزر الاسفاناخ ع بسکون لام وکسر همزه وسکون سین مهمله وفتح
فا با نون والف وخاء معجمه ف تخم ساگ پالک طب د خ مائل بسرخی ش یکدرم
بس با سین مختوم بزر البطیخ ع بسکون لام وکسر موحده وطاء مهمله مشدده وسکون تحتانی
ف تخم خربوزه طح د گویندی اف خشک او معتدل ونغشی خ شیرین ش دو درم
تا پنجدرم ص عسل ف بادیان ل چلغوزه تمنیق الدال المهمله بزر الرشاد بفتح راء مهمله
مشدده با شین معجمه والف ودال مهمله ع حب الرشاد ف تخم تره تیزک ه هالون کی
بزر القثد ع بسکون لام وفتح قاف ومثلثه ودال مهمله ف تخم خیار بالنگ ه کهیری کی
بیج طب د خ ونیز ماخوذ از خیار زرد ش از پنجدرم تا ده درم ص کیترا ل تخم خیار زه
بزر الورد ع بسکون لام وفتح واو وسکون راء مهمله ودال مهمله ف تخم گل آنکه در گل
وآن زردی میانه گل ست طب ی ق قابض وحابس خون خ ماخوذ از گل
فارسی ش دو درم ص کتیرا تمنیق الراء المهمله بزر الجرجیر ع بسکون لام وکسر جیم
وسکون راء مهمله وکسر جیم ثانی وسکون تحتانی وراء مهمله ثانی ف تخم کهترک ه شیرا
طح ی ۳ گویند ۲ ق مغشی بهی خ بستانی ش دو مثقال ص کیترا ل خردل یا تخم
انجره یا خصی الثعلب یا بوزن آن تخم کنند یا بزر الجزع بسکون لام وفتح جیم وزاء معجمه
ف تخم زردک ق مدر منفشی بزر العصفر ع بسکون لام وفتح عین مهمله وسکون صاد مهمله
وفا وراء مهمله ف خسکدانه ه گوکهرو کسنبه کی بیج تمنیق الزاء المعجمه بزر بانج بفتح
اول وسکون زاء معجمه با موحده ثانی والف وزاء معجمه ثانی م بسباسه ه جاوتری

٦٣

تمیق السین المهمله بزر الخس ع بسکون لام و فتح خاء معجمه و سکون سین مهمله
ف تخم کاهو طب ی خ سیاه فربه بستانی ش از یکدرم تا دو درم ص مصطکی
ل دم الاخوین بزر بلاسقلیس بضم موحده و کسر نیز و لام و الف و فتح سین مهمله و کسر
قاف و فتح نیز و سکون تحتانی ف تخم تره تیزک تمیق الضاد المعجمه بزر الحماض
ع بفتح حاء مهمله و میم مشدد و الف ف تخم ترشاه چوکی کی بیج طب ی ۲ خ
فربه و سیاه مائل بسرخی ش دو درم ص تخم رازیانه یا کرفس ل لسان الحمل
تمیق الطاء المهمله بفتح میم و سکون طاء مهمله م حب الفلفل ف انار دانه
دشتی تمیق الغین المعجمه بزع ف بفتح اول و ثانی و سکون غین معجمه م و زع بکل
و بک دغوک ع تمیق القاف بزاق ع بضم اول و ثانی و الف و قاف م لعاب
دهن و ریق لا ار بزر السرمق ع بکسر سین مهمله و فتح نیز و سکون راء مهمله و فتح
میم ف تخم قطف لا بتهوے کی بیج طمح ب ی اگوشیح بزر السلق ع
بفتح سین مهمله مشدد و سکون لام و قاف ف تخم چقندر طب ص سکنجبین ل
تخم خطمی تمیق الکاف بزرک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون کاف
تخم کتان لا السی بریسک ف بضم اول و کسر ثانی و سکون سین مهمله ع عدس لا
سسو بربرک ف بضم اول و فتح ثانی جانوریست سیاه رنگ که نوش فی راند باشد
و بیشتر در کنار آب و بر سر درخت نیز نشیند و آواز بلند کند تمیق اللام بزر البصل
ع بسکون لام و فتح موحده و صاد مهمله و سکون لام ثانی ف تخم پیاز طح ی
ش دو درم ل هموزن تخم شلغم و هموزن تخم اسپست دو وزن تخم گندنا
یا وزن آن تخم الجزر بزر الفجل ع بسکون لام و ضم فا و سکون جیم ف تخم ترب
لا مولی کی بیج ط ح ۳ ی ۲ ف سقی بهی خ فربه ش کشنیز یا سپستان و سکنجبین
ل حب الرشاد بزر لسان الحمل ع بکسر لام مهمله و لام و فتح سین مهمله و الف و ضم

نون وسکون لام ثانی وفتح حاء مهمله ومیم ف بارتنگ ه خوب کلان طب
خ فربه سیاه سرخی مائل ش سه درم ص عسل ل تخم حماض بستانی تمنیق المنیم
بزر الخمخم ع بضم هر دو خاء معجمه وسکون هر دو میم ف شفترک وگویند حب الفلفل
بزر النمام ع بفتح نون ومیم مشدد والف ف تخم سیسنبره برنان کی بیج خ نشیا
بستانی ش سه درم ص کتیرا ل تخم کتان وبادرنجبویه تمنیق النون بزر الریحان
ع بفتح راء مهمله مشدد وثانی بسکون تحتانی وفتح حاء مهمله با الف ونون ف
تخم ریحان ط ح ی گویند مع ح ب ق قابض خ سیاه فربه کوچک خوشبوی
ش یکمثقال با آب سرو یا گلاب ص مرزنگوش ل بزر المرو بزر الکتان ع بسکون
لام وفتح کاف با فوقانی مشدد والف ف بزرک ه السی ط ح امع ری گو
مع ح ب گویند ب ی اق منضج ملین خ تازه فربه ش سه درم ص عسل
ل حلبه با عصاره باقلا بزر المازریون ع بسکون لام با میم والف وفتح رای معجمه
وسکون رای مهمله وضم تحتانی وسکون واو ف تخم مازریون ه کهدون کی بیج ط
ح ۲ خ بستانی ش دو درم ص عسل ل در تحریک باه حب الفلفل ونیموزن
تودری ونیموزن شقاقل وجهت بیماری مثانه نیموزن تخم کاکنج ودو دانگ وزن
آن محلب مع شش یک آن عنب الثعلب وگویند بلیون حنظل تمنیق الواو
بزر المرو بفتح میم وسکون راء مهمله وواو مجهول ف مرو اسپنگ ف تخم مرو ه شکه
مرواکو کنوچا ط ح خ تازه وفربه سرخی مائل ش دو درم ص گلنار ل بزر کتان
یا بزر قطونا تمنیق المطاء بزر الانجره ع بفتح همزه وسکون نون وضم جیم وفتح رای مهمله
وخفا ها ف تخم گزنه ه انگن کی بیج ط ح ی ۲ گویند ی خ فربه ش نیم مثقال
تا سه درم ص کتیرا ل حرف وقرطمانا یا بزر کراث یا بزر جرجیر بزر الخرفع ع بسکون
لام وضم خای معجمه وسکون راء مهمله وفتح قاف تخم لودرک ه لونیا کی بیج ط ب ۲ ر

۲ خ فربیق یجدرهم جهة تپهای حاره بکوبند و شیره بگیرند ص قندل لصفا ورد

بزر قطونا بزر الطبیع بفتح راء مهمله مشدد و طاء مهمله و موحده وخفاء ها ف تخم اسپغول

و تخم بخفه طح دا نخ زرد فربیق یجدرهم تا هفت درهم ل بزر اللعنت بزر الهوه

یونانی بضم ها و فتح واو و اظهار ها ثانی ف تودری بر عجمه ف بفتح اول و ثانی و

سکون نحین ف فتح سین مهمله و میم وخفاء ها هم سبزی باشد مانند ابریشم که در میان آب

بهم رسد و بزبان شیرازی جل بک نامند ع طحلب ۵ سوال بریچه ف بضم اول و کسر

ثانی و سکون تحتانی و فتح جیم فارسی وخفاء ها هم بریچ ع حلوان بریشه ف بضم

اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول و فتح شین معجمه وخفاء ها هم ازده کنجد تمنق التحتانی

بزر الجزر البری ع بسکون لام و فتح جیم و زاء معجمه ثانی و ضم راء مهمله ثانی و سکون لام

و فتح موحده و کسر راء مهمله مشدده ثالث و سکون تحتانی هم دوقوف تخم گزر صحرائی

بزر الجزر البستانی ع بسکون لام و فتح جیم و زاء معجمه ثانی و ضم راء مهمله ثانی و سکون

لام ثانی و ضم موحده ثانی و سکون سین مهمله با فوقانی و الف و کسر نون ف

تخم زردک ۵ گاجر کا بیج ش یکدرهم بزر الحبند قوقی ع بفتح حاء مهمله و کون

خاء معجمه و سکون نون و فتح دال مهمله و ضم قاف و سکون واو و کسر قاف ثانی

و تحتانی ف تخم اندوه قوقوطح ی خ فربیسرش یجدرهم جهة گزیدن جانوران

ص کثیرا الشیلم بزر الخبازی و بزر الخطمی ع بسکون لام و فتح خاء معجمه و موحده ثانی

مشدده و الف و کسر زاء معجمه و تحتانی در لغت اول و سکون طاء مهمله و کسر میم و تحتانی

در لغت ثانی ف تخم بیرک ۵ خطمی کا بیج ط مع ح د گویند

ب ے اخ سیاه رسیده ل از تخم خبازی تخم خیار بزر الرازیانج

الرومی ع بفتح راء مهمله ثانی مشدده و الف و سکون زاء معجمه ثانی و فتح تحتانی با الف

ثانی و فتح نون و کسر جیم و ضم راء مهمله ثالث و سکون واو و کسر میم انیسون ف

٦٦

المهمله بسرع بضم اول و سکون ثانی و رای مهمله ف عوره و نحو ما طب ی ق
قابض ش از شراب او بیکوقیه ص سکنجبین ساده ل خرنوب تمنیق الزاء المعجمه
بستان افروز بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و الف و سکون نون و فتح همزه
و سکون فا و ضم رای مهمله و سکون واو و زای معجمه م برطانیقی ف گل تاج خروس
طب ی اق خ و رسانیه خشک کرده ش دو درم تا چهار درم و گویند از تخم او
یکمثقال ص کندر بار از یانه ل حماض بسبابین بفتح اول و سکون ثانی فتح موحده
ثانی بالف و فتح تحتانی و سکون سین مهمله ثانی نزد اهل مغرب ع رازیانه ف بادیان
ه سولف تمنیق الکاف بسک ف بفتح اول و ثانی و سکون کاف و بسنک ف
بفتح اول و ثانی و نون ع اکلیل الملک تمنیق المیم بستام ف بکسر اول و سکون
ثانی و فتح فوقانی بالف و میم م بسدع یخ مرجان تمنیق الهاء بسباسه ع بفتح
اول و سکون ثانی و موحده ثانی و الف و فتح سین مهمله ثانی و خفاء ها ه جاپتری ط
خ ی ا گویند ۲ ق ملطف مفتّی مهبی خ زرد و سرخی مائل خوشبو ش دو دانگ تا درم
ص صندل و گلاب ل جوز بویه بسبه ف بفتح اول و ثانی ع اکلیل الملک تمنیق
الشین المعجمه و تمنیق الالف بشنکر انتاه بکسر اول و سکون شین معجمه و ضم نون
و سکون کاف با رای مهمله و الف و خفاء نون و فوقانی و الف ثانی دوای هندیست
تمنیق الزاء المعجمه بشنیز ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی
و زای معجمه م برنجاسف تمنیق الشین المعجمه بشبش بضم هردو موحده و سکون هردو شین
معجمه ف ورق حنظل ه اندراین کی پات تمنیق الغین المعجمه بشترغ بضم اول
و فتح نیز و سکون ثانی و ضم فوقانی و فتح رای مهمله و سکون غین معجمه ع اکلیل الملک
ه اسرک تمنیق النون بشولیون یونانی و رومی بضم اول و ثانی و سکون واو
و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو ثانی و نون ف بنگوه ا سبغول تمنیق المهمله

لبشلشکہ یونانی بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون شین معجمہ ثانی وفتح کاف وخفاء ہا م جنطیانا آبشمہ بفتح اول وسکون ثانی وفتح م ابشمیرج ف چشمک ہ
چاکسو تنسیق الصاد المہملہ وتمنیق الموحدہ بصل الذئب ع بفتح اول وسکون صاد مہملہ وضم لام وکسر ذال معجمہ مشددہ وسکون تحتانی وموحدہ م ملیوس
ف پیاز تلخ تمنیق الواء المہملہ بصاق القمر ع بضم اول وفتح ثانی وضم قاف و سکون لام وفتح قاف ثانی ومیم وسکون راء مہملہ ایصاع رغوۃ القمر وحجر القمر وزبد القمر
ف سنگ ہ چندر کانت بصل الفار ع بفتح اول و ثانی وضم لام وسکون لام ثانی وفتح فا والف وسکون راء مہملہ الیضع اسقیل ف پیاز موش ہ کاندہ تمنیق الزاء
المعجمہ بصل الزیز ع بکسر زاء معجمہ مشددہ وسکون تحتانی وزاء معجمہ ثانی م ملبوس تمنیق السین المہملہ بصل النرجس ع بفتح نون مشدد وسکون راء مہملہ وکسر
جیم وسکون سین مہملہ ف پیاز نرگس ہ نرگس کی جڑ طح ی ۲ ش و مثقال جہتہ تی تمنیق القاف بصاق ع بضم اول وفتح ثانی والف وقاف ف لعاب
دہن ہ لار طح د ق منضج محلل خ اصابہ تمنیق اللام بصل العنصل ع بفتح عین مہملہ وسکون نون وضم صاد مہملہ وسکون لام ثالث م اسقیل بصل ع
بفتح اول وسکون ثانی وثالث ف پیاز طح ی ہم گویند ح ہم د ق مقطع ملطف محلل خ سفید ش از تخم ہو ودر ص سرکہ ود وغ ل کراث شامی تنسیق الطاء
المہملہ فتمنیق الطاء المعجمہ بطیخ ع بکسر اول وطاء مہملہ مشددہ وسکون تحتانی وخاء معجمہ ف خربزہ ہ خربزہ طح د گویند ب ۳ ق مدر ومجلی وپوست او
منقی خ سمرقندی شیرین ص سکنجبین سادہ ل ورجلاب باقلا وبزر قطونا تمنیق السین المہملہ بطارس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر راء مہملہ وسکون
سین مہملہ م خس تمنیق الطاء المہملہ بطباط سریانی بفتح اول وسکون ثانی

باموحده ثانی والف وطاء مهمله ثانی ف گسته ه رت سکا طح ی ۲ ق قابض
خ سبز تازه ش دو درم ص کرفس ل حماض بطع بفتح اول وسکون ثانی باموحده
ثانی ف قازه هنس طح د ق سمن ص سرکه وپیاز وسیر خشک و واندازند
تمنیق المیم بطم ع بضم اول وسکون ثانی وبیم م درخت حبة الخضرا طح ی ۲
ق محلل خ سبز تازه ص سفرجل ل فستق تمنیق النون بطراسالیون یونانی
بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله والف وسین مهمله والف ثانی وکسر لام وضم تحتانی
وسکون واو ونون م فطراسالیون بطراسیونانی کوه وسالیون کرفس
تخم کرفس کوهی ه پهاڑ کی اجمود طح ی ۳ ق مفتح مدر خ سیاه ش یکدرم ل
شناه بلوط باده وزن آن تخم کرفس بانیمو زن فستین بطرالاون یونانی بکسر اول
وسکون ثانی باراء مهمله والف ولام والف ثانی وضم واو ع دهن الجرف لفظ
تمنیق التحتانی بطیخ نوع بکسر اول م ثانی مشدد وسکون تحتانی وکسر خاء معجمه وزاء
معجمه وقاف مشدد وسکون تحتانی ثانی ف خیار کدو وهندوانه ه تربوز طب
د ۲ خ شیرین آبدار ص قند یا عسل با وی خورند یا بعد از و تنسیق العین المهمله
و تمنیق الموحده بعرالضبع بضم اول وسکون عین مهمله وضم راء مهمله وفتح ضاد
معجمه مشدد وسکون موحده ف سرگین سوسمار طح ا ی ل زبد البحر تمنیق الزاء
المعجمه بعرالماعز ع بمیم والف وکسر عین مهمله وسکون زاء معجمه ف پشک بز ه
بکری کی مینگنی طح مع ح ی ق منضج معفن خ تازه س رغن گل تمنیق اللام بعرالجمال ع
بکسر جیم ومیم والف ولام ثانی ف پشکل شتران طح ی ا تمنیق النون بعرالضان
ع بضاد معجمه مشدد والف ونون ف پشکل میش طح ی ا تنسیق الغین
المعجمه و تمنیق الالف بغراف بفتح اول وسکون غین معجمه باراء مهمله والف م
خوک نرکه آنرا کراز نیز گویند تنسیق القاف و تمنیق الالف بقلة الحمقاء ع

کالیجیح جوبن گرم وخشک است در دوم ... چون یکدرم از وی سحق کرده ... یک ... افشانند ... درقوت باه

بفتح اول وسکون قاف وفتح لام فوقانی وسکون لام ثانی وضم حاء مهمله وفتح میم قاف
والف ف تورک ۵ ساک لونیا کالطاب د ۳ گو منذب ۲ ق مغری وسکن
او جاع خ بهن ورق ص کرفس گویند چه جیست بعضے گویند نعناع ل خس بقلة الزہرا
ع بفتح زاء معجمه مشدد وسکون هاء و حاء مهمله والف م بقلة الحمقا تمنیق الموحده
بقلة الضب ع بفتح ضاد معجمه مشدده ف بالنگو بری تمنیق الواء المهمله بقر
ع بفتح اول وثانی ف گاو و بیل م بلده بقلة الاضاع بفتح همزه وسکون نون
با صاد مهمله والف ف کلم بقم بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم م بکسطح ی ۲
تمنیق السین المهمله بقلة العدس ع بفتح عین مهمله و دال مهمله وسکون سین
مهمله ف یوونیه بهری بقیس بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف درخت
شمشاد تمنیق الفا بقلة الخطاطیف ع بضم خاء معجمه وطاء مهمله والف وطاء مهمله
ثانی وسکون تحتانی م ماسیران تمنیق القاف بق بفتح اول وسکون ثانی ف
پشه ۵ چهر تمنیق الکاف بقلة الملک ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وضم
فوقانی وسکون لام ثانی وفتح میم وکسر لام ثالث وسکون کاف ف شاهتره
پت پاپڑه تمنیق اللام بقلة الغزال ع بکسر غین معجمه و زاء معجمه والف ولام ثالث
م شکطرشیح تمنیق المیم بقلة الفارسیه بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وضم
فوقانی وسکون لام ثانی با فا والف وفتح راء مهمله وسکون سین مهمله وکسر فوقانی
وسکون تحتانی ومیم م بادنجبیه بقم ع بفتح اول وثانی مشدد ف بکمه درخت
آل مجیٹھ و پتنگ کر صباغان بکار میبر نطح ی ۲ ق مجفف خ تازه شش
آب او ده و نه ص او اسطو حو و س ل فوه تمنیق الها بقلة الخراسانیه ع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح لام وضم فوقانی وسکون لام ثانی وضم خاء معجمه با راء مهمله
والف وسین مهمله والف ثانی وکسر نون وفتح تحتانی مشدد و خفا ها ف تره خراسانی

ہ چوکی کا ساک طب ہی ۲ گویند ا بقلة الذہبیع بفتح ذال معجمہ مشدد و سکون ہا
و کسر موحدہ و فتح تحتانی مشددہ ہ ساگ بتھوا و گویند پالک بقلہ اترجیع بہمزہ بلند
و ہا و ضم ہمزہ و سکون فوقانی و ضم رای مہملہ و کسر جیم و فتح تحتانی مشددہ ہم با درنجبویہ
بقلہ باردہ ع بفتح موحدہ ثانیہ و الف و کسر رای مہملہ و فتح دال مہملہ ہم لبلاب بقلہ لینہ
و بقلہ مبارکہ ع بفتح لام ثانی و کسر تحتانی مشدد و فتح نون در لغت اول و ضم میم موحدہ
ثانی و الف و فتح رای مہملہ و کاف در لغت ثانی ہم ہر دو نام بقلة الحمقا تمنیق الکاف
و تمنیق الفوقانی بکسمات بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مہملہ یا میم الف نوعی از
نان کہ آنرا مربع بریدہ بپزند و در پیمانہا بکشند و توشہ مسافران سازند و گویند ف
نان دو آتشہ تمنیق الکاف بک ف بفتح اول و سکون کاف ہم و زغ و چغز و کلع
ضفدع تمنیق المنجم بکم ف بفتح اول و ثانی ہم بقم تمنیق النون بگانن ہ بفتح اول
و ثانی و الف تحتانی و سکون نون ف درخت بان تمنیق التحتانی بکپچی ہ بفتح
اول و ضم ثانی و کسر جیم فارسی دوا ہندیست بکرائی ف بفتح اول و سکون ثانی
با رای مہملہ الف و کسر ہمزہ و سکون تحتانی و بکروی بفتح رای مہملہ و کسر وا و میوہ ایست
میان نارنج و لیمو کہ از نارنج کوچکتر و از لیمون بزرگتر و شیرین بود و در ولایت
ابک و شمانکارہ بسیار باشد تلنیق الکاف الفارسی و تمنیق الراء المہملہ
بگبر بفتح اول و سکون کاف فارسی و فتح موحدہ و سکون رای مہملہ ف خیار چنبرہ
کریالا تمنیق الزاء المعجمہ بگماز ہ بکسر اول و سکون ثانی فارسی یا میم و الف و زای معجمہ
ہم شراب تمنیق التحتانی بگنی ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی و کسر نون و سکون
تحتانی ہم شرابیکہ از برنج و جوار و ارزن و امثال ان سازند تمنیق اللام و
تمنیق الموحدة الفارسی بلنجاسپ ف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون یا جیم
و الف و سین مہملہ و موحدہ فارسی ہم بوی مادران تمنیق الجیم بلاج ف بفتح

بفتح اول وثانی وسکون فا وفتح سین مہملہ ف بنفشہ ہ بنوسا ط ب ۲ ر ۳ گویند
ب را گویند ۲ اف مسہل صفرا وبلین خ خوشبوی ش دو درم تا چہار درم خشک
او و پنجدرم از تر او ص سفرجل ل نیلوفر و بر سیاوشان بنج ع بفتح اول وسکون
ثانی وجیم م بنگ ہ بیخ وشبکران ہ خراسانی اجوائن ب ۳ ی اق مخدر قابض
مسکن خ سفید ش دو درم ص عسل ل لفاح وخشخاش یا افیون تمیق الدال المہملہ
بنات الرعدع بفتح اول وثانی والف وضم فوقانی وفتح را مہملہ مشددہ وسکون
عین مہملہ م سمارغ ف کلاہ ماران ہ گگن ہول وکہنبی تمیق الراء المہملہ
بنات النارع بفتح اول وثانی والف وضم فوقانی با نون مشدد ثانی والف ودم
درا مہملہ م انجرہ ف کزنہ بنیرہ بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحدہ ثانی وسکون را
مہملہ م سپستان تمیق الشین المعجمہ جنوباش ف بضم اول وثانی وسکون را مہملہ
باسیم والف ہ غلہ مونگ تمیق القاف بندق بکسر اول وسکون ثانی وضم دال
مہملہ م فندق ف باوام کشمیری سہ گوشہ طح دمع گویند داق مبہی خ جرم
بالیدہ ش دو درم ص فانیدل بادام شیرین یا بوزن آن مغز چوز و بعضی گویند
چلغوزہ تمیق الکاف نبک ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی نوعی از ابریشم
خرما یا پست ہ کرط تمیق الکاف الفارسی بنگ بضم اول وسکون ثانی وکاف
مانند تشو لیست کہ از بیخ مغیلان دمین خیز د طح ی اق قابض مجفف خ
سفید فربہ زرد سیاہ خوشبو ل سنبل وبفتح اول وثانی بفارسے
میوہ بن وبفتح اول فارسے وسکون ثانے وکاف فارسے
خوشہ خرما تمیق النون بنجنکشت ان بکسر اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون
شین معجمہ کاف وفتح زا معجمہ واو والف ونون ع لسان العصافیر سنبلون
ہ بفتح اول خفائی ثانی وسین مہملہ وضم لام وسکون واو وفتح جیم فارسی م طباشیر

٧٥

طب بنطافلون یونانی بکسر اول وسکون ثانی با طاء مهمله والف وفتح فا وضم لام
وسکون واو ف پنج پنجنگشت طب ای ۲ ق تا بض خ بیخ غلیظ ش ۲ مثقال
ص کرفس ل جلنار بنکدان ف بضم اول وسکون ثانی وفتح کاف باراء مهمله
والف م برنجی که در ته دیگ بریان شده باشد که چن چن گیهون بفتح اول
سکون ثانی وکسر کاف فارسی وتحتانی مجهول وضم ها وسکون واو م اخروسه
جن بضم اول وسکون ثانی ف آبکامه وتخم قهوه را نیز گویند وبفتح اول م سیوه و
تمنیق الواو بنکوف بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی کلا سفول تمنیق
الهاء بنتومه بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون واو وفتح میم وخفاء ها
کاکاسن بیل بتقنع بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف م غلة البیت عدس مانند اغلب
غله سهر طاصع ی تمنیق التحتانی بیج وشتی بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وفتح
دال مهمله وسکون شین معجمه کسر فوقانی وسکون تحتانی کا وهتورا بندق هندی بکسر
اول وسکون ثانی وضم دال مهمله وکسر قاف دها وسکون نون ثانی وکسر دال مهمله
ثانی ه ریٹها طح ی ا ش بست مثقال از روغن او تلنسیق الواو وتمنیق الالف
بوجا یونانی بضم اول وسکون واو با جاء مهمله ف ماه پروین تمنیق الموحدة کا بول آلکا
ع بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وفتح دال مشدده وواو والف وموحده ثانی
ف شاش بهار پایان بول الکلب ع بسکون لام ثانی وفتح کاف ولام ثالث
ف کمیز سگ تمنیق الجیم بوغنج ف بضم اول وسکون ثانی وفتح غین
معجمه وسکون نون ف سیاه دانه کلونجی تمنیق الدال المهمله بوشاد ف
ویونانی بضم اول وثانی مجهول شین معجمه والف ف شلغم تمنیق الراء المهمله بویما
ف بضم اول وسکون واو وکسر فوقانی وسکون تحتانی با میم والف م تخم خورک
گویند که بر لب آب بهانشیند وانتظر آنکه مبادا آب کمی پذیرد با وجود نهایت تشنگی

آب نخوره یونانی شقیقین نامند ع تمام ق گوشتش مقوی حافظه و مهله بوصیر
بضم اول وسکون ثانی وکسر صاد مهمله وسکون تحتانی م مغیلان و کیکر بوقیضا یونانی
بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی با ضاد معجمه والف ف درخت
پشه وسفیدار و دوار بول البقع بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام
ثانی وفتح موحده و قاف ف شاش گاو خ از گاو بز بول الحمار بسکون لام وکسر
حار مهمله با میم والف ف کمیز خر تمنیق الزاء المعجمه برزف بفتح اول وسکون
ثانی و زاء معجمه م زنبور سیاه که بر گلها نشیند و بو نیز آبستان افروزف م
گل تاج خروس بول العنزع بفتح عین مهمله وسکون زاء معجمه ف شاش بز تمنیق السین
المهمله بول الجاموس ع با جیم والف ومیم وسین مهمله ف کمیز گاومیش بول الناس
ع ف شاش آدمی طح ی ۳ ق مجلی ص زبل نمک آب تمنیق الشین المعجمه
بوریطش یونانی بضم اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وکسر طاء مهمله م
مرقشیشا تمنیق الفا بوف بضم اول وسکون واو ف جانور کوف و بوم که به
نحوست اشتهار دارد تمنیق القاف بورق بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله م
بوره ف تنکاره سها گه طح ۳ ی ۳ گویندی ۲ ق مجلی مقطع منقی ملطف مفرح بلغم
خ سفیدا منی ش درحقنه یکدرم تا دو درم ص صمغ عربی ومضمضه بسرکه وشراب
ل نمک تلخ یا نمک اندرانی یا شب تمنیق الکاف بوکلک ف بضم اول وسکون ثانی
وفتح کاف ولام وسکون کاف ثانی م بن کوهی وضحک دتبرکی خیلا غوج نامند
تمنیق الکاف الفارسی بوزنک بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون
نون وکاف فارسی م بادروج تمنیق اللام بول الابل ع بفتح اول وسکون
ثانی وکسر همزه وموحده ثانی وسکون لام ثالث ف کمیز شتر خ از شتر اعرابی بول
کالبضم اول وسکون ثانی م مر تمنیق المیم بوم ف بضم اول وسکون ثانی

وسیم ... الو تمنیق النون بو بودیون یونانی بضم هر دو موحده وسکون هر دو واو
وفتح دال مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثالث ونون م بسفایج بو بزیدان بضم اول
وسکون ثانی وفتح زای معجمه وسکون تحتانی با دال مهمله والف بو بزدان وگویند
سنا ورطح ی ۳ گونیج ۳ ی اق ملطفخ سطبر تازه سفید با خطوط شکم
باد ودرم ص عسل یا خردل ل ه ودزن آن بهمن سفید یا بوزن آن وج ونیم وزن آن
ورشاد یا سورنجان بو غلصن یونانی ورومی بضم اول وسکون ثانی وفتح غین معجمه
وسکون لام وضم صاد مهمله ع لسان الثور ف گاوزبان بو قلمین بضم اول وسکون
ثانی وفتح قاف وضم لام وسکون واو ثانی ع حرباف آفتاب پرست و گرگ
بول الصبیان ع بکسر صاد مهمله مشدد وسکون موحده ثانی یا تحتانی الف ف
کمیز کودکان بو لوطیخون یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم لام وسکون واو ثانی وفتح
طاء مهمله وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وضم خاء معجمه وسکون واو ثالث ف پرسیاوشان
هه هنسراج بو بادران ف بضم اول وسکون ثانی با میم والف وفتح دال مهمله وسار مهمله
والف ثانی ربو باران بحذف دال مهمله م برنجاسف تمنیق الماء بوزنه وبوزینه
ف بضم اول وسکون ثانی وزای معجمه وفتح نون وخفای ها در لغت اول وکسر زای معجمه
وسکون تحتانی وفتح نون در لغت ثانی م میمون بوطانیه یونانی بضم اول وسکون
با طاء مهمله والف وکسر نون وفتح تحتانی وخفاء ها ف سیاه دار وتمنیق التحتانی
بوره آمنی بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وهمزه ملینه وبا وفتح همزه وسکون راء
مهمله ثانی وفتح میم وکسر نون وسکون تحتانی م بورق بول الخنزیر البری ع بفتح
اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام ثانی وکسر خاء معجمه وسکون نون وکسر
زای معجمه وسکون تحتانی وکسر راء مهمله وسکون لام ثالث وفتح موحده وکسر راء مهمله
مشدد ثانی ف شاش خوک جنگلی بولسری لا بضم اول وسکون ثانی ولام وفتح

شین معجمه وکسر رای مهمله درختیست مشهور هندیست که گل خوشبو دارد و هرچند گلش تیره
گردد بسیار بود و ثمرش بعینه ثمر کناریست و دوای عظیم در روزن الست تتمیق
الهاء وتمیق الالف بهاتناتاه بفتح اول واظهار ها والف واخفار نون با فوقانی و دوالف
ثانی ف بادنجان بهالاواه بکسر اول وسکون ثانی با لام والف دو واو ف بلادر
بهنگراه بفتح اول وسکون ثانی واخفار نون وفتح کاف فارسی ورای مهمله الف
دوای عظیم النفع ست هندی م صعیره بهیراه بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی ورای
مهمله ف بلیله ست تمیق الموحده بهارسیب بفتح اول وثانی والف وکسر رای مهمله
وسین مهمله وتحتانی مجهول وموحده ف گل سیب ق مقوی دماغ تمیق الجیم بهج
بفتح اول وسکون جیم ثانی م بوزیدان بهرامج بفتح اول وسکون ثانی بارای مهمله
والف وفتح میم م بید مشک طامع بهروج ف بکسر اول وسکون ثانی وضم رای
مهمله وواو مجهول م کند هندی ه بیجان وگویند نوعی از بلوط کبود تمیق الدال
المهمله بهاامرود بفتح همزه وسکون میم وضم رای مهمله وسکون واو ف گل امرود
مقوی دماغ تمیق الراء المهمله ف بهار بفتح اول واظهار الف ورای مهمله م بابونه
وگویند گل کهربان وگل نارنج طح ی اق مطلق خ زرد تازه شش یکمثقال ص زعفرو
ل جعده بهق الحجر ع بفتح اول وثانی وضم قاف وسکون لام وفتح حای مهمله وجیم
ع غراء الصخر ف گل سنگ وآن مانند زنگ چیزی بر سنگی نشیند بهوج پتره
بفتح اول وضم ثانی واظهار آن و واو مجهول وجیم وفتح موحده فارسی وفوقانی مشدده
م درخت هندیست که کشمیریان قشر او اوراق سازند وبدان کاغذ بر وکتابت
نمایند تمیق الزاء بهروزف بکسر اول سکون ثانی وضم رای مهمله وسکون واو وزای
معجمه ه بریجا تمیق الکاف الفارسی بهانک ه بفتح اول واظهار ثانی والف واخفار
نون وکاف فارسی م قنب تمیق اللام بهاتل ه بفتح اول واظهار ثانی والف

٧٩

دخفاء نون و فتح فوقانی هندی و سکون لام م شنج ف گل کننده بهودل ۵ بفتح
اول و ضم ثانی و اظهار آن و واو مجهول و دال مهمله هندی ع طلق ف ابرک تمنیق
النون بهمن و بهمان ف بفتح اول و سکون ثانی با راء مهمله و الف و فتح میم و
سکون نون در لغت اول با میم و الف و نون در لغت ثانی یاقوت سرخ و دغانه که
زنان بهندوی بالند و گل خشکدانه بهمن م بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم مشهور
است بهمین نام و گویند اسکندره ولایتی ست سرخ ۵ بهمن سفید ۵ اسکن طلح ی
گویند ج د ۲ ق سمن مفرح و مقوی دل خ سرخ ش یک درم ص انیسون ل تودری
و لسان العصافیر تمنیق الها بهاریه ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء مهمله
و موحده ثانی و هاء ثانی ف گل آبی مقوی دماغ بهارمه ف بفتح اول و سکون ثانی
با راء مهمله و الف و فتح میم و خفاء ها ع بهرامج م بید مشک بهروجه و بهروزه ف بکسر
اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله و واو مجهول و فتح جیم و لغت اول و زاء معجمه در لغت
ثانی و خفاء ها ۵ بریجا تمنیق التحتانی بهارنگی ۵ بفتح اول و اظهار ثانی و الف و
فتح راء مهمله و سکون نون و کسر کاف فارسی و دوای هندیست تمنیق الیاء
التحتانی و تمنیق الالف بتیس تیشا بکسر اول و سکون تحتانی و شین معجمه و کسر
فوقانی و تحتانی مجهول ثانی و شین معجمه ثانی م ماه فرنین تمنیق الفوقانی بید خشت
بکسر اول و ثانی مجهول و سکون دال مهمله و کسر خاء معجمه و سکون شین معجمه و فوقانی
ف شیرخشت بینت ۵ بکسر اول و ثانی مجهول و خفاء نون شجریست خاردار که
در هندا از چوب او چسته چابک سازند و جل بنیت نیز قسمی از وست ف غیر ان تمنیق
الخاء المعجمه بیخ مخ بکسر اول و ثانی مجهول و کسر خاء معجمه و ضم میم و سکون خاء معجمه
ثانی ۵ مهرتی بیض مسلوخ ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر ضاد معجمه و فتح میم و سکون
سین مهمله و ضم لام و سکون واو ف تخم مرغ جوشانیده یا بریان کرده

بهار ... دود و هندو و دهوان گویند خاصیت مجموع دخوان ها عفونت بود و در دوی ... نفع دا ری بود و دود دخان قوا ... قسط ... کنند و ...

٨٠

وسکون لام وفتح موحده ثانی وسکون طاء مهمله ف خایه قاز خ تازه تمیق القاف
بیض مسلوق ع بکسر ضاد معجمه وفتح میم وسکون سین مهمله وضم لام وسکون واو ف
تخم مرغ بریان کرده وجوشانیده تمیق الکاف بیخ مهک بفتح میم وسکون هاء هوز
بید مشک ف بکسر میم وسکون شین معجمه نوعی از بید است که از گل آن عرق کشند
تمیق اللام بیض الحجل ع بفتح حاء مهمله وسکون جیم ولام ف خایه کبک ف مهی
خ تازه بیل بکسر اول وثانی مجهول م بل کل ای بیل تمیق المیم بیض الحمام ع
بفتح حاء مهمله با میم والف ف تخم کبوتر ف مهی بیض النعام ع بضم نون مشدد
وفتح عین مهمله با الف ف خایه شترمرغ خ تازه تمیق المهاء بیجاده ف بکسر اول و
ثانی مجهول وجیم با الف وفتح دال مهمله م کهربا وکانی وگویند سنگریزه های سرخ رنگست
که از جواهر فرومایه باشد وبعضی گویند بیجاده پر مرغ را جذب کند بیرزه ف بکسر اول وثانی
مجهول وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه پرپیچا بیچیله بروزن بحیله ف م خرفه بیقه
بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف م بنفشه که گفته شد تمیق التحتانی بیخ چوچ
بضم جیم فارسی وسکون واو وکسر جیم ثانی ه چونگ کی جڑ که آنرا کوکان چون
را لو سیا یا می سیا بیخ چینی ف بکسر اول وثانی مجهول وکسر خاء معجمه وجیم فارسی
وسکون تحتانی ثانی وکسر نون م چوب چینی و بیخ حیات بیخ شاهدشتی ف با شین
معجمه والف وفتح نون وهمزه ملینه وفتح دال مهمله وسکون شین معجمه ثانی وکسر فوقانی
ه کنگهی کی جڑ بیخ سوٹ جنگلی ه ق مخد بیرزی ف بکسر اول وثانی مجهول وراء مهمله
وکسر زاء معجمه ه بر بیجا تو قیم الباء الفارسی وتنسیقه وتمیق الالف پاڈر ه
بموحده فارسی والف ودال مهمله هندی وراء مهمله والف ثانی گل درخت هندیست
پاڈل بموحده فارسی والف وفتح دال مهمله هندی وسکون لام پارا ه بموحده فارسی
والف وراء مهمله ف سیماب طح تمیق الفوقانی هندی پاٹ ه بموحده فارسی والف

ف ابریشم تمنیق الدال المهملة پاکهان بمیده بموحده فارسی والف وفتح کاف
واظهار ها والف ونون وکسر موحده واظهار های ثانی وتحتانی مجهول م حنظل انا
تمنیق الذال المعجمة پانیه ف بموحده فارسی وکسر نون وسکون تحتانی ع کعب الغزال
وفانیذ ه تباسه تمنیق الراء المهمله پاکره بموحده فارسی والف وفتح کاف وسکون
راء مهمله درخت هندیست که قسمی از درخت برست طب پاذهر ف بموحده فارسی
والف وواو وفتح زاء معجمه وسکون ها ف تریاک چه پاد بمعنی شوینده وپاک کننده است
و زهر ه تمنیق الکاف پاچک ف بموحده فارسی والف وفتح جیم فارسی م سرگین گاو
که خشک شده باشد یا بدست آنرا پهن ساخته باشند بجهة سوختن ه اوپلی و پتروارو
یا ضم طعام پاک ه بموحده فارسی الف وفتح لام ف اسفاناخ طب تمنیق النون
پان ه بموحده فارسی والف ف برگ تنبول طح تمنیق التحتانی پاپری ه بموحده
فارسی والف وفتح موحده فارسی ثانی وکسر راء مهمله ف تمشا طب تنسیق التاء
الفوقانی وتمنیق الالف تپت پاپڑا ه بکسر اول فارسی وسکون فوقانی وموحده
فارسی ثانی والف وموحده فارسی ثالث وراء مهمله هندی ف شاهتره طب تپتیا
ه بفتح اول فارسی وسکون فوقانی وکسر جیم وتحتانی دوای هندیست تمنیق الجیم
پترج ه بفتح اول فارسی وسکون فوقانی وفتح راء مهمله م سافج طح تنسیق الخاء
المعجمه وتمنیق الهاء پخته بفتح اول فارسی وسکون خاء معجمه وفتح فوقانی و خفاء ها
پنبه تنسیق الدال المهمله وتمنیق الکاف الفارسی پدم راگ ه بفتح اول
فارسی ودال مهمله وفتح راء مهمله والف وکاف فارسی ف یاقوت سرخ تمنیق الهاء پده ف بفتح
اول وفتح دال مهمله نام درختی ست که برند ه ع غرب تلنسیق الراء المهمله وتمنیق الدال المهمله
پرعدف بفتح اول فارسی سکون راء مهمله وفتح واو وسکون نون م امبر تمنیق الکاف پرلک
با اول فارسی نوعی از فولاد جوهردار پرسنک و پسلوک ف بکسر اول فارسی وثانی

ذهب بپارسی طلا و بهندوی سونا گویند طبیعتش ... بلغمی ضعف دل و خفقان را دفع کند و امراض سوداوی را نافع ست

٨٣

وسکون سین مهمله وضم فوقانی وسکون کاف در لغت اول وسکون واو در لغت
ثانی جانوریست که پشت و دم آن سیاه بود و سینه سفید باشد و منقارش سرخ و در
سقف خانه آشیانه دارد م فراشتنگ پروانک ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی
وفتح نون م جانوریست که پیشانیش شیر آواز کنان رود تمنیق الکاف الفارسی
پرنک ف بکسر اول فارسی وفتح رای مهمله وسکون نون م سنج که پتیل سرینک
ه بکسر اول فارسی وثانی وتحتانی مجهول وخفای نون وکاف فارسی و وای هندیست
طاب تمنیق اللام سپال ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی با موحده و الف ولام
ع لبد و سرجان م سونگا تمنیق المیم سرچیم ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی
وفتح جیم فارسی کاو قطاس ه سره کامی تمنیق النون پرا دران بفتح اول فارسی
وسکون رای مهمله و همزه وذال معجمه با رای مهمله والف جانوریست شکاری از جنس
چرغ ع زمج پچین ف بفتح اول فارسی سکون ثانی وفتح موحده فارسی ثانی و های
فرخ و رطله ه لونیا و کمول پر سیاوشان ف ع کزبرة البر ه راج هنس و کلز جاه
وسنبل که در کنا جاه حیشمها بیر و بید طح ی اگو بینه مع ح ب ق منضج لطف
مدر محلل مفتت مسهل بلغم و سودا سیاه چوب سبز ورق یا سیاه چوب سرخی مائل
منش ستاده رم تا ده درم ص مصطکی یا کتیرا ل بوزن او بنفشه یا کشنیز وزن السوس
باد و ده انک وزن آن ز وفا پزن ف بفتح اول فارسی وثانی فارسی م زغن
تمنیق الهاء پرکنه ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح کاف و نون ترکیبی
بوهای خوش م ارکجه سیچه ف بفتح اول فارسی وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح جیم
فارسی لیف خرما تمنیق التحتانی پرپی ه بضم اول فارسی وسکون ثانی وکسر موحده
وسکون تحتانی م نرسی تمنیق السین المهمله وتمنیق الالف پیستاه بکسر
اول فارسی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی ف پسته ع فستق طح ق مبهی یق الفواد

پست ف بکسر اول وسکون ثانی وفوقانی هم نیم آرد وآرد بریان کرده بزبان
ترکی تلقان خوانند تمنیق الکاف الفارسی پستان سگ ف هم پستان
ه لسوڑہ تمنیق الکاف پستنک ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون وفتح
کاف فارسی وسکون کاف ثانی ثرا تمنیق الواو پست جو بکسر اول فارسی وسکون
ثانی وکسر فوقانی وفتح جیم ف آرد جو تنسیق الشین المعجمه وتمنیق الکاف پشک
بکسر اول فارسی وسکون شین معجمه وکاف ف سرگین تمنیق اللام پشکل بکسر اول
فارسی وسکون ثانی وکسر کاف ف سرگین تنسیق الکاف وتمنیق الدال المهمله
پکند ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون ودال مهمله بزبان جنوق نان تمنیق الکاف
الفارسی پکهراک ه بضم اول فارسی وسکون ثانی واظهار ها برا مهمله الف وکاف
فارسی ف لبراق تمنیق النون پکهب انجن ه بضم اول فارسی وسکون ثانی وها
وفتح موحده فارسی ثانی وهمزه وسکون نون وفتح جیم وسکون نون ثانی دوای
هندیست جهت امراض چشم طرح تنسیق اللام وتمنیق الالف پلاس پاپڑا ه
بفتح اول فارسی ولام والف وسکون سین مهمله با موحده فارسی ثانی والف ثانی و
فتح موحده فارسی ثالث با را مهمله والف ثالث ف رنجت پلیه ه دهاک کی بیج
تمنیق السین المهمله پلاس ه بفتح اول فارسی ف پلیه ه دهاک طرح وطین
تمنیق الکاف پلستک ف بکسر اول وثانی وسکون سین مهمله وضم فوقانی هم
پستوک پلنگ مشک بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون و
کاف فارسی وکسر میم وسکون شین معجمه هم فرنجمشک ف
بالنگو خور وتمنیق اللام پلاس پیپل ه بکسر اول فارسی
با لام والف وسین مهمله وکسر موحده فارسی ثانی
وسکون تحتانی وفتح موحده فارسی ثالث ه پارس پیپل

پتیل به بکسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح فوقانی ف برنج تمنیق النون پینغن
بفتح اول فارسی و سکون تحتانی و ضم غین معجمه و سکون نون م سداب تمنیق
الواو پیلوه بکسر اول فارسی و سکون ثانی و ضم لام ع اراک پینوف بکسر اول
فارسی و سکون ثانی و ضم نون ف دوغ ترش پخته م کشک قروت تمنیق الهاء
پیچه ف بکسر اول فارسی و ثانی مجهول و فتح جیم فارسی م پیچک پیله ف بکسر اول فارسی
و ثانی مجهول و فتح لام شکوفه ابریشم تمنیق التحتانی پی ف بفتح اول و سکون تحتانی ع عصب ه نس
ترقیم التاء الفوقانی و تدنیق و تمنیق الالف تال تکهار اه بفوقانی و الف
و لام و فتح میم و کاف فا طهار ها و الف ثانی و راء مهمله و دای مشهور هند بیست تانبا
ه بفوقانی و الف و خفاء نون و موحده ف مس تمنیق الموحده تاکوب بربری
بفوقانی و ضم کاف و سکون واو م فرفیون تمنیق الفوقانی تاسمصت بربری
بفوقانی و الف و کسر سین مهمله و سکون میم و فتح صاد مهمله و سکون فوقانی ف ترشی
ترنج تاغندست بربری بفوقانی و الف و فتح غین معجمه و سکون
نون و فتح دال مهمله و سکون سین مهمله فوقانی ثانی م عاقرقرحا
تمنیق الخاء المعجمه تاخ بفوقانی و الف و سکون خاء معجمه درختی ست که چوب آنرا
هیزم سازند آتش آن از هیزمهای دیگر بیشتر ماند و آنرا تاغ نیز گویند تمنیق الدال
المهمله تارد ت بفوقانی و الف و فتح راء مهمله م کنه که بر گاو و دیگر حیوانات
چسپد تمنیق الراء المهمله تارف بسکون راء مهمله نبت شبیه به درخت خرما
که از آن آبی حاصل کنند که بانیفه در و سکر و اکثر در ملک هندوستان شود و دراز
برگ آن از هر یک سکتر بیشتر و برهمنان کتابها بران نویسند و هندوان زبان
اللسان سرمه گوش خود پاره ساخته برگ آن درخت پیچیده دران نهند تالسفیس
بفوقانی و کسر لام و سکون سین مهمله و کسر فا و سکون تحتانی و کسر سین مهمله ثانی ف

تخم سپندان ه اسپند تالیسپتره بفوقانی والف وکسر لام وسکون تحتانی و
سین مهمله وفتح موحده فارسی وفوقانی مشدده دوای هندیست تامر بفتح میم م
گل خاص تمنیق الغین المعجمه تاغ ف بفوقانی والف م درخت تاغ وتخم مرغ
تمنیق الکاف تارتنک ف بفوقانی والف وسکون راء مهمله وفوقانی ثانی و نون
ع عنکبوت تاشک ف بفوقانی والف وفتح شین معجمه م سکع زبد تافشک ف
بفوقانی والف وفتح فا وشین معجمه م دیوچه ع ارضه تارک ف بفوقانی والف واو م
خرو کاوجوانه تمنیق اللام تال ف م درخت تاړ تامول وتانبول م بفوقانی م
الف وضم میم وواو مجهول در لغة اول وسکون نون وضم موحده وسکون واو ف
برگ تنبول ه پان وناگ بیل ب ای ۲ گویند ح ای ۲ ص فوفل بکات آهک
مجموعةً ل قرنفل تاول ف بفتح واو م تاوک تمنیق النون تارین بفوقانی والف
وکسر راء مهمله وسکون تحتانی ونون وبی نون نیز آبیکه از درخت تاړ حاصل شود
وآن شربتی بود که نشا اش باد در سر آرد تمنیق الواو تاهوف بفوقانی والف وضم
هام شراب عراقی تمنیق الماء تارچوبه بفوقانی والف وراء مهمله وضم جیم فارسی واو
مجهول وفتح موحده م هلیون تالانه ف بفوقانی والف ولام الف وفتح نون لو
ازشفتالو تمنیق التحتانی تالگی ف بفوقانی والف وسکون لام وکسر کاف فارسی
م کشنیز صحرائی تنسیق الباء الموحده وتمنیق الدال تبرزد ف بفتح فوقانی و
موحده وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه نبات وشکر سفید ونوعی از نمک سخت از قسم
نمک سنگ قسمی از انگور در غایت شیرینی وصبر را نیز گویند تمنیق الراء المهمل تباشیر
ف بفتح اول وثانی والف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی م بنسلوچن تبر ع بکسر
اول وسکون موحده ف زر وطلا ه سونا تمنیق النون تبرخون ف بفتح اول وثانی
وسکون راء مهمله وضم خاء معجمه وسکون واو ع عناب وگویند چوبی ست سرخ رنگ

بسیار بخت و گران و املس که شاطران ازان چوبهٔ بستنی سازند و گویند سرخ بید گویند
تخم و گویند نوعی از تره که با طعام و نان بخورند و آنرا ترخوان و ترخون خوانند و معرب
آن طرخون تکان ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف والف ف خاره کا نتا
تمیق المهاء تبرزف بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله و فتح زاء معجمه م تبر زدتین بکسر
ع بکسر اول و سکون ثانی و نون و فتح میم و کاف مشدد م اذخر تنسیق الفوقانی
و تمیق الکاف تریک بفتح اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و کاف
م سماق تمیق المیم تمر ف بضم هر دو فوقانی م سماق تمیق التحتانی تتری
ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله م سماق تتلی بفتح و سکون ثانی و کسر لام
ه چوچی تنسیق الخاء المعجمه و تمیق الموحده تخم جاروب ف م اطریلال
تمیق الفوقانی تخم اسپست بکسر همزه و سکون سین مهمله و کسر باء فارسی و سکون
سین مهمله ثانی و فوقانی م بزر الرطبه تمیق الخاء المعجمه تخ بفتح اول و سکون
ثانی ف کسنه کنجاره ه کهل تمیق الضاد المعجمه تخم حماض بفتح حاء مهمله و میم مشدد
والف و ضاد معجمه ه چوکی کی بیج تمیق الکاف تخم ترک ف ع بزر الخرفه تمیق
اللام تخم خلنحال ف بکسر خاء معجمه و لام الف م اطریلال تخم گل ف بضم کاف
فارسی زرلفکی زردی سیاه گل تمیق المیم تخم شاهسفرم ع بزر الریحان
تمیق النون تخم سپندان ه اسبند تخم کتان کاف و فوقانی والف
السی تمیق الهاء تخم بنک دیوانه بفتح موحده و سکون نون و کسر کاف فارسی
و دال مهمله و تحتانی مجهول با واو والف و فتح نون ه خراسانی اجواین تخم بلیله
بفتح موحده فارسی و لام ه بلاس پاپڑه تخم خرفه ف بضم خاء معجمه و سکون راء مهمله
و فتح فاء ه لونیا کی بیج تمیق التحتانی تخم تیرابلی بکسر فوقانی ثانی و سکون تحتانی
و راء مهمله یا سیم و ا ت و کسر باء ف زردک ه مال کنکنی تخم شربتی ف تخمی است

وهمزه ملینه ها وکسر میم وسکون تحتانی ۸ ترمر اتمنیق الزاء المعجمه ترازف بفتح اول
وثانی والف درخت صنوبر ترىز ف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده م هندا
وخیار ویادرنگ بضم اول م ترسه تمنیق السین المهمله ترفاس بضم اول وسکو
ثانی وفا والف م کمات وسمارو خ ترسم ع بضم اول وسکون ثانی وکسر میم
باقلای مصری وشامی ۸ جما الرطح ای ۲ ق مجلی بفتح مدر مجلل خ سفید فربه گ
ش دو درم ص نمک و صعتر ل برنج کابلی وشیخ ترکی وگویند فودنج یاد و وزن
باقلا یالوبیا تمنیق الشین المعجمه ترخشن بفتح اول وسکون ثانی وکسر غین معجمه
م نوعی از زرد آلو تمنیق الفا ترف ف بفتح اول وسکون ثانی وفا کشک سیاه
و قراقروت ع سقل تمنیق الکاف تراب لما لکع بها والف وکسر لام م سم الفار
ه سنبلکها ترباب ف بضم اول سکون ثانی وفتح موحده نوعی از انگور بفتح اول
وموحده فارسی قراقروت ترترک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی ثانی مرا
مهملثانی جانوریست که درما وراء النهر وختر صوفی گویند ترتک ف بضم اول وسکون
ثانی وضم فوقانی ثانی م کبک تروک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله گ
گندم خوراک ترندنک ف بفتح اول ثانی وسکون نون فتح دال مهمله وسکون نون ثانی م ترترک ترنیا
بفتح اول وسکون ثانی وفتح تحتانی والف وکاف م بازبهر تمنیق النون ترایمان بفتح
اول وثانی والف وکسر تحتانی با میم والف ثانی ۸ هنس ترپایان یونانی بضم اول نون
ثانی باد وموحده و دالف م غافث ف ترخان بفتح اول وسکون ثانی با خاء معجمه
والف نوعی از سبزی که مانند پودنه با نان بخورند ترخون ف بفتح اول وسکون ثانی
وضم خاء معجمه وسکون واو ع بقم وعاقرقرحا ترنجان بضم اول وثانی وسکون نون
با جیم والف ف بادرنجبویه ترنجبین ف بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم وکسر موحده
وسکون تحتانی خمی ست که بر خار شتر در خراسان و بخارا و قرشی نشیند طمع ی

۹۳

بلغمش گرم و در اعتدال و در درجه ... واندکی قابض ... مشهور است که آنرا سوسن سپید خوانند و گویند روغن کنجد

ف ملین مجلی قامع صفرا خ تازه سفید که مانند خشت بندد و از نیشاپور آید پس از
هفت درم تا سی درم ص تمر هندی ل تشیر خشت و نیموزن سکنجبین با آب غوره یا نبات
یا نیموزن و خیار چنبر ترنگبین ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی ع ترنجبین هم
ف بفتح اول و ثانی م گل انگبین تریاق روستایان ف سیر لهسن تمنیق الماء تراب الشارده
ع بفتح شین معجمه مشدده والف و کسر راء مهمله ثانی و فتح دال مهمله چهار راه خاک غریبه ایست تراب الطرق الاربعه
ف خاک چار راه ه چوراهی کی مٹی تربره ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و
راء مهمله ثانی م تربک تربزه ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و فتح زاء معجمه هم
هندوانه و خیار بادرنگ ه بضم اول م ترب تربه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
موحده م تمر اقروت ترگریه ف بضم کاف فارسی م بادرنجبویه تریاق الحیه ع ف
سنگیست که در کنج چشم گاو کوهی می باشد تمنیق التحتانی تراب القی ع بفتح قاف
و سکون تحتانی م سم الفار ترهتی ه بفتح اول و سکون ثانی و ضم ها و کسر فوقانی
ه کلانه سفید تریاق ترکی م موسیائی خ اگر قدری از آن بر خون بسته بر نهند خون را
روان سازد و اگر در شیر زنند به بندد و تریاق فارسی م پادزهر تلنسیق و تمنیق الزاء
الفارسی ترف بکسر اول و سکون زاء معجمه فارسی م برگ گیاه نو بر آمده تمنیق الکاف
تروک ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی و فتح دال مهمله و سکون کاف م کرم گندم
خوار تلنسیق السین المهمله و تمنیق الکاف الفارسی ترس سگ ف بضم اول
و کسر سین مهمله و فتح سین مهمله ثانی م شابهانگ ع بنفسج الکلاب تلنسیق الشین
المعجمه و تمنیق الجیم تشمیزج ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم و سکون تحتانی
و فتح زای معجمه ف چشمک ه چاکسو طح ی خ سیاه براق فربه تمنیق الشین المعجمه
تش ف بفتح اول م آتش تمنیق النون تشتیوان یونانی بفتح اول و سکون ثانی
و کسر فوقانی و سکون تحتانی و واو و الف م لبسفایج تلنسیق الفاء و تمنیق الالف

تفسار یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله با تحتانی م تا مسیاف صمغ سداب
کوهی تمیق الفوقانی تفنتح بفتح اول وسکون ثانی م شوکران تمیق الحاء
المهمله تفاح ع بضم اول وثانی مشدده والف ف سیب شیرین مع ح ب
دا ترش ب ی ۲ مینخوش مع ح ب ق مقوی ودماغ ح حلوش از شراب ویکو قیه
عسل ل سفرجل تمیق الراء المهمله تفورف بفتح اول وضم ثانی وسکون او
م خاک ع طین تمیق الضاد المعجمه تفاح الارض ع بضم اول وثانی مشدد والف
وضم حاء مهمله م بابونه تمیق النون تفاح الجن ع بکسر جیم م یبروج تمیق الواو
تفوف بضم اول وثانی م آب دهن تمیق الهاء تفته ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح نون م پرده عنکبوت تمیق التحتانی تفاح ارمنی م خوبانی تفاح بری
م زعرور ف کیل تفاح پارسی م شفتالو تفاح مائی م ترنج تمیق القاف
تمیق الهاء تقده ع بکسر اول وسکون قاف وفتح دال مهمله ف کشنیز تقره ع بکسر
اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله م کرویا ف زیره رومی تمیق وتمیق الکاف
تک ف بفتح اول وسکون کاف گیاهیست که درمیان آب روید ودر مصر
ازان کاغذ سازند ع بردی وگویند گیاهیست که در گندم زار روید واز گیاه گندم سخت تر باشد
تمیق الهاء تکته ف بفتح اول وثانی بذر وسرگین گاو وگاومیش که بجهت هیمه خشک کنند
سوختن تمیق الکاف الفارسی تمیق الراء المهمله تگره بفتح اول وکاف فارسی طباشیر تمیق السین
تگلس ف بفتح اول وثانی فارسی خسته انگور تمیق الکاف الفارسی تگرک بفتح اول
وثانی فارسی وسکون راء مهمله ف ژاله ه اولا تمیق اللام وتمیق الکاف
تلخ خوک وتلخ خبکوک ف نام تره ایست ع ترخشقون تلخک ف گیاهیست
بغایت تلخ وگویند حنظل تلک ف بضم اول وسکون لام م لوبیا وبکسر اول
وسکون ثانی م زعرور تمیق اللام تل ه بکسر اول وسکون ثانی ف کنجد

وسکون ثانی وضم دال مهمله ع عنکبوت تمیق الهاء تنسته ف بفتح اول وثانی و
سکون سین مهمله وفتح فوقانی م بافته عنکبوت تنسیق الواو وتمیق الالف
توتیا بضم اول وسکون واو وکسر فوقانی با تحتانی والف الفاصیت بهترینش
هندیست که آنرا توتیای سبز گویند وبهندی نیلا تهوتهه وبهریا تهوتها نامند
بعد ازان کرمانی که بیاضی توتیای سفالک وبهندی کهریه گویند طب ای ۲
ل شادنج تمیق الجیم توج ف بضم اول وسکون واو م بی تویج ف بضم
اول وثانی مجهول وفتح تحتانی بیاره ایست که بر هر درخت که پیچد آنرا خشک
کند ع عشقه تمیق الدال المهمله توپال الحدید بضم اول وسکون ثانی و
موحده فارسی والف وضم لام وسکون لام ثانی وفتح حاء مهمله وکسر دال مهمله و
سکون تحتانی ف براده آهن توتیا زرد ف سنگ بصری ه کهریاق یا بیب
قیروح طب ای ۳ گویند ب ی ۲ تود ف بضم اول وسکون واو م توت
تمیق الراء المهمله تورف بضم اول وسکون ثانی گیاهیست ترش مزه م
ترشه وساگ سوکا تمیق الزاء المعجمه توتیای سبز ف نیلا تهوتهه تمیق الواو الفاء
توزف بضم اول وثانی مجهول وزاء فارسی پوست درختیست که بر کمان وتلو
تیر وجاهای دیگر امثال آن کشند تمیق السین المهمله توپال النحاس بضم
اول وتشدید نون مشدد وحاء مهمله والف وسین مهمله ف براده مس طب ی ۳ تمیق الضاد
المعجمه توت حامض ع بضم اول وسکون ثانی ف توت ترش وسیاه طب
ی ۳ گویند د گویند ی ۱ ق المین خ سیاه بزرگ ش ازرب او یکوقیه صب
جلنجبین ل اجاص تمیق الغین المعجمه توغ ف بضم اول وسکون ثانی
چیزیست که آتش آن دیر ماند م تاغ وتاج تمیق الکاف توتک ف بضم
اول وثانی مجهول وفتح فوقانی ثانی جانوریست که سخن آموزد ع طوطی

دال مهمله ف پستان ۵ چوچی و چچیاخ از حیوان معتدل تلنسیق العین المهمله
وتمنیق الموحده ثعلب ع بفتح اول وسکون عین مهمله وفتح لام وسکون موحده
ف روباه ۵ لوکهری و تو نبری تمنیق المیم ثغام ع بفتح اول وثانی والف
درمنه اسپند تلنسیق الغین المعجمه وتمنیق الواء المهمله ثغاریر ع بفتح اول
وغین معجمه والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وراء مهمله ثانی ف دستنبویه ۵ کچری
تلنسیق الفاء وتمنیق النون ثفان بضم اول وفا والف ونون ف تخم
تره تیزک ۵ هالون تلنسیق اللام وتمنیق الصلیخ ثلیخ ع بفتح اول وسکون لام
ف برق ۵ پالا طب ی تمنیق النون ثلثان بضم اول وسکون ثانی وثلثا
والف ونون ع عنب الثعلب تمنیق التحتانی ثلج چینی بفتح اول وسکون ثانی
وکسر جیم وجیم فارسی وسکون تحتانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی ف سنگ
سفید که در سرمه ها بکار می برند طب ی ق مجلی مش دو دانگ ص عملاب
سرطان بحری تلنسیق المیم وتمنیق الالف ثمرة الطرفاء ع بفتح اول و
سکون میم وراء مهمله وضم فوقانی وفتح طاء مشدده مهمله وسکون راء مهمله ثانی وفا
والف هم جبرانج وعذبه ف گز مازوه مائین طح ی اگویند ب ای ۲ ق قابض
تازه مش دو درم ص دوقو یا تخم کدو ل جوز المسهم یا نیموزن پوست انار یا آمله
تمنیق الواء المهمله ثمرة الهرج ع بفتح اول وثانی وراء مهمله وضم فوقانی وفتح
هر دو عین مهمله وسکون هر دو راء مهمله هم جوز ابیل ۵ مهوه بیر ثمرة الکبر ع بسکون
لام وفتح کاف وموحده ف کوزک طح هم گویند هم تمنیق القاف ثمرة العلیق
ع بضم عین مهمله وفتح لام وسکون تحتانی وقاف ف توت سگ طب ای ۳
تمنیق المیم ثمرة الروم بضم دال مهمله وسکون واو ومیم هم مقل مکی ۵ گوگل
تمنیق التحتانی ثمرة الشوک المصری ع ف بفتح اول وثانی وفتح راء مهمله وضم فوقانی

ودر شب روشن است پس مشابه سراج و قطرب کهور شب روشن اند کرده و گویند خاتور قطرب این گیاه را دوستی دارد

وسکون ثانی وکسر سین مهمله وسکون تحتانی ع جص ف گچ تمنیق المیم جنبه
ف بفتح اول وثانی وخفای ها م رب ترنج وامثال آن تلنسیق وتمنیق الثاء
المثلثه جبنیث ع بفتح اول وکسر مثلثه وسکون تحتانی ومثلثه ثانی ف درخت جوز خربا
تلنسیق الخاء المعجمه وتمنیق الجیم الفارسی خچ فارسی بفتح اول وسکون
خاء معجمه وجیم فارسی م شب پره کلان که مانند غلیواز می باشد وسرنگون خود را
از درختان آویزد م چو بیوار به اطر باگر تمنیق النون ججن ف بفتح اول وکسر ثانی
وسکون جیم م چاکسو تلنسیق الدال المهمله وتمنیق الموحده جدب
ع بفتح اول وسکون دال مهمله حمار النجع ف خرکره تمنیق الراء المهمله جدوار
ع بفتح اول وسکون دال مهمله وواو والف وراء مهمله م زدوار وماه فرفیون ماه پرسین کا
نرلیبی طح ی ۳ ق تریاق ومقوی ومفرح دل خ خطائی که بعد از سوده ... نماید ش
نیم درم تا نیم مثقال ص کشنیز خشک ل در تریاق سه وزن زرنباد تمنیق التحتانی جدی
ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح تحتانی ف بزغاله یعنی حلوان تلنسیق الواو المهمله
وتمنیق الالف جراسیا ع بفتح اول وثانی والف وکسر سین مهمله وتحتانی والف ف آلوبالو
جرجیر الماء بکسر هر دو جیم وتحتانی وسکون راء مهمله اول وضم راء مهمله ثانی وسکون لام میم الف وهمزه
ع قرة العین ف کرفس آبی تمنیق الموحده جرب ف بضم اول وفتح ثانی م وراج تمنیق الفوقانی
جرنوت بفتح اول وسکون ثانی وضم نون وسکون واو ف بادنجان کوهی تمنیق
المثلثه جریث ع بکسر اول وثانی مشدد وسکون تحتانی ف مارماهی تمنیق
الدال المهمله جراد ع بفتح اول وثانی والف ف ملخ ه شیری طح ی ۲ ق
در سعوق نخ ... ص خس وخیار تمنیق الراء المهمله جرار البحر ع بسکون لام
وفتح سوم وسکون حاء مهمله وراء مهمله ثانی اربیان وربیان ف ملخ دریائی
جرجیر ع بکسر هر دو جیم وسکون هر دو راء مهمله ع باقلا جرجیر ع بکسر اول وسکون ثانی

و کسر جیم ثانی و سکون تحتانی ه ترمراو گویند کف عایشه طح ی ۲ گویند س ق
بلطف مبهی خ بستانی کم صدت ش د وردم ص کاسنی و کافور خرفه و سرکه ل
خردل بارشاد تمنیق القاف جرمانق ع بکسر اول سکون ثانی و میم و فتح دال
مهمله والف و فتح نون ف کرم دانه تمنیق الکاف جرواسک ف بضم اول
و سکون ثانی و واو والف و فتح شین معجمه ع صرصره جهینگر تمنیق النون جردا
ع بفتح اول و سکون ثانی و دال مهمله والف ف سوش ه چوها تمنیق التحتانی
جر المصری ع ترس تنسیق الزاء المعجمه و تمنیق الجیم جزمازج ع بکسر اول
و سکون زاء معجمه یا میم والف و فتح زاء معجمه یا میم والف و فتح زاء معجمه ثانی ع ثمرة الطرفا
ف گزمازو ه مائین تمنیق الراء المهمله جرجیر ع بفتح اول و ثانی ف گرز و ترک
ه کاجر طح سداق منضج مبهی خ زرد شیرین ش ده درم ل شلغم تمنیق التحتانی
جزر اقلیطی و جزریری بکسر اول و راء مهمله و همزه و سکون قاف و کسر لام و سکون
تحتانی و کسر طاء مهمله و سکون تحتانی ثانی در لغت اول و فتح موحده و کسر راء مهمله ثانی
در لغت ثانی م شقاقل ف زردک دشتی تنسیق السین المهمله و تمنیق
الفوقانی جست ه بفتح اول و سکون سین مهمله ف توتیا تمنیق الدال المهمله
جساد بکسر و فتح اول و ثانی ف زعفران تمنیق الواو جسبر و دارو بفتح اول و سکون
ثانی و فتح راء مهمله و سکون واو و با دال مهمله والف و ضم راء مهمله ثانی م خولنجان
ف خسرو داره کلیجن تمنیق التحتانی جسمی بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم ف
خسک ه گوکهر و تنسیق و تمنیق الشین المعجمه جش ف بفتح اول و سکون
شین معجمه و الیست کبود که از آبگینه سازند و رنگش شبیه برنگ فیروزه باشد
تنسیق و تمنیق الصاد المهمله جص بفتح اول ف گچ طب ی
ق قابض مجفف خ سفید براق ص ستوریا ی جرب ل طین قیمولیا تنسیق العین

اندازیک ربع
وزن آن
سنگ آن
عصارهٔ آمله و
بوعلیست از
عطر دار مشک
و املهٔ ترکیب
کنند و ابوریحان
گوید که خرما
سبز نورسیده

۱۰۳

جاورش ... داشتن و ... بل ثقل ... آن جاورشهٔ وزن ... دو گویند ... قبل ...

المهمله وتمنیق المعاجده بضم اول وسکون عین مهمله وفتح دال مهمله و نون
کبیر صغیر کبیر و پراف عنبر بید گویند و صغیر و پیا البشیرازی گل ربه خوانند و گویند
نوعی از دمنه است طح ۳ ی ۲ ق منضج ملطف مدر محلل قاطع دیدان خ
شامی صغیر تازه سفید بش یکدرم ص حماما یا کزبره ل در اخراج دود وا درار
حیض پوست جوف انار تریا فرو کنج جبلی یا شیح تنسیق الغین المعجمه وتمنیق
الفوقانی جغرات بضم اول وسکون غین معجمه با را مهمله والف م ماست
ع صقراط جغشت ف بفتح اول وثانی وسکون شین معجمه تره الیست که در
ابتدای بهار بیشتر از جمیع سبزیها بر دید و آنرا با سرکه نانخورش سازند تمنیق الها
جغاره ف بفتح اول وثانی والف وفتح را مهمله وخفا ها م بیخ جغشت ن نان
ارزن تنسیق الفا وتمنیق الطاء المهمله جفت البلوط ف پوست
بیرون بلوط ط ب ی ا تمنیق الکاف جفتک ف بضم اول وسکون
ثانی وفتح فوقانی مرغیست که نر آن یک بال دارد و بر جانب دیگر قلابه بماده آن
نیز یک بال دارد و بر جانب دیگر حلقه هر گاه که فرود آیند از همدیگر جدا شوند و چرا
مشغول گردند و همین که میل پرواز کنند نر آن قلابه را در حلقه بال ماده اندازند و
باهم پرواز کنند ع لاینفک ولفتح اول فارسی وثانی طائر کاردانک تمنیق الیحتا
جفری ع بفتح وضم اول وسکون وکسر را مهمله ف کفری یعنی پوست بهار خرما بار
خ خوشبول سوربوز نیمورن پوست اناد و نیمورن کلسنج باد نبال خود و پا جلنا
تنسیق الکاف الفارسی وتمنیق المعاجگرنه ف بفتح اول وکاف فارسی و
سکون را مهمله وفتح نون وخفا ها نوعی از کلنگ که کوچک تر باشد و بر گرد
سرهای سیاه باشد که آنرا مردم بر سر گذارند تنسیق اللام وتمنیق الالف
جلماتا سریانی بفتح اول وسکون لام با میم والف مثلثه ف خیار بالنگ یعنی

۱۰۵

بادرنگ تمنیق الواو جلبوب بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون
واو م لبلاب تمنیق الدال المهمله جلدع بکسر اول وسکون ثانی ودال مهمله
ف پوست ع جمراط مع ف سنغری ربدل وجالب م خ پوست حیوان شتر خواه
ص سرکه و کرم وبار دل اکاع جلیح بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف
برف یا الاطباءی تمنیق الراء المهمله جلنار بضم اول ف گلنار ان
گل انار بری ست که بغیر از آن ثمری ندارد ب ای ۲ گویند ب ی ۳ ق قابض
خ فارسی یا مصری ش از یک نیم درم تا دو درم ص کثیرا با روغن بادام ل جهت
یا شکوفه انار یا بطراثیث تمنیق الزاء المعجمه جلوز بکسر اول وفتح ثانی وسکون واو
ف جلغوزه وگویند بادام کوهی طح ا گویند ۲ ای ا تمنیق الشین المعجمه جلیش
ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وشین معجمه ف حلبه تمنیق القاف جلباق
ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون معجمه با موحده والف ف نبح حماض بری تمنیق الکاف
جلوزک ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح نون درخت خربوزه تمنیق الکاف
الفارسی جلبهنگ بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وها وسکون نون وکاف فارسی
هم جلاهک جلنگ ف بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون هم جلونک ویلنح آبی که بهندی جهینگ گویند
تمنیق اللام جلل ع بضم اول وسکون لام ف گل کلال وبفتح اول وبهندی
آب در گویند وبفارسی پرنده ایست که چون بلبل خوش آواز بود تمنیق النون
جلجلان ع بضم اول وسکون ثانی وضم جیم ثانی ولام والف ونون ف کشنیز خشک
جلنجبین ع بضم اول وفتح ثانی وسکون نون وضم جیم وکسر موحده وسکون تحتانی
ف گلقند عسلی جلنسری بضم اول وسکون ثانی وفتح نون وسکون سین مهمله
کسر راء مهمله وسکون تحتانی ف ورد چینی جلیان بضم اول وسکون ثانی یا تحتانی
والف ونون ف غله ایست مانند عدس بشیرازی شوخوانند تمنیق الواو جلبو ف

بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو سبزیست شبیه به نعناع جلبدار
بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ودال مهمله والف وضم رای مهمله وواو خس
تمنیق المهاة جلغوزه ف بکسر اول ثانی رهی نیز نی بسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون واو
وفتح زای معجمه بادام حب الصنوبر الکبار چلکوجا بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی
ودواو مجهول با جیم ثانی والف جلنجبین سریانی بفتح اول وثانی وسکون نون وضم
جیم ثانی وسکون واو مجهول وفتح جیم ثالث وهات بوده بری جلبه بضم اول وفتح
ثانی مشدده وخفاء ها نباتی ست که در جای نمناک روید سپید و دام گلدسته تخم
برگ ندارد هم سیاه دیخ ه کهت رس وبفتح اول سرگین شتر تمنیق التحتانی جلجال
جلبشی بضم اول وسکون ثانی وضم جیم ثانی با لام ثانی والف وضم نون وسکون
لام ثالث وفتح حای مهمله وموحده وکسر شین معجمه وسکون تحتانی ف خشخاش سیاه
وگویند پوده بری ست جلجلان مصری ف بتش تنسیق المسلم وتمنیق الفوقانی
جمست ف بفتح اول ومیم وسکون سین مهمله وفوقانی سنگی بنفش ست گویند که
چون در ظرف جمست هرچند شراب خورد مستی نکند واگر پاره جمست در قدح
اندازد همین عمل کند وچون در زیر بالین نهند خواب نیکو بیند تمنیق الدال المهمله
جمدع بفتح اول وثانی وسکون دال مهمله ف تنج ه پالا تمنیق الواء المهمله جابرا
ع بفتح اول وثانی مشدده والف وضم رای مهمله وفتح نون مشدده وسکون ها ورای
مهمله ثانی صم جار النهر لبطباط جماریع بفتح اول وثانی مشدده والف ف مغز سر
درخت خرما که پنیر خرما گویند طب ی اگویند ب۲ خ تر وشیرین ص خرما
با عسل ل حاص تمنیق الواء المعجمه جمیز ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
وزای معجمه ف انجیر ادم ه گولر تمنیق اللام جمل ع بفتح اول وثانی وسکون لام
ف شتر و اونٹ تمنیق المیم جمجم بربره بکسر هر دو جیم وسکون هر دو میم

ف بیخی ست که بشقاقل ماند در رنگ و گویند که از زمین ند خیزد و انرا البسون
زرین از زمین بر کشند و در میان اهل چین عزیز دارند و گویند که از ترکستان
خیزد و معروف بود بجیم خطائی جسفرم بفتح اول وثانی وسکون سین مهمله وفتح
فا و را مهمله وسکون میم ف ریحان سلیمانی سرزنجوش یا نیمونشن شیح و نیموزن عنب الثعلب
تمنیق النون جمان بضم اول وثانی والف ونون م جلیدار ف تمنیق الواو مهمله
بفتح اول وسکون ثانی وفتح ها وضم لام وسکون واو م سنگ تمنیق الهاء جمعیره
بفتح اول وسکون ثانی وکسر عین مهمله وسکون تحتانی وفتح را مهمله خفار بلا ه
بهنگرا تمنیق التحتانی جمد چینی بفتح اول ع ثلج چینی جمهوری ع بفتح اول وسکون
ثانی وضم ها وسکون واو وکسر را مهمله تحتانی ف شراب مثلث تمنیق النون و تمنیق
الالف جنطیانا یونانی بکسر اول وسکون نون وکسر طا مهمله با تحتانی الف و نون
والف ثانی بیخ سرخ رنگ ست باندازه انگشت سطبرتر و بنام پادشاهی خوانند
که اورا شاه جنطی گفتندی لا پلپان بید و گویند درخت سنبل رومی طح ۲ ی ۳ ق
منفتح مفرح خ رومی بسیار سرخ خوشبوش نیم مثقال ص اسقولوقندریون یا ریوند
ل یک نیموزن اسارون و نیموزن پوست بیخ کبر وزراوند دحرج تمنیق الدال
المهمله جنبید بضم اول وسکون ثانی وکسر موحده وسکون تحتانی م صعتر تمنیق
الواو المهمله جناح النسر ع بفتح اول وثانی والف وضم خا معجمه و فتح نون مشدد
وسکون سین مهمله م باقلا جنجر بضم اول وسکون ثانی وضم جیم ثانی ف کشته
جند بیدستر بضم اول وسکون ثانی و دال مهمله وکسر موحده وتحتانی مجهول و فتح
دال مهمله ثانی وسکون سین مهمله و فتح ثانی ف آش بچکان و کند بیدستر و خصیه
سیوان بحری و خصیه سگ آبی لا خایه او و بلا و طح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف مدر
و خصیه بهم چسپیده ورقیق پوست که بعد از شکستن رنگش سیاه بود و در زیر

دریک درجه
معقولی با یاسمن
در نشان او
جهة فربهی
خورند سمسم
بپارسی کنجد
بهندوستان
تل گویند
وتلی نیز خوانند
گرمست

و سبکی میانه باشد و بوئیش قوی و جریش ام اشته باشد ش رابع درم تا یکدرم و گویند
یکمثقال یاد و مثقال ل وج ویکنیم وزن فلفل تمنیق الشین المعجمه جناح ابیش
ع بفتح اول و ثانی والف وضم هاء مهمله و سکون لام و کسر موحده و سکون تحتانی
هم کنکر تمنیق القاف جناح مطلق ع بضم میم و سکون طاء مهمله و فتح لام و سکون
قاف هم راسن و گویند پیلگوش تمنیق اللام جندل ع بفتح اول و سکون ثانی
و فتح دال مهمله ف سنگ و بفتح اول فارسی ف صندل سفید تمنیق النون
ع بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده و ضم دال مهمله و راء مهمله مشدد و میم مشدد و الف
و نون ف گل انار بستانی بشیرازی گلک انار گویند ه انار کی کلی جنطان بکسر اول
و سکون ثانی هم جنطیانا تمنیق الهاء جنطوریه بفتح اول و سکون ثانی و ضم طاء
مهمله و سکون واو و کسر راء مهمله و فتح تحتانی ام هام قنطوریون تمنیق الواو
تمنیق الالف ه جو آنسا بفتح اول و واو و الف و اخفاء نون با سین مهمله و الف
ثانی ف خارشتر جوز بوا بفتح اول و سکون ثانی و زاء معجمه و فتح موحده و واو و الف
ه بای بهل طح ی ق ملطف دقوی کبد و معده خ سنج فربه ش دو درم
ص عسل یا صندل ل یک نیم وزن سنبل الطیب یا بسباسه تمنیق الموحده
جوز الطیب ع بکسر طاء مهمله و سکون تحتانی هم جوز بوا تمنیق الفوقانی جوز ته
بضم اول ثانی مجهول و فوقانی کهونگهی تمنیق الجیم جوز المرج بفتح اول و سکون
ثانی و ضم زاء معجمه و سکون لام و فتح میم و راء مهمله و سکون جیم هم حب کاکنج تمنیق الراء
المهمله جوارش بضم اول و فتح ثانی والف و راء مهمله غلط است ف ذرت جوالکما
ه بفتح اول و ثانی والف و فتح کاف و اظهار ها والف ثانی هم نطرون تمنیق الزاء
المعجمه جوز ع بفتح اول و سکون ثانی و زاء معجمه ف گردگان ه اخروث طح
ی گویند ح ۲ ی اف محلل مبهی خ رقیق پوست ش مغز ... تا ده درم ص سکنجبین

۱۰۹
یا مثقال ... سنبل هندی

وفتح جیم فارسی ثانی ورار مهمله با الف ف خار واژگونه تمنیق الجیم الفارسی فی تمنیق
الالف چچینڈاه بفتح اول وکسر جیم فارسی ثانی وتحتانی مجهول وخفاء نون ودال مهمله
هندی ف سایه پرور ثمر تره هندلیست بدرازی خیار ورانده بهیات توری ناخوره
ست تمنیق الواو چچوف بضم اول وثانی فارسی لستان تنسیق الدال المهمله
وتمنیق الالف ف چدرو البضم اول فارسی ودال مهمله وسکون رار مهمله با واو والف
هم رتنی صبر تنسیق الراء المهمله وتمنیق الالف چرآتیاه بکسر اول فارسی باراء
مهمله والف وکسر تحتانی وفوقانی ع قصب النهر پیرو تمنیق الدال المهمله
چرغند ف باول فارسی ر روده گوسپند را گویند که بگوشت پر کرده باشند هم کله تمنیق الزاء المعجمه
ف چرز بفتح اول فارسی وسکون ثانی وزاء معجمه هم خبار تمنیق الشین المعجمه ف
چرش بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکسر موحده وسکون شین معجمه هم چسپیدگی
تمنیق الغین المعجمه چرغ ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی هم جانور پرنده شکاری
تمنیق الکاف چرکیب ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده وسکون کاف
هم شیر وقیماغ ه ملائی چرک ف بفتح اول وسکون ثانی مرغیست که خود را از درخت
آویزد چرزک ف بفتح اول فارسی وضم ثانی وسکون واو هم نان تمنیق اللام ع
ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون واو ع لسان الحمل تمنیق الواو
چربوف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو هم چربش تمنیق الهاء
چرآغله ف بفتح اول فارسی وثانی والف وسکون غین معجمه وفتح لام هم کرم شب تاب
چرغنده ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح غین معجمه وسکون نون وفتح دال
مهمله روده گوسفند که بگوشت پر کرده باشند هم کله تمنیق التحتانی چرونجی ه بکسر
اول فارسی وفتح ثانی وسکون واو وخفاء نون وکسر جیم ف نقل خواصه تمنیق
الزاء المعجمه وتمنیق الدال المهمله ف چرند بفتح اول فارسی وسکون ثانی جانور

چلندر ف بضم اول وکاف فارسی وسکون نون وفتح دال مهمله م چقندر تمنیق الکاف
چلک ف بفتح اول فارسی وضم ثانی فارسی م کنجشک وچلوک ف بفتح اول فارسی
وضم ثانی فارسی و واو مجهول م کنجشک خرد را نیز گویند تمنیق التحتانی چکانی ف
بفتح اول فارسی وثانی مشدد فارسی والف وکسر نون م نوعی از خربزه تلنسیق
اللام وتمنیق الکاف چالانک ف بضم اول فارسی ولام والف وفتح نون م
سرگین گردانک ع جعل تمنیق الهاء چلپاسه ف بکسر اول فارسی سکون ثانی
با موحده فارسی والف وفتح شین مهمله وخفاء ها ه سپکلی چپکلی چلپله ف بکسر اول فارسی و
سکون ثانی وکسر جیم فارسی ثانی وفتح لام م لاک پشت ه کچهوا تلنسیق المیم و
تلنسیق الشین المعجمه چمش ف بفتح اول فارسی وسکون میم م چاکسو تمنیق المیم ا
چم ف بضم اول فارسی وسکون میم م تلف انگور که شیره آن گرفته باشند وبکسر اول
چاکسو م حل بک ه سوال تلنسیق النون وتمنیق الالف چنبا ه بفتح اول
فارسی وسکون نون وموحده فارسی شجر هندیست که گلش خوشبو بوی صنوبست
وتخمی ست درمیان گل ی که مسکرست ط ب ی تمنیق الفوقانی چندر کانٹ
ه بفتح اول فارسی سکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون ا مهمله وکاف والف وخفاء
نون ثانی ع حجر القمر تمنیق الراء المهمله چندر ف بضم اول فارسی سکون ثانی و
فتح دال مهمله م چقندر چنگار ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکاف فارسی الف
م خرچنگ ع سرطان تمنیق الکاف چنبک ف بضم اول فارسی وسکون ثانی
وفتح موحده م سنگ آهن ربا ع مقناطیس تمنیق النون چندن ه بفتح اول فار
وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون لام ع صندل سفید چنگلاهی ف بفتح اول
فارسی وسکون ثانی وکاف فارسی با لام والف وکسر ها وسکون تحتانی م چلیپا نا
تلنسیق الواو وتمنیق الالف چنوره با ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح راء

فارسی وخفاء ہا وضم راء مہملہ با موحدہ والف وچوزہ لواف بضم لام با واو علیواز

تمنیق الواء المہملہ چونخوارف بضم اول فارسی وثانی مجہول وسکون موحدہ

وضم خاء معجمہ واو معدولہ والف وراء مہملہ بلوک ع ارضہ چوپورف بضم موحدہ فارسی

وواو مجہول ثانی وچوسف بضم اول فارسی وثانی مجہول م تدرو تمنیق الکاف

چوک کہ بضم اول فارسی وسکون ثانی وکاف ع حماض ودر فارسی جانوریست کہ

خودرا از شاخ درخت آویزد وحق حق میگوید تا زمانیکہ قطرۂ خون از حلق بچکد ویعنی

آلت تناسل ہم آمدہ وبواو مجہول ع اشنان چوکک ف بضم اول فارسی وسکون ثانی

وفتح کاف م طائر بوم تمنیق النون چوبین ف بضم اول فارسی وثانی مجہول وکسر

موحدہ وسکون تحتانی م طائر کاروانک تمنیق الھاء چوبیانہ ف سنجاع غبیرا

چوبینہ ف بضم اول فارسی وثانی مجہول وکسر موحدہ وسکون تحتانی وفتح نون و

خفاء ہا م چوبین تمنیق التحتانی چولائی ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی بالام والف

وکسر ہمزہ وتحتانی ف سبزی مشہور ہندیست کہ نا خورش سازند تلنسیق الھاء وتمنیق

الالف چہرہ بفتح اول فارسی واظہار ہا وکسر راء مہملہ وسکون تحتانی با راء مہملہ والف

والف م استنہ تمنیق الدال المہملہ چہیرکندہ بکسر اول فارسی واظہار ہا وسکون تحتانی

وراء مہملہ ودال ہندیست کہ قسم ثانی او کہ سفید ست بداری کش گویند تمنیق الواء

المہملہ چہرہ بفتح اول وفارسی واظہار ہا ثانی وسکون راء مہملہ ع سنبل الطیب تمنیق التحتانی

چھٹاماشی بفتح اول فارسی اظہار ہا وفوقانی ہندی والف ومیم والف ثانی وخفاء نون وکسر

سین مہملہ وتحتانی م سنبل تلنسیق التحتانی وتمنیق الالف چیتا بکسر اول فارسی

وسکون تحتانی با فوقانی والف م شیطرج تمنیق الھاء چیدہ بکسر اول فارسی سکون

وفتح دال ہندی وہاء ہندی م صنوبر صغار ترقیم الحاء المہملہ وتلنسیق

وتمنیق الالف حاشا یونانی بحاء مہملہ والف وشین معجمہ والف ثانی نوعی از پودینہ

ع بمدهمزه وسین مهمله ف تخم مورد طب ی ۲ خ بستانی فربه رسیده تازه بش
سم ودهم تا پنجدرم ص صمغ عربی ل آب ورق ان یاصعتر حب الانبرباریس ع
بفتح همزه وسکون نون وفتح موحده وسکون راء مهمله با موحده ثانی والف وکسر راء
مهمله ثانی وسکون تحتانی وسین مهمله ف زرشک حب الریباس ع بکسر راء مهمله مشدد
وسکون تحتانی با موحده ثانی والف ف تخم ریباس طب ی خ تازه ل صفرا
بستانی تمنیق الطاء المهملة حب الضراط ع بکسر ضاد معجمه مشدد وبا راء مهمله والف
وطاء مهمله م سست وماذریون تمنیق العین المهملة حب الخروع ع بکسر خاء معجمه
وسکون راء مهمله وفتح واو وسکون عین مهمله ف تخم بیدانجیر از نکی طح ش د واته قبقلسر
مغز پسته ونیموزن تخم تربز ونیموزن مغز چلغوزه حب القرع ع بفتح قاف وسکون
راء مهمله ف تخم کدو طب ۲ خ ماخوذ از کدوی که به آب شیرین پرورش
یافته باشد ش سه درم ص تخم کرفس ل کثیرا یا مغز تخم هندوانه تمنیق القاف
حب العلیق ع ف تخم توت سگ ل طعام وروغن او ب ی ۳ حبق ع بفتح
اول وثانی سکون قاف ف دنه تمنیق الکاف حب الملوک ع م ماهوانه ه جمالگوته تمنیق
اللام حب الاثل ع بفتح همزه وسکون مثلثه ولام ف گزمازج حب السفرجل ع
بفتح سین مهمله وفا وسکون راء مهمله وفتح جیم ف بهدانه ه بهی کے بیج طب د
۲ خ ماخوذ از به ترش ش دو درم ص قندل بزر قطونا حب القلقل ع بکسر
قاف وسکون هر ولام ف تخم انار دشتی طح د ۲ گویندی ق مرطب ش
دو درم ص مل یا قندل سفات وحب الصنوبر وتودری سفید وچهار دانگ
وزن آن مغز تخم خیارین ونیموزن اهل وگویند تارجیل حب النیل ع بکسر نون
وسکون تحتانی ولام ه تخم لنکاو کواوردی طح ی ۲ گویند گویند ۳ ق مسهل
بلغم خ بستانی ش از نیم درم تا یکدرم ودر مطبوخ تا هفت درم ص مالیدن

فلعسه ست که زهر مهرا حجر المقناطیس ع بکسر میم وسکون قاف وفتح نون والف
وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی وسین مهمله ف سنگ آهن ربا که چمک پتهر تمنیق الطاء المهمله
حجر السطیطاع بفتح سین مهمله مشدد وسکون طاء مهمله وکسر طاء مهمله وتحتانی وطاء مهمله ثانی ف
سنگ مرمر تمنیق الفاء حجر الخطاطیف ع بفتح خاء معجمه وطاء مهمله والف وکسر طاء مهمله ثانی و
وسکون تحتانی وفاء ف سنگ پرستوک چون بچه نخستین پرستوک در افزونی ماه
باشد شکمش بشگافی دو پاره سنگ بر آید یکی یکرنگ و دیگری برنگ مختلف
حجر الشفاف ع بفتح شین معجمه مشدد وفاء مشدد والف م حجر قیشور تمنیق القاف
حجر مشقق ع بضم میم وفتح شین معجمه وقاف مشدد وسکون قاف ثانی ف سنگیست
زرد از بلاد مغرب خیزد و تو بر تو بود چون زعفرانی زرد و ریزنده شگافته تو بر تو تمنیق
الکاف حجر الدیک ع ف سنگی ست که در شکم خروس یابند حجر الکرک بفتح کاف
وراء مهمله وسکون کاف ثانی ف سنگی ست بغایت سفید بر ساحل بحر هند بهم رسد طب
تمنیق اللام حجر الحل ع بفتح اول وسکون ثانی ولام ف کبک الاتش حجر تمنیق المیم حجر الحمام
بفتح حاء مهمله با میم والف ومیم ثانی ف سنگی ست که در کبوتر یابند حجر الدم ع
بفتح دال مهمله مشدد ف شادنج حجر الرخام ع بضم راء مهمله مشدد وثانی با خاء معجمه
والف م طین قیمولیا سنگی سفید مشهور ست و وی اقسام باشد سفید طب
وی ف قاطع نزف الدم و بدل جراحات باشد که محلل اورام و ذرور او قاطع بوا سیر
تمنیق النون حجر الزیتون ع بفتح زاء معجمه مشدد وسکون تحتانی وضم فوقانی و
سکون واو ونون م حجر الیهود حجر المسن ع بکسر میم وفتح سین مهمله وسکون نون ف سنگ فسان
تمنیق الهاء حجر الاسا کفه ع بفتح همزه با سین مهمله والف وکسر کاف وفتح فاء وخفاء ها
ف سنگی ست که کفشگران آوزار بدان تیز کنند حجر الحیه ع بفتح حاء مهمله وتحتانی
مشدد وهاء ف سنگ مار و یا زهره مار و آن معدنی ست و حیوانی

از افعی گیرند و آنرا پاد زهر و باد مهره و مار مهره خوانند و آن بلون مار بود و امتحانش
آنست که چون در آب بیندازند در حرکت آید حجر مثانه ع بفتح میم و مثلثه و الف
و فتح نون ف سنگی ست که در مثانه آدمی هم رسد ه پتهری حجر مشویه ع بفتح میم و
سکون شین معجمه و کسر واو و فتح تحتانی مشدد ف کلس و نوره ه چونه کلی تمیق التحتانی
حجر ارمنی ع بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله و فتح همزه و سکون راء مهمله ثانی و فتح میم
و کسر نون ف گل ارمنی بط ب ی ا ق سهل خ سبز مایل بسفیدی باندک کبودی
و پس از شکستن چشمهاء و مانند و میخ باشد و بعد از تر کردن بوی طفل یا بوی گل خوش
وهدش نیم درم تا نیم مثقال ص مغسول ل بلعنیم وزن حجر لازورد حجر اعرابی بفتح
همزه و سکون عین مهمله با راء مهمله ثانی و الف و کسر موحده ف ثنک سنگ بشیرازی
سنگ زخم حجر اللبنی ع بفتح لام مشدد و موحده و کسر نون ف سنگ شیرین چون
او را آب بسایند بشیر ماند حجر بحری ع بفتح موحده و سکون حاء مهمله ثانی و کسر راء مهمله
م مرجان ه مونگا و پربال حجر حبشی ع بفتح حاء مهمله ثانی و موحده و کسر شین معجمه
ف سنگیست سبز رنگ مانند یشم حجر حدیدی ع بفتح حاء مهمله ثانی و کسر دال مهمله
و سکون تحتانی و کسر دال مهمله ثانی ف خماهن ه مندل حدیدی حجر خزفی ع بفتح خاء معجمه و زاء معجمه
و کسر فاء و تحتانی ف سنگ مصریست مانند خزف وزن و داز هم بشگافد و صفایح بر یکدیگر دارد
حجر روشنائی ع بضم راء مهمله ثانی و واو مجهول و سکون شین معجمه با نون و الف و کسر
همزه م قیشیشا حجر عسلی ع ف سنگی ست که چون بسایند رطوبت وی بغایت
شیرین بود و بقوت شادنه باشد حجر قبطی ع بکسر قاف و سکون موحده و کسر طاء
مهمله ف سنگی ست مصری بغایت سست در آب زود حل شود و گاذران
مصر کتان بدان شویند حجر هندی ف نوعی از شادنه هندیست تلنسیق الدال
المهمله و تمیق الفوقانی حداث ع بضم اول م دال مهمله و الف و فوقانی ف

یاقردیانا یا تخم ترب و فوتنج تمنیق النون حرجوان یونانی بفتح اول و سکون ثانی
و فتح جیم و واو و الف م حرجل حردون سریانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم دال مهمله
و سکون واو ف حیوانی ست مانند سوسمار که بیونانی سالامندرا خوانند و از جمله
سموم قتاله ست حرز الشیاطین ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم زای معجمه و فتح شین
معجمه مشدد و یا تحتانی و الف و کسر طای مهمله و سکون تحتانی ثانی م آطریلال حرفقان
رومی بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و قاف و الف ع سم الفار تلنسیق الزای المعجمه
و تمنیق الراء المهمله خرازا الصخر ع بضم اول و فتح تیر و زای معجمه و الف و ضم زای معجمه
ثانی و فتح ضاد معجمه مشدد و سکون خای معجمه و رای المهمله ع زهر الحجر ف گل سنگ و آن
چیزیست مانند سبزی روی آب بر سنگ پیدا شود طب ی ۲ تلنسیق السین
المهمله و تمنیق الکاف خسک ع بفتح اول و سین مهمله ف خار خسک ه گوکهرو
چنکهار طب ی ۲ گویند ح ۲ گویند مع ح ب گویند ح ی ۲ ق مقوی مفتح مفتت
مقطع بستانی سبز تازه ش هفت درم تا ده درم و گویند دو درم تا بست درم بد ۲ ۱
حفنص رو غن بادام یا کتیرا و گویند ورد ل عصی الراعی تمنیق اللام حسل ع
بفتح اول و ثانی ف بچه نوزاد و ضب تلنسیق الشین المعجمه و تمنیق الالف
حشیش بزر قطونا ع ف گیاه بنگو طب سخ تازه و تر تمنیق الفوقانی
حشیش الغافث ع م برگ غافث تمنیق الجیم حشیشة الزجاج ع بضم زای
معجمه مشدد و فتح جیم و الف ف گیاه آبگینه نباتی ست که در آنها روید طب
ی ق راوع ش از عصاره او ده درم ص فوتنج ل لسان الحمل تمنیق الصاد
المهمله حشیش البرص ع بفتح موحده و رای مهمله م آطریلال تمنیق اللام
حشیفیقل ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر فا و سکون تحتانی و ضم فای ثانی م
شقاقل حشیش الطحال ع بکسر طای مشدد مهمله و حای مهمله و الف و لام م

۱۲۵

اسقولوقندریون ف زنگی ار و تمنیق الهاء خشیشه د ودیه بضم دال وسکون واو
وکسر دال مهمله ثانی و فتح تحتانی مشدد ثانی خفاریا م اسقولوقندریون تمنیق
التحتانی خشیش خراسانی ف ریشه خراسانی تلنسیق الصاد المهمله
وتمنیق الجیم حصاة الاسفنج ع بفتح اول با صاد مهمله والف وضم فوقانی
وسکون لام وکسر همزه وسکون سین مهمله وفتح فا وجیم م حجر الاسفنج تمنیق المیم
حصرم ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر را مهمله ف غوره انگوره کچی داکه ط ب ۱
ی ۳ ق قابض خ صادق المحموقه بش دوا وقیه ص انیسون وعسل یا گلنگبین
ل حماض اترج یا ریباس تمنیق الهاء حصرمیع بکسر میم وفتح تحتانی مشدده ف
نام طعامی ست تلنسیق وتمنیق الضاد المعجمه حضض ع بضم اول وفتح ضاد
معجمه وسکون ضاد معجمه ثانی ف بل ه رسوت ط مع ح ب گویند ح ۲ ب ۱ ق
محلل باندک قبض و حابس و م خ جهت ورم حلق وجهت موی هندی ص نرجس
ل فیلزهرج با فوفل و صندل مساوی یا یا میثا یا اقاقیا و زعفران تلنسیق الفا
وتمنیق الالف حفاء ع بضم اول با فا والف ممدوده م پرده ی ولوح تلسیق
اللام تمنیق الموحده حلبلاب ع بفتح اول وسکون لام وفتح موحده با لام
ثانی والف وموحده ثانی م لبلاب حلبیب ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده
وسکون تحتانی م سوتجان هندی ط ح ی ۲ گویند ۳ تمنیق المثلثه
حلتیت ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی وثلثه با فوقانی
ف انگوزه ه هینگ ط ح ی ۴ گویند ۳ ف ملطف مسهی خ مثش سفید که
زود حل شود ش نیم مثقال ص اشق وجوز بوا گویند انبر باریس ل محرور ش
که بسیار جوشانیده باشند یا جاوشیر سکبینج تمنیق الراء المهمله حلاق الشعر
ع بفتح اول ولام مشدد والف وضم قاف وفتح شین معجمه مشدد وسکون عین مهمله

ف آہک و نورہ تمنیق اللام حلاحل و حلحل بفتح اول و ثانی و الف و کسر حاء مہملہ
ثانی و سکون لام ثانی در لغت اول و بکسر ہر دو لام در لغت ثانی م پیاز بلبوس
تمنیق المیم حلمع بضم اول و ثانی مشہور کنہ قراد عنہ کہ کلی کرمی ست کہ اکثر بگوش
سگ و دیگر حیوانات می چسپد تمنیق النون حلزون بفتح اول و سکون ثانی و ضم زاء
معجمہ و سکون واو و نون ف نوعی از صدف م شنج ہ سنکھ طب ہی و خاکستر بری
اوح اق مجفف ص خواکہ قابض ل صدف تمنیق الواو حلیموع بفتح اول
و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم میم و سکون واو ف بنج حماض بری تمنیق الہاء
حلبہ ع بضم اول و سکون ثانی و فتح موحدہ و خفاء ہاء م شمینہ و شملیت ہ میتھی
طح ی آگویند سرف منضج بلین ش د دورم و در حقیقت ثابست ورم
ص روغن قسط تلخ ل بزرکتان و اکلیل الملک حلیفہ ع بضم اول و فتح ثانی
و سکون تحتانی و فتح فاء ہاء م حراف کوخر و سداب کوہی تمنیق المیم و تمنیق
الالف حماماع بفتح اول و میم و الف و میم ثانی و الف ثانی ہم مالوج طح ی ۲
گویند سرق منضج مفتح مغثی و مقوی کبد و منوم خ ارمنی و ہی خوشبو ش دورم
ص وزد ل تمام یا یاسمین خشک و گویند اشنہ و سنبل حمیرا ع بضم اول و فتح ثانی و
سکون تحتانی با راء مہملہ و الف م شنکار تمنیق الموحدہ ۸ حماض الارنب ع بکسر اول
یا میم و الف و ضم ضاد مہملہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون راء مہملہ و فتح نون
و سکون موحدہ م کشنوث تمنیق الجیم حماض الاترج بضم ہمزہ و سکون فوقانی
و ضم راء مہملہ ف ترشہ ترنج طب ی ۳ ص شراب خشخاش ل حماض لیمو تمنیق
الراء المہملہ حماض البقرع بفتح موحدہ و قاف ف حماض بری حماض نہر
بفتح نون و سکون ہاء م حماض بستانی حمرع بضم اول و سکون ثانی و راء مہملہ ف خرما ہندی
۸ انبلی حمص الامیرع بکسر اول و فتح ثانی مشدد و ضم ضاد مہملہ و سکون لام م

وزن آن قند و گویند دو وزن از حب النیل و نیم وزن ملح نفطی و نیم وزن محمود
تمنیق النون خنا مجنون بفتح میم و سکون جیم و ضم نون و سکون واو ف
وسمه یعنی ورق نیل تمنیق الهاء خناء الغولع بضم همزه و سکون لام و ضم غین
معجمه واو مجهول و فتح لام م ابوغلسا و شنکار خنطر روسیه بکسر اول و سکون ثانی
و فتح طاء مهمله و خفاء ها و ضم راء مهمله و سکون واو و کسر سین و فتح تحتانی مشدده میم
خنطروس ف کاکل و جو برهنه خنطیع ف گندم ه گیهون طح مع ن ع
ف بضم خ میان سرخ و سفید نرم بسیار قرمه تمنیق التحتانی جندقوقی ع بفتح اول
و سکون ثانی و فتح دال مهمله و ضم قاف و سکون واو و کسر قاف ثانی ر ف اندوه
قوقوه و دیه ایست و آن سبزه ایست بری طح ی ۲ گویند ۳ ق لطف مدح
بستانی ش و درم ص هندبال رطب تمنیق الواو و تمنیق الفوقانی حوت
ع بضم اول و سکون ثانی ع سمک ف ماهی ه مچهلی تمنیق الراء المهمله خورشنا
ف بضم اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و همزه و سکون شین معجمه و فتح فا و سکون
نون یا دال مهمله الف و راء مهمله ثانی م بستان افروز خومر بفتح اول و سکون ثانی و ضم
میم و سکون راء مهمله ف تمر هندی تمنیق الکاف حوک بفتح اول و سکون ثانی و کاف م بادروج
تمنیق المیم حجم بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون میم ف گلسرخ ه گلال کا پهول
تمنیق الهاء حوانه بضم اول و سکون ثانی با میم و الف و فتح نون و ها م ذو ثلاثه
اوراق و طریقین ه سنس کوهی تمنیق التحتانی خواری ع بفتح اول و ثانی
والف و کسر راء مهمله و تحتانی ف آرد گندم از حریر بیخته ه میدا حزرومی بفتح اول و سکون
ثانی و راء معجمه م جوز رومی که گویند کر با صمغ است طب ی ق مجفف ش
یکمثقال ل ولب تمنیق الیاء التحتانی و تمنیق اللام حیطل بکسر اول و سکون
تحتانی و فتح ضاد معجمه و سکون لام م حاوق تمنیق المیم العالم ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد

بدل آن ... باشد و گویند طالی ... کوهی ... بدل طین ارمنی ... آن معروف دقیق بدل آن

اول کیمیا بیمار را گویند

باب الطاء

اظفار الطیب مرقوم ظلف سم چار پایه که بشگافته باشد عرب آن را ظلف گویند هم سم نیز

وسکون لام با عین مهمله والف و فتح لام ثانی گویند نوعی از سرخ مره است و آن دو دست دواکه از جمیع دل بیرون آید و بتجربه رسیده و بزبان هندی شهدئی زرد گل است طب سه ی اف راعح بستانی ش از آب و بخیدرم ص طین ارمنی یا بود نل عصاره کاهو یا عنب الثعلب تمنیق الحاء حیح بفتح اول و ثانی مشدد و خفاء ها ف مار سانپ زناگ طح ی ۲ ق ملطف خ افعی تمنیق التحتانی حیات الموتی ع بفتح اول و ثانی والف و ضم فوقانی و سکون لام و فتح میم و سکون واو و فتح فوقانی ثانی والف مقصوره م قطران توقیم الخاء المعجمه و تلنسیق و تمنیق الالف خاراف بخاء معجمه والف و راء مهمله م سنگ سخت خامالا ف بمیم والف ثانی لام و فتح الف ثالث ممدوده م مازریون تمنیق الموحده خانق الذئب ع بخاء معجمه و بکسر نون و ضم قاف و کسر ذال معجمه مشدده و سکون تحتانی و موحده م خربق سیاه فخال تگی آن کشنده گرگ است و کتکی طح ی ۳ خانق الکلب ع بسکون لام و فتح کاف و سکون لام ثانی ف فلوس ماهی ه کچلا تمنیق الموحدة الفارسی خاسپ ف بکسر سین مهمله و سکون موحده فارسی م سیب تمنیق الفوقانی خاریشت ف بسکون راء مهمله و ضم موحده فارسی و سکون شین معجمه م قنفذ ه ساهی تمنیق الدال المهمله خادف بسکون دال مهمله م غلیواز تمنیق الراء المهمله خاشترف بکسر راء مهمله و ضم شین معجمه و فوقانی و سکون راء مهمله ثانی جنسی از خار که شتر آن را برغبت بخورد و آن را اشتر خار نیز گویند خانق النمر ع بکسر نون و ضم قاف و فتح نون ثانی مشدد و کسر میم نوعی از مازریون و آن کشنده پلنگ و گرگ و سگ و خوک است و مانند آن طح ی ۳ گویند ب ی ۲ خایه گیرف بفتح تحتانی و خفاء ها و کسر کاف فارسی و سکون تحتانی ع ریتیلا تمنیق الزاء المعجمه خایه زین ف بفتح تحتانی و خفاء ها و کسر راء مهمله و تحتانی مجهول و زاء معجمه خایکینه

خبث النحاس ع بضم نون وحاء مهمله والف وسین مهمله م توبال النحاس ف بهر س طح
ی ۳ ق قابض مجفف اکال خ بسیار تنگ ش بیدرم د الخال ص کثیرا صمغ ل ر تنج
تمنیق الصاد المهمله خبث الرصاص ع بکسر راء مهمله وصاد مهمله والف
وصاد مهمله ثانی ف ریم قلعی ط ب ی ل سفیدارزیر تمنیق الکاف خنبزدوک ف بفتح اول
وثانی وسکون زاء معجمه وضم دال مهمله وسکون واو وکاف با نوبیست شبیه
بجعل که آنرا اهل شیراز خزدوک گویند تمنیق الواو خنبزدوف بفتح اول وثانی
وسکون زاء معجمه وضم دال مهمله م خنبزدوک تمنیق الهاء خبث الفضه ع
بکسر فا وفتح ضاد معجمه مشدده وخفا بها ف چرک نقره خ سبز تنگ تمنیق التحتانی
خبازی بضم اول وثانی مفتوح والف وکسره زاء معجمه وسکون تحتانی ف نوعی
از خطمی ط ب را گویند صح ح ب ق ملین خ بری ش جهة سعال و ثقال
ل خطمی تنسیق الباء الموحدة الفارسی وتمنیق الکاف خنگ ف بفتح
اول وسوصده فارسی وسکون کاف م نان بزرگ تنسیق التاء الفوقانی و
تمنیق المیم ختفرج ف بفتح اول فوقانی وسکون فا وفتح راء مهمله م خرف
تمنیق القاف خترق بفتح اول وسکون فوقانی وفتح راء مهمله م استین تمنیق
الکاف ختم الملک ع بفتح اول سکون ثانی وضم میم وسکون لام وفتح میم ثانی
وکسر لام ثانی ف گل مختوم تنسیق الثاء المثلثه وتمنیق الراء المهمله
خثاء البقر ع بکسر خا وثاء مثلثه والف وضم همزه وسکون لام وفتح سوصده وقاف
ف سرگین گاو ه گوبر ط ح ل ق منضج محلل ش بیقیلوط تنسیق الدال المهمله
وتمنیق القاف خدرنق بفتح اول ودال مهمله وسکون راء مهمله وفتح نون وسکون
قاف ع عنکبوت تمنیق اللام خداع الرجال ع بضم اول وفتح ثانی والف
وضم عین مهمله وکسر راء مهمله مشدده با جیم والف م بزر البنج تنسیق الراء المهمله

وتحتیق الالف خرس گیاه ف بکسر اول و سکون را مهمله و سین مهمله و کسر کاف فارسی
یا تحتانی و الف نباتی ست که بیخ آن شقاقل ست خرما ف بضم اول و سکون
ثانی با میم الف که کهجور طبع رض باد ام و خشخاش و سکنجبین و کاهو تحقیق الفوقانی
خرنبت ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده م بط کلان ف قابض خرنوت ف
قسمی از توت باشد زبون و بی مزه تحقیق الجیم خرنهج بفتح اول و سکون
ثانی و فتح زای معجمه و سکون ها و فتح رای مهمله و سکون جیم ف خرزهره کنیر خرنبج ف
بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون نون م خرنگس خرد و الدیک و الدجاج
ع ف مرغ و خروس آنکیان کا بیٹ مرغی کی تحقیق الجیم الفارسی خروچ
ف بضم اول و ثانی و واو مجهول م خروس تحقیق الخاء المعجمه خرزه ملخ ف
کا اندرائن کا پہل تحقیق الدال المهمله خرادف بفتح اول و ثانی و الف م
غلیواز خرابق اسود ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون قاف کا
کٹکی طبع ی ۳ ق مسهل خ متوسط در فربهی و لاغری و گره دار مجوف و سیاه
سعد باشد که درین ریشه های باریک باشند ش نیم درم ص باد ام و کتیرا و کندش
و پوست بیخ کبر مساوی یا نیموزن ما ذریون و چهار دانگ آن غاریقون و نیموزن
ماهیزهرج یا کلیکج خرندف بفتح اول و ثانی و سکون نون گیاهی ست مانند
اشنان تحقیق الراء المهمله خرورف بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله
ف م غلیواز کا چیل خرف ع حماره گدها خرؤ الفارع بکسر اول و سکون ثانی
و ضم واو و سکون لام با فا و الف ف بشکل هوش کا چوہے کی مینگنی تحقیق
الزاء المعجمه خربوزف بضم موحده فارسی و سکون واو م شترک کلان
خربیواز ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و تحتانی مجهول با واو و الف
و زاء معجمه م شترک کلان بمقدار غلیواز که خود را سرنگون کرده از درختها بیاویزد

ہ بڑیا گڑا تمنیق الشین المعجمہ خرگوش ف بضم کاف فارسی و واو مجہول م ورق بارتنگ وارنب خرموش ف موشی ست کہ اندک از خرگوش کوچکتر بودہ گھونس تمنیق الضاد المعجمہ خربق ابیض ع گویند بیخی ست کہ پوست وی متصل ست و بیخ کبر ماند و بطعم از خربق سیاہ تلخ تر بودہ پتیس طح ی گویند ۲ ق مقی خ سفید زرد شکنند در چون بخایند لعابی ظاہر شود زرد و زبان را نگزد بعد ازان سخت بگزد و ش ورقی تمید رص مصطکی ل جوز القی ماہیزہرج خردل ابیض ع م اسفند سفید تمنیق العین المہملہ خرفع ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون عین مہملہ م ثمر درخت عشرہ آگمہ کا پھل خروالضفادع ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم واو و فتح ضاد معجمہ مشدد با فا والف و کسر دال مہملہ طحلب ف جامہ خواب یک و سبزہ سوال خروع ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح واو ف بید انجیر ہ ارنڈ طح ی ۲ ق محلل ملین خ بحری عق ودہ واتہ مقشر حب لیترا با صمغ ل تخم ترب خریع ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م حسلو و تمنیق الفا خرکوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف و سکون واو و فا یکی از بوم کہ بغایت بزرگ باشد تمنیق القاف خرفق ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون قاف ف تخم سپندان خرنق بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون ف بچہ خرگوش تمنیق الکاف خرچلوک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و ضم کاف و سکون واو و کاف ثانی م ستنبویہ کاکچری خرک ف بفتح اول و ثانی م خرباد خسک م خارک خرگوشک ف م ورق بارتنگ خرونک ف بضم اول و ثانی و سکون واو و فتح ہا م مرجان کا پیپال و مونگا تمنیق الکاف الفارسی خرچنگ ف بفتح جیم فارسی و سکون نون م پنجایہ کیکڑا تمنیق اللام خرچال ف بفتح اول و سکون ثانی با جیم فارسی

۱۳۵

تمنیق التحتانی خرامی بکسر اول و ثانی والف و کسر میم و سکون تحتانی ف گل خیری
بری طح ی ۲ ق محلل ص بنفشه ل مرزنجوش و بابونه خردل فارسی بفتح دال
مهمله و کسر لام با فا والف و را مهمله و سکون سین مهمله ف تخم سپندان خرپای هند
بضم اول و سکون ثانی والف و کسر تحتانی و با و سکون نون و کسر دال مهمله ف تمر هندی
خرنوب شامی بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون واو و کسر موحده یا سین
و کسر میم ف کسر گا ذرونی طاب ی ۲ گویند ح ق قابض خ خشک شیرین فرنج
نش پنج درم تا ده درم ص عسل ل شاه بلوط خرنوب مصری بکسر میم و سکون صاد و
مهمله و کسر را مهمله م قرظ خرنوب نبطی بفتح نون ثانی و سکون موحده و کسر طا مهمله
ب ی ۲ ق قابض خ بزرگ نش سه درم ص حرچل ل عذبه یا مازوی بی سوراخ
یا طراثیث یا قرظ خرنوب هندی بکسر ها و سکون نون و کسر دال مهمله ف خیار چنبر
خری ف بکسر اول و ثانی گلی ست زرد رنگ که میان آن سیاه باشد م خیری
و همیشه بهار خرفه بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون ها کو پنج تمنیق الفا
خرف بفتح اول و ثانی و سکون فا ه سنگری طب ی ق مجفف خ خرف سوخته
ص جلاب ل قیشور تمنیق الکاف خروک ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو
و کاف م سنگین گردان ع جعل تمنیق النون خرمیان بفتح اول و سکون ثانی
و کسر میم با تحتانی والف و نون م جند بیدستر تمنیق الهاء خرنده ف بفتح
اول و ثانی و سکون نون و فتح دال مهمله و خفا ها ع حشرات الارض تمنیق
السین المهمله و تمنیق الالف خسته خرماه گنجه تمنیق الراء المهمله خس الحمار
بفتح اول و ضم ثانی مشدد و سکون لام و کسر ها مهمله یا میم و الف و را مهمله م
شنکار تمنیق السین المهمله خس ع بفتح اول ف کاهو طب د ۳ گویند
۲ ق منوم خ تازه بستانی سبز پهن ورق نش دو مثقال ص کرفس و نعناع

ال هندبا و بفارسی جانوریست که پایهای باریک دارد و بر روی آب بدود و خسته
او شبیه بدانه جو باشد کوچکتر از جو و گویند مرغیست سفید رنگ که بزرگتر
از کلنگ باشد تمنیق الفا خستفع ع بفتح اول و ثانی و سکون قاف فت گردکان ه
اخروث تمنیق القاف خسق بکسر اول و سکون ثانی م منصف تمنیق الکاف
خسک ف بفتح اول و ثانی ع خسک ه گوکهرو بکسر اول و سکون ثانی م گل منصف
تمنیق الواو خسوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم واو مجهول م خسته خسر و دارو
بضم اول م خولنجان تمنیق الفا خسته ف م تخم میوها مانند شفتالو و خرما خسکدا
ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف با دال مهمله و الف و فتح نون م تخم منصف تمنیق
التحتانی خسرمی ف م نوعی از شراب چکیده تنسیق الشین المعجمه و تمنیق
الفوقانی خشک پشت ف لاک پشت تمنیق الراء المهمله خشکار بضم اول و
سکون شین معجمه با کاف و الف ف آردی که از وی نخاله نگرفته باشند ه بن چهنا آتا
خشیسار ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و نون با سین مهمله و الف نوعی
از مرغابی که پشت آن سیاه و میان سرش سفیدی باشد تمنیق الزاء المعجمه
خشب الشونیز ع بفتح اول و ثانی و ضم موحده و شین معجمه مشدد ثانی و واو مجهول
و کسر نون و سکون تحتانی چوب سیاه دانه گویند سیسارون تمنیق الشین
المعجمه خشخاش ع ف کوکناره جهوتر ابیض یعنی سفید بی او اسود
یعنی سیاه بی ۳ گویند ۴ گویند دخ سفید تازه فربهش از سفید او دوم
تا پنج درم و از سیاه نیم درم ص عسل یا قند یا عصاره لسان الحمل یا رازیانه ل از تخم
یا دام مقشر تمنیق الفاء خشیف ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف برف
تمنیق اللام خشل بفتح اول و ثانی م مقل تمنیق النون خشکنجبین بضم اول و سکون
ثانی و فتح کاف و سکون نون و ضم جیم و کسر موحده و سکون تحتانی م عسل خشک

وسکون ثانی ف شفتالوه الو وطب ر ۲ گویند ق قابع مروخ انجه استخوان
زود از جدا شود شش یک کف حق بخیل ر بی باہل ل شمش تمنیق الواو المهمله خوش نظر
بضم اول وثانی مجهول وسکون شین معجمه وفتح نون وظاء معجمه م کلگه وگویند سرخ
تمنیق الصاد المهمله خوص بفتح اول م ورق بقل ر ورق نخل و ورق نارگیل
را بدین نام خوانند تمنیق العین المهمله خوخ اقرع بفتح اول وسکون ثانی وکسر
خاء معجمه ثانی وفتح همزه وسکون قاف وفتح راء مهمله م سانج هندی تمنیق الکاف
خواتیم الملک ع ف گل مختوم ونیز ختم الملک گویند بحذف واو و یاء تحتانی خوزدو
ف بفتح اول وثانی وسکون زاء معجمه وضم دال مهمله و واو مجهول م غبیر دوک کم
ف بضم اول وسکون ثانی ع خزیر تمنیق اللام خوالف بفتح اول وثانی
والف م دوده که از چراغ حاصل میشود ع مرکب تمنیق النون خولان ع بفتح اول
وثانی والف ونون م حضض خولنجان بضم اول وثانی مجهول وکسر لام وسکون
نون با جیم والف که کلیجن طح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مهیج خ سرخ سطبر
کم گره ش نیم درم تا یکدرم ص کتیرا و چیزهای چرب وصندل وکافور یا ابرشیم
ل تیز نقل یا قرفه و درد گرده و قوت باه یک ثمو زن داچینی و ثمو زن ...
تریض خون سیاوشان بضم اول وسکون ثانی وکسر نون سین مهمله با تحتانی
والف وضم واو با شین معجمه والف ثانی ع دم الاخوین وگویند بقم و وجه تسمیه آنکه
چون فراسیاب سیاوش را کشت جائیکه خون او ریخته و در آنجا این نبات رسته
که هیوا وکبی تمنیق الواو خولولوف بضم اول وثانی مجهول وفتح لام وضم لام
ثانی وسکون واو ثانی رازیانه بری تمنیق الهاء خواجه گیاه بضم اول با ثانی
معدوله والف وفتح جیم فارسی وخفاء هاء وکسر کاف فارسی با تحتانی والف که
بالنا خوجه ف بضم اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی م گل بستان افروز خوخ

فوخ فلیوق استه بفتح اول و سکون ثانی و کسر خاء معجمهٔ ثانی و فتح قاف و کسر لام و
سکون تحتانی و قاف و فتح همزه و سکون سین مهمله و فتح فوقانی م قاقله خود خرد
ف بضم اول و ثانی مجهول کسر دال مهمله و ضم خاء معجمهٔ ثانی و راء مهمله و واو مجهول ثانی
اظهار ها م گل تاج خروس خوی ناه ف بضم اول و ثانی مجهول تحتانی با نون والف
و اظهار ها م خراطین تنسیق الیاء التحتانی و تمنیق الالف خیربوا بفتح اول و
سکون تحتانی و کسر راء مهمله و فتح سوحده و واو مشدده والف ع قاقله صغار تمنیق ا
خیروج بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون واو و جیم م خبازی خیشفوج
بکسر اول و سکون ثانی و شین معجمه و ضم فا و سکون واو ف بنبه دانه تمنیق الدال المهمله
خید ف بکسر اول و سکون ثانی و دال مهمله م خوید که عبارت از جو و گندم نخوید سبز
باشند تمنیق الراء المهمله خیار چنبر و خیار شنبر بکسر اول با ثانی والف و راء مهمله و فتح
جیم فارسی و سکون نون و فتح سوحده و سکون راء مهمله ثانی در لغت اول و فتح شین
معجمه در لغت ثانی ه گرمالا و املتاس و هن بهیڑا و باندر پوری و باندر لکڑی
طا مع ح ب ق محلل و ملین و مسهل صفراء خ هندی سطبر سیاه رسیده بر عسل
و فلوس و پوستش براق و رقیق باشد و در وقت استعمال از قلم بیرون آرند ش
پنج درم تا پانزده درم ص روغن بادام و مصطگی بد انیسون و عناب یا آب
ال تخمین و سه وزن آن سونبی دانه داندکی تر بد تمنیق الراء المهمله خیار ف
بکسر اول با ثانی والف و راء مهمله با در نگ ه کهیرا طب د ۲ تمنیق النون خیزران
ف بکسر اول و سکون ثانی مجهول و ضم زاء معجمه با راء مهمله والف و نون ه چوب نیب
طح د ۲ مع ی ق منفعت حصاة نش دو درم ص ع فانشل نیخ غلیق تمنیق
الواو خیار کدو ف بکسر اول با ثانی والف و کسر راء مهمله و فتح کاف و ضم دال مهمله
و سکون واو ع هندوانه ه تربوز ب د خطمی خیلوف بکسر اول با ثانی و ضم لام

اصل الفلفل بفارسی پلپلا مور و طبیعت آن گرم و خشک بود فلنجمشک و فرنجمشک زبان پارسی قرنفل بستانی دیر زبان هندی بسله و سبلی و بابری خوانند

مسطور بنفشه نارنجی آمز کتهای فوجمشت با بیک تبوش بامنر

ام خیر وخبوف بکسر اول وضم ثانی لعاب دهن تمنیق الهاء خیارزه ف بکسر اول یا ثانی الف و فتح زای معجمه وخفا رها ناگرایی طلب د تمنیق التحتانی خیزران بکسر اول و ثانی مجهول و فتح زا و رای مهمله والف و کسر نون و فتح موحده و لام و کسر دال مهمله و سکون تحتانی ثانی ف خو و صحرائی خیری ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر رای مهمله نام گلی ست زرد رنگ که میان آن سیاه باشد و آنرا همیشه بهار نیز گویند ترقیم الدال المهمله و تلسیق الالف و تمنیق الدال المهمله دار و بدال مهمله والف و فتح رای مهمله و سکون دال مهمله ثانی دا اسکنده تمنیق الراء المهمله و آبیرف بضم موحده و سکون رای مهمله مرغیست سبز رنگ که منقار درختان را سوراخ کند و آنرا بشیرازی نمک و بگیلانی دارکوب گویند دشخار ف بسکون شین معجمه با خای معجمه والف ع خبث الحدید و آغ سرف بسکون غین و فتح سین مهمله جانوریست که در میان سران جند سرخ باشد و مانند بلبل و هم سرخ خوش آواز بود تمنیق الزاء المعجمه دالپوزف بسکون لام و ضم موحده فارسی و واو مجهول و زای معجمه م فرا ستروک تمنیق السین المهمله داس ف بسکون سین مهمله م سلاب و استخوان ماهی تمنیق الصاد المهمله دارصعوص یع ارصعو بکسر رای مهمله و فتح صاد مهمله و ضم عین مهمله و سکون واو و صاد مهمله ثانی در لغت اول و فتح میم و سکون نون و ضم صاد مهمله و سکون واو در لغت ثانی م دارچینی تمنیق الکاف دارمک بکسر رای مهمله و فتح میم و سکون کاف م نوعی از مرغ تمنیق اللام دار فلفل بکسر رای مهمله و فا و سکون لام و کسر فای ثانی و سکون لام ثانی ف فلفل دراز پیپل طح ی ۳ ق ملطف منشی خ سبزی که بطعم فلفل بود ش تیدر ص صمغ عربی یا صندل و گلاب ل زنجبیل یا زرنباد یا فلفل دار نهال ف بکسر رای مهمله با نون و ها والف درخت انجم دار شخال بسکون شین معجمه با خا و الف و لام ع خبث الحدید دار ولی بفتح واو ف روغن کتان تمنیق المیم دارم بفتح رای مهمله

وسکون میم ف انار تمنیق النون داتون کا بفتح فوقانی وسکون واو ونون ف
بیخ حب السلاطین م جمال گوٹے کی جڑ دا پرنیان ف بکسر راء مہملہ وفتح موحدہ فارسی
وسکون راء مہملہ ثانی وکسر نون با تحتانی والف ف چوب بقم دا پشیشعان بکسر
راء مہملہ وشین معجمہ وسکون تحتانی وفتح شین معجمہ ثانی عین مہملہ والف ثانی کا گیلا
طح ای ۲ ق قابض خ گران سرخی مائل خوشبو سطبر اندکی تلخ ش یکدرم تا دودرم
ص دو قوبا از یانہ ل اسارون یا اتمرۃ الطرفا یا چہار دانگ وزن آن زرا وندو
نیموزن آن در پنج یار ایک سعد دا پرقن بکسر راء مہملہ وفتح قاف ف شقتا لو تمنیق
الفاء دا پرزہ ف بفتح موحدہ فارسی سکون راء مہملہ وفتح زاء معجمہ پنفشا ہام
فرانسترو ک دا رکیسہ بکسر راء مہملہ وکاف وسکون تحتانی وفتح سین مہملہ م ببا
وگویند حلا کیسفرو ا کہ ہ بفتح کاف وانظار ہاع عنب ف انگور دا لپوزہ ف
بسکون لام وضم موحدہ فارسی وواو مجہول وفتح زاء معجمہ م فرانسترو ک تمنیق
التحتانی دا دروی بکسر دال مہملہ ثانی وتحتانی وضم راء مہملہ وسکون واو وکسر میم و
سکون تحتانی ثانی م ہو فاریقون دا پوی ف بسکون راء مہملہ وضم موحدہ
وواو مجہول ع عود دا چینی ع بکسر راء مہملہ وصاد مہملہ وسکون تحتانی وکسر نون ہ
دال چینی طح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف مفتح سدہ مقوی ل وکبد ومعدہ ومہی خ
سیلانی خوشبو سرخ تیز طعم شیرینی آمیز ش یکدرم ص اسارون ل پوست سلیخہ و...
کبابہ یا ابہل یا زرنب یا خولنجان تلنسیق الباء الموحدۃ وتمنیق کالالف وباء بضم
اول با موحدہ مشدد والف ف کدو تمنیق الموحدہ وبب بضم اول باثانی والف
وموحدہ ثانی م سنبل سنبر تمنیق الواء المہملہ وبودار بفتح اول وضم ثانی وسکون او
بادال مہملہ ثانی والف وراء مہملہ م تمنیق السین المہملہ دلبس ع بکسر اول
وسکون ثانی وسین مہملہ ف روشنا یا کی طح رخ بصری آتش ندیدہ کہ

از رطب فاسد گرفته باشند ص بادام وکاهو وخشخاش وسکنجبین تمنیق القاف
دبق بکسر اول وسکون ثانی وقاف م سوینج عسلی طح ۲ ی ۳ ق محلل ملین
نخ تازه املس که درونش کراثی وبیرونش سیاه سرخی مائل ص زرنباد نیمون
عاقرقرحا وچهار دانگ زن آن جوز السرو نیموزن آن اهل تمنیق اللام
دبول بفتح اول وضم ثانی وسکون واو ولام ف روغن کتان
تمنیق الفا دباله ف بفتح اول وثانی والف وفتح لام دخفا ربام
ترنج وبله بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام ف بار درخت کر بیره
تثنیث تلنسیق وتمنیق الجیم دجاج ع بضم اول باجیم والف وجیم ثانی
ف ماکیان کوکڑی وبزبان شاهجهان اباد مرغی طمعح ق گوشت او
سنگدی مقوی باغ نخ آنکه بیضه نهاده باشد ص نان پاک ل دراج دج ع بفتح
اول ف مرغ بری کالطیخام بزبان دهلی مرغا تمنیق الراء المهمله وجرع بفتح اول
وکسر ثانی ف لوبیا تلنسیق الخاء المعجمه وتمنیق الالف دخسیسا بضم
اول وسکون خاء معجمه وکسر سین مهمله وسکون تحتانی با سین مهمله ثانی والف ف
روغن بلسان تمنیق الخاء المعجمه دخ ف بضم اول وسکون خاء معجمه گیاهیست
که از سیان آب بروید واز ان حصیر بافند م لوخ تمنیق السلیم دخت مریم بالضم
اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وفتح میم وسکون راء مهمله وفتح تحتانی وسکون میم
ثانی ف پوست درخت سنبهالو یعنی چهال سنبهالو کی تمنیق النون دخان ع بضم
اول با ثانی والف ونون ف دود دهوان طح ی ق ملطف مجفف ص
شراب خشخاس دخن ع بضم اول وسکون ثانی ف ارزن که چینا طب ی
گویند ۳ گو ینج ص قند مصطگی ل برنج تلنسیق وتمنیق الدال المهمله
دد ف بفتح اول وسکون دال مهمله ثانی م جانوران درنده چون شیر وببر وگرگ

وسکون شین معجمه م نوعی از خیار که آنرا کلونده و دشتی نیز گویند تمنیق العین
المهمله درجع ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون عین مهمله ف
شاخل کاه ارهر تمنیق الفاء درخیف ف بضم اول وسکون ثانی وضم خاء معجمه
م زنبور سیاه تمنیق اللام دراز دنبال بفتح اول وثانی والف وزاء معجمه وضم
دال مهمله وسکون نون با موحده والف ثانی ولام ف گاوگاو میش دردی الخل
ع بضم اول وسکون راء مهمله وکسر دال مهمله ثانی وضم تحتانی مشدد وسکون لام
وفتح خاء معجمه ف دردی سرکه طح هی ق مجفف نخ کهنه ص دغن گل ل
شب باسرکه یا شراب تمنیق المیم درازدم ف بفتح اول وثانی والف وزاء معجمه
وضم دال مهمله ثانی وسکون میم ف م سگ کلته تمنیق النون درخت گلچگان
ف بفتح اول وثانی وسکون خاء معجمه وکسر فوقانی وضم کاف فارسی وسکون
لام وفتح جیم فارسی با کاف الف ونون ه درخت مهوا دردن بفتح اول وثانی وسکون نون
م نوالوا جوبک تمنیق الفا درخت سبنه ف بضم سین مهمله وسکون نون و
فتح موحده وخفاء ها جانوریست که درخت را سوراخ کند و سبز رنگ باشد م
سبزک کلنا س دردده ف بضم اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله ثانی هم دردی
شراب وآب وروغن وامثال آن درگاله و درگلاله ف بفتح اول وسکون
ثانی با کاف فارسی والف وفتح لام در لغت اول م ضم کاف فارسی با لام والف
وفتح لام ثانی ودر لغت ثانی م بیخ درمنه ف بفتح اول وثانی وسکون میم وفتح نون
وخفاء ها جوهری اجوابن درونه ف بفتح اول م ضم ثانی وواو مجهول وفتح نون
گیاهی ست که شبیه بگژدم باشد م درونج عقربی دره ف بفتح اول وثانی مشدد
ومخفف وم شکینه تمنیق التحتانی درونج عقربی ع بفتح اول وضم ثانی وسکون
واو وفتح نون وسکون جیم وفتح عین مهمله وسکون قاف وفتح راء مهمله بوکسر موحده

١٤٩

وسکون تحتانی ه اتوس طح ی ٣ ق ملطف ومفرح ومقوی ول خ رومی مثـ
نیمدرم تا یکدرم ص بازیانه یا نشاسته ل زرنبا دو دانگ وزن آن قرنفل ف
گویند عاقرقرحا دو وزن سورنجان دری ف بفتح اول و کسر ثانی هم نوعی از
کبک تلنسیق وتمنیق السین المهمله دس ف بضم اول وسکون سین مهمله
هم گل بخته تمنیق الهاء وستنبویه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون
نون وضم موحده و واو مجهول وفتح تحتانی وخفا ها ع شمام ه کچری تلنسیق ا
المعجمه وتمنیق الراء المهمله دشمرف بفتح اول وسکون شین معجمه وفتح میم
وسکون راء مهمله م شاخل ع درج ه ارہر تمنیق التحتانی دستی ف بضم اول
وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی هم زلوه جونک تلنسیق الفا وتمنیق
الراء المهمله دفار بفتح اول فا والف وراء مهمله ه گنوار تمنیق التحتانی دفلی ع
بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی ف خرزهره ه کنیر طح ی ٣ ق
محلل خ سطبر بزرگ ورق بسیار تلخ سرخ گل سخت شربش نیم درم تلنسیق القاف
وتمنیق النون دقطا نافون بفتح اول وسکون قاف با طاء مهمله والف ومیم
والف ثانی وضم نون وسکون واو ونون هم مشک طرامشیع تلنسیق اللام و
تمنیق الموحده دل آشوب ف بکسر اول وسکون لام وبهمزه وضم شین معجمه
وسکون واو وموحده م پنج انگشت ه سبنهالو دلب ع بضم اول وسکون ثانی
ف درخت چنار طح جوز و پوست اوی اگویند ب ا وچوب اوب دق
مجفف خ تازه ص عود یا دارچینی ل قشور رمان تمنیق المثلثه دلبوث
بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو ومثلثه ف نوعی از سوسن بر
تمنیق السین المهمله دلینس بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر وفتح
نون وسکون سین مهمله ف نوعی از صدف کوچک تمنیق العین المهمله دلاع

قرط
بکسر قاف
نوعی از کراث
ای گندنا و
بفتح اول و
ثانی ترکیب
و آن ثمر درخت
خار دار است
اقاقیا عصاره
او است قرع

ع بضم اول با ثانی مشدد و الف و عین مهمله ف هندوانه تمنیق الکاف دلک
ف بفتح اول و ثانی و میم و سکون کاف هم پنیر تر و لیک بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی ف ثمر گل چون گل بریزد و آن ثمر حاصل شود تمنیق الکاف الفارسی لنگ
ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و کاف فارسی هم غلاف خوشهٔ خرما تمنیق اللام
ولدال بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله ثانی و الف و لام ف خارپشت ...
تمنیق النون دلفین بضم اول و فتح ثانی و کسر فا و سکون تحتانی و نون ف ماهی
بزرگ سیاه رنگ که سرش بخوک ماند ع خنزیر البحر ف خوک ماهی تمنیق الهاء لمه
ف بفتح اول و ثانی و میم و خفاء ها هم پنیر تر دله ف بفتح اول و ثانی هم گربهٔ صحرائی
و بکسر اول هم دل تمنیق المیم و تمنیق الجیم دم الدجاج ع بفتح اول و ضم
میم مشدد و دال مهمله مشدد و ثانی با جیم و الف و جیم ثانی ف خون ماکیان خ ماخوذ
از طایر سلیم تمنیق السین المهمله دم التیس ع بفتح اول و ضم میم مشدد و کسر فوقانی
مشدده و سکون تحتانی و سین مهمله ف خون بز کوهی خ ماخوذ از بز کوهی چهار ساله
در وقتیکه انگور رنگ گیرد حلقش ببرند و خون اول و آخر بگیرند و آنچه متوسط باشد
بستانند و در دیگ سنگین کنند تا سر شود پس قرصها ساخته خشک سازند و از غبار
محافظت نمایند و در جای نمناک ننهند تمنیق العین المهمله دم الضفدع ع
بفتح اول و ثانی مشدد و فتح ضاد معجمه مشدد و سکون فا و فتح دال مهمله ثانی و سکون
عین مهمله ف خون غوک خ از ضفدع زرد و سبز تمنیق الغین المعجمه دماغ ع
بکسر اول با ثانی و الف و غین معجمه ف مغز سر ط بیجا ط ب ر ق ملین و مقوی
دماغ و بهی خصوصا مغز سر دماغ کنجشک و بره بسیار بهی است خ ماخوذ از مرغهای کوهی
و از مواشی مغز بره و گوساله ص پودنه و فلفل و خردل و دارچینی و سرکه ل مغز ساق
تمنیق القاف دسق ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله و سکون قاف

ف ابریشم سفید تمنیق المیم و بادم بفتح اول و ثانی والف و فتح دال مهمله ثانی و
سکون میم ثانی ع حجر الدم و دم الحمام ع بسکون لام و فتح حاء مهمله با میم ثانی والف
و میم ثالث ف خون کبوتر خ خون طائر سلیم دم ع بفتح اول و سکون ثانی ف
خون ه لوهو طح رق مغذی ص نانخواه ل جگر تمنیق النون دم الاخوین ع
بسکون لام و فتح همزه و خاء معجمه و واو و سکون تحتانی و نون ف خون سیاوشان
ه هیرادکهی و گویند بقم طاب ۲ ی ۲ گویند ح ا ی ۲ ق قابض طبع مجفف حابس
دم و بدل خ چکیده صافی که اصلا چوب و ریگ نباشد ش نیمدرم ص صمغ عربی کتیرا
یا پودینه ل عصاره او یا خس الحمار یا اقاقیا دم الانسان ع بفتح اول و ضم ثانی
مشدد و سکون لام و کسر همزه و سکون نون با سین مهمله الف ف خون آدمی
دم الثعبان ع بضم مثلثه مشدد و سکون عین مهمله با موحده الف م دم الاخوین
تمنیق الهاء دسه ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله و خفاء ها م ابریشم
سفید ع دمسق دمسیجه ف بضم اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله و سکون تحتانی
و فتح جیم فارسی م کازرک ع صعوه ه ممولا تلنسیق النون و تمنیق الدال المهمله
دند ف بفتح اول و سکون نون و دال مهمله ثانی م با تو ع حب السلاطین ه جمال گوٹا
طح ی به ق مسهل خ چینی بعد از و سنجری بعد از و هندی ش یکینم حبه تا دو حبه
گویند دو دانگ تا نیمدرم ص نشاسته و بضم اول ف نوعی از زنبور تمنیق الراء
المهمله دنقر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون راء مهمله ف شوره ه
باجی طح ی تمنیق الهاء دنه بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و خفاء ها ف
یاسمین ه چنبیلی تلنسیق الواو و تمنیق الالف دوبا ف بضم اول مهمله واو مجهول
با موحده فارسی والف کرم سرخیست که در درخت بلوط یابند و بآن ابریشم امثال
آن رنگ کنند تمنیق الهاء المهمله دوباره ح بضم اول و ثانی مجهول با موحده

والف وضم راء مهمله وسکون واو ثانی وحاء مهمله کالنج تمنیق الخاء المعجمه دو خ ف
بضم اول وسکون ثانی وخاء معجمه مر لخ دو خ تمنیق الراء المهمله دو والحریع
بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله ثانی وسکون لام وفتح هاء مهمله وکسر راء مهمله
وسکون تحتانی وراء مهمله ثانی ف کرم ابریشم دو سر بضم اول وثانی مجهول وفتح
سین مهمله م کاکل جو برهنه وگندم صحرائی طح رای ۲ گویندب ق مسهل
خ سیاه ش دو ورص کثیر ابقل ل تموزن حب النیل تمنیق الزاء المعجمه
دو والقرمزع بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله ثانی وسکون لام وکسر قاف
وسکون راء مهمله وکسر میم وسکون زاء معجمه ف کرم ابریشم سرخ طب ی تمنیق
الصاد المهمله دو صع بضم اول وسکون ثانی وصاد مهمله ف آبی ست که آنرا
تا فته در دو انداز ند دو قص بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف ع لصل تمنیق الغین
المعجمه دو غ ف بضم اول وسکون ثانی مجهول وغین معجمه چپاچه تمنیق الکاف
دو الک ف بضم اول با ثانی والف وفتح لام وسکون کاف ع اشنه که چرلیلا
دو لک بضم اول با ثانی والف وفتح لام ف فلغلمویه تمنیق اللام دو کل ف
بضم اول با ثانی والف ولام م زهر و بعضی گویند البیسر ف پوست بیخ زیتون بال
ف بضم اول وثانی مجهول با موحده والف ولام م زهر دو دیل ف بضم اول
وکسر ثانی وتحتانی مجهول م ابریشم کنده که از پیله حاصل شود که دو کتاع دیبای
او باشد تمنیق المیم دو مع بضم اول وسکون ثانی ومیم م درخت مقل تمنیق
الواو دو قوع بضم اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون واو ف تخم جزبری
کیخ وی شقاقل ست وگیاه وی خرس گیاه کالالا کاطح ۳ ی اف منفج ملطف
خ تازه زر وش بکدرص تخم سورد یا بلوط یا مصطکی یا طباشیر بدل دو وزن تخم گندنا
یا دو وزن تخم کرفس ویا نخواه تمنیق الهاء دو الهیع بفتح اول وثانی والف ضم

بجوشانند تا بروغن آید در ظرف آبگینه نگاه دارند و گویند که زیر بهر چیش نشتر نگاه
نزدیک تنگافش شیشه آویزند که در و بچکد طح ی ۲ گویند ۳ دهن السوسن بضم سین
مهمله مشدده و واو مجهول و فتح سین مهمله ثانی م روغن سوسن ل روغن خانه دهن النسرین
بفتح نون مشدد و سکون سین مهمله و کسر راء مهمله و سکون تحتانی م روغن نسرین ل
روغن بادام دهن بضم اول و سکون ثانی ف روغن طح دق ملین تنخ تازه تمنیق
الماذهان ف بفتح اول و اظهار ثانی و الف و فتح نون و خفا ها و بی بالف نیز م زنجا
نوعیست سبز رنگ و تلخ و از کان بر حاصل شود ع دقیح دهن الانجره ف بسکون
لام و فتح همزه و سکون نون و کسر جیم و فتح راء مهمله ف روغن گزنه ل روغن خسکدانه
تمنیق التحتانی دهاتکی ه بفتح اول و اظهار ثانی و الف و فوقانی و کسر کاف و سکون
تحتانی م گل دهاوی دهن الخیری بکسر خاء معجمه و سکون تحتانی و کسر راء مهمله ف
روغن خیری ل روغن حنا دهن السوالی بکسر سین مهمله مشدد با واو و الف و کسر لام
ف روغن کتان دهن العسلی بفتح عین مهمله و سین مهمله و کسر لام م او یالی تمنیق التحتانی
و تمنیق الالف دیاقوده یونانی بفتح اول و کسره آن با تحتانی و الف و ضم قاف
و سکون واو با دال مهمله و الف ثانی ف شراب خشخاش که با پوست پزند دیو پا
ف بکسر اول و ثانی مجهول ع واو با بموحده فارسی ع عنکبوت و گیاهی ست که بعربی
آنرا جند قوقی خوانند تمنیق الفوقانی دیواپسیست بکسر اول و ثانی مجهول واو
مجهول و کسر همزه و سکون سین مهمله و کسر موحده فارسی سکون سین مهمله ثانی و فوقانی
م جند قوقی تمنیق الراء المهمله دینار بکسر اول و سکون ثانی با نون ع الف ر
مهمله م تخم کشوث دیودار بکسر اول و تحتانی مجهول و واو مجهول با دال مهمله ثانی ع
الف و بیدار ست و آن صنوبر هندی ست ف درخت ناژو چند طح ی
تمنیق السین المهمله دیفروجس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و راء مهمله

وبوحده مشدد والف ثانی وفوقانی هم زعرور ذو ثلاث شوکات ع بفتح شین معجمه وسکون واو با کاف والف ثانی هم شکاعا تمنیق العین المهمله ذو خمسة اصابع ع ف پنجنگشت تمنیق القاف ذو خمسة اوراق ع بفتح همزه وسکون واو با را مهمله والف ثانی وقاف ف پنجنگشت تنسیق الهاء وتمنیق الموصله ذهب ع بفتح اول وها ف زر ه سونا طح مع ق ورقش مقوی دل ش یک قیراط ص عسل وبشک تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق الموصله ذئب ع بکسر اول وسکون تحتانی وموحده ف گرگ ه بهیڑیا تمنیق النون ذبان ع بکسر اول وسکون ثانی با فا والف ونون ف زهر قاتل تنقیه الراء المهمله وتنسیق الواو تمنیق الالف راتیانج یونانی برا مهمله والف ونون والف ثانی ف انار را دو سکون واو با را مهمله ثانی هم خار پشت تمنیق الجیم راتینج رومی بکسر فوقانی وسکون تحتانی فتح نون وسکون جیم هم صمغ درخت صنوبر ف زنگباری طح ی ۲ ق منبت اللحم مجلی قروح خ سفید زردی مایل کبهوی صنوبر ما زص اسفیداج رونگل ل قند وعلک البطم بازفت کهن راتیانج ع برا مهمله والف وسکون زا معجمه با تحتانی والف ثانی فتح نون هم رازیانه ف بادیان ه سولف طح ی ا ق منفتح مدر مفتت خ بستانی ش از پوست او یک مثقال تا دو درم ص صندل وکافور بازعرور دل تخم کرفس راسن ع بفتح نون ف نارکیل تمنیق الحاء المهمله راح ع بسکون ها مهمله ف شراب تمنیق الدال المهمله راوند ع بفتح اول والف وفتح واو وسکون نون ودال مهمله فنیج ریباس هم ریونده ریون چینی طح گویند صح گویند ح ۳ ی ا گویند ح ی ۲ ق مقوی خ چینی که بعد از سحق زعفرانی شود وبعد از شکستن رنگش بگونهای گاو ماند وبعضی تنها راوند لحمی میخوانند وبانند سم اسپ باشد که اصلا سوراخی درو نباشد ش نیم درم تا دو درم وگویند دانگی تا یکدرم ص صمغ عربی یا ماء الهندبا

بکسر اول و سکون ثانی و فتح لام و خفاء ہاف نورکہ م بقلۃ الحمقا و بفتح اول ف
سمار و غ تلنسیق و تمنیق الخاء المعجمہ رخ ف بضم اول و سکون ثانی بجمہ جانوریست
مشہور کہ مانند عنقا وجود خارجی ندارد چنانچہ در شطرنج مہرۂ بنام او موسوم ست
تمنیق المیم رخام ع بضم اول و فتح ثانی و الف و میم ف سنگی ست سفید طب ی
گویند ح ف مجلی خ سفید ص روغن گل ل شاخ ایل سوختہ تمنیق النون رچپین ف بضم
اول و سکون ثانی و کسر موحدہ فارسی و سکون تحتانی و نون م قرت طح ی ۲
گویند بمعنی دو غ تمنیق الهاء رخمہ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و خفاء ہاف م ع
مردار خوار دخنہ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م کاغذ رضینہ بفتح اول و کسر ثانی
و سکون تحتانی و فتح نون م ریگباری تلنسیق الدال المهملہ و تمنیق الواو رنجو
بفتح اول و دال مہملہ و سکون نون و ضم جیم و سکون واو ف کرم دیوک ع ارضہ تمنیق الهاء
روہلا بکسر اول و فتح ثانی مشدد و مد انظار ہا و دوای ہندیست تلنسیق و تمنیق الراء رجم
رزرف بفتح اول و سکون زاء معجمہ م بیارہ انگور و انگور و زبر را نیز گویند تمنیق الهاء
رزرہ ف بفتح اول و ثانی و خفاء ہا م عنب الثعلب کاکو تلنسیق السین المهملہ
و تمنیق الفوقانی رسوت ہ بفتح اول و سکون سین مہملہ و فتح واو و سکون فوقانی
داروی ہندیست کہ در امراض چشم بکار دارند م حضض تمنیق السین المهملہ
رس ف بفتح اول و سکون سین مہملہ م طلا و نقرہ و مس و آہن و سیماب و دیگر فلزات
گشتہ تمنیق الهاء رستہ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شیرینی ست
شبیہ بقیر و ت ع کعب الغزال ہ بتاشا تلنسیق الشین المعجمہ و تمنیق الفوقانی
رشت ف بفتح اول و سکون شین معجمہ و فوقانی م خاک تمنیق الدال المهملہ رشاد
ع بفتح اول و ثانی م ترہ تیزک طح ی ۲ منضج محلل خ سنر بستانی بش د و مثقال
ص ہند با و تخم کرفس ل حجر تمنیق الشین المعجمہ رش ف بفتح اول و سکون

ثانی م قسمی از غربا که بالبیده وسیاه رنگ بود ونوعی از انجیر وسیماب تمنیق الکاف رتیلا
ف بضم اول وسکون ثانی وکاف ع عقرب ه بچهو تمنیق الهاء رشینه بفتح اول وکسر
ثانی وسکون تحتانی وفتح نون م زنگباری تلنسیق وتمنیق الصاد المهمله
رصاص ع بکسر اول وفتح صاد مهمله والف وصاد مهمله ثانی ف قلعی وارزیز ه رانگا
ورانگ طب ل ۲ گویندی ق سوخته او مندمل خ انچه نرم تر باشد ل اثم تلنسیق
الطاء المهمله وتمنیق الموحده رطب ع بضم اول وفتح ثانی ف خرما تر ه
پند کهجور طح ۲ داخ چینی ص بادام وخشخاش باوی خوردن وبعد از ان مغز کا
یا خیار بسرکه یا سکنجبین خوردن تمنیق الهاء رطبع بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده
ف اسپست تر طح د ق منضج خ سبز تازه ص خرنوب ل جبند قوقی تلنسیق العین
المهمله وتمنیق الدال المهمله رعادع بضم اول با عین مهمله والف ودال مهمله م
حیوانی ست دریائی ف ماهی رعاده تمنیق المیم رعی الحمام ع بفتح اول وسکون
ثانی وضم تحتانی وسکون لام وفتح حاء مهمله با میم والف ومیم ثانی غلا الیست غالب
الا غلام اسپر تلنسیق الغین المعجمه وتمنیق الثاء المثلثه رغث بفتح اول وسکون
ثانی وثاء مثلثه ف گلنار تمنیق الهاء المهمله رغوة الملح بکسر اول وسکون ثانی وفتح
واو وضم فوقانی وسکون لام وکسر میم وسکون لام ثانی وطاء مهمله کف آبگینه
تمنیق الراء المهمله رغوة القمر بسکون لام وفتح قاف ومیم م حجر القمر تمنیق
النون رغوة الحجامین ع بسکون لام وفتح حاء مهمله با جیم مشدد والف وکسر میم و
سکون تحتانی ف ابر مرده تلنسیق القاف وتمنیق الالف رقعا بفتح اول و
سکون قاف وفتح عین مهمله م خرس تلنسیق السین المهمله رقاقس بضم اول و
فتح ثانی والف وکسر قاف ثانی م خصی الثعلب وگویند لعبت بربر
تمنیق القاف رق ع بفتح اول وسکون قاف ف پوست سنگ پشت

زند بفتح اول و سکون ثانی م مورد زلف بفتح اول و سکون ثانی ف بید مشک
تمنیق الکاف الفارسی رنگ بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی بز کوهی
تمنیق الواو و تمنیق الالف روپاه بضم اول و سکون واو با موحده فارسی
والف ف ثعلب و بموحده تازی م روباه تربک روجناه بضم اول و سکون ثانی
و فتح جیم با فوقانی بهم کبیس روح توتیاه بضم اول و سکون ثانی و حاء مهمله و ضم فوقانی
و سکون واو ثانی و کسر فوقانی با تحتانی والف ه جست روهینا ف بضم اول
و ثانی مجهول و کسر ها و سکون تحتانی با نون والف م پولاد جوهر دار روی توتیا
بضم اول و سکون ثانی و تحتانی مجهول و ضم فوقانی و سکون واو ثانی و کسر فوقانی
ثانی با تحتانی ه جست تمنیق الجیم روسختج ع بضم اول و سکون ثانی و فتح
سین مهمله و سکون خاء معجمه و فتح فوقانی و سکون جیم ف مس سوخته طح ی ۲
ق مجفف اکال مجلی خ رقیق سق نیمدرم ص صمغ و کثیرا ل توبال روبخ بضم اول
و سکون ثانی و فتح نون م ریوند تمنیق الخاء المعجمه روخ ف بضم اول و سکون
ثانی و خاء معجمه گیاهی ست که از میان آب بروید و از ان حصیر بافند م لوخ
تمنیق السین المهمله رؤس ع بضم اول و همزه و سکون واو ف سرها ط
ح ر ق مغذی خ سرهای حیوانات معتدل الرطوبت ل اکارع و بضم و سکون
واو ف روباه روناس ف بضم اول و ثانی مجهول با نون والف ع فوه
روهنس ه بضم اول و ثانی مجهول و فتح ها و سکون نون م کند هیل ع اذخر
تمنیق الشین المعجمه روشا الحمار الوحش ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم
و سکون لام و کسر حاء مهمله با میم والف و کسر راء مهمله ثانی و سکون لام ثانی و فتح
واو و سکون حاء مهمله ثانی ف سرگین گورخر تمنیق الکاف روباه ترک ف
بضم اول و سکون ثانی مجهول با موحده والف و اظهار ها و ضم فوقانی و سکون راء مهمله

هندوی کاپهل گویند
گرم و خشک در سه درجه
کیکر بپارسی
… گویند …
بزرگی را گویند
کنگر …
کنگره را گویند

ثانی وفتح موحده ثانی وسکون کاف ع عنب الثعلب ر روک ف بضم اول و
ثانی مجهول وفتح دال مهمله جانوریست که هر چند ش بزنند فربه شود وآنرا تبرکی
وشف خوانند واز پوستش پوستین سازند ر وشنک ف بضم اول وثانی
مجهول وفتح شین معجمه نون دار ولی ست هندی مانند کمات خشک م شاطل
تمنیق النون ر ربیان ع بضم اول وثانی مجهول بکسر موحده باتحتانی والف
ونون م اربیان ف ماهی دریائی ه جهینگا روین ف بضم اول وثانی مجهول یای تحتانی
مفتوحه ه مجیٹھ تمنیق الواو ر رنجوف بفتح اول وثانی وسکون نون وضم جیم و
سکون واو ثانی ع ارض تمنیق الهاء ر رچیه ه بضم اول وثانی مجهول وفتح جیم
واظهار ها ف نیله گاو ر رس انگزده ف بضم اول وسکون ثانی وسین مهمله و
فتح همزه وسکون نون وضم کاف فارسی وسکون زای معجمه وفتح دال مهمله ع
عنب الثعلب چه روس ر روباه وانگزده دانه انگور ر روین پیچیده بضم اول وثانی
مجهول وفتح تحتانی وکسر نون وموحده فارسی وسکون تحتانی ثانی وکسر جیم فارسی
وسکون تحتانی ثالث وفتح دال مهمله ناگیسر تمنیق التحتانی روباه ترکی باظهار ها
وضم فوقانی وسکون رای مهمله وکسر کاف م خار پشت ر رئی ف بضم اول وسکون
ثانی ع صفره کالنی تمنیق الهاء وتمنیق الواو المهمله رہج الفار بفتح اول و
سکون ثانی وضم جیم وسکون لام بافا والف م سم الفار ف مرگ موش ه
سنکهیا تمنیق التحتانی رہشی ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه ف
آرده که از کنجد سازند طح تمنیق الیاء التحتانی وتمنیق الالف ریٹھا ه
بکسر اول وسکون تحتانی وفتح فوقانی هندی واظهار ها ع بندوق هندی نکا
ه بکسر اول وسکون ثانی وضم نون باکاف والف ف تخم پنجنکشت تمنیق
الفوقانی رسیعت یونانی بکسر اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون سین مهمله

باب اللام
۱۶۵

وثانی مجهول والطمار با خاک شور تمنیق التحتانی ریسی ف بکسر اول وثانی مجهول
وکسر سین مهمله وسکون تحتانی م نوعی از انگور ست ترقیم الزاء المعجمه
وتنسیق الالف وتمنیق الجیم زاج ع بزاء معجمه والف وجیم ف زاک ه
پهتکری وآن انواع باشد سفید را شب وقلقدیس وسرخ را سوری وسبز را
قلقند وزرد را قلقطار وسبز را زاک سیاه نیز نامند وبه هندی کسیس خوانند
وزاک زرد را بهندی هیرا سیس م زاک لک وزاک ترکی را نیز هندی کسیس خوانند
طح ی س ق قابض محرق مفرح خ مصری براق زرد ریزنده وپاک ونوص شیر
تازه زنان وسکه باشکل شمار زاج ف بکسر راء مهمله زرشک تمنیق الجیم
الفارسی زاغچ ف بکسر غین معجمه سکون جیم فارسی م زاغ تمنیق القاف زاوق
بضم همزه وسکون واو ف سیماب تمنیق اللام زاخل بکسر خاء معجمه ف درخت
زقوم گویند که درخت آگ زازال ف بهر دو زای معجمه بهر دو الف م مرغی سیاه
پای کوتاه که بر زمین نشیند نتواند بر خواست وابصر سوک باشد تمنیق الحاء زافا
ف بفتح اول والف وفتح فا وخفا راهم خارشت تنسیق وتمنیق الموحده
زبل الذبح ع بفتح اول موحده وضم لام وکسر ذال معجمه مشدده وسکون تحتانی
وموحده ثانی ف سرگین گرگ خ که از بالای خار بگیرند وسفید بود در استخوان
وموی یابند واز زبل سگ که از استخوان خورده باشد زبل کلب بیبع
بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف موید م کشمش ط گوشت اوج داود از او
پ ی ۲ ق ملین منضج ش ده درم ص خیار النگ سبز یا غسل ل عناب یا مویز
منقی تمنیق الدال المهمله زبادع بفتح اول وثانی والف ف تراوش خصیه
مستی جانوریست گربه آسا ه زباب وسیه وشاخ طح ۳ مع ۳ سیخ قدری
از وبه سر جوالدوزی کرده قرین آتش دارند اگر روان شود جیب ساخت الاشوش

زبدج ع بفتح اول وثانی ف سکه بشیلازی مشک م مکهن طح داق منضج محلل
مرخی تازه ماخوذ از شیر میش ص شکر یا رُبوب حامضه ل روغن شسته زبرجد
ع بفتح اول وثانی وسکون رای مهمله و فتح جیم م همین نام سنگی ست تمنیق الراء
المهمله زبد البحر ع بفتح اول وثانی وضم دال مهمله وسکون لام وفتح موحده وسکون
حای مهمله ورای مهمله ف کف دریا ه سمندر پهین طح ی ۳ گویند یکم گویند ق مجلی
خ دردی زردی مائل ش یک دانگ تا دو دانگ ص کتیرا و روغن کدو ل
حجر القیشور یا بورق ارمنی زبد البحیرع بسکون لام وفتح موحده وکسر حای مهمله
وسکون تحتانی ف چیزیست که گرد سرگردنی جمع شیشو و مانند یخ و میان سیتا
وگیاه باشد مانند حجر السپوس بود بشکل زبد البحر ست بسیار سوراخ زبد القمر ع بفتح قاف
و میم م حجر القمر زبد القواریر ع بسکون لام وفتح قاف و واو والف وکسر رای مهمله
وسکون تحتانی ف کف آبگینه ه کاچ لون تمنیق اللام زبل ع بکسر اول وسکون
ثانی ف سرگین ه لید طح رق معفن ن سبب الجبل ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی وضم موحده ثانی وسکون لام وفتح جیم وموحده ثالث م مینج تمنیق الواو
زبان گاوف بفتح اول وثانی والف وکسر نون با کاف فارسی والف و واو
مجهول م گاوزبان تمنیق الهاء زبان بره ف بفتح موحده ثانی و رای مهمله خفاء ها
م بارتنگ زبوده ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح دال مهمله ع کراث
م گندنا تنسیق و تمنیق الجیم زجاج ع بضم اول با جیم والف وجیم ثانی ف
آبگینه و شیشه ه کاچ طح ای ۲ گویند ب اق ملطف مجلی خ سفید شفاف صا
ش نیم درم زج ف بضم اول م قراقروت تمنیق اللام زجول بفتح اول وسکون
ثانی وضم میم وسکون واو ولام م تخم کشنوث تنسیق الدال المهمله و تمنیق
الراء المهمله زدوار ع بفتح اول وسکون دال مهمله با واو والف و رای مهمله م جدوار

مرطب معده وسک
وخاصیت
مقوی اعضا
و دافع اخلاط
ثلثه و در منافع
برابر آبجیات است
و اگر بهمان شیر
را بهمان شیر
بنوشند مضر
داخلاط ثلثه

١٦٨

ف ماوبرودین ؟ نرلیسی تلفسیق الراء المهمله وتمیق الالف زریرا سباتی
بفتح اول وکسر را مهمله وسکون تحتانی با رار مهمله ثانی والف ع بقلة الحمقا تمیق
الموصل ؟ زرنبج بفتح اول وسکون ثانی وفتح نون وسکون سوحده ف
سرو ترکستانی ؟ بهندی سپنتی طلح ی ۲ ق ملطف نخ تازه خوشبو ش نیمدرم ص
عناب بمگر م اسندل ل وارچینی یا کبابه یا مال یا قشر اترج تمیق الفوقانیه
زرینی درخت فن بفتح اول وکسر ثانی مشدد وسکون تحتانی ونون وفتح دال مهمله
ورا مهمله ثانی وسکون خار معجمه فوقانی م درخت اترج وگویند درختی هست در
ولایت گازرون مشهور بهمین نام ص صب الآس ل فنطوریون باریک یا تخم
خیار زه یا حب الاترج یا نیموزن زعفران تمیق الجیم زراج ف بفتح اول و ثانی
والف م زرشک زرا وند بفتح اول و ثانی والف وفتح واو وسکون نون
وکسر دال مهمله وضم میم وفتح دال مهمله ثانی وسکون حار مهمله وفتح رای مهمله ثانی م زراوند
طلح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مفتح مقطع سخ فربه زعفرانی ش یکمثقال تا دو درم
ص عسل یا انیسون ل زرنباد وقسط دو دانگ وزن آن بسباسه و نیموزن
ریوند وگویند یکنیموزن زراوند طویل زرنبخ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم
معجمه وسکون نون م علبه جینی گیاهیست بغایت بدبو که از چین و هندوستان
بیارند و بیخش برگ سداب ماند طب دی زنگبخ ف بفتح اول وسکون ثانی
وضم کاف فارسی وسکون نون م زرنبخ زرنیخ ف بکسر اول وثالث وسکون ثانی ع
زرنیلر بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وفتح لام م سماش تمیق الجیم الفارسی زنج بفتح اول
وسکون جیم فارسی م کبک تمیق الخاء المعجمه زرنیخ سرخ بفتح اول
وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر خار معجمه وضم سین مهمله
وسکون را مهمله ثانی وخار معجمه ثانی ؟ منسل تمیق الدال المهمله زرسوم

بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مهمله وسکون واو ودال مهمله ف زردچوب
زرنباد ع بضم اول وثانی وسکون نون باموحده والف ه کچور طح ی ۲
ق ملطف مفتح مفرح مقوی ل معده ومبهی خ آنچه زرتری بکار وپاره نکرده باشند
وتلخترش یکدرم ص فرنجمشک وسنبل یا صندل ل یک نیموزن درونج وچهار دانگ
وزن آن طر حشقوق بری ونیموزن حب لاترج یا شیطرج ورآسن با نیموزن
سنبل زرنیخ تر و بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر خای معجمه
وفتح زای معجمه ثانی وسکون رای مهمله ثانی ه هرتال طح ی ۳ ق معفن مقرح
قاتل خ ارمنی تو بتوش بیدرم ص قی کردن بآب گرم وروغن وشیر تازه ل
نوره تمنیق الراء المهمله زریرف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ورای مهمله
ثانی ف اسپرک تمنیق الکاف زرشک ف بکسر اول وثانی وسکون شین معجمه وکاف
ع انبرباریس ونیز گلیست خوشبو زرک وزریک ف بکسر اول وسکون ثانی
در لغت اول وکسر ثانی وسکون تحتانی در لغت ثانی هم زرشک تمنیق الکاف
الفارسی زرنگ ف بفتح اول وثانی وسکون نون وکاف فارسی هم زرد آب
گل کازیره ونیز درختی ست کوهی وچوبش بسیار سخت باشد وازان تیره وتیر
وحنای زین وامثال آن سازند گویند که چون چوبش را در گیرانند آتش او
قریب بده روز بماند ونیز نام زرشک وزردچوبه وخردل تمنیق اللام زراوند
طویل بفتح طاء مهمله وکسر واو وسکون تحتانی ولام هم زراوند دراز طح ی ۲
ق مفتح محلل مغشی مدملح زعفرانی سطبرتر از انگشت شربتش یکدرم تا دو درم
ص عسل یا انبرباریس ل شیطرج یا زرنباد وقسط ونیموزن فلفل و دو دانگ
وزن آن بسفایج ونیموزن انزروت تمنیق النون زرقون سریانی بفتح
اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو ونون هم سرنج ه سندور زریون ف

بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو م گل شقایق تمنیق الواو زردتوف
بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله وفتح خاء معجمه وسکون واو م گیاهی ست که گلش
زرد وخوشبوست زروف بفتح اول وضم ثانی م زالو تمنیق الفائز زرآقوع بضم اول
وثانی والف وفتح فا واخفاء هاف شترگاو وپلنگ زرده فا بفتح اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله م زردی میان تخم مرغ زرنیلف بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون
وسکون تحتانی وفتح لام م ریواس تمنیق التحتانی زرجامی ف بفتح اول وسکون
ثانی با جیم والف وکسر میم وسکون تحتانی م نوعی از انگور زردک ریکی ف بفتح
اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر کاف وراء مهمله ثانی وتحتانی
مجهول وکسر کاف فارسی م شقاقل زرقوری رومی بفتح اول
وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وکسر راء مهمله م رجل الغراب تمنیق العین
المهمله وتمنیق الدال المهمله زعفران الحدید بفتح اول وسکون عین مهمله وفتح فا وراء
مهمله وضم نون وسکون لام وفتح حاء مهمله وکسر دال مهمله وسکون تحتانی ودال مهمله
ثانی ف بیم آهن طح ی تمنیق الواو المهمله زعروریع بضم اول وسکون ثانی وضم
راء مهمله وسکون واو وراء مهمله ثانی ف کیل طب ی ۲ ق قا بضج سرخ رسیده
ش سه درم تا پنجدرم ص ر از یانه ل بغیرا تمنیق النون زعفران بفتح اول وسکون
ثانی وفتح فا وراء مهمله والف ونون ه کیسر طح ۲ ی ا ق محلل منفتح منضج مفرح
مقوی ل منوم خ تازه سرخ تیز بوی ش نیمدرم تا یکدرم ص انیسون وزرشک
یا جلارش سفرجل ل قسط بوزن وی ویکنیم وزن آن پوست سلیخه تمنیق الغین
المعجمه وتمنیق الواو المهمله زغار ف بفتح اول وغین معجمه والف وراء مهمله م شاخ
درخت انگور زغیع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف مرو سفید و تخم کتان
ه السمی تمنیق الکاف زغاک ف بفتح اول وثانی والف وکاف م شاخ درخت انگور

تمنیق اللام زغال بضم اول و فتح ثانی والف ولام ہ کویلہ تمنیق النون زغن ف
بفتح اول و ثانی و سکون نون م غلیواز ہ چیل تنسیق الفا و تمنیق الفوقانی زفت
ف بضم اول و سکون فا و فوقانی دوائی ست چسپنده که از صنوبری بر حاصل
شود و آن سه قسم ست رومی و یابس و رطب ط ح ی ۲ ق محلل ملحم مجلی قروح خ
براق صاف پاک لالسکش از رومی بیک درم تا دو درم ص کتیرا یا اسفیداج و کافور ل
جاوشیر و علک البطم و موم د قطران تمنیق القاف زغیرف اندلسی بکسر اول و ثانی و
سکون تحتانی و بغیر تحتانی نیز آمده و فتح رای مهمله ثانی و فاو ثانی ف عناب تنسیق القاف
و تمنیق المیم زقوم بفتح اول و ضم قاف و سکون واو و میم ہ سیند ہ و تهور تنسیق
الکاف تمنیق الموحده زکاب ف بفتح اول و کاف والف و موحده م سیاهی
دوات و مداد ع مرکب ج تنسیق الکاف الفارسی و تمنیق الموحده زگالاب ف
بضم اول و کاف فارسی والف و لام والف ثانی و موحده م زکاب تمنیق اللام
زگال ف بضم اول و کاف فارسی الف و لام م انگشت نا افروخته ہ کویلہ بن سلگا
تمنیق الهاء زگاله ف بضم اول با ثانی فارسی والف و فتح لام و خفای ہا ع مداد
تنسیق اللام و تمنیق الکاف زلوک بفتح اول و ضم لام و سکون واو و کاف م
زالو تمنیق الواو زلو ف بفتح اول و ضم لام و سکون واو م زالو تمنیق الهاء
زله ف بکسر اول و فتح ثانی مشدد و خفای ہا م جانوریست مانند ملخ که در هوای گرم
بخانه و صحرا پیدا کند تنسیق المیم و تمنیق الجیم الفارسی زمچ بفتح اول و
سکون میم و جیم فارسی ہ پتکری و بکسر اول و فتح ثانی مشدد م مرغیست که آنرا چرغ
گویند تمنیق الدال المهمله زمرد بضم اول و ثانی و رای مهمله مشدده و سکون دال مهمله
یونانی ب ی ۲ ق مجفف خ سبز شفاف کننده ش یک قیراط ص مشک ل
مرجان تمنیق الغین المعجمه زنابوغ ف بفتح اول و ثانی والف و ضم رای مهمله و سکون

وسکون واو هم صمغیست که زر و سیم بدو حل کنند تمنیق الماء زنبوره ف بفتح اول
وسکون ثانی و ضم موحده وسکون واو و فتح راء مهمله وخفاء ها هم زنبور بزرگ زنبه
ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح موحده هم گلیست دراز بغایت خوشبو ع زنبق
تمنیق التحتانی زنجبیل شامی بفتح اول وسکون ثانی و فتح جیم وکسر موحده وسکون
تحتانی وکسر لام با شین معجمه والف وکسر میم وسکون تحتانی ثانی هم راسن زنگار معد
ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی والف وکسر راء مهمله و فتح میم وسکون عین مهمله
و فتح دال مهمله وکسر نون وسکون تحتانی هم توتیاء سبز نیلا تهوتها زنگباری ف
بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی با موحده والف وکسر راء مهمله هم صمغ صنوبر
ع راتیانج هند رال تنسیق الواو وتمنیق الالف زوفراع بضم اول وسکون او
و فتح فا با راء مهمله والف عت سیر کگا فرولی طح ی ۲ ف ملطف خ نوش نیم درهم
شقاقل بل زیره کرمانی تمنیق الموحدة زوفا رطب ع بضم اول وسکون ثانی
با فا والف وکسر همزه و فتح راء مهمله وسکون طاء مهمله و موحده چرکیست که بر دنبهای میش
ارمن جمع میشود بسبب گیاهی که شیر ارد و آن از یتوعات بود و چون بچه بسبب حدت
و قوت آن شیر و سخ بر دنبه میشان جمع شود و باشد که روان بود و آنرا بپزند و بقوام
آورند و گویند هر گاه که ایل افعی را بخورد قوت طبیعت ایل دافع سموم حرکت کند
تا دفع ضرر سم کند عرق بسیار بر پیشانی او جمع شود و کثیف گردد و آنرا زوفای
تر خوانند و آن در غایت قوت بود طح ۲ راق منضج محلل ملین خ بسیار حر
ص در دل مغز ساق گاؤ یا موم روغن لادن تمنیق الجیم زنج ف بفتح
اول و ثانی وسکون نون و جیم روده هار گوسفند که بگوشت و پیه گرده قاق کنند
هم کلمه تمنیق السین المهمله زوفا یابس ع بکسر همزه و فتح تحتانی والف وکسر موحده
ف گیاهیست که به برگ حنا ماند و زوفاء مصری مشهور طح ی ۳ ق ملطف منضج

مدر قاطع کرمانخ مصری که از کوه بیت المقدس گیرندش چهار دوص صمغ عربی بلا
عناب ل فودنج و پرسیاوشان و نیموزن عرز بخوش تمنیق القاف زواوق
بضم اول با ثانی والف وضم همزه وسکون واو ثانی وقاف ف سیماب زوق
بضم اول وسکون ثانی ف تخم خرمای جنگلی تمنیق النون زوان بفتح اول وثانی
والف ونون م یاسمین تمنیق التحتانی زدی ف بضم اول وسکون ثانی وکسر
نون وسکون تحتانی م زالو تنسیق الهاء وتمنیق الالف زهر گیاف بفتح
اول وسکون ثانی وراء مهمله وکسر کاف فارسی با تحتانی والف م گیاهیست
که هرگاه ورق او آدمی بخورد بمیرد تنمیق الحاء المهمله زهرة الملح بفتح اول
وسکون ثانی وفتح راء مهمله وضم فوقانی وسکون لام وکسر میم وسکون لام ثانی
وحاء مهمله ف نباتیست که در نیل مصر بر روی آب پیدا شود و در آبهای ایستاده
و نهرها نیز سدیخ زعفرانی سنگی شود گزنده تمنیق الراء المهمله زهر الحجر ع بسکون
لام وفتح حاء مهمله وجیم وسکون راء مهمله م خراز الصخر زهرف بفتح اول وسکون
ثانی ع سم و بس تمنیق السین المهمله زهرة النحاس ع بضم فوقانی وفتح نون
مشدده با حاء مهمله والف ف چیزیست که چون مس بگدازند وآب بر آن زنند کف پیدا
گردد و آنرا بدین نام خوانند خ سفید تمنیق الکاف زهک ف بفتح اول وسکون ثانی
وکاف م شیر زنان وشیر ماده حیوان نوزائیده که پیوسی تمنیق المیم زهم بضم و
فتح اول وسکون ثانی ومیم هم زرنباد تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق الالف
زیراه بکسر اول وسکون تحتانی با راء مهمله والف ع کمون تمنیق الموحده زیتون الکلب
ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون واو وضم نون وسکون لام
وفتح کاف وسکون لام ثانی وموحده هم زیتون بری تمنیق الفوقانی زیت
ع بفتح اول وسکون ثانی وفوقانی ف روغن زیتون طح دنخ ترصف

عسل او زیت کهن و روغن خروع یا روغن حب دود او ویقال له زیت البحر تمنیق
الجیم الفارسی زنج ف بکسر اول و سکون ثانی و جیم فارسی م نوعی از انگور
که بغایت نازک و خوش لذت باشد تمنیق الراء المهملة زیتارج بفتح اول
و سکون ثانی با فوقانی و الف و راء مهمله ف ثفل و دردی زیت زیک ف
بکسر اول و سکون ثانی م اسپرک تمنیق الزاء المعجمة زیتر بکسر اول و سکون
ثانی و ضم فوقانی و سکون واو و ضم نون و سکون لام و فتح حاء مهمله و صحیح آن
و سکون شین معجمه م زیتون الکلب تمنیق الضاد المعجمه زیتون الارض بسکون
لام و فتح همزه و سکون راء مهمله و ضاد معجمه م مازریون تمنیق القاف زیبق ع
بکسر اول و سکون ثانی و فتح موحده ف جیوه و سیماب و پاره ملح ی محرق
گویند ب ده ق مفسخ زنده که مستعمل نکرده باشند و بغایت جهنده و نا
گرایش و دو برآید و بلغت کیمیا این نامهای بسیار دارد تمنیق الکاف زیکبا
ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و سکون کاف م روده گوسپند که برنج
و گوشت با مصالح پر کرده قاق سازند و هم کلمه زیبک ف بکسر اول و سکون ثانی
و فتح راء مهمله م فولاد جوهردار تمنیق الکاف الفارسی زیک ف بکسر اول و
سکون ثانی و کاف فارسی م جانوری حقیر جثه خاکستری رنگ که زیر شهپر یا
سرخ است و کوچکتر از گنجشک خانگی بود و آوازش بغایت خوش و حزین تمنیق
النون زیت السودان ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و فتح سین مهمله
[illegible] و سکون واو با دال مهمله و الف ف روغن تجرک یعنی روغن بادام کوهی
زیت الرهبان بفتح ها و راء با جیم و الف م زیت السودان زیتون ع بفتح اول
و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو درختیست مشهور [illegible]
ی و بار [illegible] ی او گویند اطراف [illegible] برگ او [illegible] از [illegible]

آنرا زیت الانفاق گویند زیتون بکسر اول وسکون ثانی وزای معجمه یائی وضم قاف
وسکون واو ف نوعی از درخت منجد که بر نمید هد زیتان بکسر اول وثانی بانون و
الف ه اجوائن تمنیق التحتانی زیت بکالی بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی ورای
مهمله وکاف وکسر موحده وسکون تحتانی آسانی م زیت شامی ترقیم الزاء الفارسی
وتنسیق الالف وتمنیق الزاء الفارسی ژاژ ف بهر وزای فارسی گیاهیست که
بی تخم روید ودر غایت تیزی باشد وچندانکه آنرا اشتر نخاید نرم شود ژابیر ف بکسر
موحده وسکون تحتانی وزای فارسی ثانی م لوبی یا دران تمنیق الکاف ژاژوبک
ف بضم زای معجمه فارسی ثانی وسکون واو وفتح میم وسکون کاف م لوبیاع لبا
تمنیق الهاء ژاژه ف بفتح زای فارسی ثانی وخفا هام ژاژ ژاله بفتح لام م تگرگ و شبنم
تنسیق الغین المعجمه وتمنیق الهاء ژغاره ژغاله ف بفتح اول فارسی وغین معجمه
والف وفتح رای مهمله در لغت اول وفتح لام در لغت ثانی م ثان ارزن وسرخی که زنان
بر روی خود مالند تنسیق الواو وتمنیق الزاء الفارسی ژوژ ف بضم اول فارسی
وسکون واو وزای فارسی ثانی م خارپشت تمنیق الکاف ژوژک ف بفتح اول
فارسی وسکون ثانی وفتح زای مهمله وسکون کاف پرنده ایست سرخ فام بقدر شکلی
تنسیق التحتانی وتمنیق الهاء ژیوه بکسر اول فارسی وتحتانی مجهول وفتح واو وخفا ها
م سیماب ترقیم السین المهمله وتنسیق الالف وتمنیق الالف سا الاسند ا سین
مهمله والف ولام والف ثانی وفتح میم وسکون نون وفتح دال مهمله یا با مهمله والف
ثالث م نوعی از عظاء است که چهار پای دارد ودر کان نوشادر بسیار بود وذنب
وی کوتاه بود وستبر وبیش وآن بزرگتر چون ترا سام ابرص باشد وگردن وی
باریک بود ولون وی ابلق زرد وسیاه بود وگویند چون در آتش اندازند شود
وچون او را سنگ زنند کارگر نشود واز جمله سموم قتال است مانند زرنیخ تمنیق الفاء

ساساکشت سریانی بهر دو سین مهمله و بهر والف و رای مهمله بکسر کاف و سکون شین
معجمه و فوقانی ف تخم الجزره تمنیق الحید ساییرج ف بکسر موحده و سکون تحتانی
و فتح رای معجمه و سکون جیم ف مردم گیاه ع تفاح ساج ف بسکون جیم هم ماده مرغ کنجد
هم پاره ٥ درخت سال طاب ی ۳ ساذج ع بکسر دال مهمله گویند برگ قرنفل ست
و گویند برگ درختیست که دارچینی پوست اوست و کبابه ثمر او و گویند برگ درخت
صندل ست ٥ بهترین طح ی ۲ گوینده ح ۲ ا ر ق ملطف و مقوی معده خ تازه که
بکسر بیش بزردی مائل بود و بروی بسبزی مائل باشد و قوی رایحه سیاه مانند قرنفل
مانند و زود شکننده نباشد نفی یکمثقال ص مصطکی یا شراب به یا صندل ل
سنبل الطیب یا سلیخه یا طالیسفر ساج ف بکسر رای مهمله جانوریست خوش آواز
شارسانج ف بفتح رای مهمله و سکون نون مرغی ست کوچک ضعیف سیاه رنگ
که در آذربایجان سوران گویند و سارنگ و سایج نیز خوانند تمنیق الدال المهمله
سارف بسکون رای مهمله هم خوک ساروع بکسر رای مهمله ف کنه که در بدن حیوان
می چسپد تمنیق الراء المهمله سابره بفتح موحده حیوانیست هندی که از چرم اش گلوه
سازند و بند کمر و بند شمشیر نیز ط گوشت او ح ی سارخلدار و سارشکدار ف بفتح
رای مهمله و سکون خای معجمه و کاف با دال مهمله و الف در لغت اول و سکون شین
معجمه در لغت ثانی شجرة البق سار ف جانوریست پرنده سیاه رنگ که خالهای سفید
دارد و خوش آواز بود و بیشتر شکار ملخ کند و نیز شتر را مانند ساس ف بفتح سین مهمله
ثانی هم شارک ٥ سار و بضم سین مهمله ثانی نی که از و قلم سازند ساسندر ف بفتح
میم و سکون نون و فتح دال مهمله هم جانور سمندر که در آتش ساکن شود ساسو
بضم میم و سکون واو هم الماس سایه پرور ٥ بفتح تحتانی و خفای ها و فتح موحده فارسی
و سکون رای مهمله و فتح واو هم چیند تمنیق الزاء المعجمه سانیر ف بکسر میم و سکون تحتانی

و بمقدار خورد ترست و بزبان هندی کالمی خوانند و طبعش سرد و خشک است ... و در دوم در ... و بدل آن ... آن ... حماض ... بوره ... لسان

ورای معجمه م سنگی که بدان کارد وشمشیر تیز کنند تمنیق السین المهمله سارس ه بفتح را
مهمله وسکون سین مهمله ثانی م جانوریست مشهور بهند بسیت ساسالیوس بسین مهمله ثانی و
الف ثانی وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو م انجدان رومی وکاشم رومی ط
ح ی ۲ ل خردل سفید یا انجدان طیب ساس ف بسین مهمله والف ه
کهٹمل کرمیست خورد که خون آدمی بخورد ساویس ف بکسر او وسکون تحتانی م
نخاله سایوس ف بضم تحتانی وسکون واو م اسغول تلسیق الشین المعجمه
سایه خوش ف بفتح تحتانی وخفا ها وضم خای معجمه وواو معدوله وشین معجمه ریشیت ریوند
تمنیق الصاد المهمله سام ابرص ع بکسر میم وفتح همزه وسکون موحده وفتح
را مهمله وسکون صاد مهمله ف ماترنگ وچلپاسه سیکلی چهیپکلی ونکتکی ط ح
ی ق مفسخ انچه دربساتین باشد ص روغن زرد وعسل وآب گرم ل فزیع تمنیق
الغین المعجمه ساغ ف بسکون غین معجمه نام مرغیست مانند سار تمنیق الکاف
سابیزک ف بکسر موحده وسکون تحتانی وفتح زای معجمه وسکون کاف م سابینج
سارخک وسارشک ف بفتح رای مهمله وسکون خای معجمه در لغت اول وسکون
شین معجمه در لغت ثانی م پشه سارک ف بفتح رای مهمله م سار وستا به برک ف
بفتح تحتانی وخفا ها وفتح موحده ورای مهمله م گیاهیست که چون شتر بخورد بخواب
رود تمنیق اللام سال ه بسکون لام ع ساج تمنیق المیم سام ف بفتح
سین مهمله ثانی وسکون میم م آبنوس سام ف م آتش تمنیق النون ساخن
ف بکسر خای معجمه وسکون نون ع صاروج ساوادران بدال مهمله والف ثانی
وفتح داو ورای مهمله والف ثالث م سواد القصاة وسیهک او ران گویند چیزیست
مانند صمغ که در اندرون بیخ گردگان که مجوف شده باشد یابند وگویند میان
درخت بطم کهن پیدا شود واو این آب خوانند طب ۲ ی ۳ ف قابض خ

179

یا ثل بسیرخی بشی و دو دانگ حص زعفران ل فیلزهرج یا دو دانگ وزن آن پنج فی
آمله و اقاقیا ساطریون بفتح طاء مهمله و سکون راء مهمله و ضم تحتانی و سکون واو
م خصی الثعلب ساگون ه بفتح کاف فارسی و سکون واو درخت مشهور هندیست
که برگهاش بگوش فیل ماند و دشتی ملس سی گش چون بسوهان ساليون ف بکسر لام
و ضم تحتانی و سکون واو م تخم کرفس کوهی سا نبهرلون ه بسکون نون و فتح
و اظهار ها و سکون راء مهمله و ضم لام و واو مجهول ع ملح مجین و اندرانی سان ف
سفان و سنگی که بدان کارد و غیره تیز کنند که آنرا فسان نیز خوانند سا وان ه با واو و الف
ثانی غلط است مشهور ف شاخ تمنیق الواو سا روف بضم راء مهمله و سکون او
م صاروج مبواو مجهول م جانوریست سیاه رنگ که در هند بهم رسد و مانند طوطی سخن
گوید و آنرا شاد و شارک نیز گویند ساوف زر خالص که شکسته و ریزه ریزه باشد
ع قراضه و نیز بوته خار و ار سفید رنگ که در ایش یک گز باشد و آنرا چون بهم
بسوزند و نیز در میان کرم پیله بگذارند تا پیله بران تند تمنیق الهاء ساوه ف بفتح
دال مهمله و خفا رها ع ساج سا روند ف بضم راء مهمله و سکون واو و فتح نون م زانگ
سا لقه بکسر نون و فتح قاف پسیاوشان تمنیق التحتانی ساتهی ه بکسر فوقانی
هندی و اظهار ها و سکون تحتانی ف قسمی از شالی برنج هندیست ساجی ه بکسر جیم
ف شتر سا ری ف بکسر راء م سار سالی بکسر لام م انجدان رومی و کاشم رومی
تمنیق الموحده البلم و تمنیق الالف سبج الشعر بفتح اول و سکون موحده
و ضم عین مهمله و شین معجمه مشدده و فتح عین مهمله ثانی با راء مهمله و الف م افتیمون
تمنیق الفوقانی سبلت ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون فوقانی
م بروت تمنیق الجیم سبج ع بفتح اول و موحده و سکون جیم ف شبه
تمنیق الخاء المعجمه سبخ ف بکسر اول و فتح ثانی و سکون خاء معجمه م نمک

تتمیق الدال المهمله سبوسیند ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر سین مهمله ثانی
وفتح موحده فارسی وسکون نون و دال ح جو النسا تتمیق الشین المعجمه سبیوش ف بکسر
اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو م تخم اسبغول تتمیق الضاد المعجمه
سبع الارض ع بفتح اول و ثانی وضم عین مهمله و سکون لام و فتح همزه وسکون رای
مهمله ف پرسیاوشان تتمیق الکاف سبزک ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح
رای معجمه م جانور کاسکینه سبک ف بکسر اول و فتح ثانی م جانوریست پرنده که بخلاف شیر عاشق آنرا
باشد تتمیق اللام سبزبال ف بفتح اول سکون ثانی و زای معجمه با شیم الف لام م نوعی از انگور تتمیق الهاء سباده
بضم اول با ثانی والف و فتح دال مهمله و خفا ها م سنگی که ازان فسان سازند و کاکارد و تیغ بان تیز
و جلا دهند م سنباده سبوسه ف بفتح اول و ضم ثانی و واو مجهول و فتح سین مهمله م کرم
که در خوا سپوس آرد تتمیق التحتانی سبزبالی ف بفتح اول وسکون موحده و زای
معجمه با شیم والف و کسر لام و سکون تحتانی م نوعی از انگور تتمیق الموحدة الفارسی
و تتمیق الفوقانی سپست ف بفتح اول و کسر موحده فارسی وسکون سین مهمله ثانی
و فوقانی م اسپست تتمیق الخاء المعجمه سپاناخ ف بکسر اول با ثانی فارسی
والف با نون والف ثانی و خای معجمه م ساگ پالک تتمیق الضاد المعجمه سپندیان
الارض بکسر اول و فتح ثانی فارسی وسکون نون و فتح دال مهمله با تحتانی والف و ضم نون
ثانی و سکون لام و فتح همزه و سکون رای مهمله م فرا سیون تتمیق الکاف سپاروک
ف بفتح اول و ثانی فارسی و الف وضم رای مهمله و سکون واو و کاف م کبوتر سپرک
ف بکسر اول وسکون ثانی فارسی و فتح رای مهمله م اسپرک تتمیق اللام سپل ف
بفتح اول و ثانی فارسی م سم شتر تتمیق المیم سپرغم ف بکسر اول و فتح ثانی فارسی و
سکون رای مهمله و فتح غین معجمه و سکون میم ع ریحان و ضمیران و بادروج ه بهری سپرم
و سپرهم ف بکسر اول و فتح ثانی فارسی و رای مهمله در لغت اول و سکون رای مهمله

وفتح ها در لغت ثانی م سپرغم تمنیق النون سپستان بکسر اول م ثانی فارسی وسکون سین مهمله ثانی با فوقانی والف و نون ف سنگ لپستان ه لسوڑا طبع گوینده دق ملین منضج خ پر گوشت سش پانزده تا سی عدد ص آملہ عناب سپندان بکسر اول وفتح ثانی فارسی وسکون نون با دال مهمله والف ه اسپند تمنیق الواو سپیدسرو بفتح اول م کسر ثانی فارسی وتحتانی مجهول ودال م فتح سیم وسکون را مهمله و واو مجهول نباتی ست مانند لبستان افروز که ساق آن سپید بود تمنیق الها سپاره ف بفتح اول وثانی فارسی والف وفتح را مهمله م سنباده تمنیق التحتانی سپاری ه بضم اول با ثانی فارسی والف و کسر را مهمله ع فوفل سپیدوری ف بفتح اول و کسر ثانی فارسی وتحتانی مجهول ودال مهمله وضم را مهمله وسکون واو م قلمی تمنیق التاء الفوقانی وتمنیق الواء المهمله ستاوره بفتح اول وفوقانی والف وفتح واو و واو ای مشهور هندیست ستور ف بضم اول م ثانی وسکون واو بطریق عموم هر جانور چهارپای و بطریق خصوص اسپ و شتر تمنیق الکاف ستباک ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده والف وکاف م سپند سوختنی تمنیق الکاف الفارسی ستنگ ف بفتح اول وسکون فوقانی وفتح را مهمله وسکون نون وکاف فارسی نباتیست شبیه آدمی که در زمین چین روید گویند که نگونسار بود چنانچه ریشه‌اش بجای موی سر باشد و نر و ماده دست‌ها در گردن هم آورده باشند و پاها در هم محکم ساخته و نر پای راست بر پای چپ ماده افتاده و ماده را بعکس آن و هر کس که آن را بکند در زمان بمیرد یا بعد از سالی بمیرد و هرگاه که این را بکنند از اطراف بوته آن خاک را خالی کنند چنانچه باندک قوت کنده شود پس ریسمان گاو یا سگ بندند تا بجانب طعمه بدود و آن از بیخ برآید هم استرنگ مردم گیا و سگ کن ع یبروج الصنم تمنیق الها ستیه ف بفتح اول و ثانی و خفاء ها م انگور تمنیق الصیم وتمنیق الطاء المهمله ستالاطیونانی بفتح اول وسکون جیم با لام والف وطاء مهمله و ف یاسمین

تمنیق الکاف سجک ف بفتح اول و ضم ثانی هم شیر و دوغ که باهم بیامیزند و شبت ریزه ریزه
کرده دران بریزند و آنرا در دباغ و شیراز نیز خوانند تمنیق اللام سجنجل ع بفتح اول
و ثانی و سکون نون و فتح جیم ثانی و لام ف زعفران تنسیق الخاء المعجمه و تمنیق
السین المهمله سخینوس بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم نون و سکون واو
و سین مهمله ثانی م از خر تنسیق الدال المهمله و تمنیق الموحده سداب بضم اول
و دال مهمله و الف موحده ه سانول م ساتری ط تر آن ج ی ۲ و خشک آن ۳ گویند
تر او ۳ گویند به ق مقطع محلل و ملطف مدر مفتّی مفرح خ بستانی سبز تیز بوی که نزدیک
درخت انجیر رسته باشد شش سه و هم صوا نیسون یا بقلة الحمقا ک نعناع و فوتنج
یا سیر تمنیق الراء المهمله سدح بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله ف درخت کنار
که بیر کار و کهه طب ی اف قابض خ سبزه بهن و رق ش سه م ص کیترا تمنیق الهاء
سنبایه ف بفتح اول و سکون ثانی با موحده فارسی الف و فتح تحتانی و خفاء ها چرنده ایست
که در گوش و دم هزارپایه سده ف بفتح اول و ثانی درختی ست که در دار المرز و ما وراء النهر
از دیگر بلاد و ایران و توران بیشتر شود و مشابه بزرگ باشد که تنه او به شواری در بغل چهار
کس در آید و برگهایش بحدی انبوه که باران از آن نگذارد و تا دویست سوار در سایهٔ
آن درخت آرام توانند گرفت و چیزی بدور بود که برگی از دیگر برگهای آن بلند تر باشد
و ساقش بغایت موزون بود و بران درخت چیزی گرد مانند خریطه که از چرم ساخته
باشند بهم رسد و پر از پشه باشد و در ایام بهار در میان آن خریطه آبی بهم رسد و در تموز
منجمد گردد و مانند صمغی که آنرا بعوض صمغ در سیاهی کنند سیاهی را نگین و شفاف
سازد و آنرا پشه خانه و پشه دار و پشه غال و سار و خلدار و سار شکدار و بازبن گرم و بالا
شکر و اغال پشه و گنجشک و کنجک و درواز نیز خوانند ع شجر البق تمنیق التحتانی
سدی ف بفتح اول و سکون ثانی و تحتانی مجهول بلغت اهل شیراز ع خلال ف غوره خرما

تنسیق الراء المهمله و تمنیق الالف سر پهونکاه بفتح اول و سکون رای مهمله
و ضم موحده فارسی و اظهار ها و سکون واو و نون با کاف و الف قسمی از چیز تمنیق الجیم
سراج القطرب ع بکسر اول با ثانی و الف و ضم جیم و سکون لام و ضم قاف و سکون
طاء مهمله و ضم رای مهمله ثانی و سکون موحده گویند که این نام مشتق از دو چیز است
یکی سراج و آن چراغ است دوم قطرب و آن جانوریست که آن را طیثوث گویند
و بشب شب‌تابست و چون این گیاه بشب درخشنده است و اینکه تر است پس مشابهت
بسراج و قطرب بهر دو که در شب روشن اند و گویند که قطرب این گیاه را دوست دارد
و در شبها طلب کند طح ی اف قابض مجفف نوش نبید رص کیترال نر و قابیا
یاد آورد سرب ف بضم اول و سکون ثانی ه شیشا سرخاب بضم اول و سکون ثانی
و خای معجمه و الف هم مرغابی سرخ رنگ ماده آن حیض کند و سرخی که زنان با سفیداب
بجهت خوش آیندگی بر رخساره بمالند و غازه تمنیق الجیم سرنج ف بکسر اول
و ثانی و سکون نون و جیم ه سفیدور تمنیق الدال المهمله سراد ف بفتح اول و
ثانی و الف و دال مهمله ع ثلال ف غوره خرما سرخ مرو بضم اول و سکون ثانی
و خای معجمه و فتح میم و سکون رای مهمله ثانی رستنی باشد که برگش شبیه ببرگ بستان افروز
بود و ساق آن سرخ خوش رنگ و خوش آینده و آن را نازک بدن نیز خوانند
سرمساد بفتح اول و سکون ثانی با سین مهمله ثانی و الف ف پنجکشت سرند
بکسر اول و ثانی و سکون نون ف جامه بک ه سوال و تشقه را نیز خوانند تمنیق الراء
المهمله سرف بفتح اول و رای مهمله ع رأس بضم اول شرابیکه از برنج سازند و نام نوعی
از ماهی که طول آن یک گز است و خرطومی بزرگ دارد مانند پیکان و اکثر حیوانات
را بدان گزند رساند سرموره بفتح اول و سکون ثانی و خای معجمه و فتح میم و سکون
واو هم ساگ چوک تمنیق الزاء المعجمه سرخ مرزف بضم اول و سکون ثانی و خای معجمه

فنون میگویم
سرکه به ان
ریزند شیر
پذیر نشود
و پنیر جمع شود
و بعد ازان
بالای آتش
بپالایند
پس ازان
بکرباس دیگر

وفتح میم وسکون رای مهمله ثانی وزای معجمه م سرخ مرو سرونازف بفتح اول وسکون ثانی
وکسر واو ونون والف م سرو نورسته تمنیق السین المهمله سرخس ع بفتح
اول وثانی وسکون خای معجمه وسین مهمله ف کبیل دارو وآن چوبکیست سیاه رنگ
که بر ساحل دریای خزر یابند وآن نر وماده است ه گویند بشوراطح ی ۲ ف ملطف
مجفف خ سیاه بزرگ که بعد از شکستن فستقی بود ش نیم مثقال تا دو درم ص
شیح ارمنی باشاه بلوط وشکر سرخ ل تخم شبرم یا کشوث سرخینوس یونانی بفتح
اول وسکون ثانی وکسر خای معجمه وسکون تحتانی وضم نون وسکون واو م شیطرج
سرس ه بکسر اول وسکون ثانی درختیست مشهور هندی پر منفعت ست ع لحیة التیس
تمنیق الشین المعجمه سرشش بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم وسکون شین معجمه
خوبانی تمنیق الفا سرشف ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون فا
ه سرسون تمنیق القاف سرق ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون قاف
ه ساگ بتهو اطب ۲ ر ف ملین ص نمک وابازیر ل اسپاناخ تمنیق الکاف
سرمک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون کاف م اسفاناخ رومی ع سرمق
تمنیق الکاف الفارسی سرنگ بفتح اول وثانی وسکون نون وکاف فارسی
م آزاد درخت تمنیق النون سرسوکن ه بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مهمله تا
وسکون واو ونون ف سرشف سرگین گردان ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر
کاف فارسی وسکون تحتانی ونون وفتح کاف فارسی ثانی وسکون رای مهمله یا دال
مهمله والف م جعل سرون ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو م شاخ حیلون سریقو
سریانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ه سفند تمنیق
الواو سرو بفتح اول وسکون ثانی وواو مجهول ف درختیست مشهور طمع ح
ب دی ۲ گویند ب گویند ح ی ۲ ر ف قابض خ سبز تازه ص صمغ ل نیلوفر

پوست انار و گویند ثمر درختی است و بضم راء مهمله شاخ حیوان تمنیق الف
سر لبضم اول و سکون ثانی و فتح لام و خفاء ہا ہم شقاقل سر والف بضم اول و
سکون ثانی با داو و الف و فتح لام ہم علفی ست کہ بر سرش خارہای تیز بوند و ہر کا بجا
رسد در جامہ فرو رود و جدا نشود سر و سیاہ ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر ادو سین
مہملہ ثانی با تحتانی و الف و اظہار ہا ہم درخت نازوع صنوبر صغار سریجہ ف بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح جیم فارسی م مرغ فاطیع صعوہ و ممولا تمنیق التحتانی
سرخ پاہی ف بضم اول و سکون ثانی و خاء معجمہ با موحدہ فارسی و الف و تحتانی ہم سرہ
تریش ع حماض ہ چوکا سرطان بحری و نہری و ہندی ع بفتح اول و سکون ثانی با
مہملہ و الف و کسر نون و فتح موحدہ و سکون حاء مہملہ و کسر راء مہملہ ثانی و سکون تحتانی
ف خرچنگ ہ کیکڑا اطا بحری یعنی دریائی ب ی و نہری یعنی جوئی ب د و ہندی
ب ر و محرق اوی ۳ ق بحری محلل خ نہری انجوی بزرگ شیرین آب ش یکدرم تا
پنجدرم ص باماش پختن با طین قبرسی ل از بحری و نہری یا سرطان خشک یا صدف
یا غذف چینی سرکہ ہندی بکسر اول و سکون ثانی و فتح کاف و ہمزہ ملینہ ہا و ہاء ثانی و سکون
نون و کسر دال مہملہ ف آبکامہ کانجی سر و جیلی م درخت عرعر سرہی بفتح سین
مہملہ ثانی و کسر ہا ہم سرہی کہ راست باشد تنسیق السین المہملہ و تمنیق الدال
المہملہ سسعد یونانی بفتح اول و سکون سین مہملہ و فتح عین مہملہ و سکون نون و
دال مہملہ م عود بلسان تمنیق السین سیسالیوس بفتح اول و ثانی و الف و کسر
لام و ضم تحتانی و سکون واو و سین مہملہ ثالث م انجدان کاشم رومی تمنیق النون
سسطیعون سریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طاء مہملہ و سکون تحتانی و ضم عین
و سکون واو و نون ف سیر گافردونی تنسیق الطاء المہملہ و تمنیق الالف
سطر کا رومی بفتح اول و طاء مہملہ و سکون راء مہملہ با کاف و الف م اصطرک

وضم یای مهمله واو مجهول ودال مهمله مرغ سنگخوار ع قطاه سفند سفید بفتح اول
وثانی وسکون نون وکسر دال مهمله وفتح سین مهمله ثانی وکسر فا و ثانی وتحتانی مجهول
ه اسپند تمنیق الراء المهمله سفرف بضم اول وثانی وسکون راء مهمله ه سنجو
ه ساهی تمنیق السین المهمله سفاریکوس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر
دال مهمله وسکون تحتانی وضم کاف وسکون واو وسین مهمله ثانی ف نوعی
از پیاز بری طح ی تمنیق اللام سفال ف بکسر اول وفتح فا بالف ولام هر گل پخته
ه ٹھیکری وپوست گردگان وبادام وپسته وفندق وپوست انار خشک شده
وامثال آن را نیز گویند سفرجل بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح جیم وسکون
لام ف آبی ه بهی طب ی ۲ ق قابض وحابس خون ومقوی ل ومعده خ
بزرگ رسیده س ده ورم از آب وص طب یا عسل ل کثری تمنیق النون
سفندولیون یونانی بفتح اول وثانی وسکون نون وضم دال مهمله وسکون واو
وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ونون ثانی ف زیره بری تمنیق الیاء سفنج
ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی وخفاء ها م خربزه نارسیده تمنیق
القاف وتمنیق الالف سقمونیا ع بفتح اول وسکون قاف وضم میم وسکون
واو وکسر نون با تحتانی والف صمغی ست مسهل واز یتوعات ست ف محموده ط
ح ی ۳ گویند ۲ ق مسهل صفرا نخ الطاکی صافی سبک برنگ ابریشم وجالیدن
دست خورد شود وسفید بود وچون در آب حل کنند مانند شیر ماندش بلقیراط
تا دو دانگ ص معجون ساختن با آب به ترش وسیب وگلاب که در آن نقیع کرده
باشند سماق واز وقرص تنک ساز ند و در سایه خشک کنند و قدر شربت بیشتر
از معجون ندانند و بعد از آنکه در به سیب یا پیاز یا زرد ک مشوی کرده باشند ص
کثیرا یا مصطکی وانیسون ونشاسته بروغن بادام دود قوداگر محموده را با بنفشه

صلایه کنند کار سوی کند ل سه وزن حب الخروع یا ما هو دانه تمنیق الراء المهمله
سقار بضم اول و فتح ثانی والف ساجی سقنقور بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم
قاف ثانی و سکون واو ریگ ماهی گویند از نسل تمساح ست و آن چنانست
که نهنگ بر ساحل رود و نیل خایه می نهد و بچه می دهد هر چه در آب رود نهنگ ست
و آنچه بر ریگ میماند سقنقور ست ط چون تازه بود ح ۲ ر و چون نمکسود کنند خشک
گردد و حرارت از رطوبت زیاده تر شود و گویند ح ۲ ی ا ق بهی خ ترک در وقت
بهار و موسم هیجان ایشان صید کرده باشند ش از گوشت وی یکمثقال تا سه
مثقال ص عسل یا شوربای عدس ل خصی الثعلب تنها یا با خردل یا ذکر گاو خشک
سوده و نیم وزن زردک تمنیق الزاء المعجمه سقر بفتح اول و کسر ثانی مشدد و
سکون زای معجمه ع علک الانباط و علک البطم ف صمغ درخت بن تمنیق السین
المهمله سقنقس بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم قاف ثانی و سکون سین
مهمله ثانی م سقنقور تمنیق اللام سقاقل بفتح اول با ثانی والف و ضم قاف
ثانی و سکون لام م شقاقل تمنیق النون سقنع بفتح اول و کسر ثانی و سکون
نون ع دبس ف سیلان یعنی عسل رطب سقوردیون یونانی بضم اول و ثانی و
سکون واو و رای مهمله و فتح دال مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م سیر بری
و سیر موسقولوقندریون یونانی بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم لام و سکون
واو ثانی و فتح قاف ثانی و سکون نون و فتح دال مهمله یا معجمه و سکون رای مهمله و ضم
تحتانی و سکون واو ثالث م سقولوقندریون ف زنگی دار و ط ح ا ی ۲ گویند
مع ق ملین ش دو درم ص ورد یا مصطکی یا عسل ل غافث یا کمادریوس
یا پوست کبر یا نیم وزن آن تخم کرفس تنسیق الکاف و تمنیق الالف سکلیا
یونانی بفتح اول و کسر کاف و سکون تحتانی و فتح رای مهمله و سکون عین مهمله با لام

مساوی ممزوج کنند ف مثنی سکنکبین ف بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون و
ضم کاف فارسی وکسر موحده وسکون تحتانی م سکنجبین تمنیق الماء سکاسته و سکاشه
سکاشته سکاسته بضم اول وثانی والف در همه لغات وسکون سین مهمله ثانی وفتح فوقانی
وخفاء ها در لغت اول وفتح سین مهمله در لغت ثانی وسکون شین معجمه وفتح فوقانی در
لغت ثالث وفتح شین معجمه در لغت رابع م رکاسه سکسنبویه وهی بفتح اول وسکون
ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون نون وضم موحده وسکون واو وفتح تحتانی ف
تخم پستان وگویند پنج پنکشت تنسیق الکاف الفارسی وتمنیق الموحده
سکالب ف بفتح اول وسکون کاف فارسی با لام والف موحده حیلو نیست شبیه
بسگ که در دریا بهم رسد هم چند بیشتره او دربالا وتمنیق الراء المهمله سکرف
بضم اول وثانی م رکاسه سکنکورف بفتح اول وثانی فارسی وسکون نون وضم
کاف فارسی ثانی وسکون واو ع عنب الثعلب تمنیق الکاف سکک ف بفتح
اول وثانی فارسی وسکون کاف ه چیز اسک ف بفتح اول ع کلب ه کتا تمنیق
الواو سکالاو ف بفتح اول وسکون ثانی فارسی با لام والف وواو مجهول م
سکالاب تمنیق الماء سکاله ف بفتح اول وثانی فارسی وفتح لام وخفاء ها م کمین
سک سکرنه ف بضم اول وثانی فارسی وسکون راء مهمله وفتح نون وها م رکاسه
تمنیق التحتانی سکالی وسکالای وسکالاوی بفتح اول وسکون ثانی فارسی در
در هر سه لغت ومد همزه وکسر موحده وسکون تحتانی در لغت اول ولام والف و
کسر موحده در لغت ثانی وکسر او در لغت ثالث م بیستر تنسیق اللام تمنیق
الالف سلق المایع بکسر اول وسکون لام وضم قاف وسکون لام ثانی با میم
والف ممدوده م جار النهر تمنیق الفوقانی سلاجت ه بفتح اول وثانی والف
وکسر جیم وسکون فوقانی م قسمی از سلاریس سلت ع بکسر اول وسکون لام ف

چه برهنه سلحفات بضم اول وفتح ثانی وسکون حاء مهمله با فا و الف ف سنگ لشتپت
که پهواطمع ق هرطبخ بزرگ ص ورد تمنیق الدال المهمله سلسده بفتح
اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون دال مهمله م سلسی تمنیق الراء المهمله
سلور بفتح اول وضم ثانی وسکون واو و راء مهمله ف نوعی از ماهی ست در نیل مصر
تمنیق السین المهمله سلارس ه بکسر اول وثانی والف و راء مهمله وفتح راء مهمله ثانی
وسکون سین مهمله ثانی م میعه سایله تمنیق الطاء المهمله سلیط یونانی بفتح اول
وکسر ثانی وسکون تحتانی وطاء مهمله ف روغن زیت تمنیق القاف سلق ع بکسر
اول وسکون ثانی وقاف ف چقندر طح ی ا ق محلل ملطف مجلی خ شیرین
سفید ص سرکه ل شلغم سلمق بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم ه کهیترا تمنیق الکاف
سلک ع بضم اول وفتح ثانی وسکون کاف ف کبک بچه تمنیق المیم سلجم ع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون میم ف شلغم طح ر ۲ ق ر خ بستانی تازه ص
توابل ل جزر سلم بفتح اول وثانی م درخت مغیلان تمنیق الها سلاحه بفتح اول
وثانی والف وفتح حاء مهمله وخفاء ها ف بول بز کوهی ست که هنگام تهیج بر سنگ
کرده باشد و سنگ سیاه گردد مانند قیر تنک سلافه بفتح اول وثانی ولام والف
وفتح قاف شیره انگور و گویند مرد به سلخ الحیه بفتح اول وسکون ثانی وضم خاء معجمه
وسکون لام وفتح حاء مهمله وتحتانی مشدد ف پوست افگنده ماره کینچلی طب ی
خ ماخوذ از مار سفید سلیخه بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح خاء معجمه ف پوست
درختی ست ه کهیلی کهیلا طح ی ۲ گویند ۳ ق مجفف ملطف مدر مفتح ومقوی
دل ومعده خ سرخ سطبر اندکی تلخ تمام عفص وچون بشکنند بر او بخار نماند ودر انه
سفوف بخوش ما نند قرفه نجیده ش یک درهم ص کثیرا ال ل دارچینی یا اسارون
تمنیق التحتانی سلق بری ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر قاف وفتح موحده

بیماری نرگس
خواند طبیعت
دی معتدل
بود در گرمی
و خشکی لطیف
بود و بعضی گویند
گرم و خشک است
در اول درجه
و گویند در
سوم درجه

مغذی و سپیخ صحوی رقیق پوست کوچک فلوس متوسط در خوردی و بزرگی

و لاغری و بشره از بد بوی سیکنش آب شیرین سنگ ریزه یا ریگی بر تابه بریان کرده

ص عسل روغن بادام و فلفل و بعد از و زنجبیل مربی و شراب ل لحم تمنیق اللام

سماقیل بفتح اول و ثانی و الف و کسر قاف و سکون تحتانی و لام ع سماق سمندل

و سمندول ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم دال مهمله در لغت اول و سکون

واو در لغت ثانی ع سمندر تمنیق المیم سمسم ع بکسر هر دو سین مهمله و سکون میم

ف کنجد یا تل طح را گویند ۲ ق محلل ملین سپیخ تازه بزرگ دانه ش یک کف ص

بریان کردن و با عسل خوردن ل بزرگتان در تملیس و معاجین مغز بادام یا خشخاش سفید

و عسل سم ع بفتح اول و سکون ثانی ف زهر و بشین ه بس تمنیق النون سمندر پیین ه

بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون و ضم دال مهمله و سکون رای مهمله و کسر موحده فارسی

و اظهار های تحتانی مجهول و نون ف کف دریا سمندرلون ه بفتح اول و ضم ثانی و

دال مهمله مشدد و سکون رای مهمله و ضم لام و واو مجهول ع ملح محیط ف نمک دریا سمقون

بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون سین مهمله ثانی و فتح میم ثانی و ضم های مهمله

و سکون واو ع آذان الفار سمن ع بفتح اول و ثانی ف روغن گاو ه گهیو طح ر

ا ق منضج محلل ملین خ تازه ص جمیع مقویات معده انار نیز ل مسکه د بضم اول و فتح ثانی

ف گل سه برگ سموریون یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و رای مهمله و کسر موحده

و ضم تحتانی و سکون واو ثانی ف کرفس بری سمین ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون

تحتانی ف چربی گوشت طح ر خ ماخوذ از حیوان مستلمل ص زنجبیل محلل سمیون

بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و ضم تحتانی و سکون واو ع سمنه و هر ترکیبی که

بدن را فربه کند آن را سمنه خوانند تمنیق الهاء سمانه ع بفتح اول و ثانی و الف و فتح

نون و خفاء ها ع جانوری حقیر سمنه ع بضم اول و سکون ثانی و فتح نون ع حب السمنه

ف نقل خواجه ه چرو تجی سمدف بکسر اول و فتح ثانی م رنگ سبز که بزردی آب
بهم سد تمنیق التحتانی سمانی بفتح اول و ثانی والف وکسر نون ف مرغیست
دریائی که او را قتیل الرعد خوانند بدان سبب که چون آواز رعد بشنود بمیرد و گوشتم
بری بکسر جرد و سین مهمله و سکون هر و میم و فتح موحده وکسر را مهمله مشدد م جبلهنگ
ف تخم زرد خار تنسیق النون و تمنیق الالف سناع بفتح اول و نون الف
ه بهون تر و رطح ی ف سهل سواخ ملی حجازی که با برگهای سوره ماند و بر کشش
از هر دو طرف املس و خضرتش مائل بزردی و پاک از چوب و خس هش در مطبوخ از
چهار درم تا هفت درم و کوفته تا سه درم ص هلیله زرد و بنفشه و ورق گل و صمغ عربی
و کثیرا یا اجاص و تمر هندی ل از مکی یکوزن و نیم سناء نجدی یا مصری باید و در
سنا دیگر و گویند بسفایج و شاهتره سنگهار ا بکسر اول و خفا ثانی و فتح کاف فارسی
و اظهار ها والف و را مهمله ثمریست خاردار هندیست بشکل فندق که در آبها روید
و بالای ثمر او سه خار باشد تمنیق الموحده ة سنبل الطیب بضم اول و سکون
ثانی و ضم موحده و لام و کسر طا مهمله مشدده و سکون تحتانی و موحده ثانی ه چهار طح ا
ی ۲ گویند ۳ ق مفتح محلل مقوی باغ و دل خ سوی تازه سبک خوشبوی چون
سعد و اشقر کوچک خوشه مجفف زبان چون بخایند بویش در دهان در نگ کند
نش نیم درم ص کثیرا یا طباشیر ل دو وزن آن اذخر یا یکوزن ساذج هندی یا
مصطکی سنبل الکلب بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده و لام و سکون لام
ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث ف میوه درخت سپیدار و گل لسان العصافیر
سنجاب ف بکسر اول و سکون ثانی با جیم والف جانوریست مشهور که اندکی
از موش کلان تر باشد و از پوستش پوستین سازند گرمی وی کمتر از سموراست
طح ی تمنیق الفوقانی سنبوت بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو

و فوقانی ۵ زیر آسنگ پشت بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی و ضم موحده
فارسی و سکون شین معجمه م لاگ پشت کا کچھوا تمنیق الجیم سنباوج بضم
اول و سکون ثانی با موحده و الف فتح دال مهمله و سکون جیم ف سنباده کہ گرند
کہ بروا قراز ہا تیز کنند طرح ہی ۳ ق سفرج تمنیق الخاء المعجمہ سنجخ ف بفتح
اول و ثانی و سکون خاء معجمه م نمک تمنیق الدال المهمله سنجد ف بکسر اول
و سکون ثانی و کسر جیم و سکون دال مهمله م غبیراء سنسا د بفتح اول و سکون ثانی
با سین مهمله ثانی و الف ف جای تیری تمنیق الراء المهمله سنجفر بفتح اول
و سکون ثانی و فتح جیم و سکون فا و راء مهمله م زنجفر سندر ف بفتح اول و سکون
ثانی و ضم دال مهمله م سندروس سندوره بکسر اول و خفاء ثانی و ضم دال مهمله و سکون
واو م سرخ سنکبرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و کسر میم و تحتانی
مجهول جانوریست پرنده سنگین سار ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف فا
و سکون تحتانی و نون ثانی با سین مهمله ثانی و الف نام طائریست سیاه رنگ
کہ بر پشتش نقطهای سپید باشد م سار و سنوج ع بکسر اول و فتح ثانی بشدد و سکون
واو ف گربہ بلی طح تمنیق الزاء المعجمه سنز ف بضم اول و کسر ثانی و زاء معجمه
م سیاه دانه سنگوبر بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی و کسر واو و سکون تحتانی
ع زنجبیل ۵ سونٹھ تمنیق السین المهمله سندروس ف بفتح اول و سکون ثانی
و فتح دال مهمله و ضم راء مهمله و واو مجهول و سین مهمله ثانی م صمغیست شبیه کهربا زرد رنگ
روغن کمان از و سازند طح ی ۲ گویند ا ق مجفف فتح صافی شی نیم مثقال
ص بوزیدان ل کهربا و لک سندروس یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم
دال مهمله و سکون واو و کسر قاف م سرخ سنکرک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
کاف فارسی و راء مهمله و سکون کاف ثانی م تگرک تمنیق اللام سنبل ف بضم اول و سکون ثانی

با سنبل معروف طیب گرم است و در دماغ سود دهد و درد رحم و دل را دفع شکست و در دوم درجه است قابض است نیلوفر پارسی است و نیلوبرگ نیز گویند

دیگر در هم خوانند سند روس دبنات در ادویه نیز اجزای آن که عصاره ... بل

والف وضم های ثانی و واو مجهول و کسر لام م دوای هندیست طح ق ملین
سنگ بصری بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی و فتح موحده و صاد مهمله
و کسر راء مهمله ف توتیا سفالکسله کمیر یا سنی ف بکسر اول و ثانی م ریم آهن
تنسیق الواو و تمنیق الالف سوناه بضم اول و واو مجهول با نون و الف
ف زر و طلا تمنیق الموحدة الفارسی سوپ ه بضم اول و سکون واو و موحده
فارسی ف آب تمنیق الفوقانی سواد القضات ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم
دال مهمله و سکون لام و ضم قاف و فتح ضاد معجمه مشدد و الف فوقانی م مازو ه
ماجو پهل تمنیق الجیم سوج بضم اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون جیم
ف نوعی از کفدریا تمنیق الخاء المعجمه سوخ ف بضم اول و سکون ثانی و خاء معجمه
م پیاز تمنیق الدال المهمله سواد السند و سواد الهند بفتح اول و ثانی
والف و ضم دال مهمله و کسر سین مهمله مشدد و ثانی و سکون نون با دال مهمله در لغت
اول و کسر ها در لغت ثانی نوعی از اسلیخه ست آن را سلیخة السواد گویند ل صدف
سوسپند ف بفتح اول و سکون ثانی و سین مهمله ثانی و فتح موحده فارسی و سکون
نون م شیر گیاه که دوده ی تمنیق الراء المهمله سواد النهر بفتح اول و ثانی و الف
و ضم دال مهمله و فتح نون مشدد و سکون ها و راء مهمله م کشت برکشت سوسمار
بضم اول و سکون ثانی و سین مهمله ثانی با میم و الف م جانوریست مثل شکل
راسو ع ضب گوه سویق الشعیر ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم
قاف و فتح شین معجمه مشدد و کسر عین مهمله و سکون تحتانی ثانی ف پست جو
ه ستو جوکی طب ی اص قند سفید تمنیق السین المهمله سوس ع
بضم اول و سکون ثانی و سین مهمله ثانی ف مهک ه مرهتی طح ی گویند مع
گویند اف ق مقوی دل و محلل و ملطف و مجلی خ بیخ زرد تنگ ش یکمثقال

ص در دل تپن وبند رحله ونیز بزبان هندی جانور آبی مشهورست بصوت خوکی
ومشک بود و در عربی نیز کرم گندم خوارست که در غله خورد ونیفتد وانرا اشتباه کنند ونیز
فارسی کرمیست که در جامهای ابریشمی افتد وتباه سازد ونیز سوسمار تمنیق الشین المعجمه
سونش ع بضم اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون شین معجمه ف براده هر چیز
را بدین نام خوانند تمنیق الفا سوتف ه بفتح اول وسکون ثانی خفا نون عنا
بادیان تمنیق القاف سویق ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی دلیست
وتلقان که ساتو وآنرا از گندم وجو وبرنج ونخود بریان سازند طا از گندم ح ی ا
وازبرنج معخ باعتدال بریان کرده وکم شحاله تمنیق الکاف سوسک ف بضم
اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی ف تهو وجانور تدرو تمنیق النون سونجان
بضم اول وسکون ثانی وکسر رای مهمله وسکون نون با جیم والف ف لعبت بربر
هسنگهاره جنگلی طح ۳ ی ۲ ف بهی خ مصری که در وبش زرد وبیش سفید وشکستن
صلب باشد ش نیم مثقال تا یکمثقال ص کتیرا و شکر و زعفران وفلفل زنجبیل
با پنج سورنجان ل تربد ودو دانگ وزن آن افتیمون ودو یک آن غریقون سفید
و در وجع مفاصل بوزن آن ورق سنا وافتیمون نقل الیهود وگویند بوزیدان سورنجان
ه بضم اول وسکون ثانی وفتح رای مهمله پنج مشهور هندلیست م چکنی سوسن بضم اول
وثانی مجهول وفتح سین مهمله ثانی ف گلیست مشهور طح ی ۳ گویند معخ ق یلین
محلل مدر حیض خ آسمانگونی وگویند سفید انروش یکمثقال تا سه مثقال ص کافور
یا نیلوفر ل نرگس سوقطیون یونانی بضم اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون
طای مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثانی هم خصی الثعلب سوچرلون ه بضم اول وثانی
مجهول وخفا ونون وفتح جیم فارسی وسکون رای مهمله وضم لام و واو مجهول ثانی ف
نمک سیاه تمنیق الها سوسه بضم اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی هم کرم گندم

199

خوارک سونٹھ بضم اول و ثانی مجهول و خفاء نون و فتح فوقانی هندی و اظهار ها
ع زنجبیل تمنیق التحتانی سوبدی ف بضم اول و سکون ثانی و موحده و کسر دال
مهمله هم سارع زرد و روان طائریست سوری بضم اول و سکون ثانی و کسر راء
مهمله ف نوعی از زاج سرخ ست که زاج کفشگران خوانند طح ی سوم بلیله
بضم اول و ثانی مجهول و میم و فتح موحده و کسر لام دوای مشهور هندیست سون
ها بضم اول و ثانی مجهول و نون ساکن با میم والف و کسر کاف و اظهار ها هم قشیشه
تنسیق الها و تمنیق الالف سهاگاه بضم اول و اظهار ها والف با کاف فارسی
والف ثانی ف تنکار سهجناه بفتح اول و کسر ثانی و سکون نون و فتح جیم با نون و ها
هم درخت هندیست و کونپل فلفل سفید تخم اوست سهوراه بفتح اول و ضم ثانی
و واو مجهول با راء مهمله والف درخت مشهور هندیست که بالخاصیته بارکرد چوب او
نگردد و تمنیق الراء المهمله سهرف بکسر اول و سکون ثانی هم گاو تمنیق الکاف
سکوبک ف بکسر اول و خفاء ثانی و ضم کاف و واو مجهول و فتح ها و سکون کاف
ثانی هم خارخسک ساه گوکهرو تمنیق اللام سگل ف بفتح اول و خفاء ثانی و ضم کاف فارسی
هم درختیست که چون میوه پخته شود سرخ گردد ف قابض تمنیق التحتانی سهدئی ها
بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله و تحتانی مجهول و کسر همزه و سکون تحتانی ثانی
هم دوای هندیست طب رف دافع حرارت اگر بخیس اسانیده بر قضیب طلا کنند
با هر زنیکه مقاربت نمایند فریفته گردد و چون کوفته با چیزی نموده با بول انسان سرشته
قرص ساخته بر دهن عرق مدنی بر بندند از بیخ بر آرد تنسیق التحتانی و تمنیق الالف
سیا بفتح اول با تحتانی هم سنا سیبیا بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده با تحتانی
ثانی ف نام ماهی مشهور ست در نواحی بیت المقدس سیساه بکسر اول و سکون ثانی
و سین مهمله ثانی ف سرب تمنیق الموحده سیاب بکسر اول با ثانی والف و موحده

درپیرو بعضی هندیان نهر گویند بعضی قاقله صغار الایچی خورد خاصیتش گرم ست در درجه اول و خشک در دوم جگر معده سردی را نزیاد

٢٠١

بلغت وادی القرن م خلال سیف الغراب ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فا وسکون
لام وضم غین معجمه با راء مهمله والف م نوعی از سوسن م دلبوس سیمایف بکسر اول
وسکون ثانی با میم والف ه یا راسینبه ه بکسر اول وثانی مجهول خفا نون
ف قسمی از باقلای هندیست تمنیق الفوقانی سیکران الحوت ع بکسر اول وسکون
ثانی وفتح کاف ورا مهمله والف وضم نون وسکون لام وضم حا مهمله وسکون او
وفوقانی م ماهی زهرج تمنیق الجیم سیسج ف بفتح اول وسکون ثانی وجیم م موم
تمنیق الخاء المعجمه سیالخ ف بفتح اول وسکون ثانی والف وکسر لام وسکون
خا معجمه م خار خسک تمنیق الدال المهمله سیهنده ه بکسر اول وثانی مجهول وضم
ها وخفا نون ودال هندی م زقوم تمنیق الراء المهمله سیارف بکسر اول با ثانی
والف م کشکینه وآن نانی ست که از چو بپزند سیج پیرف بکسر سین مهمله وسکون ثانی
وخا معجمه وفتح سوحده فارسی م بچه جانوران پرنده که نو پر برآورند سیرف بکسر اول
وسکون ثانی ه لسن سیسنبر بکسر اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون
نون وفتح سوحده م سی سنبل وسه سنبل وتمام سنبری باشد میان نعناع وپودنه
زیرا که پودنه چون در کرزه دست نشان نمایند سیسنبر وید وچون باز بکریزد
دیگر نقل کند نعناع برآید وبویش تیز باشد ط ی ٣ ل در تحلیل وتلطیف با وجع
تمنیق الزاء المعجمه سیاکیرف بفتح اول وثانی والف وکسر کاف وسکون تحتانی
ثانی م نمد تمنیق السین المهمله سیسالیوس بکسر اول وسکون ثانی با سین مهمله
ثانی والف وکسر لام وضم تحتانی ثانی وسکون واو رف نوعی از صمغ ست مثل
انگوزه وآن انجدان رومی وکاشم رومی ست وگویند تخمی ست مثل کمون کرمانی
که بوی ترنج دهد ط ح ی ٣ ف محلل وملطف خ رومی کوچک ف ق وبخیش خوشبوی
وسمنقش حلتیت وتخم کاشم نیش نمدیعم ص سرطانیقی ل خردل سفید یا انجدان

یا خطر اسالیون تمیق الکاف سیسرک و سیسبک و سیسبک و سیسلک ف بکسر اول
و سکون ثانی و کسر سین مهمله ثانی و سکون را مهمله و کاف در لغت اول و کسر
سین مهمله ثانی در لغت ثانی و کسر کاف اول در لغت ثالث و کسر لام در لغت
رابع م کرم گندم خوار تمیق الکاف الفارسی سماهنک ف بکسر اول و سکون
ثانی با میم والف و فتح ها و سکون نون و کاف فارسی م قشار بری تمیق اللام
سیال بفتح اول و ثانی والف ولام ف یا سمین بکسر اول اسم هندی سنتا
ف شغال سیمول بکسر اول و سکون ثانی با میم والف و فتح ها و سکون ثانی و ضم خای معجمه
و سکون واو ع تشی ه ساهی سینبل ف بکسر اول م فتح ثانی و اظهار ها و ضم سین
مهمله ثانی و سکون نون و ضم موحده م سیسنبر تمیق النون سیبوس ف بفتح
اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو و فتح سین مهمله ثانی و سکون نون
م سیفول سیبارون بکسر اول و سکون ثانی با سین مهمله ثانی والف و ضم راء
مهمله و سکون واو ف چوب پاره وانه طح ی ۲ سیسبان بکسر و فتح اول و سکون
ثانی و فتح سین مهمله با ثانی با موحده والف م حب لفقه سیسون بکسر اول و
سکون ثانی و ضم سین مهمله ثانی و سکون واو م درختیست هندی مشهور که تصفیه
خون دوای تو بیست سیگران بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و راء مهمله والف
ع بنج البنج سیلان ف بکسر اول و ثانی مجهول با لام والف شیره که از خرما رسیده
بچکد سیند بالون ها بکسر اول و ثانی مجهول و خفای نون و فتح دال مهمله با اظهار ها
والف و ضم لام و واو مجهول م سنگ تمیق الواو سیسرف بکسر اول و فتح
ثانی و سکون سین مهمله ثانی و ضم راء مهمله و سکون واو م کرم گندم خوار سیوف
بکسر اول و ثانی مجهول و واو مجهول م سیب سیاه دانه ف بکسر اول با ثانی و الف
و اظهار ها با دال مهمله والف ثانی و فتح نون کاکلوبچی سیخند ف بکسر اول و سکون ثانی

وکسر جیم فارسی وسکون غین معجمه وفتح نون م جانوریاشد که شکاریست تمیق التحتانی
شیبنی ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی م ریم آهن شی
ف بکسر اول م سنگ تر قیم الشین المعجمه وتنسیق الالف وتمیق الفوقانی
شاه درخت ف بفتح اول وسکون ثانی واظهار ها وفتح دال مهمله ورا مهمله وسکون
خای معجمه فوقانی م درخت صنوبر تمیق الجیم شاه نج بفتح دال مهمله ونون
وسکون جیم م شادنه وحجر الدم ط تا خشک اوج ای ۲ وشسته او ب ا گویند
۳ ف قابض مجفف حابس خ ن خ عدسی که از عدس بهن تر باشد ولبسیار سرخ سیاهی
مایل ووشکن ومغسول سی نیم مثقال ص عصاره زرشک ل بهموزن آن روی
سوخته وچهار دانگ وزن آن توتیای کرمانی یا حجر مقناطیس سوخته شاهتج
ع بسکون ها وفتح فوقانی ورای مهمله ف شاهتره بیت یا پره طح ای ۲ گویند
ب ا ق بفتح منقی ومسهل صفرا خ سبز تازه تلخ س از آب او نیم رطل تا دو ثلث
رطل وخشک در مطبوخ تا ده درم ودر غیر مطبوخ تا هفت درم ص کیمو وعسل
ل بهموزن سنا مکی وچهار دانگ وزن هلیله زرد در تنهای کهنه شاهبلوط ع
بشین معجمه والف وبا و ضم لام وسکون واو ف شاه آلو زرد وسپید تمیق
الخاء المعجمه شاخ ف بسکون خا درخت وشاخ حیوانات وعطریست که از گربه
حاصل شود وزباد شاماخ ف بمیم والف ثانی ده غله سانو تمیق الدال المهمله شاهسکند
ف بسکون کاف وفتح میم وسکون نون ودال مهمله م نمد تمیق الراء المهمله
شارف بسکون راء مهمله م شقال جانوریکه مانند طوطی سخن گوید وآنرا شارک
وشار نیز گویند شاه سرف بفتح نون وخفای ها وفتح سین مهمله ع هدهد شاه انجیر
ف با ظهار ها وفتح همزه وسکون نون وکسر جیم وسکون تحتانی م انجیر وزیری
تمیق الطاء المهمله شاه بلوط با ظهار ها وضم موحده ولام وسکون واو

۲۰۳

باب الیاء
یاقوت معرب است
او یاکند ... نام اوست
واو چهار نوع
سپید وزرد و
کبود وسرخ
وآنچه سرخ است

وطاء مهمله م بلوط الملک و آن شیرین تر از بلوط باشد طمع ی اق قابض
خ رسیده و ترش د دو ورم ص شکر یا عسل ل خرنوب یا بلوط یا مغره تمنیق القاف
شاداتق بدال مهمله والف ثانی وفتح نون م شهدانج ف تخم بهنگ تمنیق الکاف
شارک ف بفتح راء مهمله وسکون کاف م جانور سار و که سخنگو ست شاسک
ف بفتح سین مهمله م تیهو شالوک ه بضم لام وسکون واو ف بیخ کوبل شانک
ف بفتح نون م سنگدانه مرغان شانه سرک ف بفتح نون و خفار ها و فتح سین
مهمله و راء مهمله م هدهد شاهبانک ف بسکون ها با موحده والف و فتح نون
م تش سگ غ بنفسج الکلاب شاهبانج تمنیق الکاف الفارسی شاشک ف
بفتح شین معجمه ثانی وسکون نون و کاف فارسی م تیهو تمنیق اللام شاخل ف بفتح
خاء معجمه وسکون لام م علف البیت ه اسپرشا طلل بکسر طاء مهمله و دوائی ست هندی
مانند کمات خشک ه شاهل طح ی ۳ ش تیهدرم تمنیق المیم شاه اسپرغم و
و شاه اسپرم و شاه اسپرم و شاهسپرم و شاه هسپرم و شاسفرم ف با اظهار ها
و کسر همزه و سکون سین مهمله و فتح موحده فارسی و سکون راء مهمله و فتح غین معجمه و سکون
میم در لغت اول و سکون راء مهمله در لغت ثانی و فتح هاء ثانی در لغت ثالث و فتح
هاء اول و سکون سین مهمله در لغت رابع و سکون هاء اول و فتح هاء ثانی در لغت خامس
و فتح فاء در لغت سادس گویند در عهد کسری یعنی نوشیروان ماری نزدیک سر آمد
و از دهن قدری تخم سیاه خورد بینداخت کسری فرمود تا این تخم را کشتند از آن
این رست ع ریحان طح ای ۳ ق تخمش قابض منوم خ سعتری که کرمانی و
ریحانی خوانند ص نیلوفر تمنیق النون شابرن و شابورکان و شابورن شادرن
ف بضم موحده و فتح راء مهمله و سکون نون در لغت اول و واو مجهول و فتح راء مهمله
با کاف والف در لغت ثانی و فتح راء مهمله در لغت ثالث و ضم دال مهمله با راء مهمله

والف در لغت رابع م فولاد سعدی شان ف بسکون نون م خانهٔ زنبور عسل که
دران عسل باشد م گواره شاهین ف بکسر ها وسکون تحتانی جانوریست شکاری
شهنیق الواو شاه دارو ف باظهار ها ودال مهمله والف وضم راء مهمله وسکون واو
م شراب گویند جمشید خواست که اکثر اوقات خلق از انگور منتفع شوند آب انگور
بگرفت ودر ظرفی نهاد چون بجوشید وصاف شد بهر روز بچشیدی چون از جوشیدن
باز ایستاد تلخ شد گمان برد مگر زهر قاتل گشته وآنرا در گوشه نهاد جمشید را
کنیزکی بود که معشوق او بود ناگهان بدرد شقیقه مبتلا آمد واز درد بیطاقت گشته
بمرگ تن داد وباخود اندیشید که ازان زهر مقداری بخورم تا یکبارگی خلاص شوم
قدحی برداشت وبخورد اثری بران مترتب نگشت قدحی دیگر بخورد واهتزازی در خود
یافت پس چند قدحی پی در پی بخورد ومدتی بود که نغنوده بود سر بر بالش نهاد و
ویکشبان روز بخفت چون بیدار شد ازان بیماری اثری نمانده بود واقعه را
بعرض جمشید رسانید جمشید آنرا شاه دارو نام نهاد شهنیق الها شادنه ف بفتح
دال مهمله یا معجمه ونون واخفاء ها ع شادنج سنگ سرخیست که بسیاهی زند
وزود بشکند وآن عدسی هست وگاه درسی واز دیار هند وطور سینا آورند شانه
ف بفتح نون واخفاء ها م شان شاه بسه ف باظهار ها وضم موحده وفتح سین مهمله
ع اکلیل الملک شاهتره ف باظهار ها وفتح فوقانی وراء مهمله مشدد ع شاهترج
شاه دانه ف باظهار ها ودال مهمله والف وفتح نون م تخم بنگ شایه ف بفتح
تحتانی م میوه شهنیق التحتانی شاه برومی بکسر موحده وضم راء وسکون واو وکسر
میم وسکون تحتانی ف فلفل سفید شاه نشتی ف بفتح نون وهمزه ملینه ها وفتح
دال مهمله وسکون شین معجمه ثانی وکسر فوقانی م گنگهی شاه بوی ف باظهار ها وضم موحده
وواو مجهول م عنبر شاه چینی ف باظهار ها وکسر جیم فارسی وسکون تحتانی ف

برزمین می نهد وبعد و شخصی آن چرا می کند تمیق الکاف شبان فرنیک و شبان فرتو ف بفتح اول وثانی با الف ونون وکسر فا و را مهمله وتحتانی مجهول و فتح موحده ثانی وسکون کاف در لغت اول وفتح واو در لغت ثانی م مرغ شبان فریب شب چراغ بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی و را مهمله و الف و فتح غین معجمه ف کرم شب تاب شب خیزک بکسر خا معجمه وتحتانی مجهول و فتح زا معجمه ف تره تیزک ع شاد تمیق الکاف الفارسی شبرنگ ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح را مهمله وخفا نون و کاف فارسی م گلی ست خورد وسیاه رنگ باندک زردی در و سنگ سیاه براق که آنرا شبه نیز خوانند طب می تمیق المیم شبرم بکسر اول وسکون ثانی وکسر را مهمله وسکون میم قسمی از یتوعات ست ه بسو لاطح ۲ ی ۳ ف مسهل صفرا سبک که رنگ سا قش مائل بسرخی باشد شش دانگی و گویند بیدرم تا یکدرم ص در سرکه یا در شیر تازه خیسانیدن ل نمودن با زریون یا قثا الحمار تمیق النون شبکون ف بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی وسکون واو و نون م شب چراغ تمیق الواو شبان فریوف بفتح اول وثانی والف و نون و فتح فا و کسر را مهمله و تحتانی مجهول و واو مجهول م شبان فریک تمیق الها شباره ف بفتح اول وثانی مشدده والف و فتح را مهمله وخفا ها م شپره شب الاشکافه بفتح اول وضم ثانی مشدده وسکون لام و فتح همزه وسکون سین مهمله با کاف و الف و فتح قاف قلیه تحتانی شبیوق بفتح اول وضم ثانی وسکون واو و فتح قاف م خماهن شبه ف بفتح اول وثانی م سنگ شب رنگ شب یازه تحتانی والف و فتح زا معجمه م چگاوک تمیق التحتانی شبوی ف بفتح اول وضم ثانی مشدده و واو مجهول وتحتانی مجهول م گلیست کبود و سفید و دیگر الوان که شب بوی دهد شبیبی ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر موحده ثانی ف برگ بزالبنج ق مخدر لطیف تنسیق الموحدة الفارسی و تمیق الزاء المعجمة

خاتمة الادب در بیان خاصیات

شبوزف بفتح اول وضم موحده فارسی مشدده وواو مجهول وزاء معجمه شیرۀ تمنیق
الکاف شپرک ف بفتح اول وثانی فارسی مشدد وراء مهمله چپگاد تمنیق الهاء
شپره ف بفتح اول وثانی فارسی مشدده وراء مهمله وخفاء هاء چپگاد شپشه ف بفتح
اول وکسر ثانی فارسی وفتح شین معجمه ثانی کرمیست که اکثر در تابستان در حبها
پشمین و گندم ودیگر غلها افتد وآنرا تباه سازد تمنیق التاء الفوقانی وتمنیق الخاء
المهمله شترخارف بضم اول وفوقانی وسکون راء مهمله با خاء معجمه والف وراء مهمله ثانی
یعنی از خار که شتر آنرا برغبت تمام چراکند شترسورف بضم سیم وسکون واو هم
اشترسور تمنیق الزاء المجمه شترغازف بغین معجمه والف وزاء معجمه درخت انکدان
تمنیق النون شتردندان ف بفتح دال مهمله وسکون نون با دال مهمله ثانی والف
ونون ثانی نوعی از زراج مصریست تمنیق الواو شترگاوف بکاف فارسی والف
وواو مجهول هم زرافه که سر آن بسر شتر ماند وگویند بسر گاو کوهی ماند وسینه وسم وشاخ
همه بگاو ماند شاخش از شاخ گاو کوچکترست وریکتر وپوستش چون پوست پلنگ
پرخال ودم بدم آهو ودندان بدندان خر ماند وگردن ودستها بسیار دراز و
پایها کوتاه وگویند زانو ندارد وگویند که چون ناقه حبشی با گاو کوهی جمع شود این
تولد شود ودر ولایت نوبه بهم رسد تمنیق الهاء شتره ف بفتح اول وثانی وخفاء هاء نام
انگور تمنیق التحتانی شترپای ف بموحده فارسی والف وتحتانی مجهول هم گیاهیست
که برگش چون پای شتر ماند تمنیق الجیم وتمنیق الموحدة شجرة الدب بفتح
اول وسکون جیم وفتح راء مهمله وضم فوقانی ودال مهمله مشدده هم درخت زعرور
تمنیق الفوقانی شجرة الحیات بسکون لام وفتح حاء مهمله وتحتانی مشدده والف هم
درخت سرو تمنیق المثلثه شجرة البراغیث بسکون لام وفتح موحده وراء مهمله والف
وکسر غین معجمه وسکون تحتانی هم درخت غافث تمنیق الزاء المجمه شجرة الوز

بسکون لام و فتح حا ف درخت ابهر که ثمر آن لسان العصافیر ست

تمنیق العین المهمله شجرة الضفادع بفتح ضاد معجمه مشدد و با فا و الف

و کسر دال مهمله م کبیکج ف کس ویران تمنیق الفا شجرة الخیطاطیف

بسکون لام و فتح خاء معجمه با طاء مهمله و الف و کسر طاء مهمله ثانی

و سکون تحتانی م ماسیران تمنیق القاف شجرة البق بسکون

لام و فتح موحده م سفیدار ف درخت پشه شجرة البهق بسکون

لام و فتح موحده و ها م قثاء بری ف شوره شجرة الدبق بکسر

دال مهمله مشدده و سکون موحده هم درخت سپستان شجرة التنوع

بکسر نون مشدد و سکون موحده ف درخت کنار تمنیق

الکاف شجرة آبی مالک و بهمزه ملینه ها و فتح همزه و کسر موحده

و سکون تحتانی با میم و الف و کسر لام ف نوعی از اشنان تمنیق اللام شجرة ابرام

بکسر همزه و سکون موحده با راء مهمله و الف و کسر ها و سکون تحتانی ف پنجنکشت شجرة الدم

بفتح دال مهمله مشدد ف شنکار شجرة رستم بضم راء مهمله ثانی و سکون سین مهمله و ضم فوقانی

م زراوند طویل شجرة مریم بفتح میم و سکون راء مهمله و فتح تحتانی م بخور مریم تمنیق الها

شجرة اکلمه بمد همزه و کسر کاف و فتح لام م شجرة الله شجرة الله بفتح اول و ثانی و راء مهمله

و ضم فوقانی و لام مشدد و با الف تقدیری و اظهار ها ف درخت دیودار شجرة باروه

با موحده و الف و کسر راء مهمله ثانی و فتح دال مهمله م لبلاب شجرة حره بضم حاء مهمله و فتح راء

مهمله مشدده ثانی ف آزاد درخت که نیب تمنیق التحتانی شجرة موسی بضم میم و سکون

واو و یا سین مهمله و الف مقصوره ف درخت سگ بدان سبب بموسی علیه السلام

نسبت کرده اند که گویند که موسی علیه السلام آتش ازان درخت بدید تمنیق

الحاء المهمله و تمنیق الوحل و شجرة الذبح بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و

ودال مهمله مشدد وسکون موحده ف پیه خرس ل پیه سگ تمنیق الحاء المهمله
شحم المرح بسکون لام وفتح میم وسکون راء مهمله وحاء مهمله م خطمی بری تمنیق الراء
المهمله شحم البقرع بسکون لام وفتح موحده وقاف ف پیه گاؤ ل ایضاً شحم الخنزیر
ع بسکون لام وکسر خاء معجمه وسکون نون وکسر زاء معجمه وسکون تحتانی ف پیه
خوک خ یا خوک از خنزیر حیوان ل پیه سگ تمنیق الضاد المعجمه شحم الارض ع بسکون
لام وفتح همزه وسکون راء مهمله ف پنبه دانه تمنیق الطاء المهمله شحم البط بسکون
لام وفتح موحده وسکون طاء مهمله ف پیه قاز ق مسکن اوجاع تمنیق الکاف شحم
بکسر میم وفتح حاء مهمله ثانی وسکون نون وفتح ظاء معجمه وسکون لام م مغز اندرون
ق مسهل بلغم ش از یکدانگ تا دو ثلث درمی یا نیم درم ص اگر از شکایت تنج آورد
پس سحق کن با مثل او کتیرا او از و قرص تنک ساز و در سایه خشک کن تمنیق المیم
شحم ع بفتح اول وسکون ثانی و میم ف پیه چربی طح دگوئید ب ف بلین
خ از حیوان کامل ص لیمون و زنجبیل مربا ل سمین تنسیق الخاء المعجمه فی تمنیق
الراء المهمله شخار بضم اول وخاء معجمه و الف و راء مهمله م قلیه هجی تمنیق الهاء
شخکاسه ف بفتح اول وسکون ثانی با کاف و الف وفتح سین مهمله وخفاء هاء م الل
شخیره بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح راء مهمله م شخار تمنیق الیاء التحتانی
شخلی ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام م خار گیاه تنسیق الراء المهمله
وتمنیق الموحده شراب بفتح اول و راء مهمله با الف ع خمر و نیز اطلاق کنند
بر شربها تمنیق المثلثه شربت ع و شربانی بفتح اول وسکون راء مهمله وفتح
موحده وسکون مثلثه م خر اجیون ف کند نا ی کوهی تمنیق الفاء شرزف
ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وسکون فاء م شیر خشک تمنیق الکاف
شرزوک ف بکسر اول و ثانی وسکون زاء معجمه وفتح دال مهمله م آلوی کوهی

ز روست ع زعرور تمنیق الکاف الفارسی شرنک بفتح اول و ثانی و سکون
نون م خربوزه تلخ ع حنظل تمنیق النون شربین بفتح اول و سکون ثانی و
کسر موحده و سکون تحتانی و نون ف درخت قطران حبشی ست ا شجره صنوبر
طح ی ۲ ق قابض نتی یکمثقال ص اشنان بهل تمنیق التحتانی شربتی ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و کسر فوقانی و سکون تحتانی م تخم ریحان
کوچک شری بفتح اول و کسر ثانی ف درخت حنظل تنسیق الشین المعجمه
و تمنیق اللام شستقاقل بفتح اول و سکون شین معجمه ثانی با قاف و الف و ضم
قاف ثانی و سکون لام م شقاقل تمنیق الهاء ششتره بفتح اول و سکون ثانی
و کسر فوقانی و فتح راء مهمله م فوه مجیطه تنسیق الطاء المهمله و تمنیق الیاء
شطریه بکسر اول و سکون طاء مهمله و کسر راء مهمله و فتح تحتانی م نوعی از صعتر
تنسیق العین المهمله و تمنیق الراء المهمله شعاریرع بفتح اول با عین مهمله
و الف و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و راء مهمله ثانی ف خیار زه ه ککری شعر الجبال
ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون لام و کسر جیم با موحده و الف ف
پرسیاوشان شعر ع بفتح اول و سکون ثانی ف موی ه بال طی ح ۳ ق مخفف
نح موی آدمی معتدل که سوخته باشند ل صوف شعیرع بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی ف جو طب ی آگویند ۲ ق محلل مجلی خ سفید تازه بزرگ و انقی
ش از آبله و صدور م ص اباز بر کرم ل ماش تمنیق النون شعر الجن بفتح اول
و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون لام و کسر جیم و سکون نون ف پرسیاوشان
تمنیق الما شعور الصفالیح بفتح اول و ثانی و سکون واو و ضم راء مهمله مشدد
با قاف و الف و کسر لام و فتح موحده ف زعفران تمنیق التحتانی شعیر رومی بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر راء مهمله و ضم راء مهمله ثانی و سکون میم او کسر میم

۲۱۱
بعضی بفارسی
آنرا گویند
بهترینش آنکه
بسیار شیرین
شکننده و نرم
باشد و از ساق
و بیخ درخت
روییده باشد
در کتب هند
گانو گویند

وسکون تحتانی ثانی م خندروس تلنسیق الغین المعجمہ وتمنیق التحتانی
شغالی ف بکسر اول با غین معجمہ والف وکسر لام م نوعی از انگور تلنسیق الفا
وتمنیق الجیم شفلج بفتح اول وسکون فا وفتح لام وسکون جیم م ثمر کبر تمنیق
الکاف الفارسی شفترک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وراء مہملہ
وسکون نون وکاف فارسی م میوہ سرخ وسفید شبیہ بشفتالو م شلبر وشلبل
تمنیق الواو شفادار ف بکسر اول با ثانی والف ودال مہملہ والف ثانی وضم
راء مہملہ وسکون واو م پازہر تمنیق التحتانی شفنین ع بفتح اول وکسر اول سکون
ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر نون ثانی وفتح موحدہ وکسر راء مہملہ مشددہ
ف مرغ بوتیمار خ کوچک تلنسیق القاف وتمنیق الراء المہملہ شقار بضم
اول با قاف والف وراء مہملہ ہ ساجی شقر بفتح اول وثانی م شقایق تمنیق القاف
شقراق ع بفتح اول وسکون ثانی با راء مہملہ والف وقاف ثانی ف مرغیست
کہ کاسکنک گویند وآن کلاغ سبز ست تمنیق اللام شقاقل ع بفتح اول
وثانی والف وضم قاف ثانی ف گزر دشتی ہ پہاڑکی گاجر دبرالی ود دہلی سوالی
وکاکولی وسیالی طح دا گویند ۲ ق مہی ومفرح ومقوی دل خ زرد ہندی ش
دو درم ص آملہ یا عسل ل بوزیدان یا چلغوزہ یا دارچینی یا تخم زردک تمنیق النون
شقایق النعمان بفتح اول وثانی والف وکسر تحتانی وضم قاف ثانی وکسر نون
مشدد وسکون عین مہملہ با میم والف ثانی ف گل لالہ طح ہی ا گویند ۲ گویند
ح داف محلل جاذب سنوم ش نیم درم از گل او ص غیر ل شیح شقردیون رومی
بفتح اول وثانی وسکون راء مہملہ وفتح دال مہملہ وضم تحتانی وسکون م اشقوردیون
ف سیر تلنسیق الکاف وتمنیق الالف شکوثا بضم اول وکاف وسکون
واو با مثلثہ والف ف تخم کشوث تمنیق الموحدہ شکاع بفتح اول وسکون ثانی

ف بفتح اول وثانی م شلغم وبکسر اول وثانی ع صمغ تمنیق النون شلون ف بفتح
اول وضم ثانی وسکون واو م جنبنی واشغال تمنیق الهاء شلمابه ف بفتح اول وسکون
ثانی با میم والف وفتح موحده م شلغمی که در آب جوشانیده باشند تمنیق المیم وتمنیق الالف
شمشیر بفتح اول وسکون میم وکسر شین معجمه ثانی با راء مهمله والف م اذان الفا تمنیق
الفوقانی شملیت ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی ه میتهی
ع حلبه تمنیق الحاء المهمله شج بفتح اول با ثانی م حلزون ف سفید مهره ه سنکهه
تمنیق الخاء المعجمه شماخ ف بفتح اول با ثانی والف م شاباخ شملغ ف بفتح اول
وسکون ثانی وفتح لام م شلغم تمنیق الدال المهمله شمشاد ف بفتح اول وکسر اول وسکون
ثانی با شین معجمه ثانی والف م درختی معروفست ه بیری ونیز نام مرزنجوش شملیف
بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی ع حلبه ه میتهی تمنیق الراء المهمله
شمار بفتح اول وسکون ثانی با ثانی والف ف بادیان شمشار ف بکسر اول وسکون
ثانی با شین معجمه ثانی والف م درخت شمشاد شمشیر بضم اول وسکون ثانی وکسر شین
معجمه ثانی وسکون تحتانی م قافله صغار تمنیق الزاء المعجمه شملیز ف بفتح اول وسکون
ثانی وکسر لام وسکون تحتانی م شملیت تمنیق العین المهمله شمع ع بفتح اول
وسکون ثانی ف موم ه مین طمع ق منضج بلغم خ زرد بی خلط که بوی عسل ماند
تمنیق المیم شمام ع بفتح اول وثانی با الف ف دستنبویه ه کچری تمنیق الها
شمدانه ف بفتح اول وسکون ثانی با دال مهمله والف وفتح نون م عناب شمه
ف بکسر اول وفتح ثانی م شیره بلائی تنسیق النون وتمنیق الفوقانی شنبلیت
ف بفتح اول وسکون نون وفتح موحده وکسر لام وسکون تحتانی وفوقانی م گلسیتا
زرد رنگ بشکل و قد مانند بهار نارنج همچنان شگفته و بوی تیز دارد و آنرا گل راهره نیز
خوانند تمنیق الجیم شنج ع بفتح اول وسکون نون وجیم م نوعی از حلزون ف

کجک گویند قضبک طب ی ۲ گویند تمنیق الدال المهمله شنبلید بفتح اول
وسکون ثانی وفتح موحده وکسر لام وسکون تحتانی ف شنبلیت وگویند گل سورنجان
طح می خ سفید تازه تمنیق الراء المهمله سنجار وشنقار وشنگار بفتح اول وسکون
ثانی با جیم والف ورای مهمله در لغت اول وبا قاف در لغت ثانی وبا کاف فارسی در لغت
ثالث م الوخلسا گیاهیست که برگش سیاه وبیخش سبز است تمنیق الزاء المعجمه
شنبلیز وشنکویز بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر موحده وتحتانی مجهول
در لغت اول وکسر واو در لغت ثانی م شرابیکه از درخت خرما حاصل شود وسیندی
وبزبان پهلوی زنجبیل را گویند تمنیق الشین المعجمه شسع بضم اول وثانی
وسکون شین معجمه ثانی خربائیکه دانه آن سخت نشده باشد تمنیق الغین المعجمه
شنغ ف بضم اول وثانی م شاخ گاو تمنیق الکاف الفارسی شنک ف
بفتح اول وسکون ثانی م درختیست خوشبو ضح که تنه اش سفید وراست وملس
باشد وسر آن چتر زند وچوب آن در کمان بکار آید ودر خراسان بنفش خوانند
وبکسر اول ۵ غلط و قسمی از خیار که دراز وکج بود ودر شیراز کلونده خوانند وگیاه
که در اصفهان لاله شنک گویند تمنیق اللام شنگال ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف فارسی ولام وسکون لام ثانی لم غلط شنگ تمنیق النون شنان
بضم وکسر اول با ثانی والف م فراسیون شنون ف بفتح اول گیاهیست که از او
لیسیان سازند تمنیق الهاء شنبلیله ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وکسر
لام وسکون تحتانی وفتح لام ثانی م حلبه شندله بضم اول وسکون ثانی وفتح وکسر
دال مهمله وفتح لام م تودری تمنیق التحتانی شنگرف زاولی ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف فارسی وسکون رای مهمله وکسر فا با زای معجمه والف وواو وکسر لام م
سرنج ۵ سندور تنسیق الواو وتمنیق الالف شواصر بفتح اول وواو والف

۲۱۵

ص شراب صرف ل بزر البنج و تخم لفاح تمیق الواو شوشوت بضم هردو شین معجمه و سکون ا
هر دو واو م ارزن تمیق الهاء شوکه ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف م شکاعی
تمیق التحتانی شوی ف بکسر اول و ثانی م شبت ه سوا تنسیق الهاء تمیق
الموحده شهاب بفتح اول با ها و الف م رنگ سرخی که مرتبه اول از گل
گاز سیره کشند و در عربی شیر نیک با آب آمیخته تمیق الجیم شهدانج ع بفتح اول
و سکون ثانی با دال مهمله و الف و فتح نون م شهدانه ف تخم سنگ ط ح ی ۲ ق
مجفف خ البستانی ش سدر ص بریان نمودن ل بوزن آن کنجد نیم وزن
فلفل تمیق الهاء شهدانه ف بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله و الف و
فتح نون ع م شهدانج شهنگانه ف بفتح اول و ثانی و سکون نون با کاف
فارسی و الف و فتح نون م شاله تنسیق الیاء التحتانی و تمیق الالف
شیباف بکسر اول و سکون تحتانی با موحده و الف م افعی شیرگیاف بکسر اول
و سکون ثانی و راء مهمله و کسر کاف فارسی با تحتانی ثانی ه دودهی تمیق الفوقانی
شیرخشت بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله و کسر خاء معجمه و سکون شین معجمه
ثانی شبنمیست که در خراسان چون شبنم بر درخت سیاه چوب که درختش
الی بر و بغایت صلب باشد بنشیند ط معرف ح ق مسهل صفرا خ شفاف
باشد صمغ ش از هفت درم تا سی درم ل یک نیم وزن آن ترنجبین یا بوزن
آن تمیق الجیم شیرآملج بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و مد همزه و سکون
میم و فتح لام و سکون جیم ف شیر آمله چون آمله را در شیر خیسانیده باشند آنرا
بدین نام خوانند ط ب ی ۳ گوینده دخ باید که چند روز آمله را در شیر خیسانیده
باشند ش یک مثقال شیرج بکسر اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله ف روغن
کنجد و شیرین هیماتیل ط ح ب ق ملین خواکه قابض ص زیت مغسول

شیر رنج بفتح زاء معجمه ف شیر خشخاش طح ی شیطرج ع بکسر اول و سکون تحتانی
و فتح طاء مهمله و راء مهمله ف شیتره ه چیتا طح ی ۳ ق مجلی منقی خ هندی ش
یک مثقال ص مصطگی یا ورد یا صندل ل فوه یا بیخکبر یا عقرقرحا تمیق الحاء
المهمله شیح ع بکسر اول و سکون ثانی و حاء مهمله ف درمنه طح ی ۳ گویند
ح ۲ می اق مقطع محلل خ ار منی ش نیم درم ص ترمس یا شراب ریباس یا شراب
اترج یا بنفشه ل برنگ یا افسنتین تمیق الراء المهمله شیخشیر بفتح موحده
و سکون خاء معجمه و کسر شین معجمه ثانی و سکون تحتانی ثانی و راء مهمله ثانی ف
بیخیست زرد رنگ که از هندوستان و کشمیر خیزد ه هرلی طح ی ش وانگی
انیم درم تمیق الزاء المعجمه شیبه العجوز ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح
موحده و ضم فوقانی و سکون لام و فتح عین مهمله و ضم جیم و سکون واو م اشنه
شیراز بکسر اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله با الف ع ریحان شینیز بکسر اول
و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی ثانی م شونیز تمیق السین المهمله
شیرکس ف بکسر اول و تانی مجهول و راء مهمله و فتح میم و کاف فارسی ع عنکبوت
تمیق القاف شیرزوق بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله و ضم زاء معجمه و
سکون واو و قاف م شیر زنج تمیق الکاف شیرخشک بضم خاء معجمه و سکون
شین معجمه ثانی ف بید خشک و بید انگبین نمیست یعنی نعمتیست که چون شبنم
در خراسان درخت بید نشیند طح گویند معرب ب ح ق ملین خ سفید شیرین ش
ده درم ل ترنجبین شیشک ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه ثانی و
فتح تحتانی ثانی م گوسپند یکساله شیشک ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه
ثانی و فتح تحتانی ثانی م تیهو تمیق المیم شیلم ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح
لام و ضم آن و سکون میم گویند دانهاے صلب گرد است که بعضے سیاه و بعضے

سرخ در میان کشت گندم روید و گویند یاسمین جنگلی ست ط ہی ۳ و گویند ہم ا
ہی ۲ ق ملطف مجلی محلل مسکر ح او کمن فربص کزبرہ خشک ال جند قوتی ورد قع
قوبا گندم شیم ف بکسر اول و سکون ثانی ماہی است خلوس دارم سپندہ
تتمیق النون شیان بکسر اول با ثانی والف ف سپیاوشان تتمیق الواو شیشو
بکسر اول و سکون ثانی و ضم شین معجمہ ثانی و سکون واو م تہو تتمیق الھا شیرابہ
بکسر اول و سکون ثانی با را مہملہ والف و فتح موحدہ ف خشخاش شیرہ بکسر اول و سکون
ثانی و فتح را مہملہ نوعے از بوزہ کہ بنگ داخل سازند شیلانہ ف بکسر اول و سکون
ثانی بالام الف و فتح نون م عناب شیلونہ ف بکسر اول و ثانی مجہول و ضم لام و
سکون واو و فتح نون م لاک لشت شیمہ ف بکسر اول و ثانی مجہول و فتح میم م آب غورہ
از انگور تتمیق التحتانی شیان خرزہی بکسر اول با ثانی والف و کسر فا و ضم معجمہ و
واو مجہول و کسر زا معجمہ و سکون تحتانی م نوشش در ہندی تیج عیشے ف بکسر
اول و سکون ثانی و کسر خا معجمہ و فتح حا مہملہ ثانی و موحدہ و کسر شین معجمہ ثانی ف
فلفل سیاہ ترقیم الصاد المہملہ و تنسیق الالف و تتمیق الموحدہ
صاب بصاد مہملہ والف و موحدہ م حنظل و گویند قثاء الحمار است و گویند از نیستہا
و گویند دیودار است تتمیق الفا صابون القاف بضم موحدہ و سکون واو و ضم
نون و سکون لام با قاف والف و فا م چوب اشنان تتمیق النون صابون
بضم موحدہ م طلح ہی ۲ ق مفرح محرق خ کہنہ ص قے کردن آب گرم و روغن
کنجد و خوردن شوربائے چرب با روغن و مرغ ل بورہ و اشنان تتمیق الھا صاحبہ
بکسر حا مہملہ و فتح تحتانی م خرف زرد ک ھ کا جر تنسیق الباء الموحدہ ف
تنسیق الراء المہملہ صبار بضم اول با موحدہ والف و را مہملہ م تمر ہندی صبغ
بفتح و کسر اول و سکون موحدہ ھا ایلوا و مشبہ طحم ای ۲ گویند ۳ ق مجفف مدمل

219

اول وفتح را مہملہ ثانی ف جرواسک ھ جھینگرش ستہ عدد یا پنج یا ہفت جانور
تنسیق العین المہملہ وتنسیق الراء المہملہ عنتر بضم اول و
سکون عین مہملہ وفتح فوقانی وسکون را مہملہ نوعے از پو دنہ بری ست ف او
وکا کوتے طح ی ۳ ق مفتح وملطف ومنعش خ کوچک ورق ش نیم مثقال
تا یکدرم ص سر کہ ل فو تنج تنسیق الغین المعجمہ وتنسیق النون غبین
بفتح اول وسکون غین معجمہ وکسر موحدہ وسکون تحتانی م سکنج تنسیق القاف
وتنسیق الراء المہملہ عقعق بفتح اول وسکون قاف ورا مہملہ طائری ست
شکاری ف جرخ طح ی تنسیق السین المہملہ عقابیس بفتح اول وثانی
وکسر تحتانی وسکون سین مہملہ کٹی تنسیق وتنسیق اللام عصلص ع بہ فتح
ہر دو صاد مہملہ وسکون ہر دو لام م محکہ وعقعق ھ ہو کا صل ع بکسر اول ف تاریست
کہ افسون نمے پذیرد تنسیق النون عصلون ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو
م خربوب نبطی تنسیق المیم وتنسیق الموحدہ غشغ الدلاب بفتح اول و
سکون میم وضم غین معجمہ وسین مہملہ مشدد با دال والف ل دو وزن حلتیت
تنسیق المثلثہ صمغ المحروث ع بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمہ وسکون
لام وفتح میم ثانی وسکون حا مہملہ وضم را مہملہ وسکون واو م حلتیت تنسیق الدال
المہملہ صمغ القتاد بفتح قاف وشلثہ والف کتیرا صمغ عسفید بفتح اول
وسکون ثانی وکسر غین معجمہ وفتح سین مہملہ وکسر فا با تحتانی مجہول ھ گوند درخت
کہ ہری تنسیق الراء المہملہ صمغ الصنوبر بفتح صاد مہملہ مشدد ثانی ونون وفتح
موحدہ ص تانبج صمغ الکنگر بسکون لام وفتح کاف وسکون نون وفتح کاف فارسی
ل نیج وارشیشعان ودو سے کردن جوز الفے تنسیق الراء المہملہ صمغ اللوز ع
بفتح لام مشدد وسکون واو م صمغ بادام خ سفید یا خوشخوار درخت جوان ل صمغ عربی

وکتیرا تمیق الصاد المهملة صمغ الاجاص بسکون لام و کسر همزه با جیم مشدد
والف صمغ آلوق سفت مدل خ ماخوذ از درخت کهن تمیق الطاء المهملة
صمغ البلاط بکسر موحده با لام والف از سنگ ساخته و آن چیزی ست که از
رخام سنگ سازند و گویند که از معدن بهم رسد و نام مرکبی ست که از صبر و مر و
خون سیاوشان و علک و انزروت و صمغ عربی از هر یک جزوی و اصل مرجان و
زاج از هر یک نیم جزو کوفته بیخته با آب صمغ عربی بسرشند و بر دیوار یکی زنند و رها کنند
تا خشک شود و هر چند کهنه شود نیکو بود تمیق الغین المعجمة صمغ عم بفتح اول
و سکون ثانی و غین معجمه صموغ جمع وی از دو شلم گویند طحری گویند صمغ
ق مغربی قابض و حابس خ عربی شفاف سفید صاف که چوب زرد گدازنده در
آب تمیق الفاء صمغ الحرشف بسکون لام و فتح حاء مهمله و سکون راء مهمله و فتح شین
معجمه کنگری تمیق المیم صمغ البطم بسکون لام و ضم موحده و سکون طاء مهمله و
میم ثانی مستقطر حی ٢ ش یک درم ص سفرجل و کثیرا ال کثیرا تمیق النون
صمغ الزیتون بفتح زاء معجمه مشدده و سکون تحتانی و ضم فوقانی و سکون واو
اصطرک ل عصاره ... اشتو تمیق التحتانی صمغ الجوز الرومی ع بسکون
لام و فتح جیم و سکون واو و کسر زاء معجمه و ضم راء مهمله مشدده و سکون واو و کسر میم
و سکون تحتانی ف کهربا صمغ الکمثری بسکون لام و ضم کاف و فتح میم مشدده و سکون
مثلثه و فتح راء مهمله والف مقصوره ف صمغ درخت امرود و خ از درخت کهن ش
و مثقال صمغ عربی بکسر عین معجمه و فتح عین مهمله و راء مهمله و کسر موحده گوند
درخت ککر طم گرم خ گوید بی ش دو مثقال ص کثیرا و شراب صندل
و گلاب صمغ بادام و حب الآس تمیق النون و تمیق الراء المهملة
صندل احمر ... بفتح اول و سکون نون و فتح دال مهمله و کسر لام و فتح همزه و سکون

حا مهمله و فتح میم و سکون را مهمله ف صندل سرخ ه رکت چندن طا ب ی ۲ گویند
سرل فوفل صنوبر صغار ع بفتح اول و ثانی و سکون واو و فتح موحده و کسر را مهمله و صاد
مهمله ثانی با غین معجمه و الف ه درخت چیڑه طا م ح گویند ح ۲ ای گویند ا ک زفت
صنوبر کبار ع بکسر کاف با موحده و الف ف درخت چلغوزه طا ح ا سا ۲ ف سمن خ
تازه بزرگ سفید ش پانزده عدد ص جوارش سفرجل ل دو وزن او خشخاش
تنسیق الضاد المعجمة صندل ابیض ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله
و کسر لام و فتح همزه و سکون تحتانی و فتح تحتانی و سکون ضاد معجمه ف صندل سفید
ه چندن طا ب ی ۲ گویند ۳ گویند صا ف مقوی دل خ مقاصری ش نیم مثقال ص
جلاب شکر طبرزد ل اشنه یا فوفل تنسیق الواو و تنسیق الضاد المعجمة صوف
الارض بضم اول و سکون واو و ضم فا و سکون لام و فتح همزه و سکون را مهمله و
ضاد معجمه م فراسیون تنسیق الفاء صوفی ن ع بضم اول و سکون ثانی و فا ف شیم طا
ح ی ۳ ق مسخن مجفف اکال ل شعر تنسیق الهاء صو طله بضم اول و سکون ثانی
و فتح طا مهمله و لام و خفا با ف نوعی از چقندر تنسیق الضاد المعجمة و تنسیق
الالف و تنسیق اللام ضال ع بضاد معجمه و الف و لام ف کنار تنسیق النون ضان
ع بضاد معجمه و الف و نون ف میش ه بهیڑی تنسیق الباء الموحدة و تنسیق الالف
ضبع عرجاء بفتح اول موحده و عین مهمله و همزه لینه و فتح عین مهمله ثانی و سکون را
مهمله با جیم و الف ف کفتار گوشت او ح ی ۲ تنسیق الموحدة ضب ع بفتح
اول و سکون موحده ف بچه سوسمار که اول می زاید او را حل می گویند و بعد
ازان غیداق خوانند و بعد ازان مطبخ و بعد ازان حصرم و چون بتمامی رسد ضب
گویند طا ح ی ق شکل او مجلی خ متوسط ص حصرم تنسیق الراء المهملة ضبر
بفتح اول و ثانی و سکون را مهمله م درخت جوز بوا تنسیق الراء المهملة و تنسیق الموحدة

ضرب بفتح اول و راء مهمله و سکون موحده م عسل و گویند جانور خارپشت
تنميق التاء المعجمة ضرس العجوز ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله و
سکون لام و فتح عین مهمله و ضم جیم و سکون واو و زاء معجمه ف خسک تنمیق
العين المهملة ضرع ع بفتح اول و سکون ثانی و عین مهمله ف پستان حیوان غیر
انسان ه چوچی طب ی خ ماخوذ از حیوان که گوشتش نیکو بود و در وشیر بسیار
بود ضریع ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف نباتی ست دریائی که بر ساحل
دریا باشد طب ح ی تنمیق الميم ضرم بفتح اول و سکون ثانی و میم م اسطوخودوس
تنميق الواو ضرو بفتح اول و ثانی و واو مجهول م نوعی از حبة الخضراء طب ح ی ۳
گویند ۲ گویند ح راق مخفف خ شیترازه ص سفر جل تنمیق الهاء ضروعة الکلب
ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم عین مهمله و سکون لام و فتح کاف و سکون
لام ثانی و فتح موحده و خفا ف درخت زقوم تنسیق الغين المعجمة و تنمیق
السين المهملة ضغابيس ع بفتح اول با غین معجمه و الف و کسر موحده و سکون
تحتانی و سین مهمله جمع ضغبوس ست ف خیار زه ه ککڑی ضغبوس ع بضم اول
و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو ف خیار زه و گویند خربزهٔ نارسیده تنسیق
الفاء و تنمیق العين المهملة ضفدع ع بفتح اول و سکون فا و فتح دال مهمله و
سکون عین مهمله ف غوک و وک ه مینڈک و و او ر تنمیق النون ضفار الجن
ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر تحتانی و ضم راء مهمله و سکون لام و کسر جیم ف
پرسیاوشان تنسیق الواو و تنمیق الراء المهملة ضومر ع بفتح اول و سکون
ثانی و فتح میم و سکون راء مهمله م بادروج تنمیق النون ضومران ع بفتح اول و
سکون ثانی و ضم میم و راء مهمله و الف و نون ف سپید مشک و گویند ریحان ل
بدم یا نجه تنسیق الياء التحتانی و تنمیق النون ضیمران ع بفتح اول و سکون

تحتانی وضم میم با راء مهمله والف ونون م ریحان تمیم الطاء المهملة و
تنسیق الالف وتمیق الراء المهملة طالیسفر بطاء مهمله والف وکسر
لام وسکون تحتانی وسین مهمله وفتح فا وسکون راء مهمله ف پوست بیخ زیتون
هندی وآن قشور هندی ست طعم گویندی ۳ ق قابض شربک مثقال ص
عسل طارب السوس ل سنبل الطیب وبموزن سافنج یا مقل وابهل مساوی یا
چهار دانگ وزن آن کمون وبموزن انجیل یا بوزن او عذبه وبموزن لسباسه
تنمیق السین المهملة طاؤس ع بضم همزه وسکون واو هم مور طا گوشت و ۲ م
تنمیق الکاف طا خک ف بفتح خاء معجمه بار درخت نیم هم نبولی تنمیق المیم
طالم بفتح لام ف ترنج زرد تنمیق النون طالقون بکسر لام وضم قاف وسکون
واو ف نوعی ست مصنوعی که بدبر کرده باشند بتوبال نحاسی که در کبیر کا و خیسانیده
باشند تنمیق الهاء طارحلقه یونانی بسکون راء مهمله وکسر طاء مهمله ثانی وفتح قاف
م حب الملوک طاریقد یونانی بکسر راء مهمله وسکون تحتانی وفتح قاف م وند
تنسیق الباء الموحدة وتمیق الالف طبقا بفتح اول وسکون موحده با قاف
والف م خندروس تنمیق الخاء المعجمة طبیخ ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
وخاء معجمه ف خربزه واو دیه که بآب بجوشانند وبپزند تنمیق الدال المهملة طبرزد
بفتح اول وکسر ثانی وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه معرب تبرزد ست یعنی نبات مصری
از جنس اول هم ابوج و نمک سنگ را نیز بدین نام خوانند از جهت سختی وصلبی هر دو
تنمیق الراء المهملة طبار بکسر اول باء ثانی والف ف نوعی از انجیر سرخ بزرگ
طباشیر ع بفتح اول وثانی والف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی هم شلوچن ط ب
ی ۲ گویند ۳ ق قابض مجفف مقوی دل ومعده هم سفید سبک زود خرد شود
بس ورد انگ ص گلاب و گویند مصطگی وانیسون و گویند رب السوس بموزن کافور

یا عصارهٔ لحیة التیس یا سه وزن آن مغز خیار زه و چهار وزن بزر قطونا یا گل مختوم یا
کاغذ مصری سوخته یا تخم کاسنی یا نیم وزن صندل تمییز القاف طقاق بکسر
ضم اول با ثانی والف وقاف م عاقت تمییز التحتانی طیع بفتح اول و کسر ثانی
و تحتانی مجهول ف سپستان تلسیق الثاء المثلثة و تمییز الجیم طرح بفتح
اول و سکون مثلثه و فتح راء مهمله ف سورچه کوچک هم چیونٹی تلسیق الحاء المهملة
و تمییز الالف طحماروے بفتح اول و سکون حاء مهمله یا میم م شوکران تمییز الموحدة
طحلب ع بضم اول و سکون ثانی و ضم و فتح لام ف جامه خواب بک و بیز هم سوال
که در آبهار و پیدا ب ۳ سا ۲ ق راد ع ۲ خ آنچه در آبهای شیرین رویند یا ریحان
الحی العالم تمییز اللام طحال ع بکسر اول با ثانی و الف ف سپرز هم تلی طح
می گویند ف خ ماخوذ از حیوان جوان فربه و غیر مسن کبیر تمییز الهاء طحینه ع بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح نون ف ارد تلسیق الخاء المعجمة
و تمییز النون طخشیقون رومی بفتح اول و سکون خاء معجمه و کسر شین معجمه
و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو ف دوائی ست که اهل ارمن پیکان را بوے
زهر آلود کنند تلسیق الراء المهملة و تمییز الالف طرفا ع بفتح اول و سکون
راء مهمله با فا و الف ف درخت گز هم جهاؤ طب می گویند م ب ق قابض مجفف
خ آنچه از آب دور تر باشد ش تنجید هم ص روغن بادام یا عسل ل عذبه یا جلنار
تمییز المثلثة طراثیث ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر مثلثه اول و سکون تحتانی
ف اهل شیرین طب می ۳ ق قابض خ سفید ش یک مثقال ص کتیرا ل
نیم وزن پوست مرغ سوخته و شسته و دانگ وزن آن عفص و ده یک آن صمغ عربی
یا جلنار یا حیفت بلوط طرثوث بضم اول و سکون ثانی و ضم مثلثه و سکون واو م درخت
اشق و گویند اشترخار تمییز الجیم طرسوج بفتح اول و ثانی و سکون سین مهمله و ضم تحتانی

٢٢٦

طیلافیون یونانی بفتح اول وسکون ثانی ولام والف وفتح فا وضم تحتانی
ثانی وسکون واو ف نوعی از حی العالم طین ع بکسر اول وسکون ثانی ف گل ه
مٹی ط مجموع کلہاب سی ق مخفف ش یک درم ص هند بال از بعضے بعضے
تمنیق التحتانی طیقے رو سے بکسر اول وسکون تحتانی وکسر قاف وسکون تحتانی
ثانی م واو سے طین ارمنی بفتح ہمزہ وسکون راء مہملہ وفتح میم وکسر نون
ثانی ف گل ارمنی گلی ست تیرہ رنگ طلب سی خ در وے کہ بی رمل وبعد از
سحق چون بر زبان نہند بچسپد ص گلاب ل طین ملاکے طین فارسی بفا والف
وسکون راء وکسر سین مہملہ ف گل سرشوی طب سی خ مائل بسرخی ش دو مثقال
طین قبرسی بضم قاف وسکون موحدہ وفتح راء مہملہ وکسر سین مہملہ گلی ست
سرخ گلگون کہ چون در دست بمالند سرخی او در دست بماند وچون بشکنند
در اندرون وی رگہا زرد بود وچون بر زبان نہند بغایت بچسپد ل طین
مختوم طین نیشاپوری بکسر نون وسکون تحتانی با شین معجمہ والف وضم
موحدہ وسکون واو وکسر راء مہملہ گل ماکول ف گل خراسانی وآن را خام وبریان
کردہ بخورند وبدان منقل نمایند ش یک درم تا دو مثقال ترقیم الظاء المعجمۃ
وتنسیق الباء الموحدۃ وتمنیق التحتانی ظبی ع بفتح اول وسکون
موحدہ وتحتانی مجہول ف آہو ه ہرن ومرگ تنسیق الفاء وتمنیق الالف ظفر
بفتح ظاء معجمہ وسکون فا با راء مہملہ والف ف ناخن ه نہ سی تمنیق الزاء المعجمۃ
ظفیرۃ العجوز ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح راء مہملہ وضم
فوقانی وسکون لام وفتح عین مہملہ وضم جیم وسکون واو ف خار خسک
تمنیق الہاء ظفیرہ بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح راء مہملہ وخفا ہا
ف ناخونہ برے تنسیق اللام وتمنیق الفاء ظلف ع بکسر اول وسکون لام

و قاف ضم هد لم طف ی ۳ ق مجفف خ سخت ص زبدل شلخ تمیق المیم ظلیم بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف ذکر نعام تنسیق الیاء التحتانی و تمیق النون
ظیان ع بفتح اول و تحتانی و الف و نون ف یاسمین بری که گل کوچک دارد
هجالی جیسے طح ی ۳ ق محرق کا وسے ص روغن گل ل و فلی و عنصل
ترقیم العین المهملة و تنسیق و تمیق الالف عاقرشما بعین مهمله و
الف و کسر قاف و سکون راء مهمله و فتح شین معجمه و سکون میم با عین مهمله
ثانی و الف م شنکار عاقر قرحا ع بفتح هر دو قاف و سکون هر دو راء مهمله با حاء
مهمله هد اکر کرا ط ح ی ۳ ق محلل جاذب ملطف خ تیز محرق گزنده زبان فربه
غلیظ و بعد از شکستن درونش سفید باشد ش دو دانگ گویند و ورم تا
ست درم ص مویج یارب السوس ل در غرغره قولنج و درم قیمها سعده
راسن یا دار فلفل و عسل و گویند شیطرج تمیق الجیم عاج ع بسکون جیم ف
دندان فیل هد ہاتھی دانت ط ب ی ق مجفف خ سفید پاک ش نیم درم
از نشارۂ او ص رب الصنوبر ل شاخ بز تمیق اللام عاقول بضم قاف
و سکون واو و لام ف درخت ساج هد سال تنسیق و تمیق الباء الموحدة
عبب بفتح اول و موحده و سکون موحدۂ ثانی ف انگور روباه عبعب بفتح و سکون
ثانی و فتح عین مهمله ثانی م ثمر کا کنج ف کچو تمیق الراء المهملة عبهر ع بفتح
اول و سکون ثانی و فتح ها و سکون راء مهمله ف نرگس عبیر بفتح اول و کسر ثانی
و سکون تحتانی م زعفران تمیق الطاء المهملة عبیط ع بفتح اول و کسر ثانی
و سکون تحتانی و طاء مهمله ف پسته تنسیق التاء الفوقانی و تمیق المیم عتم
بضم اول و سکون فوقانی و میم ف زیتون کوہی ط ح ی ۱ تنسیق الجیم
و تمیق الموحدة عجب بفتح اول و سکون جیم م حب النیل عجم الزبیب ع بفتح

ف نوعے از ناہے تمنیق النون عرن بفتح اول وثانے ف چیزی ست کہ
زیادہ میشود وظاہر میگردد نزدیک زانو وسیم اسپ ع عظم شبق ہ گھوڑے
کا پر عروق الصباغین ع بضم اول وثانے وسکون واو وضم قاف وفتح
صاد مہملہ با موحدہ مشددہ والف وکسر غین معجمہ وسکون تحتانی ف زرد چوبہ
تمنیق الہاء ع وسک در پردہ ف بضم اول وثانے وسکون واو وفتح
سین مہملہ وکسر کاف وفتح دال مہملہ وسکون راء مہملہ ثانے وفتح موحدہ فارسی
وسکون راء مہملہ ثالث وفتح دال مہملہ ثانی وخفاء ہا ہ کا کنج تمنیق التحتانی
ع فج بری بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وکسر جیم وفتح موحدہ وکسر راء مہملہ
مشددہ وسکون تحتانی م سافج تنسیق الزاء المعجمہ وتمنیق الراء المہملہ
ع زیر الصغیر وکبیر بضم اول وفتح زاء معجمہ وسکون تحتانی وضم راء مہملہ وفتح
صاد مہملہ مشدد وکسر غین معجمہ وسکون تحتانی ثانے وکسر راء مہملہ وفتح واو و
کاف وکسر باء موحدہ وسکون تحتانی ثالث م قنطوریون دقیق و غلیظ
تنسیق السین المہملة وتمنیق الدال المہملة عسل القصب والطبرزد بفتح
اول وسین مہملہ وضم لام وسکون لام ثانی وفتح قاف وصاد مہملہ وکسر
موحدہ وفتح واو وطاء مہملہ و موحدہ ثانے وسکون راء مہملہ وفتح زاء معجمہ
وسکون دال مہملہ م شیرۂ نیشکر وشیرہ نبات ہ رس ط ح را عسل داؤد بکسر
لام با دال مہملہ والف وضم ہمزہ وسکون واو م ادثانی تمنیق اللام عسل ال
ع بفتح اول وثانے وضم لام وفتح نون مشدد وسکون حاء مہملہ م شہد
ہ مہو و مدطح ی ۲ ق مدل مجلے اد ساخ ح صادق الحلاوۃ خوشبوی سپید
میل بائل سیجے بعد ازان صیفی ش د واد قیہ و در معجون ۲ وبرابر ادویہ تا سہ
برابر ص انار و رب فواکہ وحماض اترج وخل ل سفنج شیرین تمنیق التحتانے

عسل لبنی ع بفتح لام تلے و موحده وکسر نون م میعه سائله تتمیق الشین المعجمة
وتتمیق الراء المهملة عشر بضم اول وسکون شین معجمه و راء مهمله از تیوعات
ه درخت آکھ ط ۷ ی ۴ ق محرق ش از شکراو دو درم ص نشستن در آب سرد
ل شیر ص تتمیق القاف عشرق بکسر اول و ثانی وسکون راء مهمله ف مرده سنگ
تتمیق الهاء عشقه بکسر اول و ثانی و فتح قاف ف نوعی از لبلاب تتمیق الصاد
المهملة وتتمیق الالف عصارة مامیثاء بضم اول با صاد مهمله و الف و فتح
راء مهمله و همزه ملینه یا با میم و الف و کسر میم ثانی و سکون تحتانی با مثلثه و الف
ثالث م سیاف مامیثا طب ی ا خ زرد سبک ل حضض یا پوشش در سندی
تتمیق الموحدة عصاب بضم اول با ثانی و الف و موحده م شیطرج عصب
ع بفتح اول و ثانی ف پی ه نس تتمیق الفوقانی عصارة غافت بضم اول
با ثانی و الف و فتح راء مهمله و همزه ملینه یا با غین معجمه و الف و سکون فا و فوقانی
ف فشرده غافت تتمیق المثلثة عصارة طراثیث بهمزه ملینه یا و فتح طاء
مهمله و راء مهمله و الف و کسر مثلثه و سکون تحتانی و مثلثه ثانی ف فشرده لالی
عصاره قرط تتمیق الجیم عصارة البنج بضم فوقانی و سکون لام و فتح باء موحده
و سکون نون ف افشرده بزر البنج ل عصاره عوسج تتمیق الدال المهملة عصاره
خشخاش اسود و همزه ملینه یا و فتح هر دو خاء معجمه و سکون شین معجمه اول و کسر ثانی
و فتح همزه و سکون سین مهمله و فتح واو با دال مهمله ف افیون تتمیق الراء المهملة
عصفر ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون راء مهمله ف خس و خسک ط ح
ی ۲ ق مجلی خ سرخ نوص روغن بنفشه ل زهرة الملح یا آرد سفر حل عصفور
ع بضم اول و سکون ثانی و ضم فا و سکون واو ف گنجشک ه خانگی چڑے و
بکیری ط ح ی ۳ خ فربه صید تتمیق الذاء المعجمة عصارة شجرة الجوز

بفتح شین معجمه و جیم و رای مهمله و ضم فوقانی و سکون لام و فتح جیم ثانی و سکون واو
ف افشرده درخت گرد گان ل هرزنجوش تمیق السین المهملة عصارة السوس
بضم فوقانی و سین مهمله مشدد و سکون واو و سین مهمله ثانی م رب السوس
ف بشیرازی آب خشک شده مهک طمع حد عصارهٔ انبرباریس بفتح همزه
و سکون نون و فتح موحده و سکون رای مهمله و موحده ثانی بالف و کسر رای مهمله ثالث
و سکون تحتانی ف افشرده زرشک ل دو وزن آن زرشک منقی عصارهٔ
لحیة التیس بکسر لام و سکون حای مهمله و فتح تحتانی و ضم فوقانی و فتح فوقانی
مشدد ثانی و سکون تحتانی ثانی ف افشرده درخت سرس تازه ل اقاقیا
تمیق الظاء المعجمة عصارة القرظ بسکون لام و کسر قاف و سکون رای مهمله
م اقاقیا تمیق اللام عصارة المثل بسکون لام و کسر میم و سکون مثلثه و لام
ثانی م رب السوس تمیق النون عصارهٔ افسنتین بفتح همزه و سکون فا و فتح
سین مهمله و سکون نون و کسر فوقانی و سکون تحتانی و نون ثانی ف افشرده
افسنتین حب ریوند ل سه وزن آن از ورق آن عصارهٔ شقائق النعمان بفتح
شین معجمه و قاف بالف و کسر تحتانی و ضم قاف ثانی و فتح نون مشدد و سکون
عین مهمله با میم و الف ثانی ف افشرده لالا ل عصارهٔ بخور مریم تمیق الهاء
عصبه بضم و فتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و خفای هام ریحان سلیمان و
گویند لبلاب عصفیره بفتح اول و سکون ثانی و کسر فا و سکون تحتانی و فتح
رای مهمله ف خیری زرد تمیق التحتانی عصی الراعی ع بفتح اول و ثانی و الف
مقصوره و رای مهمله مشدده و الف و کسر عین مهمله ف کسته هر لال ساگ ط ب
ی ۳ گویند ساخ بستانی سرخ مائل بسیاهی ص صندل ل عنب الثعلب تمیق
الضاد المعجمة و تمیق الفوقانی عضات بکسر اول و ضاد معجمه و الف و فوقانی

قافلہ بت قانجہ ہ مہوکا طرح ہی اعقیق ع بفتح اول وکسر ثانے وسکون تحتانے ف سنگ مشہور طب ہی اق مجفف خ یمنے بسیار سرخ شفاف مش ثمید رمص تخم کدول کہر با تمیق المیم عقار آدم بضم اول باثانے وکسر راء مہملہ و مد ہمزہ و فتح دال مہملہ سناث تمیق النون عقار کوہان رومے بضم اول باثانے و الف وکسر راء مہملہ وضم کاف و واو مجہول باہاء الف ثانی م عاقر قرحا عقربان بفتح اول وسکون ثانے و فتح راء مہملہ و موحدہ و الف م اسقولوقندریون ف سنگے دار و تمیق التحتانی عقرب بحری بفتح اول وسکون ثانے و فتح راء مہملہ وکسر موحدہ اول و فتح موحدہ ثانے وسکون حاء مہملہ وکسر راء مہملہ ثانی ف گژدم دریائے وآن ماہیے است کہ بر سر وے خارے بود کہ بدان مے زند و بگزد وہ سینگے مچھلے تمیق الکاف و تمیق الموحدہ عکوب ع بفتح اول وضم کاف وسکون واو م کنگر تمیق الفوقانی عکازیت ع بفتح اول و ثانے وضم راء مہملہ و فتح زاء معجمہ مشددہ وسکون تحتانی ف دردی زیت خ کہن تمیق الراء المہملۃ عکبر ع بفتح اول وسکون ثانی و فتح موحدہ ف موم سیاہ تحانے بشیرازی برمو گویند و سنخ الکور ہمین است ش یک مثقال تا دو مثقال تمیق السین المہملۃ عکرس ع بہ فتح اول وسکون ثانی و فتح راء مہملہ م ارنب تمیق الکاف عکک ع بفتح اول و ثانے وسکون کاف ثانے م سعد تمیق الہاء عکنہ بفتح اول وسکون ثانے و فتح نون و خفاء ہا م سورنجان تمیق اللام و تمیق الموحدہ علیق الکلب ع بضم اول و فتح لام وسکون تحتانی وضم قاف وسکون لام ثانے و فتح کاف وسکون لام ثالث ف ورخت گل عصارہ وے کہ در آفتاب خشک کنند ل شوکۃ المصریۃ تمیق المثلثہ علث بکسر اول وسکون ثانے ف کاسنے برے تمیق السین المہملۃ علایس ع

بکسر اول وسکون ثانے وکسر کاف بالتحتانی والف وکسر موحده م فلفونیا
ست وآن نوعے از اتینج است ف زنگیاری علوفس بفتح اول وضم ثانے
وسکون واو وکسر فاع خبازے هرجز تتمیق الطاء المهملة علاک الانباط ع
بکسر اول وسکون ثانے وضم کاف وسکون لام وفتح همزه وسکون نون و
فتح موحده والف ف صمغ بطم مصنف صمغ درخت خنجک طرح ہی ۲ گویند ب اق
منضج محلل خ زر ومعتدل القوام بقدر ملحص بمضمضه با آب طبیخ مورد ل مصطگے
تتمیق القاف علق عم بفتح اول وثانے وسکون قاف ف زالو طب رق جاذب
خون خ انچه در آب شیرین میباشد ص باشیدن خاکستر ان عضو ل خراطین
علیق ع بضم اول وفتح ثانے وسکون تحتانی ف وردتوت سگ کل جلاب ے
ق قابض خ سرد تازه وش ازبیخ او وعود رم ص بیخ مهک ل شگوفه انار تتمیق
الکاف علک ع بکسر اول وسکون ثانے ف هر صمغے که توان خائید تتمیق المیم
علقم ع بفتح اول وسکون ثانے وفتح قاف وسکون میم ه حنظل وگویند قثاء الحمار
و هر چیز تلخ بود آن را علقمه خوانند علک البطم ع بکسر اول وسکون ثانی وضم
کاف وسکون لام ثانے وضم موحده وسکون طاء مهمله م سقز تتمیق التحتانی
علسے بفتح اول وثانے وکسر سین مهمله م صبر تر علک بغدادے بفتح موحده
وسکون غین معجمه با دال مهمله والف وکسر دال مهمله ثانے م مصطگے خ سفید
مائل بزردے تتمیق المیم وتتمیق الجیم عملج بفتح اول وسکون میم وفتح لام
وسکون جیم ف نوعے از خربوزه که گوشت او سرخ وسبز او را بچپان باتخم
خورند م خربوزه زمستانی تتمیق الدال المهملة عمز و بفتح اول وسکون میم و
فتح زاء معجمه ف کرفس تتمیق الراء المهملة عمار بفتح اول وثانے مشدد والف
ف مورد تتمیق النون وتتمیق الالف عنقا بفتح اول وسکون ثانی با قاف

والف م سیمرغ تمیق الموحدہ عناب ع بضم اول وثانے مشدد والف و
موحدہ ف جیلان وسیلان ھ ولایتی سرط مع گویند ح دا گویند ب اق طین خ
جانے تازہ کرم ناخوردہ شیرین ش در مطبوخ پانزدہ عدد ص شکل کشمش
یا مویز منقے یک نیم وزن آن سپستان عنب الثعلب ع بکسر اول و فتح ثانی و ضم
موحدہ و فتح مثلثہ مشددہ و سکون عین مہملہ ثانی مشددہ و فتح لام ف
روباہ تربک ھ مکوہی و پنپوٹن طاب دا گویند ۲ گویند ح راق برادع خ زرد تازہ
ص قند با عسل ل سادا وران یا البطباط عنب ع بکسر اول و فتح ثانے ف انگور
ط پوست اوسے رگوشت اوح رودانہ او ب رق معتدے محلل خ سپید
رقیق شیرین ص طنجبین ل زبیب عندلیب بکسر اول و سکون ثانے و فتح دال مہملہ
و کسر لام و سکون تحتانے ف مرغ ہزار داستان تمیق الفوقانی عنبرت بہ فتح
اول و سکون ثانے و فتح موحدہ و ضم راء مہملہ و سکون واو م خردل ھ رائی عنزروت
بفتح اول و سکون ثانے و فتح زاء معجمہ و ضم راء مہملہ و سکون واو م انزروت عنکبوت
بفتح اول و سکون ثانے و فتح کاف و ضم موحدہ و سکون واو ف دیوپا ھ مکڑی
ط ح ق منشف خ انچہ تنیدہ او سفید باشد ص سرکہ و روغن گل ل اسفنج
تمیق الدال المہملۃ عنجبج بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم و سکون دال
مہملہ ف دانہ مویز تمیق الراء المہملۃ عنبر بفتح اول و سکون ثانی و فتح
موحدہ و سکون راء مہملہ عطرے ست مشہور ط ح ۲ ی اق مقوے دماغ
و دل خ اشہب چرب سفید سست سبک ش دانگے ص شمع عربی یا بوئیدن
کافور و خیار ل دو دانگ وزن آن مشک دو دانگے مرو دانگے زعفران یا بوزن
آن مشک و مرو زعفران عنقق بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف مرغ گوش
تمیق القاف عناق بفتح اول و ثانے والف و قاف برغالہ تمیق اللام عنصلع

تحتانی و کسر جیم و سکون نون ف فتح ہمزہ و سکون غین معجمہ ثانی و کسر رای مہملہ
با تحتانی ثانی م منشکسطر اشیع ف پودینہ کوہی غلیجن پودینہ واغریا کو تمنیق الجیم الفارسی
غلفج بفتح اول و ثانی و سکون فا و جیم فارسی م زنبور سرخ تمنیق الیاء الفارسی
غلیواژ بکسر اول و ثانی و تحتانی مجہول با واو و الف م چیلہ تمنیق النون
غلیجن سریانی ف پودینہ بری تمنیق الہا غلفہ بضم اول و سکون ثانی و
فتح موحدہ فارسی و خفاء ہا م جانور عکہ غلیتہ ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی و فتح فوقانی م گیلہ ہے کہ از ان جوال سازند تنسیق المیم و تمنیق
الکاف غمخورک ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم خاء معجمہ و واو مجہول و فتح
راء مہملہ و سکون کاف م جانور بوتیمار تمنیق اللام غملول بفتح اول و سکون ثانی
و ضم لام و سکون واو م مغفار بری ف سوزہ تمنیق المیم غمام بفتح اول و ثانی
و الف م ابر تنسیق النون و تمنیق الراء المہملہ غنجار و غنجر ف بفتح اول
و سکون نون با جیم و الف و راء مہملہ در لغت اول و فتح جیم در لغت ثانی
م غازہ تمنیق الشین المعجمہ غنجرش و غنجمرش ف بفتح اول و سکون ثانی
و فتح جیم و کسر راء مہملہ و سکون شین معجمہ در لغت اول و فتح میم و کسر راء مہملہ
در لغت ثانی م غوک غنداش ف بضم اول و سکون ثانی و دال مہملہ با میم
و الف م لوبیا تمنیق الکاف الفارسی غنگ ف بفتح اول و سکون ثانی و کاف
فارسی م خربز تمنیق اللام غنجال ف بفتح اول و سکون ثانی با جیم و الف
م میوہ ترش تمنیق الہاء غنجارہ و غنجرہ ف بفتح اول و سکون ثانی با جیم
و الف و فتح راء مہملہ و خفاء ہا در لغت اول و فتح جیم و راء مہملہ در لغت ثانی
م غازہ غندہ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ م رتیلا تمنیق
التحتانی غنقیلی بضم اول و سکون ثانی و کسر قاف و سکون تحتانی و کسر لام

وسکون تحتانے ثانی ف شلغم تنسیق الواو وتمنیق الالف غوشاف بضم اول

واو مجهول باشین معجمه والف م سرگین حیوانات وخوشهٔ انگور وخرما وجو وگندم

وامثال آن تمنیق الدال المهملة غوشاد ف بضم اول وثانے مجهول وشین

معجمه والف ف سرگین حیوانات تمنیق الشین المعجمه غوش ف م سرگین حیوانات

تمنیق الکاف غوشاک ف م غوشا غوک ف بضم اول وثانے مجهول ف بمعنی

م سینک تمنیق الهاء غوره ف بضم اول وثانے مجهول وفتح راء مهمله وخفاء

هاء اول هر میوه غوزه بفتح زاء معجمه ف پنبهٔ ناشگفته که در غلاف باشد و مبداء

ثانے م غنچه غوشته و غوشه بضم اول وثانے مجهول وسکون شین معجمه و

فتح فوقانے در لغت اول وفتح شین معجمه وحذف فوقانے در لغت ثانی

م نوعے از کماة وفطر تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق القاف غیداق بکسر اول

وسکون تحتانی با دال مهمله والف ف بچه ضب که از مرتبه حل فراتر شده باشد

تمنیق المیم غیم بفتح اول وسکون ثانی م غمام تمنیق الهاء غیاریه بفتح اول وثانی

والف وکسر راء مهمله وفتح تحتانی وخفاء ها م عنب الثعلب تقسیم الفاء تنسیق

وتمنیق الالف فاشرا یونانی بفا والف وکسر شین معجمه با راء مهمله والف م

هزار چشان وهزار افشان وکرمة البیضا وکرم رشتے ف تحویش طح ی ۳ ل

در فتح ونیم وزن لبا سه فافیرا بکسر فا ثانی وسکون تحتانی وراء مهمله م

بردے فاذانیا یونانے بواو والف ثانی وکسر نون با تحتانی م عود الصلیب

طح ی ۳ گویند م حق فالبن مخفف بفتح دریسقوری دل خر روسے ست

نیم مثقال ص کثیر ال غاریقون وزر او ند طحیح با نوت یا پوست انار وفوفل

ومخرساق آهو وچون هر سه جمع شود بدل شود تمنیق الجیم فالج بفتح

دال مهمله وسکون جیم ف سنگے ست زرد که بسفیدی وسبزی زند م با دزهر کانی

زہر مہرہ تمنیق الدال المهملة فا دزہر بفتح زاء معجمہ وسکون دال مہملہ ہم پازہر
تمنیق الذال المعجمہ فا نید بکسر نون وسکون تحتانی ہم نباسه طرح را گویند
سفید تمنیق الراء المهملة فا دزہر بسکون دال مہملہ وفتح زاء معجمہ وسکون
با وراء مہملہ پادزہر و مہرہ داروے کہ حفظ روح و دفع ضرر سم کند بدین اسم خوانند
وانچہ مخصوص ست حجر التیس وحجر الحیہ و پادزہر کانی فاربخ بفتح اول ف سرش
ہم چوا فا غرف بکسر غین معجمہ ہم گل رنگ حنا تمنیق السین المهملة فا رعوس ع
یونانے بکسر لام وسکون راء مہملہ وضم غین معجمہ وسکون واو صمغ نقلق
فا اقس اسقلینوس یونانے با نون والف ثانی وکسر قاف وسکون سین مہملہ
وفتح ہمزہ وسکون سین مہملہ ثانی وفتح قاف ثانی وکسر لام وسکون تحتانی و
ضم نون ثانی وسکون واو ہم نوعے از دو قوی کبیر تمنیق الشین المعجمة فا رہ البیشر
بفتح راء مہملہ وضم فوقانی وسکون لام وکسر موحدہ وتحتانی مجہول وشین معجمہ
ف بیش ہوش کور فا غوش سریانی بضم غین معجمہ و واو مجہول ہم شیطرج تمنیق
الظاء المعجمة فا ظر دے بظاء معجمہ مصدر تمنیق النون فا ترسین بہ فتح
وسکون راء مہملہ وکسر سین مہملہ وسکون تحتانی ہم اسپندان فا درن بفتح دال
مہملہ ہم سنوائز فا شرستین یونانی بکسر شین معجمہ و راء مہملہ وکسر سین مہملہ وسکون
تحتانی یعنے دافع شصت علت ف فشیندان وسیاہ دارو طرح تحتانی ق مجلے
الطف منہ نیم مثقال ہم زبادہ دل بوزن او و سہ پنج و نیم وزن لبناسہ فا اقس
ابلاقلیون یونانے بنون والف ثانی وکسر قاف وسین مہملہ وفتح ہمزہ وسکون
موحدہ باراء مہملہ والف ثالث وفتح قاف ثانی وسکون لام وضم تحتانی وسکون
واو ف ضمت حا شیر فا اقس جمر وشون یونانی بنون والف ثانی وکسر قاف
وسین مہملہ وفتح حاء مہملہ وسکون میم وضم راء مہملہ وسکون واو وفتح نون ثانی

وضم فوقانی وسکون واو ثانی ف نوعی از زر و فرا کوهک تتمیق الهاء فاجشه
بکسر جیم و فتح شین معجمه و خفا ر ہام جنبد سید ستر فاخته بسکون خاء معجمه و فتح فوقانی
ه بنذکی ط گوشت او ح ی فاعیه بکسر عین مهمله و فتح تحتانی م فل بیخ نیلوفر
هندی فاغیه ع بکسر غین معجمه و فتح تحتانی ف گل حنا ط م ح ب و هر فوری که
خوشبو بود نیز باین نام خوانند و گویند گل رامی حنیا فاغره ع بکسر غین معجمه و فتح
راء مهمله ف فاخره و کبابه و شگافته تتمیق التحتانی فاشرسنے بسکون شین معجمه
و فتح راء مهمله و سکون سین مهمله و کسر نون م سپندان تنسیق الجیم و تتمیق
اللام فجل ع بضم اول و سکون جیم و لام ف ترب ه مولی ط برگ او ح ۳ ی
ق مقطع ملطف و برگ او مفتح بستانی سبز تازه ش از مربای او وه و رص ص
عسل تنسیق الخاء المعجمه و تتمیق الهاء فخفره ف بفتح اول و سکون خاء معجمه و
فتح فاء ثانی و راء مهمله م فلجو تنسیق الراء المهملة و تتمیق الفوقانی فرفت به فتح
اول و سکون ثانی و فتح فاء ثانی و سکون فوقانی ف شاهتره تتمیق الخاء المعجمه
فرخ ع بفتح اول و سکون راء مهمله م چوچه مرغ و فراخ بکسر اول جمع آن فرفخ بفتح
اول و سکون ثانی و فتح فاء ثانی م البقلة الحمقا تتمیق الدال المهملة فرزدق
بضم اول و سکون ثانی و فتح زاء معجمه ه سبزه دوب فرصاد ع بکسر اول و سکون
ثانی با صاد مهمله و الف ف توت فرغند ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح غین معجمه
و سکون نون ع عشقه ه امربیل تتمیق الراء المهملة فرغور ف بفتح اول و سکون
ثانی و ضم غین معجمه و واو مجهول م تیهو فرفخین بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا
ثانی و کسر خاء معجمه و سکون تحتانی م البقلة الحمقا فرفرفین بضم اول و سکون ثانی
وضم فاء ثانی و سکون واو م تراتیزک و بفتح اول وضم فاء ثانی ام بود ه یا تیهو
فرفیر بفتح اول و سکون ثانی و کسر فاء ثانی و سکون تحتانی ف بنفشه و گویند

فرنیوش قلین بفتح اول وسکون ثانی وکسر فا ثانی وسکون تحتانی ف تخم تورک و خرفه
بتمیز الواو فراشتو و فرستو بفتح اول وثانی والف وسکون شین معجمه وضم فوقانی و
سکون واو در لغت اول وکسر اول وثانی وسکون سین مهمله در لغت ثانی کم فراشترک
فروع بفتح اول وسکون ثانی و واو مجهول ف پوستین گرم ترین پوستین روباه پس
سموریس پلنگ پس قاقم بعد از آن بره بتمیز الهاء فرزه ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح زاء معجمه وخفاء هاء سبزی دوب فرشه ف بضم اول وسکون ثانی و
فتح شین معجمه م شیر حیوان نوزائیده هریبوی فرغنده ف بفتح اول وسکون ثانی و
وفتح غین معجمه وسکون نون وفتح دال مهمله ع عشقه هامسل فرسه بفتح اول وسکون
ثانی وفتح میم ف بنفشه فرنقیه یونانے بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح
قاف ف مطبه بتلیق السین المهملة وتمیز العین المهملة فسوة الضبع بضم اول و
سین مهمله وفتح واو وضم فوقانی وفتح ضاد معجمه مشدده وضم سوجده وسکون عین
مهمله م سماروغ بتمیز القاف فستق ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون
قاف ف پسته طام ۳ ری گویند ما ۳ ق مفتح مصے ۲ تازه فسه بزرگ شق از پوست
بیرون او نیم مدم ص زرد آلوی خشک یا تخم خیار ل مغز بادام و مغز بن یا سوزن
مغز جوز و نیم مغز بن یا فندق بتمیز النون فسلیون بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام
وضم تحتانی وسکون واو م اسبغول بتمیز الهاء فستق الهادیه ع بکسر اول وسکون
ثانی وضم فوقانی وقاف وسکون لام بالا والف وکسر واو وفتح تحتانی وخفاء هاء ثانی
م حب البان هر تخم بکاین فسفسب بفتح اول وسکون ثانی وفتح فاء ثانی وسین مهمله ثانی
م اسپست تر بتلیق الشین المعجمه وتمیز العین المهملة فشاع ع بکسر اول با شین معجمه و
الف وعین مهمله ف شر هر نباتی ست که چون بر شاخهای انگور پیچیده شود مفسد وی بود
بتلیق الصاد المهملة وتمیز الباء مفتوحه فصفب بفتح اول وسکون صاد مهمله وفتح فاء ثانی

۲۵۱

و صاد مهمله ثانی م سپست چون تر بود فصفصه و رطبه گویند و چون خشک گردد قت
علف گویند ف رنجه تلسیق الضاد المعجمه و تمنیق الالف فضا بکسر اول با ضاد معجمه و
الالف ف دانه موبز تمنیق الهاء فضه ع بکسر اول و فتح ثانی مشدد ف نقره هر رو پا
طا ب ۲ ق ورق او مقوی دل خ خالص ش یک دانگ ص مقل ل فیروزه تلسیق
الطاء المهمله و تمنیق الراء المهمله فطر بکسر اول و سکون طاء مهمله و راء مهمله سماروغ طا ب ۳ سا گویند
او انواع است یک نوع قعع که بفارسی هیکل خوانند و دیگر نوشته و یک نوع فقیل
و مجموع انواع را کمات خوانند و بدترین همه فطر بود و نوعی در شیب سرگین سعید و نوعی
در شیب خم شراب و آنچه سرخ بود زهر بود و آنچه سفید بود یا زهر و آنچه در زیر خم شراب بود
پوست او نیز زهر است و گویند قسمی از وست که در کشمیر او را گنه گچهو گویند بفتح کاف و نون
و خفا ها و فتح کاف فارسی و ضم جیم فارسی و ها و سکون واو خ سفید تمنیق النون
فطر اسالیون یونانی بکسر اول و سکون ثانی با راء مهمله و الف و سین مهمله و الف ثانی
و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو م بطر اسالیون ف تخم کرفس کوهی تنسیق العین
المهمله و تمنیق السین المهملة فعیلاسوس یونانی بفتح اول و کسر عین مهمله و سکون
تحتانی با لام و الف و ضم سین مهمله و سکون واو و سین مهمله ثانی ف چوب اشنان
تمنیق النون فعولیون رومی بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر لام و ضم تحتانی و
سکون واو ثانی م حنا تنسیق القاف و تمنیق الحاء المهمله فقاح الملح بضم اول با قاف
و الف و ضم حاء مهمله و سکون لام و کسر میم و سکون ل ثانی م زهرة الملح فقاح ع
بضم اول و ثانی و الف ف گل و شگوفه تمنیق الدال المهملة فقد بفتح اول و سکون
ثانی ف تخم نخجشت تمنیق الراء المهملة فقاح الاذخر ع بضم اول با ثانی و الف
و ضم حاء مهمله و سکون لام و کسر همزه و سکون ذال معجمه و فتح خاء معجمه م گل اذخر
خوشبوی بار زول قصب الذریره تمنیق العین المهملة فقاع ع بضم اول

باثانی والف وعین مهمله ف لوزه وبانی ق ملطف ص عسل وافادیه ل رایب
تنمیق المیم فقاح الکرم ع بسکون لام و فتح کاف وسکون راء مهمله ومیم ف
دل وآن شگوفه انگور لبو وطب تنمیق النون فقلامینون بفتح اول وسکون
ثانی بالام والف وکسر میم وسکون تحتانی وضم نون وسکون واو ف چوبک اشنان
تنسیق اللام وتنمیق الدال المهمله فلخود وفلخید ف بفتح اول وسکون لام و
وضم خاء معجمه وسکون واو ودال مهمله در لغت اول وکسر خاء معجمه وسکون تحتانی در لغت
ثانی ص تنبیه دانه فلفل اسود ع بکسر هر دو فا وسکون لام اول وکسر لام ثانی وفتح همزه وسکون
سین مهمله وفتح واو م فلفل سیاه ه کالی مرچ ط ح سم ق ملطف مفتح ش نمیدرم
ص عسل یا دار القرع ل یک نیم وزن فلفل سفید یا زنجبیل فلفل الغرد بسکون لام
ثالث وضم غین معجمه وراء مهمله وسکون واو م وسمه تنمیق الراء المعجمه فلفل دراز ف
بفتح دال مهمله و راء مهمله با الف ه پیپل تنمیق الضاد المعجمه فلفل ابیض ع بفتح همزه و
سکون موحده وفتح تحتانی ف فلفل سفید ط ح سم ی ۳م خ سبک ش از تسوجی
تا نیم مثقال ص عسل ل زنجبیل تنمیق الکاف فلنجمشک بفتح اول وثانی وسکون
نون وفتح جیم وکسر میم وسکون شین معجمه وکاف ف بالنگوی خرد تنمیق اللام
فل ع بضم اول وسکون لام ف بیخ نیلوفر هندی ط ح ی ۳ ص عسل ل تفاح ع
تنمیق النون فلفلمون بکسر فائین وسکون لامین وضم میم وسکون واو ف لوچ
کوهی ط ح ی تنمیق الهاء فلفل الصقالبه بفتح صاد مهمله مشدد وقاف والف
وکسر لام ثالث وفتح موحده ف تخم پنجنگشت فلفلمویه بکسر فائین وسکون لامین و
وضم میم وسکون واو وفتح تحتانی ف بیخ درخت فلفل دراز ه پیپلا مول ط
ح ی اش تا یک مثقال تا دو مثقال ص عسل ل دار فلفل یا اثار مشک یا دو فا
وزن آن سورنجان ونیم وزن مغز خشک دانه فلنجه بفتح اول وثانی وسکون نون

وفتح جیم م افلنجہ فلرف بفتح اول وثانی مخفف ومشدد هم پوستی فلیفلہ بفتح اول و
کسر ثانی وسکون تحتانی وفتح فاء ثانی ولام ثانی ف تخم عود بزبان اندلسی نانخواه
وگویند تخم پنجنگشت تمنیق التحتانی فلفل بتے بفتح موحده وکسر راء مهمله مشدده تخم
سنبهالو تمنیق النون وتمنیق الالف فنا بفتح اول وثانی ف روباه تریاک
تمنیق الکاف فنک ف بفتح اول وثانی م جانوریست که از پوست او پوستین
سازند فنطا فلون بکسر اول وسکون ثانی وطاء مهمله با الف وفتح فاء ثانی وضم لام
وسکون واو ف پنجنگشت تمنیق الواو وتمنیق الدال المهمله فواد بفتح اول و
واو والف هر هنگر تمنیق اللام فوفل ع بضم اول وسکون ثانی وکسر فاء ثانی ه
سپاری طب ی ۳ گویند ح ی ۳ ق قابض را ح خ زرین ش نیم درم ص
صمغ ل صندل سرخ دو دانگ ونیم وزن آن بذر البنج فول ع بفتح اول وسکون
ثانی م باقلا فوله بضم اول وسکون واو وفتح باف شوره تمنیق المیم فوم ع بضم اول
وسکون ثانی ف گندم تمنیق الواو فوبه ثانی بضم اول وسکون واو بحیی است
باریک خوشبو مانند سنبل الطیب بلکه قسمی از سنبل الطیب است ه جال گرم ط ح
می ق مفتح خ تازه خوشبو ش نیم ص رازیانه یا رب السوس ل سنبل یا کباب یا
فلفل سیاه تمنیق الهاء فوده ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله خمیر خشک
که از آن آبکامه بسازند فوشنه بضم اول وثانی مجهول وکسر شین معجمه وفتح نون م نوعی از قطر
فوه ع بضم وفتح اول وفتح ثانی مشدد ف روناس مجیٹه ط ح ی ا گویند ب ق
مدر خ ا سنے تازه سرخ باریک ش نیم مثقال و در مطبوخ دو درم ص انیسون با تخم
بادنگ ل یک نیم وزن سلیخه یا شیطرج در طلا تمنیق التحتانی فوتنج صبلے بضم اول و
ثانی مجهول وسکون فوقانی وفتح نون وکسر جیم وفتح جیم ثانی و موحده وکسر لام و
سکون تحتانی ف پودینه کوهی ط ح ی ۴ خ خشبوی تازه سبز کوچک ورق ش

یک نیم درم ص کتیرا ل یک نیم وزن فو فتح نهری ق فو تج نهری بفتح نون وسکون
ها وکسر راء مهمله ف پودنه جوئی طح ق ملطف محلل سبز وترش یک م تا یک مثقال
ص کتیرا یا رب السوس ل نعناع یا جعده تنسیق الیاء التحتانی و تنمیق الجیم فیروزج
بکسر اول وسکون تحتانی مجهول وضم راء مهمله وواو مجهول وفتح زاء معجمه وسکون جیم ف پیروزه
طب ی اخ نیشاپوری کهنه فیلزهرج بکسر اول وسکون ثانی ولام وفتح زاء معجمه وسکون
ها وفتح راء مهمله گویند در خصص است و ثمر وی مثل فلفل است و حضض عصارهٔ اوست
طمع تنمیق الدال المهمله فید ع بفتح اول وسکون تحتانی ودال مهمله ف زعفران
سوده تنمیق النون فیحجن ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون نون م
سداب ترقیم القاف وتنسیق وتنمیق الالف قار اسیاع بقاف و
الف وراء مهمله والف ثانی وکسر سین مهمله با تحتانی والف ثالث ف آلو بالو قاقیا
بکسر قاف ثانی با تحتانی م اقاقیا تنمیق الموحدة قاتل الذئب م بکسر فوقانی
وضم لام وکسر ذال معجمه مشدد وسکون تحتانی وموحده م خربق سیاه قاتل الکلب
بکسر فوقانی وضم لام وسکون لام ثانی وفتح کاف وسکون لام ثالث ه کچلا
تنمیق الکاء المهمله قاتل النمر م بکسر فوقانی وضم لام وفتح نون مشدد وکسر
میم م مازریون قارم قیر ل قاقله صغار ع بضم قاف ثانی وفتح لام وهمزه
ملینه ها وکسر صاد مهمله با غین معجمه والف ف هیل ه الایچی خرد ط ح ی ۲ گویند
مع ق ملطف ومقوی دل ومعده خ تیز بوئی ش یک درم ص قند یا طباشیر
یا شیره تخم خرفه یا سکنجبین ل قرنفل یا کبابه و سنبل قاقله کبار بضم قاف ثانی وفتح لام
وهمزه ملینه ها وکسر کاف با موحده والف ثانی ه الایچی کلان ط ح ی ۳ گویند
مع ق ملطف ومقوی دل ومعده خ گزندهٔ زبان و تیز بوی ف ش یک درم ص
قند یا طباشیر ل یک نیم وزن قاقله صغار یا یک نیم وزن کبابه و نیم وزن سنبل یا

نیم وزن قفل تنمیق القاف قاتل العلق ع بفتح عین مهمله و لام و سکون قاف م
نوعی از مرزنگوش قاق ع ف گوشت خشک و هر چیزی که خشک سازند بدین
نام خوانند تنمیق اللام قاتل النحل ع بفتح نون و سکون حاء مهمله و لام ف
نیلوفر تنمیق النون قاطول بضم طاء مهمله و سکون واو ف نوشادر تنمیق الهاء
قاتل اخیه ع بفتح همزه و کسر خاء معجمه و سکون تحتانی و اظهار ها م خصیة الثعلب قاتل نفسه
بکسر فوقانی و لام و فتح نون و سکون فا و کسر سین مهمله و اظهار ها م نوعی از اشق
قاتوله ع بضم فوقانی و سکون واو و فتح لام ه دهاتوره قانصه ع بکسر نون و فتح صاد مهمله
م سنگدانه مرغان ه پتهری ط ح رق مغذی خ از طائر فربه ص سرکه و ابازیر
تنمیق التحتانی قاقلی بضم قاف ثانی و کسر لام و سکون تحتانی نباتی است مانند
اشنان و گویند مانند کثوث ط ح ی اق مسهل بش از آب او نیم رطل ص کثوثا السیا
تنسیق الباء الموحده و تنمیق الجیم قبج ع بفتح اول و سکون موحده ف کبک
م التنجوره ط گوشت او ح ر تنمیق الراء المهمله قبابر ع بفتح اول و ثانی
و الف و کسر موحده ثانی و سکون راء مهمله ف چپاو کباط ح ی خ فربه بریان کرده
تنمیق القاف قباق بفتح اول و ثانی و الف و قاف ثانی ف کدو تنسیق
تنمیق التاء الفوقانی قت ع بضم اول و سکون فوقانی م اسپست تنمیق الدال
المهمله قتاد ع بفتح اول و ثانی و الف م درخت خارداری ست که صمغ وی
کتیرا است بشیرازی ف کم ط ح ر تنسیق الثاء المثلثه و تنمیق الالف
قثاء ع بفتح اول و مثلثه ف خیار دراز ه ککری ط ب ر م ف مدر مخلل خ نیشاپوری
تحته تازه ص عسل ل یا درنگ تنمیق الدال المهمله قثد ع بفتح اول و ثانی
و سکون دال مهمله ف خیار بالنگ ه کهیرا ط ب ر تنمیق الراء المهمله قثاء الحمار
ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم همزه و سکون لام و کسر حاء مهمله با میم و الف ثانی

وراء مهمله کریلا طح ی ۳ ق مسهل بلغم و منقی خ رسیده ش یک م تا یکمثقال
و گویند عصارهٔ او دود واثق ص کتیرا مثل اویا صمغ و وردل ماهو دانه تمنیق المیم
قثاء النعام ع بضم نون با عین مهمله و الف م حنظل کوچک تمنیق الهاء قثاء الحیه
ع بسکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی و خفاء ها م زراوند طویل و گویند حنظل کوچک
تمنیق التحتانی قثاء هندی بری بکسر با و سکون نون و کسر دال مهمله و تحتانی و
فتح موحده و کسر راء مهمله بستی و بل قثاء هندی ف خیار چنبر تنسیق الدال المهمله
و تمنیق الالف قدمیا بفتح اول و سکون دال مهمله و کسر میم با تحتانی و الف م
اقلیمیا تمنیق الحاء المهمله قداح ع بفتح اول و ثانی و الف م فصفصه تمنیق
الدال المهمله قدید ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف گوشت خشک
خ از حیوان نر تمنیق المیم قداح مریم بفتح میم و سکون راء مهمله و فتح تحتانی م
بوعی از حی العالم تنسیق الراء المهمله و تمنیق الالف قراصیا ع بفتح
اول و راء مهمله و الف و کسر صاد مهمله با تحتانی ف آلو بالو طح ر ۱ ق ملین ن
رسیده سیاه ش یک کف در نقوع ص جلنجبین ل اجاص قردمانا بضم اول و
سکون ثانی و ضم دال مهمله با میم و الف و نون م کرویا جبلی طح ۳ ی ۲ ق مفتح
مفتح ملطف مدر خ تازه زرد فربه ش یک مثقال ص انیسون یا صندل ل خردل
و حرمل و مشکطرامشیع قرطمانا بضم اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و میم و الف
و نون م قردمانا قرقسطالیونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و سکون
واو و کسر میم و سکون عین مهمله با میم ثانی م تفل روغن زعفران طح ی ۳ خ فربه
سیاه بی چوب و بعد انداختن در آب برنگ زعفران ماند و بعد از خائیدن رنگ
دندان کند قرسیا بضم اول و سکون ثانی و کسر میم با تحتانی م توتیا تمنیق الحاء
المهمله قرح ع بفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله م شونیز تمنیق الدال المهمله

قبراود قردم بضم اول و ثانی باالف ودال مہملہ درلغت اول وبکسر اول وسکون ثانی درلغت ثانی ف کنہ وگویند ھ بہنگا قرمید ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم وسکون تحتانی ف خشت پختہ تمیق الراء المہملہ قرن البحر ع بفتح اول وسکون ثانی وضم نون وسکون لام وفتح موحدہ وسکون حاء مہملہ ف کہربا قریہ بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی ھ اندراین تمیق الزاء المعجمہ قرمز بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم ع دود الصباغین ف کرم رنگریزان کہ بدان ابریشم وصوف رنگ کنند تمیق السین المہملہ قرطاس ع بکسر اول وسکون ثانی با طاء مہملہ والف ف کاغذ طب ای ۲ ق مجفف خ مصری ص کثیر الدود برد تمیق الضاد المعجمہ قراص بفتح اول و ثانی والف ف بابونہ قریض بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف تخم انجرہ تمیق الطاء المہملہ قراط بفتح اول و ثانی والف ف تخم نیل تمیق الظاء المعجمہ قرظ بضم اول وسکون ثانی م نوعی از اسپست وبکسر اول م نوعی از کراث وبفتح اول و ثانی وسکون ثانی نیز م کرت وآن صمغ درخت فلفل است واقاقیا عصارہ اوست طب ی ۳ ق قابض ش یک درم ص آب کدو ل جلنار تمیق العین المہملہ قرع ع بفتح اول وسکون ثانی وعین مہملہ ف کدو طب ر ۲ ق بلین خ تر وسبز وشیرین ش از آب او نیم رطل ص خردل سیر ل ترنج تمیق الکاف قربوک بضم اول وسکون ثانی وضم موحدہ وسکون واو ف شبرک تمیق اللام قرنفل ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا وضم فوقانی وسکون لام وفتح قاف ثانی وراء مہملہ وسکون نون وضم فا م قرفۃ الطیب پوست ہر چوب ودرخت را قرفہ خوانند وان پوستے سطبر بود وبلون قرفہ وطعم قرنفل دارد وغیر حلاوت دارچینی ل قرنفل ع بفتح اول و ثانی وسکون نون وضم قاف ہیچک ھ لونگ طب

کرویا قروِن بضم اول و ثانی و سکون واو ف شاخها و سر و باهٔ سینک طب می ق
مجفف خ از ابل ربش نیم درم ص سداب ل حا فر تمنیق الواو قرقوسیا بانی بضم اول و
سکون ثانی و ضم قاف ثانی و سکون واو م زعفران تمنیق التحتانی قرطم هندی
بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و کسر میم و باو سکون نون و کسر دال مهمله م
حب النیل قرفة الدار چینی ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم فوقانی و فتح دال مهمله
مشدده و الف و سکون راء مهمله و کسر جیم فارسی و سکون تحتانی و کسر نون م چوب دار چینی
هج طح ی ۳ ق ملطف مقوی جگر و معده و بینی خ گزنده زبان ش نیم مثقال ل
نیم وزن قرنفل و نیم وزن دار چینی قرنفل بستانی م قر بخشک تمنیق السین المهمله
و تمنیق الالف قسا بفتح اول و سین مهمله م سلیخه تمنیق الموحده قسب بفتح اول و
سکون ثانی ف خرما بروِن و ان نوعی از خرماء هندی خشک است طح ی
تمنیق الراء المهمله قسطیر بکسر اول و سکون ثانی و کسر طاء مهمله و سکون تحتانی
ف قلعی تمنیق السین المهمله قسوس بضم اول و ثانی و سکون واو م لبلاب
بزرگ طح ی ۲ ق مجلی و منقی خ تازه ص شاه بلوط قسولیدس یونانی بفتح اول و
ضم ثانی و سکون واو و کسر لام و سکون تحتانی و ضم دال مهمله و سکون واو ثانی م کا کنج
تمنیق الطاء المهمله قسطع بضم اول و سکون ثانی هر کبه طح ی ۳ ق مفتح سدد
مسهل مفرح خ تازه سفید فربه ش نیم درم ص انیسون یا گلشکر یا خطمی ل نیم وزن عاقر قرحا
یا مج تمنیق النون قسطوریون یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و سکون
واو و کسر راء مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م جند بید ستر تمنیق التحتانی قسط بحری
بضم اول و سکون ثانی و کسر طاء مهمله و فتح موحده و سکون حاء مهمله و کسر راء مهمله هیچکیول
قسط شامی بشین معجمه و الف و کسر میم م راسن قسط هندی بکسر ها و سکون نون و کسر
دال مهمله م قسط تلخ تمنیق الشین المعجمه و تمنیق الموحده قشر الجوز الصلب ع

بکسر اول وسکون شین معجمه وضم رای مهمله وسکون لام وفتح جیم وسکون واو وکسر
زای معجمه وضم صاد مهمله مشدده وسکون لام ثانی ف پوست گردگان خشک تمنیق
الجیم قشر الاترج ع بسکون لام وضم همزه وسکون فوقانی وضم رای مهمله ف پوست
ترنج ط ح ی ٢ تمنیق الحاء المهمله قشر الجوز الاخضر بسکون لام ثانی وفتح
همزه وسکون خای معجمه وفتح ضاد معجمه ف پوست سبز بیرون گردگان قشع ع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح عین مهمله ف خیار زار تمنیق الخاء المعجمه قشر الارنبع
بسکون لام وضم همزه وراء مهمله ثانی ف پوست برنج وآن از جمله سموم قتاله است
تمنیق الشین المعجمه قشمش بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم ف کشمش تمنیق الصاد
المعجمه قشر البیض ع بسکون لام وکسر موحده وسکون تحتانی ف پوست تخم مرغ ه
انڈے کے چھلکے ط ب ی ٢ تمنیق التحتانی قشر القصب الفارسی بسکون لام
وفتح قاف ثانی وصاد مهمله کسر موحده وسکون لام ثانی با فا والف حرا مهمله وکسر سین
مهمله ف پوست نے فارسی ط ح ی ٣ تنسیق الصاد المهمله وتمنیق الالف
قصبا بع بفتح اول وثانی مهمله وکسر موحده وفتح موحده ثانی با واو مشدد والف ه
قصب الذریره تمنیق الموحده قصب ع بفتح اول وصاد مهمله ف نی ط ح ی ٢
گویند برگ او ب را ق ملطف خ پیخ او از ورق او غریب تمنیق الدال المهمله
قصد بفتح اول وثانی م ع سیج تمنیق الراء المهمله قصب السکر ع بفتح اول وثانی و
ضم موحده وسین مهمله مشدد وکاف مشدد ف نیشکر ه کانٹا او که ط ح ساخ
شیر آن آبدار قصفیر بکسر اول وسکون ثانی وکسر فا وسکون تحتانی م قلعی تمنیق الهاء
قصاع ع بضم اول ثانی با الف وفتح عین مهمله ف سنگ ابیض یعنی قندر ه او بلائد
قصب الذریره ع بفتح اول وثانی وضم موحده وفتح ذال معجمه مشدد وکسر راء مهمله وسکون
تحتانی وفتح راء مهمله ثانی ه چراتیا ط ح ی ٢ ق ملطف خ هندی ش یک درم و

وگویند دو دانگ ص عرق السوس ل اظفار الطیب یا صندل یا عدس تلخ یا سنبل
و زعفران قصیصه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح صاد مهمله ثانی م تودری تنسیق
الصاد المعجمه و تنمیق المهمله قضف بفتح اول و سکون ضاد معجمه ف اسپست قضیب
ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م ذکر ف کیر تنمیق المیم قضم ع بضم اول و سکون
ثانی و میم ف بن کهنه تنمیق التحتانی قضاب بصری ع بضم اول و ثانی و الف و
کسر موحده و میم و سکون صاد مهمله و کسر راء مهمله ف کشته تنسیق الطاء المهمله
و تنمیق الالف قطونا بضم اول و طاء مهمله و سکون واو یا نون م اسبغول تنمیق
الراء المهمله قطر بکسر اول و سکون طاء مهمله ف س هتانا با طح ی تنمیق الفاء
قطف ع بفتح اول و سکون ثانی ف سرمق هرساگ بتهوا تنمیق النون قطران ع
بکسر اول و سکون ثانی با راء مهمله و الف ف روغنی است که از درخت ع گیرند و گویند
تیر است طح ی ۴ گویند س ق مقطع ملطف خ با خود از درخت ع عوض روغن
بان ل نقط سیاه و یا نیم ن زن چوب بید یا ورق بید یا جاوشیر یا زیت و زفت قطن ع
بضم اول و سکون ثانی ف پنبه طح رق تخم او ملین خ لو سپید بث از آب او
و تخم او دو درم ص رب السوس ل از تخم او خشخاش و یا دام تنسیق العین المهمله
و تنمیق اللام قعبل ع بفتح اول و سکون عین و فتح موحده م نوعی از کمات طح ز
تنسیق الفاء و تنمیق الدال المهمله قفر الیهود بفتح اول و سکون فا و ضم
راء مهمله و سکون لام و فتح تحتانی و ضم ها و سکون واو م مومیائی یا لوده طح ی
ق محلل خ فتیری بسیص سر بث نیم درم ص دردل ز رفت تنمیق الراء المهمله
قفر بفتح اول و سکون راء مهمله نبات کثوث تنمیق الطاء المهمله قفلوط بفتح
اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو و طاء مهمله نوعی از کرات شامی تنسیق
اللام و تنمیق الالف قلفونیا رمی بضم اول و سکون لام و ضم فا و سکون واو

نون با تحتانی والف ف زنگباری قلیمیا بکسر اول و ثانی و سکون تحتانی وکسر میم با تحتانی
ثانی م اقلیمیا تتمیق المو حدة قلب بضم اول و سکون ثانی ف باش هندی ه غله موجهه
دگویند بنوائط ب ر۲ گویند ح ی قلوب ع بضم اول و ثانی و سکون واو ف دلها
ط ح ر خ ما خوذ از حیوان کو چک وندان تتمیق الفوقانی قلت ع بکسر اول و سکون
ثانی ع کاسر الحجر ه کلتی ط ح ای ۲ ق مدر منقی مفتت ش دو درم و گویند نیم
مثقال ص نشاسته و کتیرا ل کتابه تتمیق الدال المهمله قلقند یونانی به فتح
اول و سکون ثانی و فتح قاف ثالث و سکون نون و دال مهمله ف نوعی از زاج ط ح
ی ۴ تتمیق الراء المهمله قلقطار یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف
ثانی و طاء مهمله والف م نوعی از زاج ف زاک شتر وندان و زاک زرد ط ح ی ۴
ق محرق کاوی مقرح خ سبز نمی ص شوربا جریب ل هر زاجی که باشد بدل
آن زاج دیگر کنند تتمیق السین المهمله قلقدیس یونانی بفتح اول و سکون ثانی
و فتح قاف ثانی وکسر دال مهمله و سکون تحتانی م زاج سفید کریانی ط ح ی ۴
تتمیق اللام قلقل بکسر قافین و سکون لامین و قلقلات و قلاقل نیز ف
درخت حب القلقل تتمیق النون قلسدنارین سریانی بفتح اول و سکون ثانی و
فتح سین مهمله وکسر دال مهمله با نون والف و راء مهمله وکسر دال مهمله ثانی و سکون
تحتانی م دار شیشعان تتمیق التحتانی قلاری بفتح اول و ثانی والف وکسر راء مهمله
و سکون تحتانی م نوعی از انجیر قلی ع بکسر اول و ثانی م قلیا ه ساجی ط ح ی ۴
ق محرق مجلی اکال خ از اشنان ص لعابات ل زرنیخ تتمیق المیم و تتمیق
الحاء المهمله قمح ع بفتح اول و سکون میم و حاء مهمله ف گندم تتمیق اللام
قمل ع بضم اول و ثانی مشدد و سکون لام ف شپش ه جون تتمیق الهاء قمحه
بفتح اول و سکون ثانی و فتح حاء مهمله ع قمحاه الذریره تتمیق النون

تمنیق الالف قنطا بکسر اول وسکون نون با طاء مهمله والف ص و م الاخوین تمنیق الموحده

قنب ع بکسر اول و فتح ثانی مشدد ف بنگ ه بهانگ و بجا و گویند سهندی نامند

که از ریسمان سازند و قسمی از وبنگ است طح ۲ ی و گویند ق مخدر ش بکدرم

تا دو درم تمنیق الذال المعجمة قنفذ ع بضم اول و سکون ثانی و ضم و فتح فاف

خارپشت ه سیاهی طح ی ش از گوشت وی بخدر م ص عسل تمنیق الراء المهمله

قنابر ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر و ضم موحده و سکون راء مهمله ف سرخ چکاوک

ط ی خ فربه بریان کرده قنطار بکسر اول و سکون ثانی با طاء مهمله والف م ساوآور ن

قنقر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف ثانی و کسر ا صمغیست شفاف مانند

سندروس ف لعل مصری تمنیق السین المهمله قندس بضم اول و سکون ثانی

و ضم دال مهمله و سکون سین مهمله ف کندش حیوانی ست که جندبیدستر خایه اوست ه

اود بلاو قنطس یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله ف درخت مورد تمنیق

الطاء المهمله قنبیط ع بکسر و فتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی ف

کرنب رومی طح ب ح گویند ح ا ی ۲ ق مجفف خ تازه زر دل کرنب تمنیق اللام

قنبیل م بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی ه کمیلا طح ی گویند

ق مجفف خ سرخ مائل بزردی ش دو درم و گویند در مسهلات نیم مثقال ص

صمغ عربی یا انیسون ل دارزیانه یا بنگ کابلی یا تخم ارمنی تمنیق النون قندران ف

بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله با راء مهمله والف ص سقز قنطوریون بفتح اول

و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و سکون واو و کسر راء مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی

ط ح ی ۳ ق مقطع مفتح ملطف مسهل بلغم مدر حابس دم خ دقیق ش از کبیر دو درم و از

دقیق یک مثقال تا دو مثقال ص از کبیر صمغ عربی و کتیرا یا صندل یا هندبا ل از

کبیر حنا و دو دانگ وزن آن سورنجان و بوزن آن لبنی و از دقیق پرسیاوشان

ونیم وزن حنا یا زراوند مدحرج تمنیق الهاء تنه ع بضم اول و فتح ثانی مشدد ف
سبز و دگویند صمغ حلال با مونیت ه بریجا ط ح ی ۳ گویند ج ۳ ی ۲ ق محلل ملین خ
زردرو و دگداز نده و تند بو وش ورم صرا ایهم تبیدرم ص بنفشه ل سکنجبین دو وزن با یک نیم
وزن جا و شیر و ضعف معده و جگر یک نیم وزن ریوند چینی و گویند اشق تمنیق التحتانی
ثنابری م بفتح اول فوقانی والف و فتح موحده و کسر راء مهمله م سر مثبت ط ح با ق
محلل ص شیرج ل کبر تنسیق الواو و تمنیق الالف فوتیر بضم اول و سکون واو و کسر مثلث
و سکون تحتانی با راء مهمله والف ف نوشادر قورسا یونانی بضم اول و سکون ثانی و راء
مهمله یا سین مهمله والف و میم م عود بلسان قوسیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر سین
مهمله یا تحتانی م قسط قوطو یا یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و سکون واو ثانی
با میم آذریون بری قونیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر نون با تحتانی ف آب
چلیده خاکستر تمنیق الراء المهمله قوتر بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
درخت وج قور بضم اول و سکون ثانی ع قطن تمنیق السین المهمله قوردلوس بضم
اول و سکون ثانی و راء مهمله و فتح دال مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی ف گیاهیست
که بابونج خوانند ه کاکنج [illegible] قوقالیس یونانی بضم اول و سکون ثانی با قاف
ثانی والف و کسر لام م قردمانا قولامیوس بضم اول و سکون ثانی با لام والف ح
کسر میم و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م شجره مریم تمنیق الصاد المهمله قوانص ع
بفتح اول و ثانی والف و کسر نون ف سنگدانه یعنی مرغان [illegible] ماخوذ از مرغان تازه
فربه تمنیق القاف قوناق بضم اول و سکون ثانی با نون والف ف گاورس هه
لهذرا تمنیق النون قوطولیدون یونانی بضم اول و ضم طاء مهمله و سکون هر دو واو
و کسر لام و سکون تحتانی و ضم دال مهمله و سکون واو ثالث م [illegible] العالم
تمنیق التحتانی قوقی بضم اول و سکون ثانی و کسر قاف ف حیوانی است بحری

تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق الالف قیمولیا بکسر اول وسکون تحتانی وضم میم وسکون واو وکسر لام با تحتانی م طین قیمولیا طب ۲ ی ۳ ق مجفف رادع ل طین ارمنی قینا بکسر اول وسکون ثانی با نون والف ف نوعی از بقلة الحمقا تمنیق الیاء المهمله قیر ع بکسر اول وسکون ثانی هر ال قیشو بفتح اول وسکون ثانی وضم شین معجمه وسکون واو ف نوعی از کف دریا طح ی ق مجلی منقی خ سباب سفید سوخته ل در جلا ظروف چینی تمنیق السین المهمله قیرس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر را مهمله ف موم قیتطس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر طا مهمله ف سور و تمنیق الطاء المهمله قیلوط بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون واو ف عرق گندنا شامی تمنیق اللام قیل بکسر اول سکون ثانی م قیر تمنیق المیم قیصوم بفتح اول وسکون ثانی وضم صاد مهمله وسکون واو ف برنجاسپ که قسمی از افسنتین است طح ا گویند ۲ ی ۲ گویند ۳ گویند ۱ گویند ۲۳ ی ۱ ق مقطع ملطف محلل مدر منفث ح تازه زر ریش یک مثقال تا زه و درم ص انیسون ل بابونج یا شیح ارمنی و بدصالح بارد بابونه یا افسنتین تمنیق النون قیطاقون بفتح اول وسکون ثانی با طا مهمله والف و ضم قاف ثانی وسکون واو م سرس قیقیس یونانی بفتح اول وسکون ثانی و فتح قاف ثانی وکسر یا م قنقه تمنیق التحتانی قیحے ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر حا مهمله و سکون تحتانی ثانی م تخرذل قیروطی ع بفتح اول وسکون ثانی وضم را مهمله وسکون واو وکسر طا مهمله ف مرهمی که از موم و روغن گل و صندلین و ورق گلسرخ و اکلیل الملک و زعفران و کافور سازند قیصر بفتح اول وسکون ثانی وکسر صاد مهمله ف زرد آلو تر قیم

الکاف فی تنسیق و تمنیق الالف کاک جنگهاه بکاف و الف و کاف فارسی ثانی فتح جیم وسکون نون وفتح کاف فارسی ثالث واظهار ها والف ثانی دوای هندی ست ه مستی کاه ره اف باظهار ها وضم را مهمله با موحده والف ه کیو ر

تتمیق الفوقانی کات ف بفوقانی م نوعی از برنج که در ولایت شوشتر بهم رسد گویند
که چون آنرا بکارند تا هفت سال بار آورد کاسپشت ف بفتح سین مهمله و خفاء ها و ضم
موحدهٔ فارسی و سکون شین معجمه م لاک پشت تتمیق الجیم کاج ف بجیم تازی م درخت
تاژو کاسج ف بضم سین مهمله م خارپشت کاکنج بفتح کاف ثانی و نون ف عروس
در پرده و کچو موطب م گویندی اگویند ۳ ق مخدر حب بزرگ کوهی سرخ رسیده
ش دوورم و گویند سه وانه ص معجون گل ل عنب الثعلب یا حب القثا یا نخ سفید
کالوج ف بضم لام و سکون واو م کبوتر تتمیق الخاء المعجمه کالوخ ف بضم لام و سکون
واو و خاء معجمه م گنبد تتمیق الراء المهمله کاسر الحجر ع بکسر سین مهمله و ضم راء مهمله
و سکون لام و فتح حاء مهمله و میم م بزر القلت ه کلتهی کافور بضم فاء و سکون واو عطر
است مشهور طب ۳ ق مبرد مسکن مقوی و مفرح دل و حابس خون خ قیصوری
سفید که بزردی زند ش یک قیراط ص بنفشه و نیلوفر و زعفران یا مشک یا معجون گل
و عنبل دو وزن طباشیر و یک وزن صندل سفید و گویند کهربا تتمیق الزاء المعجمه
کافز بفتح فاء م گرد کانارف با نون و الف ثانی م بن خوشهٔ خرما تتمیق الزاء الفارسی
کاژ ف بزاء فارسی م درخت کاج م صنوبر تتمیق السین المهمله کاس بسین مهمله
ف خوک نر کانس ه مخفار فوت م قسمے از گاه است که گلش در آخر سیاه شد مثل پنبه
سفید بر مے آید تتمیق الشین المعجمه کاکرش ف بضم کاف ثانی و سکون راء و
م بنفشه تتمیق الغین المعجمه کاغ ف آتش تتمیق الکاف کاروانک ف
بسکون راء مهمله با واو و الف و فتح نون م طائریست که بر کنار آب نشیند کاسجوک ف
بسکون سین مهمله و ضم جیم و واو مجهول م خارپشت کاگ ه بکاف فارسی ثانی
ف زاغ و بکاف عربی ثانی م کبک کالک ف بفتح لام م کدو و گویند خربزهٔ نارسیده
کاورک ف بسکون واو و فتح راء مهمله م خیار کبیر و ثمر کبیر کاریجک ف بفتح واو و سکون

نون و فتح جیم م خیار باد رنگ سبز تازه تمت اللام کاکل ف بضم کاف ثانی و سکون لام
ع حنظه رومی کاکال ف نوعی از کل و گویند گندنا کانبیل ھ بکسر تحتانی و خفاء نون و فتح
موحده فارسی و اظهار هام وار شیشعان تمت المیم کاشم بکسر شین معجمه انجدان رومی
ط ج ی ۳ خ زرد تر بزرگ ورق و تخم را زیانه ل در ادرار تخم انجیره یا تخم گزر تمت النون
کارتن ف بسکون راء مهمله و فتح فوقانی ع عنکبوت کاکیان ف بسکون کاف ثانی
باموحده و الف ثانی م نبات قرطم تمت الواو کانیرو ف بکسر نون و سکون تحتانی و ضم
راء مهمله م مازریون کاهو ف بضم هام ترخس طب ۲ راق مولد دم رقیق مسکن حدت
آن و کاهو موریث صفرا مفتح سدد و ادرار بول منوم رادع اورام ملین حلق و سینه و کرفس
و مربی طلیه و دیره شش از تخم او دو درم ل دم الاخوین و نیز دیعضی هندبا تمت الهاء
کاپیسه ف بکسر موحده فارسی و سکون تحتانی و فتح سین مهمله م گل معصفر کاچیره ف
بکسر جیم فارسی و سکون تحتانی م معصفر کارتنه ف بفتح راء مهمله و سکون فوقانی و فتح نون
ع علیه حبقی و بسکون راء مهمله و فتح فوقانی عنکبوت کاژیره ف بکسر زاء فارسی و سکون
تحتانی و فتح راء مهمله ع معصفر کاسانه ف بسین مهمله و الف ثانی و فتح نون مرغکی سبز
رنگ که در ولایت خوزستان بسیار میشود کاسکینه ف بسکون سین مهمله و کسر کاف فارسی
و سکون تحتانی و فتح نون م مرغ سبز که ترکی سفراق گویند کاشه ف بفتح شین معجمه
ع کاغاله و کاغله بفتح غین معجمه و الف ثانی و فتح لام در لغت اول و سکون غین معجمه
فتح لام در لغت ثانی م گل معصفر کاغنه بسکون غین معجمه و فتح نون ھ کرم عروسک ھ
بیر بهوٹی و گویند جانوریست سرخ زهردار که برو نقطهای سیاه باشند و بیشتر در برالیز ها
پیدا میشود و آنرا شاه سازوج زروج و گویند جنجره کافور جودانه ف بضم فاء و سکون واو
و کسر راء مهمله و فتح جیم و سکون واو ثانی و دال مهمله و الف و فتح نون م نوعی از کافور کافشه ف
بکسر فاء و سکون تحتانی و فتح شین معجمه م گل معصفر کاکره ف بکسر کاف ثانی و فتح راء مهمله ع

اول وکسر ثانی مشهور است بهمین نام ط ح ی ۲ ق مقطع ملطف محلل خ بستانی سق
ازپنج او ضیم مثقال مسهل خود وس و گویند که خیار ل حب ورق آن بار را و بد کبود
بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح دال مهمله م کرکسی که آنرا ماهیهای کوچک بخورند تمنیق النون
کبودن ف بضم اول وثانی وواو مجهول نخله والف سیاه دانه تمنیق الواو کبستو
ف بضم اول وثانی وسکون سین مهمله وضم فوقانی وسکون واو ح حنظل تمنیق الهاء
کبابه بفتح اول و یاء موحده وخفاء بام فاغره وتخم [illegible] ط ح [illegible] گویند
۳ ق بفتح مدر محلل قابض خ چینی خوشبوی از زبان گزنده ش درد انگشتانیم درم ص
صندل وگلاب یا مصطگی یا تخم کاهو یا کانجل هیل بوا وارچینی یا اسارون کبسته ف بفتح
اول وثانی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی م حنظل کبیده ف بضم اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی وفتح دال مهمله پست گندم وپنج وخیر آن هرسا تو تنسیق الموحدة فارسی فا
تمنیق السین المهمله کپاس ه بفتح اول وموحده فارسی والف م نبات پنبه تمنیق
الکاف کبوک ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکاف ثانی م طایری است که
با جنس خود جفتی کند واگر احیانا برجای خود کبوک جانور دیگر که نر باشد به بیند در زمان
ماده شود وبآن رجعت کرد تمنیق التحتانی کبی ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
م میمون تنسیق وتمنیق التاء الفوقانی کت ه بکسر اول وسکون فوقانی هندی ع
خبث الحدید تمنیق الخاء المعجمه کتخ ف بفتح اول وثانی م قروت وچاشنی وقانق
تمنیق الراء المهمله کتوهر ه بفتح اول وضم ثانی هندی وسکون هاء ونون ف فتح موحده واظهار ها
وسکون راء مهمله قسمی از اتخم [illegible] تمنیق الغین المعجمه کتغ ف بفتح اول وثانی م قروت
وچاشنی وقانق تمنیق الکاف کتک ف بفتح اول وثانی م سیب تبر وبزبان هندی عصا
که چون سائیده در آب کرده گل آمیخته باشند بر نیزه آنرا صاف کند تمنیق اللام کتبل ه بفتح اول
وثانی هندی واظهار هاء وموحده فارسی والف وفتح دال مهمله هندی وسکون لام قسمی از ماهی کتن ه بفتح

فـ نیلوفر کرواراه بکسر اول وسکون ثانی با واو والف ورای مهمله ثانی ف خیار چنبر
کروندا ه بفتح اول وثانی وسکون واو وخفای نون با دال مهمله م سیوه هندی است
کرفیاع بضم اول وثانی وسکون واو با تحتانی ف قسمی از زیره که کالی زیری طح
ی کالی گویند ق قابض ملطف مقوی معده ح تازه بستانی ش دو درم ص عنبر بری
باسنبر تیرش ل نیم وزن کمون نبطی ذ نیم وزن انیسون با راز یانج تمیتق الموحده
کرنب ف بفتح اول وضم ثانی وسکون نون م کلم طح ا ی ۲ واطراف او ی ۳ ف
ملین منفخ ح نبطی که بکرنب بستانی مشهور است ص دهن تمیتق المثلثه کراث ع بضم
اول با ثانی مشدده والف ف گندنا طح ی م ق منفخ مقطع ص سرکه و روغن ل بصل
تمیتق الجیم کرفج ف بفتح اول وثانی وفتح واو وسکون جیم گیاهی که آتش بدو افروزند
م غرفج ع ابو سرایح کرنج م بفتح اول وثانی وخفای نون م الملک تمیتق الحاء المهمله کرکر
بفتح هر دو کاف وسکون هر دو رای مهمله ع صنوبر صغار ف کاج تمیتق الخاء المعجمه کرنب
بضم اول وسکون ثانی وضم موحده م قثاء الحمار تمیتق السین المهمله کرابس و کرنبس
ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده والف وکسر تحتانی وسکون سین مهمله در لغت اول
وفتح موحده در لغت ثانی م جانور چلپاسه کرفس م بفتح اول وثانی وسکون فا ه اجمود
طا ی ۲ ق مفتح سدد مفتی سبحی ح بستانی بیش از تخم ف نیم مثقال ص کاهو یا چون گل و
مصطگی ل رازیانه یا نیم وزن فطراسالیون و در فارسی جانور چلپاسه را گویند کرکاش
بفتح اول وسکون ثانی با کاف ثانی والف م گیاه در سرکه در زراعت جو و گندم میروید
تمیتق الشین المعجمه کرش ع بضم اول وسکون ثانی ف شکنبه هر او جنبه ط ساخ
با خرفا ز حولی سیش با مرغ فربه تمیتق الفا کرشف بضم اول وسکون ثانی وضم شین
معجمه ف نیبه تمیتق الکاف کراک و کرکرک ف بفتح اول وسکون ثانی با الف وکاف
ثانی در لغت اول وفتح کاف ثانی ورای مهمله ثانی در لغت ثانی م جانوریست کرکـ ف

بفتح اول وثانی هم کراف وبسکون ثانی هم ماکیان وکبک وسرطان وبضم اول وسکون ثانی هم پشم نرمی که از بن موی بز روید وآنرا بشانه آورده بریسند وشال و امثال آن بافند کریتا ف بکسر اول وثانی وتحتانی مجهول وفتح شین معجمه هم جوزه مرغ تنسیق الکاف الفارسی کرگ ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی هم کرگدن ه گینڈا تنسیق اللام کریل ه بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ولام نبات هندیست خاردار بے برگ که ثمر او را به هندی ٹینٹ گویند بکسر فوقانی هندی وتحتانی وخفا نون وفوقانی هندی ثانی واز وا اچار سازند تنسیق المیم کرکم ف بضم اول وسکون ثانی وضم کاف ثانی هم زعفران کرم ع بفتح اول وسکون ثانی ف رز درخت انگور ط ح حلق قابض خ لبستانی ص کثیرا و صمغ عربی ماشکر و بفتح ثانی ف کلم کروش الغنم ع بضم اول وثانی وسکون واو وضم شین معجمه وسکون لام وفتح غین معجمه ونون هم فسیون تنسیق النون کردیلن بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وسکون تحتانی وکسر لام هم نوعی از سیسالیوس کرکرهن بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف ثانی وضم راء مهمله ثانی وواو مجهول وفتح ها هم ساک المساک مرکبی است ط ح ی ۲ کرکرهن بریکی بفتح هر دو کاف وسکون هر دو راء مهمله وفتح ها هم عاقرقرحا کرلیون رومی بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو هم قنطوریون دقیق تنسیق الواو کرباسو وکربسو ف بفتح اول وسکون ثانی باموحده والف وضم سین مهمله وسکون واو در لغت اول وفتح موحده وضم سین مهمله در لغت دوم هم جانور چلپاسه کرجنوف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وضم فا هم طائر پودنه کروف بفتح اول وضم ثانی هم پرده سفید عنکبوت که در آن بیضه نهد کرکرهن بفتح هر دو کاف وسکون هر دو راء مهمله وضم ها هم عاقرقرحا تنسیق الهاء کرباسه وکربسه ف بفتح اول وسکون ثانی باموحده والف وفتح سین مهمله در لغت اول وفتح موحده در لغت ثانی هم چلپاسه کرتنه ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی

وضم تحتانی م زینت خشک تمیز الکاف کسک ف بفتح اول و ثانی م طائر عکه کسنک

بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون م کرسنه تمیز المیم کسیرة الحمام بضم اول و سکون ثانی و کسر

موحده و فتح راء مهمله و ضم فوقانی و سکون لام و فتح حاء مهمله با میم و الف و میم ثانی م نوعے از

شاهترج تمیز النون کسیقون یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون

واو ف نوعی از سوسن بری م و لبوث تمیز الواو کسیروه بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول

وضم راء مهمله م بیخ رستنی هندی است که در آنجا مثل نیلوفر روید طب تمیز الهاء کسبره بضم

اول و سکون ثانی و فتح موحده و راء مهمله ف کشنیز کسبه ف بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده

م کنجاره کسیتمه ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی و فتح میم م اشتر خار

کسنه ه بضم اول و ثانی و خفاء نون و فتح موحده و اظهار ها م عصفر تمیز التحتانی کستوری

ه بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو و کسر راء مهمله ف مشک کستی ف بکسر اول

و سکون ثانی و کسر نون ع حلتیت ه هینگ تمیز الشین المعجمه و تمیز الالف کشوثا

بضم اول و شین معجمه و سکون واو و ثاء مثلثه ه امربیل ط حار ای ۲ ق بفتح منضج مسهل سودا و تنقیه

کبد ... آنچه بر خار پیچیده باشد سف دو درم ص بلوط ل تخم کاسنی و کشنیز تمیز الوجه

کشکاب ف بفتح اول و سکون ثانی با کاف و الف م آش جو تمیز المثلثه کشوث بضم اول و

ثانی و سکون واو م کشوثا تمیز الجیم کشنج بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون جیم ف

نوعی از کمات که در تہ گیاه و کنار دریا روید ف گل کمزه ه بهانسل طب تمیز الراء المهمله

کشک الشعیر ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف ثانی و فتح شین معجمه مشدد ثانی و کسر عین

مهمله و سکون تحتانی ف شیر جو طب تمیز السین المهمله کشمش بکسر اول و سکون ثانی و

کسر میم و سکون شین معجمه ثانی ف مویز انگور بیدانه ط حار ای ق ملین سف ده درم ص بادیان

تمیز الطاء المهمله کشط بضم اول و سکون ثانی م قسط تمیز الفاء کشف ف

بفتح اول و سکون ثانی ف ناخن سنگ پشت ه کچهوا تمیز الکاف کشکرک ف بضم اول

سکون واو و کاف ثانی م لاک پشت کشکرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی
و را مهمله م جانور عکه کشک ف بفتح اول و سکون ثانی م پنیر و قروت تمنیق اللام کشاخل ف
بفتح اول و ثانی و الف و کسر خاء معجمه م غله شاخل هرا بر تمنیق النون کشکین ف بفتح اول
و سکون ثانی و کسر کاف ثانی و سکون تحتانی م نان جو کشکش بضم اول و سکون ثانی م خربزه
تمنیق الواو کشکاو ف بفتح اول و سکون ثانی با کاف ثانی و الف م کشکاب کشکوف بفتح
اول و سکون ثانی و ضم فوقانی م انگور نیم پخته کشکوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف ثانی
م کشکاب تمنیق الهاء کشته ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شفتالو و زردآلو و امر و د
و امثال آن که تخم او بر آورده خشک کرده باشند کشکنه و کشکینه ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر
کاف ثانی و فتح نون در لغت اول و کسر کاف و سکون تحتانی در لغت دوم م نان جو کشنه ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون م نوعی از سماروغ تمنیق التحتانی کشنی ع بکسر اول و سکون
ثانی و کسر نون م گرسنه کشوث رومی بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر مثلثه و ضم راء مهمله
سکون واو ثانی و کسر میم م افتیمون تنسیق الضاد المعجمه و تمنیق النون کشنضبون یونانی
بفتح اول و سکون ضاد معجمه و فتح نون و سکون مثلثه و ضم موحده و سکون واو و نون ثانی
م بادنجان بری تنسیق العین المهمله و تمنیق الموحده کعب ع بفتح اول و سکون عین
مهمله ف پاشنه اثری طب ق مخفف خ از غزال ش نیم در م ص رب السوس
ل استخوان ساق تمنیق الکاف کعک ع بفتح اول و سکون ثانی هر کاک نان تبرک
حضرت خواجه قطب الدین بختیار کاکی قدس الله سره که در دیار دهلی معمول است
تنسیق الفاء و تمنیق الالف کف دریا بفتح اول و کسر فاء و فتح دال مهمله و سکون راء مهمله
با تحتانی م سمندر بطین تمنیق الموحده کف الذئب ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و کسر ذال معجمه
مشدد و سکون تحتانی م حنظلیا کف الکلب ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون لام و فتح کاف
ثانی و سکون لام م اشنان تمنیق الجیم کفج ف بفتح اول و ثانی و سکون نون م نوعی از

ماهی ست که مانند سقنقور بغایت سهی است ع سمکة الصید تتمیق الدال المهمله* کف
الاسد ع بسکون لام وفتح همزه وسین مهمله م ع طنفیا کفر الیهود بفتح اول و ثانی وضم راء مهمله و
سکون لام وفتح تحتانی وضم ها و سکون واو م قفر الیهود تتمیق الراء المهمله کفشیر ف بفتح
اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه وسکون تحتانی داروئی که زر و نقره و دیگر فلزات بدان
پیوند کنند تتمیق الزاء المعجمه کفچلیز ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی وکسر لام وتحتانی
مجهول وزاء معجمه م جانوری است آبی که سر و تنه مدور دارد و دم باریک خروع وعموص و
وعامیص جمع آن تتمیق السین المهمله کفناقس بفتح اول وسکون ثانی والف وضم قاف
وسکون سین مهمله م دفلی هـ کنیر تتمیق العین المهمله کف الضبع ع بفتح ضاد معجمه مشدد وضم
موحده م کبیکج تتمیق الفاء کف بفتح اول م بقلة الحمقا تتمیق الکاف کفچلیک ف بفتح
اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی وکسر لام وتحتانی مجهول وفتح زاء معجمه ع وعموص تتمیق اللام
کفچه نول ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی وخفاء ها وضم نون و واو مجهول م مرغی
است که ترکی قاشق بیان گویند تتمیق الهاء کفچلیزه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم
فارسی وکسر لام وتحتانی مجهول وفتح زاء معجمه م کفچلیز تتمیق التحتانی کفری بضم اول وسکون
ثانی وکسر راء مهمله ع جفری ف پوست بهار خرما خوشبو تنسیق الکاف وتتمیق الالف
گکڑاه بضم اول وسکون ثانی با راء مهمله هندی ف خروس گکروندا ه بضم اول وسکون ثانی
وفتح راء مهمله وسکون واو وخفاء نون بدال مهمله م کاف گکوڑا ه بفتح اول وضم ثانی بواو مجهول
با راء مهمله نبات هندی است که ثمرش بعروس ع پرده نماید و بخش ه گکوڑل تتمیق الشین المعجمه
گکشن و گیکشن ف بفتح اول و کسر ثانی وسکون شین معجمه در لغت اول وکسر اول وتحتانی
مجهول وکسر کاف ثانی وتحتانی مجهول ثانی در لغت ثانی م تراتیزک تتمیق الکاف کاک ف
بفتح اول وسکون کاف ثانی نانی که از آرد خشک بپزند م کماک و گیاه را نیز گویند و بضم اول م
نالکیالی که از تخم کردن باز مانده باشد تتمیق الهاء کلچه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی

فوقانی م قطر طب د۲ ق ردی الغذا خ محلل ص مونیز و قلقل تمنیق الدال المهمله
کمون اسود ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر نون ف فتح همزه وسکون سین مهمله
وفتح واو ثانی م کمون بریست وشونیز را نیز گویند تمنیق الراء المهمله کماشیر ف بفتح
اول وثانی والف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی م صمغ کرفس کوهی که قطر اسالیون تخم
اوست ط ح ی ۲ گویند ۳ ق مذیب محلل خ زردتیز لوبشا و دو دانگ ص گل صندل
ل جاوشیر تمنیق الزاء المعجمه کنیرف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ع بول ه
پیشیاب ه موت تمنیق السین المهمله کمادریوس سریانی و یونانی بفتح اول وثانی
والف و فتح دال مهمله وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ف نام وارد ط ح
ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مدر محلل خ تازه بری که بعد از ادراک تخم برگیرد پیش یک
مثقال ص سفرجل ل غافث یا اسقولوقندریون یا تخم حماض بری یا تخم شلغم بری
کمافیطوس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر فا وسکون تحتانی وضم طاء مهمله وسکون
واو ف اشش وارد ط ح ۲ ی ۳ ق مفتح محلل خ بستانی ش یک مثقال ص انیسون
یا زعرور ل نیم وزن سیسالیوس و دو دانگ نیم وزن آن سلیخه یا کمادریوس یا جعده
تمنیق الکاف کنگر ه بفتح اول وسکون ثانی و فتح راء مهمله وسکون کاف ثانی م میوه هند
است تمنیق المیم کمکام ف بفتح اول وسکون ثانی با کاف ثانی والف ع افواه الطیب
و گویند صمغ درخت بطم است کمکم ف بضم اول وسکون ثانی وضم کاف ثانی م زعفران
تمنیق النون کمالیون یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو
نوعی از مازریون سیاه کمون ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو انواع است کرمانی
وفارسی وشامی ونبطی ه زیره ط ح ی ۲ گویند ۳ ق محلل ملطف مفشی مفتح حابس خون
[illegible] خ کرمانی ش دو درم ص کتیرا گویند ل نانخواه یا از کرمانی یک نیم وزن نبطی
و انفاسیها نیم وزن کرمانی یا تخم کرفس تمنیق الواو کمون حلو بفتح اول وضم ثانی وسکون

واو وکسر نون وضم حاء مهمله وسکون لام م انیسون تمنیق الهاء کمیچه ف بفتح اول وکسر
ثانی وسکون تحتانی وفتح جیم فارسی م کرم شب تاب تمنیق التحتانی کمثری م بضم اول و
ثانی مشدده وسکون مثلثه و راء مهمله والف مقصوره ف امرود طه م گویند ب سا
گویند ب ای ۲ ق قابض و مفرح ومقوی دل خ شاه امرود ش از شراب او یا قیمه
ص بار العسل ل سفرجل کمون ارمنی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر نون وفتح
همزه وسکون راء مهمله وفتح میم وکسر نون ثانی م کرویا کمون بری بفتح موحده وکسر راء
مهمله مشدده م شاهترج کمون حبشی بفتح حاء مهمله و موحده وکسر شین معجمه م کمون
تنسیق النون وتمنیق الالف کنبیلا ه بفتح اول وسکون نون وکسر موحده وسکون
تحتانی بالام والف م قنبیل تمنیق الموحده کنب ف بفتح اول و ثانی وسکون موحده
م نبگ ه بهانگ و بجیا گویند در فارسی ریسمانی است که از پوست نبات کتان
تابند و بضم اول نوعی از خیار تمنیق الجیم کنج ف بفتح اول وسکون ثانی م قروشا تمنیق
الدال المهمله کند ف بفتح اول وسکون ثانی و دال مهمله شکر که معرب آن قند است و
بزبان هندی بیخ هر چیز کنگر ز بفتح اول وسکون ثانی و فتح کاف فارسی وسکون راء
مهمله و زاء معجمه و آنرا کنگری نیز گویند و آن صمغ کنگست طم ز اگویند ب قسطی
تمنیق الراء المهمله کنار بضم اول با ثانی والف ع سدر ه بیر کنجار ف بضم اول و
سکون ثانی والف ه کهل کندر ع بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله مصطکی و گویند
لبان طح ۲ ی گویند س ق مدمل مجفف قابض مسخن و مقوی دماغ و معده و حابس
خون خ سفید گرد حب بقدر نیم درم ص اندیا عناب ل مصطکی یا بهمن کنگر ف
بفتح اول وسکون ثانی و فتح کاف فارسی م حرشف که اکثر در کوه پایها روید و کنار بیشه
خارناک بود و آنرا بستیرپا است بخورند و بضم اول و کاف فارسی م جانوریست کنیز ه بفتح
اول و ثانی وسکون تحتانی ف خرزهره تمنیق الزاء المعجمه کناز و کنر ف بفتح اول و

با ثانی والف و زای معجمه در لغت اول و بحذف الف در لغت ثانی م بن خوشه خرما
تتمیق الشین المعجمه کندش بضم اول و سکون ثانی و ضم دال مهمله ف چرب کشنان
طلح یعنی معطش مفرح متی خ پیچ و بی سن دانگی و نیم ص کثیرال بوزن او جوز الطیب
و ثلث یک وزن آن فلفل تتمیق الغین المعجمه کناغ ف بضم اول با ثانی والف م کرم پیله
و تار ابریشم تتمیق الکاف کنجک ف بضم اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح دال مهمله
و سکون کاف ثانی م انزروت کنجک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم ص شجرة البق
کنک ف بکسر اول و فتح ثانی م گردگانی که مغزش بدشواری برآید تتمیق الکاف الفارسی
کنگ ف بضم اول و سکون ثانی و کاف فارسی ثانی م خوشه خرما تتمیق اللام کنجال بضم
اول و سکون ثانی با جیم و الف و لام م نخاله کنجد ه کهل کنکول ه بفتح اول و سکون ثانی و
ضم کاف ثانی و واو مجهول م و داو هندی است تتمیق الواو کندر و بضم اول و سکون ثانی
و ضم دال مهمله و رای مهمله مصطگی کنستو ف بفتح اول و ثانی و سکون سین مهمله و ضم فوقانی
م نبات اشنان کنشتو و کنشتو بفتح اول و ثانی و سکون شین معجمه و ضم فوقانی در لغت اول
و سکون شین معجمه و واو در لغت ثانی غوره انگور کنوت بفتح اول و ضم ثانی م بنگ ه
بجیا تتمیق الهاء کنبیزه ف بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده و تحتانی مجهول و زای معجمه
و خفاده م نوعی از خبایه که هنگام خامی شیرین باشد بوده و در پختگی نتوان خورد کنجاره و کنجاله
بضم اول و سکون ثانی با جیم و الف و فتح رای مهمله در لغت اول و فتح لام در لغت ثانی م نخاله
کنجد کنجده ف بضم اول و سکون ثانی و کسر جیم و دال مهمله م معنی است ع انزروت
کنجیده ف بضم اول و کسر جیم و فتح دال مهمله م کنجاره کنجد کنوزه ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون
واو و فتح زای معجمه م شبیه خشخاش تتمیق التحتانی کندمی ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله
و سکون تحتانی ع کادی ه کیوڑا تتمیق الواو و تتمیق الالف کوتاه پا و کوته پا بضم
اول و واو مجهول با فوقانی و الف و اظهار ها با موحده فارسی و الف ثانی در لغت اول و

و فتح فوقانی و اظہار ہا در لغت ثانی جانوریست مانند گوزن کہ بمانند طور خالہا بر پشتش
روی آن شبیہ بروی گوزن شاخ شاخ شو و ہاڑھی تتمیق الفوقانی گوست ف بفتح
اول و ثانی و سکون سین مہملہ و فوقانی ع حنظل تتمیق الجیم کوچ ف بفتح اول و ثانی و جیم ع
صمغ تتمیق الجیم الفارسے کوچ ف بضم اول و ثانی مجہول و جیم فارسی م جانور لوچم تتمیق
الدال المہملہ کوزدوف بضم اول و ثانی مجہول و فتح زاء فارسی م کنجدہ و آن صمغ
درخت پرخاری ست کہ بعربی آنرا شابکہ خوانند خ سفید مائل بزردی کوشاو بفتح اول و
سکون ثانی با شین معجمہ و الف حنظیا تتمیق الراء المہملہ کوار ف بضم ثانی و الف م
گندنا کوبدارہ بضم اول و سکون ثانی و کسر موحدہ با دال مہملہ و الف ہ قسمے از چپار است
کوبر بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحدہ م فلفل کوترت بفتح اول و سکون ثانی و فتح
فوقانی کبوتر کور ف بفتح اول و ثانی م کبر کہ از ان اچار سازند کور کور بضم اول و ثانی مجہول
و راء مہملہ و ضم کاف ثانی و واو مجہول ثانی م غلیواج کو کنار ف بضم اول و ثانی مجہول و سکون
کاف ثانی با نون و الف ع خشخاش ہ پوست و پھونترا تتمیق الزاء المعجمہ کوزرف بفتح
اول و ثانی و سکون راء مہملہ و زاء معجمہ م میوہ کبر کوز بضم اول و ثانی مجہول م مقل تتمیق
الفاء الفارسی کوثرف بکسر اول و ثانی م میوہ ایست سرخ رنگ کہ نہالش از زمین شورہ
روید م از دوف تتمیق الشین المعجمہ کورموش بضم اول و ثانی مجہول و سکون راء مہملہ و ضم
میم و سکون واو و شین معجمہ ہ چھچھوندر تتمیق الضاد المعجمہ کوکب الارض بفتح اول و سکون
ثانی و فتح کاف ثانی و ضم موحدہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون راء مہملہ و ضاد معجمہ ع طلق
تتمیق العین المہملہ کوارع ع بفتح اول و ثانی با الف و کسر راء مہملہ ف و سید و پائچہ
تتمیق الفاء کوالف بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون قاف با دا و رد کوف بضم
اول و سکون ثانی م چغد تتمیق الکاف کوخک ف بفتح اول و ثانی و سکون خاء معجمہ
م خوشہ انگور کوک ف بضم اول و ثانی مجہول م ترہ کا ہو جس کو کاک ف بضم اول

گل جالیون ۔ گل جالیون ۔ نسترن ۔ گل سیوتی ۔ لسان الثور ۔ گاؤزبان ۔ گل حنظل ۔ گل عنبری ۔ گل داودی ۔ گل داودی

ثانی مجهول وکسر کاف ثانی وفتح لام م غوره نیم شگفته تمنیق اللام کوپل ف بضم اول و
ثانی مجهول وفتح موحده فارسی وسکون لام م شگوفه کوپل ف بضم اول وثانی مجهول و
جانوریست بوم وبفتح اول وثانی بزبان هندی م نیلوفر تمنیق المیم کولم ف بفتح اول وسکون ثانی
وفتح لام م فلفل کوسم ف بضم اول وثانی مجهول وفتح با گیاهی است که در زمین سدیا
روید وبیخ آن شبیه بیخ نی باشد تمنیق النون کوکن ف بضم اول وثانی مجهول وفتح
کاف ثانی م چغند وغله نیست کوهن ف بضم اول وثانی مجهول وکسر ها وسکون تحتانی
م کوسم تمنیق الواو کودو ه بضم اول وثانی مجهول وضم دال مهمله م غله ایست هندی
کوکو ف بضم اول وثانی مجهول وضم کاف ثانی م خاگینه تمنیق الهاء کواره ف بفتح اول و
ثانی والف وفتح راء مهمله م خانه زنبور کوانچه ه بکسر اول با ثانی والف وخفاء نون وفتح جیم
فارسی واظهار ها م دوای هندیست کوپله ف بضم اول وثانی مجهول وفتح موحده فارسی
ولام م شگوفه کوتاه پاچه وکوته پاچه ف بضم اول وثانی مجهول با فوقانی والف واظهار ها با موحده
فارسی والف ثانی وفتح جیم فارسی در لغت اول وفتح فوقانی واظهار ها در لغت ثانی م
کوتاه پا کوتهه ه بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی هندی واظهار ها م قسط کورزه ف بفتح
اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه م میوه کبر کوتژده ف بضم اول وثانی مجهول وفتح
زاء فارسی ودال مهمله م کنجده کوژه ف بضم اول وسکون ثانی وفتح زاء فارسی م خرسفید
رنگ ع اکمه کوکله ف بضم اول وثانی مجهول وفتح کاف ثانی م پرپهه کوکه ف بضم اول وثانی
مجهول وفتح کاف ثانی م چغند کوه ومیرکوه ف بضم اول وثانی مجهول واظهار ها وفتح موحده
وسکون راء مهمله وضم کاف ثانی وواو مجهول ثانی عنبر مطبق کوه ف بضم اول وفتح
ثانی م غوره پنبه وکوکنار وپیله ابریشم وامثال آن تمنیق التحتانی کوتاه پایی وکوته پایی
ف م کوتاه پا کوری ف بضم اول وثانی مجهول وکسر راء مهمله م غله ایست مانند چینه
که خودرو باشد کوپل گگری ه بفتح اول وثانی وخفاء نون وسکون لام وفتح کاف ثانی

وسکون کاف ثالث وکسر راء مہملہ ہندی ف نیلوفر تنسیق الھاء وتمنیق الالف
کھاپرا ھ بفتح اول واظہار ہا والف وفتح موحدہ فارسی وسکون راء مہملہ با تحتانی والف نیز
ف توتیا سفالک کھرباف بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مہملہ با موحدہ کیور طب
ے ۲ گوسینہ ۳ ق قابض مجفف مقوی ول ۶ حصاف سرخ بایل بزردی ش نیم مثقال
ص نیم وزن از زیالعاسب سفر جل ال طباشیر دو دانگ وزن سسند ویس وبادو وزن
طین رومے دو دو دانگ وزن ان سلیخہ ونیم وزن ہنکو بریان کردہ کھیاتا بفتح اول وسکون
ثانی با تحتانی والف ونون م فادانیا تمنیق الراء المہملہ کھار بفتح اول واظہار ثانی
والف ف نمکی است کہ بعضے از اشجار مثل پلاس ونہال گنجد وگوکھرو وکیلہ وچنچر او
اگ وزقوم می سوزند وخاکستر آنہاست از نمک باشد کہ بزبان ہندی کھار گویند کھجورہ بضم
اول واظہار ثانی وضم جیم وسکون واو ف خرما کھیرھ بفتح اول واظہار ثانی وسکون تحتانی
م درخت ہندی است کہ از قشر او کات سازند وبکسر ثانی وسکون تحتانی م سیب
صحرائی ع زعرور تمنیق اللام کھٹل ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمہ وسکون لام
م عجیر تمنیق المیم کھلسرانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام ف بادنجان تمنیق النون
کھاری لون ھ بفتح اول واظہار ثانی والف وکسر راء مہملہ وسکون تحتانی وضم لام و
واو مجہول وسکون نون ف نمک شور تمنیق الھاء کھوہ بفتح اول وسکون ثانی وفتح
واو وخفاء ہاف مغز جوز ھوا ہم کلوندی کی گٹھلی تمنیق التحتانی کھرہٹی ھ بکسر اول و
اظہار ثانی وفتح راء مہملہ واظہار ہاء ثانی وکسر فوقانی ہندی وسکون تحتانی م کٹائے
بزرگ کھمبی ھ بضم اول واظہار ثانی وسکون میم وکسر موحدہ واظہار ہاء ثانی ع فطر
ف کلات کوچک سفید کھنی ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر نون م خروس تمنیق
الیاء التحتانی وتمنیق الالف کیلا ھ بکسر اول وثانی مجہول بالام والف ع موز تمنیق
الراء المہملہ کیسر ھ بکسر اول وثانی مجہول وفتح سین مہملہ م زعفران تمنیق الزاء المعجمہ

فصل لام

کیزف بکسر اول وسکون ثانی م شید کیکیزف بکسر اول وسکون ثانی وکسر کاف ثانی و
سکون تحتانی ثانی م ترانیزک تتمیع السین المهمله کیخس بفتح اول وسکون ثانی و
خای معجمه وفتح رای مهمله جانورس کیلاس بکسر اول وثانی مجهول بالام والف ه ملکی
تتمیع الشین المعجمه کیشیف بکسر اول وثانی مجهول م روباه جانوری است که از پوستش
پوستین سازند کیکیش بکسر اول وثانی مجهول وکسر کاف ثانی وتحتانی ثانی مجهوله ه
ترانیزک تتمیع الکاف کیک ف بفتح اول وسکون ثانی ع برغوث ه پشه و بکسر اول و
ادمی وه ردمک چشم کیلاک ف بکسر اول وفتح ثانی ولام م زعرور تتمیع اللام کیل ف
بکسر اول وفتح ثانی ع زعرور کیمال ف بکسر اول وسکون ثانی با میم والف م جانوریست
که بیشتر در طرف شیروان اران پوستین کیبو سازند تتمیع النون کیلکان بکسر اول وثانی
مجهول وفتح لام با کاف ثانی والف م نوعی از کراث تتمیع الواو کیسو بکسر اول وثانی مجهول
وضم سین مهمله م جعده کیاوف بکسر اول وثانی مجهول وضم لام ع زعرور کیموف بفتح اول و
ضم ثانی م کاهو تتمیع الهاء کیسگونه بکسر اول وثانی مجهول وفتح سین مهمله وسکون رای مهمله و
ضم کاف فارسی وسکون واو وفتح نون م جعده کیه ف بکسر اول وفتح ثانی ع مصطکی ٭٭

فی قسم الکاف الفارسی وتاسیس الالف وتتمیع المهمله

گاو آب بکاف فارسی والف وسکون واو ومد همزه م جامه غوک تتمیع الجیم گاو زهرج بسکون
واو وفتح زای معجمه وسکون ها وفتح رای مهمله ف گاو زهره سنگیست که در زهره گاو بهم رسد
یا در شیردان او متکون گردد از گاوان هندوستان مانند پادزهر در لون وخاصیت آنچه
در میان زهره بهم رسد مثل زرده تخم مرغ است وبشیرازی اندر زرا خوانند ع حجر البقر تتمیع الدال
المهمله گاو دوف بکسر دال م گاو کوهی تتمیع الراء المهمله گاو جره بفتح جیم ف زردک
گاو شیر ف بسکون واو وکسر شین معجمه وسکون تحتانی صمغ درختیست کوتاه ساق و
برگش ببرگ انجیر ماند لیکن گردتر وکوچکتر وگویند مثل برگ زیتون لیکن برگ زیتون از آن

و از نتر و ساق وی چون خیار زه کشیده بود و گلش زرد باشد و تخمش خوشبو و نیز ساق آن
بشگافند و صمغ بگیرند م جاوشیر طـح ی خ زعفرانی رنگ که زرد و در آب حل شود و اول که
بیرون آید سفید باشد و چون خشک گردد زرد شود و هر گاه در آب حل شود مانند شیر نماید
تتمیق النون و الجیم گازر ف بسکون زای معجمه ع علف هـ گهاس تتمیق السین المهمله گاورس
ف بسکون واو و فتح رای مهمله و سکون سین مهمله ع جاورس هـ علیا جره تتمیق الکاف
گاوک ف بفتح واو هـ کنه تتمیق الکاف الفارسی گالبنگ بسکون لام و فتح موحده
و سکون نون م هر بنگ گیاهیست که در ایام بهار و زراعت جو و گندم بروید و غوره کنگره
دار کند مانند غوره لاله و اندرون آن دانه چند معدود باشند و خوردنش مستی می آرد و سے
شعور سازد تتمیق اللام گال ف هـ غله کنگنی و نیز بمعنی شغال ع عنکبوت و رتیلا و غوره پنبه
ناشگفته و عروس تتمیق المیم گاوچشم ف بسکون واو و فتح جیم فارسی و سکون شین معجمه
م بابونه گاو ع عین البقر و اقحوان گلی ست که بیرونش سفید و اندرون زرد است طـح ی
تتمیق النون گاوزبان ف بسکون واو و ضم زای معجمه با موحده و الف ع لسان الثور هـ
گاجبها مانا گاوزن ف بکسر واو و تحتانی مجهول و فتح زای معجمه م زهره گاو تتمیق الهاء گاوزهره
ف بسکون واو و فتح زای معجمه و سکون ها و فتح رای مهمله م گاوزهره ج تتمیق السین
المهمله و تتمیق الیاء المهمله گبرف بفتح اول فارسی و موحده م سنگی است که
از آن ظروف و اوانی مانند دیگ و کاسه و صحن سازند تتمیق الجیم و تتمیق المیم گچ پیل چه
بفتح اول فارسی و سکون جیم و کسر موحده فارسی و سکون تحتانی و ضم موحده فارسی ثانی
م ثمر جاپ تتمیق الراء المهمله و تتمیق الفوقانی گرشت ف بفتح اول فارسی و
سکون رای مهمله و فتح شین معجمه و سکون سین مهمله م عنب تتمیق الجیم گردناج ف بفتح اول
فارسی و سکون ثانی و دال مهمله با نون و الف م گردانیده کباب که مرغ یا گوشت گوسفند
و دیگر حیوانات در آب بجوشانند و سپس با دو سه چاره بر گردانیده کباب کنند خ از مرغ فرخ

گرنج ف بضم اول فارسی وکسر ثانی وسکون نون م برنج ھ چاول تمنیق الجیم الفارسی گرنچ
ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وجیم فارسی ھ گلوی تمنیق الدال المھملہ گرام گند م
بکسر اول با ثانی والف وسکون میم وفتح کاف وسکون نون با دال مھملہ استعمال کند گرببید
ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحدہ وفتح موحدہ وخفا ہا وکسر موحدۂ ثانی وتحتانی
مجہول م بید مشک تمنیق الزاء المعجمہ گراز ف بضم اول فارسی با ثانی والف م خوک تمنیق
الکاف الفارسی گرگ بضم اول فارسی وسکون ثانی ھ بھیڑیا تمنیق اللام گرشال ف بفتح
اول فارسی وسکون ثانی با شین معجمہ والف ولام م حیوانیست کہ از خرس وشغال ہر دو متولد
شود تمنیق النون گران ف بضم اول فارسی با ثانی والف وسنۂ جو وگندم درو کردہ ٭
تمنیق الواو گربگو ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحدہ وضم کاف فارسی ثانی م
بید مشک تمنیق الھاء گرزہ ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح زاء معجمہ جیسے از ار بزرگ
کہ زہر او زیادہ از ماران دیگر است گویند ماریست کہ پیچ خط وخال کہ ہیچ تریاقے بزہرش مقاومت نکند
و گویند کفچہ مار و گویند سرش گرندہ ف بضم اول فارسی وکسر ثانی وسکون نون وفتح دال مھملہ
م غرواشر ع شوکۃ الحائکہ ھ کوانچہ تمنیق التحتانی گرچی ھ بضم اول فارسی وثانی وسکون واو
وکسر جیم فارسی وسکون تحتانی ھ گلوی تنسیق الزاء المعجمہ وتمنیق السین المھملہ گرز ف
م زرد کسع جزر تمنیق الزاء المعجمہ گزف بفتح اول فارسی ع اثل ھ جھاؤ تمنیق الکاف گزمازک
ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی با میم والف وفتح زاء معجمۂ ثانی ع حب الطرفاء م بار درخت گز
ھ مائین تمنیق النون گزانگبین ع بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح ہمزہ وسکون نون
وضم کاف فارسی ثانی وکسر موحدہ وسکون تحتانی ونون ثانی طلبست یعنی نبیست مانند
ترنجبین کہ بر ورق طرفا می افتد سفید سخت درم گزمازون بفتح اول فارسی وسکون ثانی با میم
والف وضم زاء معجمۂ ثانی وسکون واو م گزمازک تنسیق الزاء الفارسی وتمنیق المیم گزم
ف بضم اول فارسی وسکون زاء فارسی م درخت درمار ع شجرۃ البق تنسیق السین المھملہ

وتمیز الهاء گسته ف بفتح اول فارسی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی م ساگ سیخ
وسرگین تنسیق الشین المعجمه وتمیز الفوقانی گشت برگشت ف بفتح اول فارسی وسکون
شین معجمه وفوقانی وفتح موحده وسکون راء مهمله وفتح کاف فارسی ثانی وسکون شین معجمه
ثانی وفوقانی ثانی نباتی است برهم پیچیده مانند ریسمان تافته آن پیچیده وبود م پیچک گویند
هـ ببیلے طاح ی ال بوریدان یا کافور وسته وزن صبر سیاه گشت ف بفتح اول فارسی
م خربوزه تنسیق اللام وتمیز الخاء المعجمه گلسخ ف بضم اول فارسی وسکون لام وضم
سین مهمله وسکون راء مهمله ع ورهه گلاب وبکسر اول ع نخره گیر تمیز الراء المهمله
گلغر ف بضم اول فارسی وسکون لام وفتح غین معجمه وسکون راء مهمله م ابریشم کم که بر پیچ
برشانه آرند واز آن شال وغیره بافند تمیز الزاء المعجمه گلوزت ف بفتح اول فارسی وضم ثانی
وسکون واو وزاء معجمه ع فندق وگویند جلغوزه وگویند بادام کوهی که بجکی شد تمیز الشین
المعجمه گلموش ف بضم اول فارسی وفتح ثانی وضاد با وضم میم وسکون واو م شبیک
ع بصراج تمیز الکاف گلک ف بضم اول فارسی وفتح ثانی م نوعی از صمغ است که بسرخی
گراید واز بوته چوب دانه حاصل شود م کوژده تمیز اللام گلقندال ف بضم اول فارسی وسکون
ثانی وفتح قاف وسکون نون وکسر دال مهمله وفتح همزه وسکون صاد مهمله ولام ثانی م گلقند
که در آفتاب ترتیب یافته باشد نه بر آتش گلگل ف بفتح هر دو کاف فارسی وسکون هر دو لام
م نوعی از لیمو بقدر نارنج وآنقدر ترش است که چون سوزن در آن بخلانند در اندک
زمانی گداخته شود وبضم هر دو کاف فارسی ع مقل تمیز المیم گلگندم ف بکسر اول
فارسی وسکون ثانی وفتح کاف فارسی ثانی وسکون نون وضم دال مهمله وسکون میم
نیز گیاهی است چنان نماینده که گویا پنج شش دانه گندم بهم چسپیده اند م گوزگندم تمیز النون
گلنگبین ف بضم اول فارسی وفتح ثانی وسکون نون وضم کاف فارسی ثانی وکسر موحده
وسکون تحتانی ونون ثانی م گلے که در عسل ممزوج سازند تمیز الهاء گلگونه ف بضم اول

فارسی و فتح ثانی والف و ضم کاف فارسی ثانی و سکون واو و فتح نون هم گلگونه که زنان
بر رو میمالند گلغونه ف بضم اول هم گلگونه گل گونه ف بضم اول فارسی و کسر لام و ضم کاف
و سکون واو و فتح زاء معجمه گل نسرین گل گنیده ف بضم اول فارسی و کسر ثانی و فتح کاف
فارسی ثانی و سکون نون و فتح دال مهمله گیاهیست بغایت بدبو گلیکان و گکانگاف
بضم اول فارسی و کسر ثانی هم غوره تپیه و بکسر اول هم دانه انگور که از خوشه جدا شده بیفتد ه
تمیق التحتانی گگی فارسی ف بضم اول فارسی و کسر ثانی با موحده فارسی والف و سکون
راء مهمله و کسر سین مهمله و سکون تحتانی هم گلی است بغایت سرخ و خوشرنگ هم گلنار پارسی
تلسیق المیم و تمیق الفوقانی گمست ف بفتح اول فارسی و سکون میم و سین مهمله هم سنگ
جمست جوهری است فروما یه که کبود سرخی مائل ست و معدنش قریب بجدینه مکه معظمه
هر که در ظرف او شراب بنوشد مستی نیارد و اگر پاره ازین در شراب اندازند همین خاصیت
دارد و اگر در زیر بالین نهند خواب نیکو بیند تمیق الناء المعجمه گمیز ف بکسر اول فارسی و ثانی و
سکون تحتانی و زاء معجمه هم شاشیدن بول تلسیق النون و تمیق الالف گندگیاف بفتح
اول فارسی و سکون نون و دال مهمله و کسر کاف فارسی ثانی با تحتانی والف هم خرس سیاه
تمیق الدال المهمله گنبد ف بضم اول فارسی و سکون نون و فتح موحده هم غنچه گنبد
ف بضم اول فارسی و سکون ثانی هم خصیه تمیق الراء المهمله گنبهار ه بفتح اول فارسی
و سکون ثانی و فتح موحده و اظهار ها و الف هم درختیست هندی که کاسه سر گنجار و گنجار
ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و جیم والف و فتح راء مهمله در لغت اول و فتح جیم و راء مهمله
در لغت ثانی هم گلگونه تمیق الشین المعجمه گنجش ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کسر
دال مهمله و سکون شین معجمه هم گوگرد تمیق الکاف گنجک ه هم گوگرد تمیق الهاء گنجه
ف هم غنچه گنجاره و گنجیره ف هم گلگونه تمیق التحتانی گنجایی ه بکسر اول فارسی هم گیاهیست بسیار
که در سایه بجاهای نمناک بهم رسد تلسیق الواو و تمیق الالف گوزخا ه بضم اول

بضم اول فارسی م روامی ہندی است گوش ماہی م معدہ تتمیلو الہاء وتتمیق
الراء المہملہ گھیوکوار ہ بکسر اول فارسی واظہار ہا بضم تحتانی و واو مجہول وضم کاف
با واو ثانی والف ع نبات صبر تتمیق النون گھن بہ بضم اول فارسی وسکون ثانی م کرمی
است کہ چوب بخورد و چوب را چون نشارہ سازد تتمیق التحتانی گھنگچی ہ بضم اول فارسی
واظہار ہا وسکون نون وفتح کاف فارسی ثانی واظہار ہای ثانی وکسر جیم فارسی ع عیون الدیک
ف سرخ ہرتی گھیا توری ھ بکسر اول فارسی واظہار ہا با تحتانی والف وضم فوقانی
و واو مجہول وفتح رای مہملہ وکسر ہمزہ م قسم بزرگ از توری است کہ بالیدہ و چوب شود بہ تر
از وست و بالایش معطر از خطوط تتمیلو الیاء التحتانی وتتمیق الدال المہملہ گیدڑ بکسر اول
فارسی وسکون تحتانی م شغال تتمیق الغین المعجمہ گیاہ ف بکسر اول فارسی م گیاہ ع تبن
تتمیق الہاء گنبہ ف بکسر اول وفتح نون م آبگینہ تتمیق التحتانی گی ف بفتح اول فارسی
وسکون ثانی تحتانی جانوریست کہ پیش ابلق است و سر پاہی او بر سر بنشیند م وم

تتمیم اللام وتنسیق وتتمیق الالف

لالا بلام والف ولام الف ثانی
گیاہیست کہ از جانب مکہ معظمہ آرند ع تتمیق الجیم لاج ف بسکون جیم م سگ مادہ
تتمیق الدال المہملہ لادن ف م خاک و عنبر لادن و بمعنی گل شکوفہ لاز ورد ع ف
لاجورد ہر اوست ط ح ی ۲ گویند ۳ ی ۳ ق مسہل سودا و مقوی دل خوردن
شش یک درم و گویند یک مثقال مصطکی لحجر ارمنی بالداق الذہب کالی تتمیق
الراء المہملہ لاشکرف بکسر میم وسکون شین معجمہ وفتح کاف وسکون راء مہملہ ع
شجرۃ اللبن تتمیق السین المہملہ لاس ف م ابریشم خز و پایہ وسگ مادہ و مادۂ ہر حیوان
لالیوریدو سس بضم تحتانی وسکون واو وکسر راء مہملہ وسکون تحتانی ثانی وضم دال مہملہ
سکون واو ثانی م حسب الہرونہ و شجرۃ معشوق نیز تتمیق الکاف لاک ف بسکون کاف
لاک لشیت شمعی است کہ بسبب رودت ہوا بر شاخ درخت کنار و بعضے درختہای دیگر

المعجمه لبن حامض ع بکسر نون با حاء مهمله والف وکسر میم ف ماست هندوی طاب بے خ
انچه مسکه وی ابیار بود تمنیق الکاف الفارسیه لبنگ ف بفتح اول و ثانی و سکون نون
م دیوک ع ارضه تمنیق اللام لبن الخیل ع بسکون لام ثانی و فتح خاء معجمه و سکون تحتانی
ف شیر اسپ ق مخدر تمنیق المیم لباب القطم ع بسکون لام ثانی و ضم قاف و سکون
طاء مهمله و ضم طاء مهمله ف خسک ابوطح لباب الفوم ع بسکون لام ثانی و ضم فاء و سکون واو
ف اشاسته تمنیق النون لبان ع بضم اول و باء مشدده والف و نون م کندر لبسان
بفتح اول و ثانی با سین مهمله والف م خردل شب طح لبن الاتان ع بسکون لام ثانی و ضم
همزه با فوقانی والف ف شیر خر ل لبن الماعز یا لبن اللقاح لبن الضان ع بضم نون با ضاد
معجمه مشدده والف ف شیر میش ق مسهی و مقوی دباغ لبن بفتح اول و ثانی ف شیر دوده
طاب دگوینده ق معنی سمن خ ار حیوانی که وضع حملش با انسان موافق باشد ش
نیم رطل ص عسل تمنیق التحتانی لبنی عم یانی بفتح اول و ثالث و کسر نون و سکون تحتانی ع
میعه سائله سلارس تلنسیق و تمنیق الجیم لجلاج ف بفتح اول و سکون جیم با لام الف و جیم
ثانی باصطلاح اکسیریان م زیبق پاک صاف تمنیق الواو لجاوه بفتح اول و ثانی با الف م
دوائی مشهور هندیست تلسیق الجیم الفارسی و تمنیق الالف لچهناه بفتح اول و سکون جیم
فارسی والهاء با و فتح میم و نون ع بیروج الصنم تلنسیق الحاء المهمله و تمنیق الموحده
لحام الذهب ع بکسر اول با حاء مهمله والف و ضم میم و فتح ذال معجمه مشدده با گویند م اشق
طح ی خ معدنی وارسنی تمنیق الفوقانی لحام الصناعه ع بکسر صاد مهمله مشدده و با نون
الف و فتح عین مهمله م اشق تمنیق الجیم لحم النعاج ع بفتح اول و سکون حاء مهمله و ضم میم
نون مشدده با جیم مهمله والف ف گوشت میشینه طا کرسنے و بی کمتر از گوشت بره
است تمنیق الراء المهمله لحم البقر ع بسکون لام ثانی و فتح موحده و قاف ف
گوشت گاو خ از گاو جوان لحم الجزور ع بضم جیم و زاء معجمه و سکون واو ف گوشت بچه شتر
طح لحم الخنزیر بسکون لام ثانی و کسر خاء معجمه و سکون نون و کسر زاء معجمه و سکون تحتانی ف

گوشت خوک خ بری لحیة الجماع بکسر اول وسکون ثانی وفتح تحتانی وضم فوقانی وسکون
لام ثانی وکسر حاء مهمله ثانی بامیم والف ف پیاوشان تمنیق السین المهمله -
لحیة التیس ع بفتح فوقانی وسکون تحتانی ه درخت سرس ط ب ا ی ۲ ق قابض ترو تا
مثقال از یک مثقال تا دو درمص ازیانه یا طباشیر یا تخم گل یا گلنار یا طرانثیث یا نیم وزن
عصاره آن یا بطم تمنیق الملیم لحم ع ف گوشت ه ا انس فی سکون و بیسراطح را گویند
ی ف معند خ سیانه فهی ولاغری و عضله ولحم خصی تمنیق النون لحم الحملان ع ب فتح
حاء مهمله ثانی وسکون میم بالام الف ف گوشت بره طح خ گوشت حولی یعنی بکیساله
تمنیق الهاء لحنیس الاکلیلی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر نون وضم سین مهمله و
سکون لام ثانی وکسر همزه وسکون کاف وکسر لام ثالث وسکون تحتانی ثانی وفتح لام رابع
و خفاء ها ف نوعی از خیری جبلی است که آنرا خزامی نامند ف ارداه تمنیق الخاء المعجمه
و تمنیق الجیم الفاسی لخ ف بفتح اول وسکون باقیین ه زاک سیاه تمنیق الخاء المعجمه
لخ ف بضم اول ع بربری تمنیق الهاء لخچه و لخشه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم
فارسی در لغت اول وفتح شین معجمه در لغت ثانی ه اخگر لخلخه سلیمانیه بفتح اول وسکون
ثانی وفتح لام ثانی وخاء معجمه ثانی ویمهزه ملینه ها وضم سین مهمله وفتح لام ثالث وسکون
تحتانی با میم والف وکسر نون وفتح تحتانی مشدده ثانی ف نفس روغن عفران تمنیق
الزاء المعجمه وتمنیق الموحده لذاق الذهب ع بفتح اول وذال معجمه مشدده والف و
ضم قاف وفتح ذال معجمه مشدده ها وسکون موحده م اشق تمنیق الهاء لزنیه بفتح اول و
سکون ثانی وفتح موحده م جو تمنیق السین المهمله و تمنیق الموحده لسان الکلب ع
بکسر اول با سین مهمله والف وضم وسکون لام ثانی وفتح کاف وسکون لام ثالث م
لسان الحمل و نیز حماض تمنیق الراء المهمله لسان البجع بفتح موحده وسکون حاء مهمله
م سیبا لسان الثور ع بفتح مثلثه مشدده وسکون واو ف گاوزبان ه گاتنطه ما ندا ط

٢٩٧

حراف بفتح خ شامی وخراسانی غلیظ ورق که بروی نقطها بود مق ددرم

ص صندل سرخ یا هلیله سرخی یا سماق ل بوزن آن ابریشم سوخته وچهار دانگ ن

آن پوست اترج یا بوزن او ورد ونیم وزن او ابریشم لسان العصافیر بفتح عین مهمله وصاد مهمله و

الف ثانی وکسر فا وسکون تحتانی ف تخم اسپرک اند حوطه ۲ داق بهی خ سطر بش نیم مثقال

ص کدو مربی ل در تحریک باه مغز جوز وتودری سرخ یا نیم وزن بهمن سرخ تمیق اللوف

لسان الحمل ع بفتح حاء مهمله ومیم ف ورق بارتنگ طباشیر ۲ ق باللعن رابع حابس خون

مدل بش از تخم او یک مثقال ص مصطگی وسلیخه یا بنفشه ل ورق آن دو ورق حماض بستانی

تمیق الشین المعجمه وتمیق الکاف لشک بفتح اول وسکون ثانی وثالث م شبنم

تمیق الهاء لشکرف م لشک تمیق الضاد المعجمه وتمیق الصاد لصف بفتح

اول وصاد مهمله م کنر تمیق التحتانی لیفی م نوعی از لسان الحمل کوچک تمیق العین المهمله

تمیق الموحده لعاب ف آب دهن م تهوک تمیق الهاء لعبت مطلقه بضم اول وسکون

ثانی وفتح موحده وکسر فوقانی وضم میم وسکون طاء مهمله وفتح لام وقاف م بیخ بیرج

تمیق التحتانی لعبت بربری بضم اول وسکون ثانی وفتح موحده وکسر فوقانی وفتح موحده

ثانی وسکون راء مهمله وفتح موحده ثالث وکسر راء مهمله ثانی م سورنجان ل جوز مقشر

یا تودری زرد یا مر ونیم وزن فلفل تمیق الفاء تمیق الفوفل لفت بکسر اول وسکون کاف شلغم

تمیق الحاء المهمله لفاح ع بضم اول با ثانی مشدد والف ف سابیج وآن ثمر بیخ ا

طاب ر ۳ گویند م ۳ ق محدر منوم خ بزرگ تیز بوی زرد رسیده بش نیم درم ص

عسل ل جوز ماثل یا نیم وزن بذر البنج ودو دانگ وزن آن خشخاش یا جوز القی وبه وزن آن

بذر البنج یا سورنج تمیق القاف وتمیق الحاء المهمله لقاح ع بفتح اول وقاف والف

ف شتر آبستن وبکسر اول شتران دوشیده تمیق الکاف وتمیق الالف لکات بضم

اول با کاف والف م لاک ولقمه تمیق الفاء لکف بضم اول ه لاکه م گوسند

لام ثانی ق مخدر تنسیق الهاء و تمیق الالف لهسو ه بفتح اول و سکون ها و ضم سین
مهمله و واو مجهول با راء مهمله هندی م پستان تمیق الجیم لهنج ف بفتح اول و ثانی و سکون
نون م سنگ فسان تمیق النون لهسن ه بضم سین مهمله ف سیر تمیق الهاء لهه بفتح اول و اظهار ها م شراب و بجفاه ها م درخت باجو و بضم اول م طایر عقاب تنسیق
الیاء التحتانی تمیق الجیم لیلنج ف و سریانی بفتح اول و سکون تحتانی و فتح لام ثانی
و سکون نون م نیل لینج سریانی بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون فنلونی از اقلیمیا است
که در جزیره قبرس در معدن نحاس یابند تمیق الراء المهمله لیلوپر و لینوفر ف بکسر اول و
سکون ثانی و ضم لام ثانی و واو مجهول و فتح موحده فارسی در لغت اول و ضم نون و
واو مجهول و فتح فا در لغت ثانی م نیلوفر گلے است که میان آب بروید و کبود و سرخ
و سفید رنگ شود و اندرونش زرد باشد و چون آفتاب طلوع کند بشگفد تمیق الکاف الفارسیه
لیلنگ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ثانی و سکون نون لیلنج لیولنگ ف بکسر اول و ثانی
مجهول و واو مجهول و ضم لام ثانی و سکون نون م برف تمیق اللام لیلوپل ف بکسر اول و ضم لام
ثانی و واو مجهول و فتح موحده فارسی و سکون لام ثالث م نیلوفر تمیق الواو لیموداره ف بکسر
اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون واو با دال مهمله و الف و ضم راء مهمله و فتح نبات است
کوهی که در بهار از میان سنگها بر آید و بوی لیمو کند طح ی لیمو ف بکسر اول و سکون ثانی و ضم میم
لیموطا پوست و ورق او حی احماض ز ب ق قامع مره صحیح و روغن ل اتنج تمیق
التحتانی لینوفر هندی بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون و واو مجهول و فتح فا و کسر راء مهمله و یا
و سکون نون و کسر دال مهمله و سکون تحتانی ثانی ه سپندی قیم المیم تنسیق و تمیق
الالف ماء ع بمیم و الف ممدود ف آب ه جل م پانی و با دست حیات و زندگانی طاف یا
ق مرطب ح آب چشمه که از جانب مشرق بشدت بیرون آید مقابل شمال و بر سنگ روان
بود در براق و صافی و سبک وزن و چون آفتاب برو تابد زود گرم گردد و چون زائل شود زود

بیتومات است ۵ سنگون ط ح ی ۲ ق مسهل بلغم خ سطر زرد و نوشت با نبات یکمثقال و
در مطبوخ دو درم تا ۳ درم ج از جوب او یک دانگ تا دو دانگ ص کتیرا و نشاسته
ل ۳ و نان ایرسا و دو دانگ وزن آن مقل الیهود و گویند دو وزن تربد تمنیق الحاء المهمله
ماء الملح ع بضم همزه و سکون لام و کسر میم ثانی و سکون لام ثانی ف آب نمک ق منقی و مجلی
اوساخ تمنیق الدال المهمله ماء الحدید ع بفتح حاء مهمله و کسر دال مهمله و سکون تحتانی م دو صف
آبی که در وآهن تافته سرد سازند ماء الورد ع بفتح واو و سکون راء مهمله ف گلاب ط م
ق مقوی دماغ خ تیز بوی تلخ طعم ما ان کند ۵ بمیم و الف و سکون نون و فتح کاف و خفاء
نون ثانی م قسمی از استهول کند تمنیق الراء المهمله مار خوارف بسکون راء مهمله و ضم خاء
معجمه با واو معدوله و الف و راء مهمله ثانی م گاو کوهی ف مار ع حیه ۵ سانپ ماء الشعیر ع
بفتح شین معجمه مشدد و کسر عین مهمله ف جواب و کشک ط ب رش صد درم ماء الکافور
ع ف آب کافور خ آنکه بروغن بلسان ماند تمنیق السین المهمله مار اسپ ف بسکون راء
مهمله و فتح موحده فارسی م حلیاسه ۵ سپکلی ماس ف الماس ۵ هیرا ط ب ی گویند
و بزبان فارسی ریک تمنیق الشین المعجمه ماش ع ف بنو ماش ۵ مونگ ط ب ا
گویند ۲ مم سائی گویند ی اق مغذی خ سبز بزرگ فربه ص خشک دانه ل با قلا
مقشر تمنیق العین المهمله ماء القرع ع بفتح قاف و سکون راء مهمله ف آب کدو ق آب
کدو جی تلخ منقی تمنیق الغین المعجمه ماغ ف بغین معجمه نوعی از مرغابی ع ماکون و به ترکی
قسقلداغ خوانند واز گوشتش بوی گل آید و نیز بمعنی نرم و نوعی از کبوتر که بر دو بال و سینه
و گردن او سبز یا سرخ شود تمنیق الکاف مانورک ف بضم نون و سکون واو و فتح راء مهمله
و سکون کاف م چکاوک تمنیق الکاف الفارسی ماتنگ ف بکسر فوقانی و راء مهمله م جلبا
ماذرنگ بفتح دال مهمله و راء مهمله ف تیخ تمنیق اللام ماء العسل ع ف آب شهد ط م ق
منقی تمنیق المیم ماء اللحم ع بفتح لام مشدد ف آب گوشت ط ح د خ از بره و جوجه

پنجنج بضم اول وسکون ثانی وفتح نون ف خوش نظر هر کلاکاطب ی ۲ گویند تمنیق الهاء
مجیپهم هر بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح فوقانی هندی واظهار ها م بفتح
تنسیق الجیم الفارسی وتمنیق الدال المهمله مچکند بضم اول وسکون جیم فارسی وفتح کاف
وسکون نون م دوای هندی ست تمنیق الکاف نجاس ف بفتح اول وثانی م بادام
کوهی ف بحرک تمنیق التحتانی پیچیچی هر بفتح اول وکسر ثانی واظهار ها وتحتانی وکسر جیم فارسی
ثانی واظهار ها ثانی م دوای هندی ست تنسیق الحاء المهمله وتمنیق اللوها
محلب ع بفتح اول وسکون حاء مهمله وفتح لام هر کهیلا ط ح مبح ق مجلی ملطف محلل خ سپید
بش نیم مثقال ص صندل ل باوام تلخ سفید کرده تمنیق اللثه محروث ع بفتح اول وسکون
ثانی وضم راء مهمله ف بیخ انگوزه ط ح ی ۲ ق ملطف خ سفید سبک بش نیم درم
ص عصاره زرشک ل انجدان تمنیق الحاء المهمله مح م بضم اول ف
زردی تخم مرغ تمنیق المیم محاجم ع بفتح اول وثانی با الف وکسر جیم م محلصه
تمنیق الهاء محموده بفتح اول وسکون ثانی وضم میم ثانی وسکون واو وفتح دال مهمله
م سقمونیا تنسیق الخاء المعجمه وتمنیق الجیم الفارسی تخلچ ف بفتح اول وسکون خاء
معجمه وفتح لام م گیاهیست که چون جاروا بخورد مست شود تمنیق الخاء المعجمه مخ ع بضم اول
ف مغز هر گودا ط ح رق ملین ح از ساق گوساله واول وبعد ازان گاو پس گوسفند
ص نمک وصعتر شخاع وبیخ فتح اول وفارسی هر آتش وزنبور ودرخت خرما وکرمیست
که بعربی اثر اساس گویند تمنیق الضاد المعجمه مخیض ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
دوغ هر چاچه ط ب ی ح از شیر گاو جوان تمنیق الطاء مخاطه ع بضم اول با ثانی بف
وفتح طاء مهمله م سپستان مخاصه ع بضم اول وفتح ثانی وکسر لام مشدده وفتح صاد مهمله وازان
نام ازان گویند که تریاق زهر هاست واز همه زهرها خلاص دهنده است ط ح ی ح از
کوهستان شکاره بش یک مثقال تنسیق وتمنیق الدال المهمله

سیم ثانی وکسر کاف فارسی با تحتانی ہم شتر یک ھ لکھنا لکھنے مر تشیشا بہ فتح اول و
سکون ثانی و فتح فوقانی کسر شین معجمہ وسکون تحتانی با شین معجمہ ثانی واین انواع است
نہپے و فضے و نحاسی و حدیدی و سیے و ہر عنبے مشابہ بود بجوہرے کہ باو منسوب بود
م بحر النور و بحر الروشنائی ھ سون مکھی ط ح ی ۳ گویند ۲ ق قابض خ ذ سے
عصل ک مقنیسیا یا اقلیمیا ور و سنج مر راھ بفتح اول و سکون ثانی با واو و الف م مر زنجبار
با تمیز الفوقانی مر آرات ع بکسر اول و ثانی و الف و راء مہملہ ثانی و الف ثانی و فوقانی جمع
مرارہ ف زہرہ با و تلخہ ا ھ پتا ط ح ی ۴ گویند ق ما و مجلی خ از مرغ و دراج و کبک و از
گاو تر و ایل جوان و از گفتار پیر بزرگ و از شیر جوان کہ لونش زرد ملیعے باشد ص صفع ل
و سیخ الاذن تمیز الجیم مر زنج ع بضم اول و سکون ثانی با دال مہملہ والف و فتح سین
مہملہ و سکون نون ف مر دار سنگ ط ب ای ۲ م ح ب ق مجفف الجالی خ اصفہانی
براق سرخی مائل ص شیر تازہ و شیدہ ل اقلیمیا تمیز الجیم الفارسی مرچ ھ بکسر اول و
سکون ثانی و جیم فارسی ف فلفل گرد تمیز الدال المہملہ مر قد بفتح اول و سکون تحتانی
و فتح قاف م جوز مائل و گویند افیون مر و د ف بضم اول و ثانی مجہول م امرود تمیز الراء
المہملہ مرار بفتح اول و ثانی و الف و راء مہملہ ثانی م نوعی از شکاعی و بادآورد مرغ بضم
اول مجہول ط ح ی ۳ ق مفتح ملین منضج خ مائل کبسرخی زرین صافی بسیار تلخ منف
نیم درم عسل یا کافور و آس ل صبر مرغ زیرک سار ف بضم اول و سکون ثانی وکسر غین
معجمہ و زاء معجمہ و سکون کاف با سین مہملہ والف م سار و مرغ بفتح ہر دو میم و سکون
ہر دو راء مہملہ م سنگی است خ از معدن خیزد تمیز الزاء المعجمہ مرز نش بضم اول و سکون
ثانی و زاء معجمہ م موش مرغ ش آجر ف بضم اول و سکون ثانی وکسر غین معجمہ و فتح
شین معجمہ و سکون موحدہ و ہمزہ وکسر واو تحتانی مجہول م خفاشیت کہ ہمہ شب خود را
بپای از شاخ درخت آویزد و حق حق گوید تا آنکہ قطرہ خون از گلویش بچکد مرماخور بضم

ثانی نبیذی ست که از گندم وجو وجاورس سازند و آنرا بوزه و بکسیم گویند تتمیق التحتانی
مرمار الراعی ع بکسر اول وسکون ثانی م عصی الراعی تنسیق وتتمیق الزاء المعجمة الفارسی
مرزف ف بکسر هر دو میم وسکون هر دو زاء فارسی م مگسی سبز رنگ که چون بر گوشت نشیند
گنده کند و کرم بهم رساند م خرمگس وتبری کولکان گویند تنسیق السین المهملة وتتمیق الالف
مستحقونیا سریانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح حاء مهمله وضم قاف وسکون واو وکسر
نون با تحتانی والف ف آبگینه ه کاچ لون ل آبگینه سفید وقلعی گاذران تتمیق
الفوقانی مست ف بضم اول وسکون ثانی ع سعد ه موتها تتمیق الدال المهملة
مسواک القرود بکسر اول وسکون ثانی با واو والف وضم کاف وسکون لام وضم قاف
وراء مهمله وسکون واو ثانی ودال مهمله م اشنه تتمیق الراء المهملة مسارف بفتح اول
وسکون ثانی با فوقانی والف ه مروا مسطار ع بکسر اول وسکون ثانی با طاء مهمله والف
ف شراب بدست افشرده زود مست کننده مسمقوریبری بفتح اول وسکون ثانی
وفتح میم وضم قاف وسکون واو م زراوند طویل مستوره بفتح اول وضم ثانی ع عدس
ف مسور خ تتمیق السین المهملة مس ف بکسر اول ع نحاس ه تانبا تتمیق الکاف
مسک ع بکسر اول وسکون ثانی ف مشک ه کستوری طرح بی ۲ ق ملطف ومقوی
دماغ خ تبتی ش نک فیرایهف کافور ل مرزنجوش تتمیق اللام مستعجل ع م بوزیدان
تتمیق النون مسقاطون رومی بکسر اول وسکون ثانی با قاف والف وضم طاء مهمله وسکون
واو ونون ف عود هندی ه اگر مسن ع بکسر اول وفتح ثانی ف سنگی ست که کارد وشمشیر
ازان تیز کنند ه سان طب ی ق مجلی خ سنبر سں بابوند ل طین قیمولیا تتمیق الواو
مستبوه ف بفتح اول وسکون ثانی و فوقانی وضم راء مهمله وسکون واو م نوع دوم
مازریون که آن را هفت برگ وخامالائیر خوانند تتمیق الهاء مسته ف بضم اول وسکون
ثانی وفتح فوقانی ع سعد ه موتها تتمیق التحتانی مسواک الراعی ع بکسر اول وسکون

باشلثه والف م مرکبی ست که او را العوق لوز گویند تمنیق الجیم مطنج ع بضم اول و فتح ثانی
و کسر نون مشدد و سکون جیم ف بچهٔ سوسمار که در مرتبهٔ سیوم بنمو رسیده باشد تمنیق
الخاء المعجمه مطبوخ ع ف ورشاب و هر چه پخته شده باشد بآتش تمنیق الطاء المهمله
مط بفتح اول م جلنار تنسیق العین المهمله و تمنیق الالف سماع بکسر اول ف رودہ
آنتڑی طب ق لبین خ از حولی گوسفند تمنیق الدال المهمله سعد بفتح اول و
سکون ثانی م خصی الثعلب تمنیق الراء المهمله معصفر ع بفتح اول و ثانی رفاه
کسبه سفار بکسر اول و سکون ثانی م جمع اجاص تمنیق القاف معشوق ع بفتح اول و
سکون ثانی از اجاز نام جهیست و از نبات ما هو دانه تمنیق النون معلین ع به ضم اول و
کسر ثانی م مارزان تمنیق الهاء معده ع بکسر اول ف شکم هد او جهڑی طب سے
تنسیق الغین المعجمه و تمنیق الثاء المثلثه مغاث ع بضم اول با غین معجمه ف
بیخ انار دشتی که درخت حب القلقل باشد طح ر ۲ گویند ق مغزی جابر خ
بغدادی سفید مائل بزردی ش و درم مص ل و رطلا قلت یا نیم و زن زرا و ند
تمنیق الدال المهمله مغد بفتح اول و سکون ثانی ف بادنجان و گویند لفاح بری
گویند نوعی از کمات کوچک مغرود ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله م سمارغ
تمنیق النون مغیلان ع بضم اول و کسر ثانی ه درخت کیکر و ببول تمنیق الهاء مغره
بضم و فتح اول و کسر ثانی و فتح راء مهمله ف گل سرخ ه گیرو طب ہی ۲ ق قابض مجفف
خ سرخ رنگ ش نیم مثقال مص ل شا هج مغمومه بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم
ثانی و سکون واو و فتح میم ثالث ف قلیه بادنجان تنسیق الفاء و تمنیق الحاء
المهمله مفرح ع بضم اول و فتح فا و کسر راء مهمله مشدد ف گاوزبان تمنیق الدال المهمله
مفرود بفتح اول م نوعی از کمات کوچک تمنیق النون مفرح قلب المحزون ع م ریحان و
بادرنجبویه تنسیق القاف و تمنیق الالف مقلیا با سر یانی به فتح اول تخم سپندان

المهمله میشبهارف بکسر اول وثانی مجهول باشین معجمه وفتح موحده وها والف م اقحوان
تمیق النواع للعجمه میزف بکسر اول وثانی مجهول م بیشاب میمیز ف بکسر هر دو میم وسکون
هر دو تحتانی م مویز تمیق الکاف میچک ف بکسر اول وفتح خا معجمه م ثفل میرک
ف بکسر اول وضم را مهمله م مورچه تمیق الکاف الفارسی میگ ف بفتح اول وسکون
ثانی وکاف فارسی م ملخ تمیق اللام مین پهل هر بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده فارسی
واظهار ها ع جوز القی تمیق النون میسوسن بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مهمله و واو مجهول
وفتح سین مهمله ثانی ف شراب سوسن میهین هر بفتح اول وسکون ثانی وفتح ها
ف مسکه تمیق الواو مینوف بکسر اول وضم نون م آبگینه وزمرد میوف بکسر اول و
ثانی مجهول م موی تمیق الهاء میعه ع بکسر اول وفتح عین مهمله دو نوع ست سائله
راللبنی وثفل ویرا ابه گویند هر سلارس ط ح ۳ ی آگویند ح ی ۲ ق ملین منضج منوم
مدرخ سائل خوشبوی سفید مائل بزردی ش دو دانگ تا یک مثقال ص مصلحه
یا نیلوفر یا ارزیانه یا کافور ل جند بید ستر و روغن یاسمین یا جاوشیر یا زیبق یالادن .
تمیق التحتانی میانسرای ف بکسر اول وثانی بالف وسکون نون وفتح سین مهمله
وراء مهمله والف ثانی م نوعی از انگور سیاهی ع علیه سینده اسینگه هر بکسر اول وثانی مجهول
وخفا نون وفتح دال مهمله هندی واظهار ها والف وکسر سین مهمله وسکون تحتانی ثانی
وخفا نون ثانی وکسر کاف فارسی قسمی از دودهی که دوائی هندی ست می ف
بفتح اول ع خمر هر وگلاب را نیز گویند تمیق النون وتنسیق تمیق الالف
ناف بنون والف م آسپ ناخن کوپا ف بضم خا معجمه وکسر نون وضم موحده و واو
مجهول با تحتانی ع اظفار الطیب هر نکهه نار گیر الکسر را مهمله وکسر کاف فارسی وسکون
تحتانی بارا مهمله م خشتی شش سیاه ناگ مالا هر بسکون کاف فارسی با موحده فارسی
والف ولام هر گاشکری تمیق الموحده ناب الکلب ع بضم موحده وسکون لام

ف نارمشک تتمیق الزاء المعجمة الفارسے ناژ ف م درخت کاج تتمیق السین المهملة

ناغیس بربری بکسر غین معجمه وسکون تحتانی ف نارمشک تتمیق الشین المعجمة

ناخن خوش ف بضم خاء معجمه ثانی ورداو معدوله ع اظفار الطیب تتمیق الغین المعجمة

ناکلاغ ف بکسر نون ثانی وفتح کاف ولام الف م مشتیست که از زمین نمناک بروید تتمیق الفاء

ناف ف بفا کرم صدف تتمیق الکاف نارمشک ف بسکون راء مهمله وکسر میم م ناگیسر

ط ۲ ی ۲ گویند ۲ ی ۳ ف ملطف ومقوی دل خوشبو مثل نیم درم ص طبا شیر ل

یک نیم وزن آن سنبل نیم وزن پوست بیرون پسته یا نیم وزن زنجبیل یا نیم وزن

قسط ناک ف عنبر ومشک وغیره وامثال آن که مغشوش باشند وقسمی ست از امرود

که بهترین اقسام اوست ودر هندی جانوری ست شبیه به نهنگ تتمیق الکاف الفارسی

نارنگ ف بفتح راء مهمله م نارنج تتمیق اللام نارجیل بسکون راء مهمله وکسر جیم ف نارگیل

وجوز هندی ه ناریل وکهوپرا ط ۲ ساف سهمی س یک درم ص فانید ناریل ه

بفتح تحتانی م جوز هندی ناشپال ه بسکون سین مهمله ف پوست انار تتمیق النون

ناخن پریان ف بکسر نون وفتح موحده فارسی وسکون راء مهمله با تحتانی والف ونون

ثالث ع اظفار الطیب ناردین رومی بسکون راء مهمله وکسر دال مهمله م سنبل رومی

ط ۲ ای ۲ گویند ۳ ف قابض طبع م فربه خوشبوی سفید مائل ص کثیرا یا عسل ل

سنبل هندی ناروان ونارون ف بسکون راء مهمله با واو والف ودر لغت اول وفتح

واو در لغت ثانی درختیست خوش قد وخوش اندام وگلنار فارسے نازک بدن بضم زاء

معجمه م سشتی سبز ونانگدون ه بسکون کاف فارسی وفتح دال مهمله ف ما رچوبه

تتمیق الواو ناجو ف بضم جیم وسکون واو م درخت صنوبر ناخن دیو بکسر دال مهمله

م نکهه ناخو ف بسکون راء مهمله م گل انار ناره بضم راء مهمله م جانوری ست خوش آواز

مانند بلبل ناژو ف بضم زاء فارسی م درخت ناجو تتمیق الهاء ناره ف بسکون

پشم خرگوش ط ۲ ی ق مجفف تمنیق الحاء المهمله و برااللقاح ع بضم لام با قاف مشدد
ف پشم شتر تمنیق الراء المهمله و برع بفتح اول و ثانی ف پشم ه اون وسکون ثانی
ف جانوری ست شبیه بگربه و دم ندارد و از پوستش پوستین سازند تنسیق و تمنیق
الجیم مع ف اکثر ترکی منج ط ۲ ی ۲ گویند ۳ ق ملطف خ فربه سطبر خوشبوی
پر گره مش نیم درم تا یک درم ص تخم را زیانه ل زیره یک وزن و دو دانگ وزن آن
زراوند یا زیره یک وزن و ریوند یک وزن یا قسط تنسیق الخاء المعجمه و تمنیق القاف
وخشنقش بفتح اول و سکون خاء معجمه و کسر شین معجمه و سکون تحتانی و فتح زاء معجمه و بیشتر در
خراسانی ط ۲ ی تنسیق الدال المهمله و تمنیق الحاء المهمله ودج بفتح اول و ثانی
م زود فا ئے تر تمنیق العین المهمله و دع بفتح اول و ثانی ف کحاب بزرگش را سفید
مهره و کوچک را گوش ماهی گویند هـ سنکه خ سپید ل صدف تنسیق الراء المهمله
و تمنیق الالف ورد و فر بفتح اول و سکون راء مهمله و کسر دال مهمله اول و فتح دال
مهمله ثانی و سکون فا و با راء مهمله و الف ع شقایق النعمان گل لاله ف در طب
بفتح اول و سکون ثانی م ریوند چینی تمنیق الموحده ورد الحب بفتح اول و سکون
ثانی و ضم دال مهمله و سکون لام و سکون موحده م لبلاب تمنیق الفوقانی ورد الزیت
ع بکسر زاء معجمه و سکون تحتانی و فتح نون ف گل خطمی م تمنیق الجیم ورتاج ف با
فوقانی و الف م نیلوفر پارسی ع خبازی ورسج و دریج ف بفتح اول و سکون ثانی و
کسر فوقانی و سکون تحتانی در لغت اول و کسر دال مهمله در لغت ثانی م جانوریست
ع سلوی تمنیق الدال المهمله ورد ع بفتح اول و سکون ثانی ف گل هـ گلاب
ط ب ای ۲ گویند ۳ ق مسهل صفرا و مقوی دماغ و دل خ تازه فارسی تمام
شگفته قوی بوی سرخ ش تازه او ده درم ده مجلس استعمال کند ص تند یا عسل
ل جهت دفع زکام بوئیدن کافور یا بنفشه تمنیق الراء المهمله ورد الحمار ع بفتح

خرم زاد که یکی از اجداد او بهمن بن اسفندیار بود اخنوخش نام مردی که بصلاح حال و صدق مقال اشتهار داشت
و وجه معیشتش از صیدلت یعنی چیدن ادویه از صحرا و شناختن آن میگذشت و هر روز بصحرای آن دیار
و کوههای آن ولایت میرفت و ادویه و عقاقیر جمع میکرد و بشهر آورده بعطاران میفروخت روزی
در اثنای سیر و سیاحت و تفحص ادویه نظرش بر گوزن کوهی افتاد که بر قله ایستاده فریاد میکرد و گاهی
دست و گاهی دم خود بر زمین میزد و حرکات عجیبه و احوال غریبه از رفتار او مشاهده مینمود و گاهی در
چین جست و خیز نگاه بجانب آسمان میکرد و از روی نشاط و خوشحالی آوازهای غیر مکرر از و سر میزد
چون اخنوخش انخلالات از آن گوزن دید حربه بر داشته در کمین او شد و نزدیک او رسیده چنان حربه
بر انداخت که بیکی از قوایم او افتاد خنوخش در حال او را ذبح کرد و در اثنای ذبح نظرش افتاد که در دهن او سنگی
بزرگ است و دید که نیم خائیده در دهنش مانده اخنوخش را از مشاهده این تعجب زیاده شد فی الحال
شکم او بشکافت و از زهره او که بزبان فارسی آنرا زهر خانه گویند سنگ الماس هموار یافت اخنوخش سنگ
مذکور را بر چوب تر شکسته نهاده بخدمت ملک خرم زاد آورد و حقیقت گوزن تماما آنچه مشاهده کرده بود
مذکور ساخت ملک خرم زاد حکیم ارسطاسیوس که از اجداد حکیم بقراط و از تلامذه حکیم اقلیدس صاحب تالیف تحریر
و برادر زاده او بود و در مملکت فارس منصب وزارت ملک خرم زاد داشت طلبیده آنچه از اخنوخش
صیدلانی شنیده بود باو تقریر کرد حکیم ارسطاسیوس پس از تامل بسیار از اخنوخش پرسید که دهن
این گوزن کف داشت یا نه او گفت دهن گوزن بسیار پر کف بود پس حکیم از اخنوخش سوال کرد
که در دم او یا پای او جراحتی هم بود یا نه جواب داد که در جانب دم او گوئی سیر رنگ و چنان مرئی
میشد که پوست از آن موضع کنده اند پس حکیم بملک گفت که خوراک این گوزن همیشه افعی بود چنانچه
از علامات معلوم شده و در زهره های او دو سنگ متولد میشود که یکی از آنها تریاق زهر است
و دیگری خاصیت زهر هلاهل دارد ملک تبسم نموده فرمود که این را بمحک تجربه امتحان باید نمود
حسب الحکم ملک هشت نفر از بندیخانه حاضر ساختند ملک با ایشان مهربانی نمود که آیا شما واجب القتل
هستید یا نیستید جواب دادند که بمقتضای شرع قتل ما واجب است پس ملک فرمود که

جامع آورده که فادزهر را بدو معنی اطلاق میکنند یکی بهر چیزی که معاونت هر چیزی کند و دفع مضرت آن
نماید بواسطه خاصیتی که در آن چیز باشد و دیگر بر سنگی معلوم که بالخاصیت دفع سموم حاره و بارده کند
حکیم عماد الدین محمود شیرازی میگوید آن سنگی که من دیدم مائل بزردی و سفیدی بود با وجود این ریشه
ریشه باشند ریشهای شب یمانی و در مدافعت بیش هیچ چیز از دواهای مفرده و مرکبه بقوت او ندیدم
و نیز از معالجات بقراطی نقل نموده که از بلاد فارس چیزی می آرند که آنرا حجر التیس میخوانند و میگویند که در
شکم این حیوان متولد میشود و صورت آن صورت حیوانی نیست و خشونت و صلابت چون بشکنند پوست
بر پوست و تو بر تو باشد یا مانند پوست پیاز و در اندرون پوستها بجای مغز گیاه ریشه بود که آن پوستها و
طبقها گویا بر گرد آن پیچیده اند و آنرا فادزهر گیاهی نامند چون آنرا با آب بر سنگ بسایند و بر موضع
لسع هوام طلا نمایند در ساعت ورم تسکین یابد و اخراج سم کند و نیز نقل میکنند که در هندوستان
در کوهکنده از اعمال بنگاله در چند موضع آنجا پیدا میشود خصوصا در کسنور و حوالی آن چنانچه فادزهر
آنجا سه تولگی و چهار تولگی بسیار دیده اند و همچنین در ولایت ورنگل پیدا شود و در اکثر گوسفند آنجا پیدا
شود چنانچه اگر گوسفندی را بکشند چهار پنج و شش تولگی از شکم آن بر آید و در اکثر مواضع آن پیدا شود
چنانچه شهر گلبان بسیار از آنجا خریده بجانب اجین و بلاد دیگر برده و در جانب اجین فادزهر معدنی
می باشد که دانه از آن چهار تولگی و هفت تولگی دیده اند که یکی از آن به پانصد هون که عبارت از پنجاه تومان
عراق و هزار و پانصد روپیه آنجا باشد خریده فروخت در سرکار پادشاهان شده که خریده او را
مرصع ساخته اند و پادزهر ناشکافته نیز چوب تخلخل بسته میشود چنانچه هر چوب هندی و بنگاله و
سفال و سنگ بسته میشود و این گوسفندان از قسم هرنه اند و اهلی اند نه صحرائی و کوهی چنانچه در
شمار شکاره از بزکوهی حاصل میشود و اکنون آنچه مشهور است اول و متعارفست گرفته او را از محال
بیشتر آرند و نیز میگویند که من دیدم شخصی را زنبور گزیده بود و موضع لسع متورم گشته و حمرت بسیار ظاهر شده
قدری از فادزهر گیاهی با آب بسائیده بر آن موضع مالیدند بر هر جا که اثر طلاء آن میرسید در حال بلون
خود می آمد و آماس تخفیف می یافت و بعضی از اوقات شخصی را مار گزیده بود و در آن وقت تریاق

مردم ازین ترکیب منافع بسیار یافتند بلکه جوانی از سر یافتند و مطلقا ضرری بلحوظ نگشت صفت ان

فادزهر دو نیم مثقال و عنبر اشهب یک مثقال مشک سه طسوج سنبل الطیب یکمثقال و ربع قرنفل

هفت دانه مجموع را سه روز متوالی بخورند و از شیرینی و ترشی و سفیدی بغایت گریزان باشند

و غذا نخود آب بگوشت بره که دارچینی و قرنفل داشته باشند بخورند و از متنقلات بادام قندی

و شربت نبات و گلاب و عرق بیدمشک تناول نمایند و بعد از خوردن ترکیب نوشیدن

آب سرد راضی نشوند که مبادا قولنج شود و باین ترکیب قدری زعفران نیز تجویز کرده که داخل سازند

که ازان تفریح تمام حاصل شود و دیگر پادزهر حیوانی یکمثقال یاقوت سرخ رمانی دو جو لعل

بدخشانی دو جو مروارید سفید سه جو زهرمهره سه جو صندل سفید سوده یکجو عود هندی یکجو ورق طلا

یکجو ورق نقره یکجو مصطگی یکجو سنبل یکجو و مشک و عنبر نیم جو مجموع این از یک مثقال زیاده نیست

باید که هر کدام علیحده علیحده حلایه کنند و وزن کرده ترکیب سازند سه حب بندند و هر روز یکی

ازان ناشتا فرو برند و گلاب گرم یا عرق بیدمشک از پی آن بخورند و میان روز مرغ

و نخود آب پخته بخورند و آخر روز شربت با عرق بیدمشک بیاشامند و یکهفته قبل از خوردن

احتراز کنند از حموضات و بقول و مباشرت و هموم و غموم و اگر در سالی دوبار احتیاج افتد یکهفته

اول روز نوروز نیز بطور مذکور بخورند دیگر روز بائد خوراک آن دو دانگ و نیم مثقال بود و نوع دیگر

فادزهر نیم مثقال یاقوت رمانی لعل بدخشانی از هر یک پنج دانگ زهر حد یکدانگ ورق طلا

و ورق نقره چهار عدد و مشک یکجو و همین قدر عنبر و مثل او مصطگی و نیم دانگ عود هندی کوفته

بیخته بگلاب سرشته سه حب مساوی سازند هر روز یکحب فرو برند و بعد ازان دو قاشق گلاب

بنوشند و قریب بظهر نخود آب مرغ فربه و قدری برنج بافاویه بخورند و آخر روز نبات شربت

عرق بیدمشک بخورند و مربای سیب شیرین و جوارش عود هندی و جوارش مصطگی

و پسته قندی و بادام قندی تنقل کنند و یکهفته پیش ازان و یکهفته بعد ازان و یکهفته در اثنای

ان از ترشیها و سبزیها و روغن و شیر و ماست و نیز از مباشرت اجتناب کنند که فائده تمام و

۳۲۶

که بجانب پوست او بازگشته است و باندکی او نجیده و جراحات اندرون تنش مطلقا مندمل شده

ازینحال تعجب بسیار نمودند و کسی پیش ملک افریدون فرستاده از حقیقت حال خبر دادند ملک

جماعه را که در علوم طبیعی ماهر بودند و دانا جهة استفسار اینواقعه تعین فرمود آنجماعه بحکم ملک

بدانموضع رسیده تفحص وافی نمودند و هرچه بر روی آن آب و کنارهای آن بود از آنموضع

خوشیده همه جمع کردند و بر جراحتها و کوفتهای اعصاب و کسر استخوانها بیازمودند بغایت سریع النفع

یافتند و ازین حقیقت ملک افریدون را آگاه ساختند ملک شکر حکیم علی الاطلاق بجا آورده

که چنین تریاقی بدین نیکوئی و بسیاری منافع در عهد من پروی کار آمد فرمود که بران غار دری

نهادند و حوضی اساس کردند و در پیش او از آهن باریک شکل غربالی ساخته نصب ساختند

تا آب صافی در رگذران سوراخها بدر رود و موهیائی باز ماند معارف و مشاهیر وقت را که

عصات و حکام باشند مامور گردانید تا بدان موضع رفته هر یک مهر خود بدان در نهادند تا سال

دیگر مستحفظان و صاحبان مهر خود بدانموضع میبردند و آن در بحضور ایشان گشاده میشود و هرچه

موهیائی حاصل شده باشد بحضور ایشان برسانند و باز مهر اینجماعه مختوم ساخته بحضور ملک می

بردند و اکنون نیز بهمین ضوابط محفوظ و مضبوطست و سالی بود که صد درم حاصل میشود و سالی

بود که کمتر ازین و وجه تسمیه موهیائی این چشمه بر کنار دهی است که بیابی موسوم است چه موم

یعنی شمع و پای نام آن ده یا این وجه تسمیه مومیائی خوانند و چون مومیائی از پا زهر است

بزرگ است و در و منافع بسیار ملوک پارسیان بر ملوک دیگر بدو چیز فخر میکنند اول پا زهر دوم دیگر

مومیائی و مومیائی دوای مفرد است که قایم مقام مرکب و تریاق میشود و هرگاه مرکبی ترکیب

میکنند قوت او زیاده زیاده شود و آن چهار نوع است معدنی در کوه فارس در اصفهان

مهر سده بر شکل زبان گاو و آنجا نگاهبانان ملک میباشند و بعد از سه ماه اندرون غار میروند

و میگیرند و باز درش مقفل میسازند و حوالی آن غار جاهای بسیار است که مومیائی بیرون

می آید بصورت زفت و حجری از ولایت روم می آرند از جبال شهر زور و جبال اکراد این

آبیکه در وافتیمون جوشانیده باشند متوالی هفت روز بدهند از آن علتها آبان بد و جهة از تعاشش
بهید انگ در آبیکه در وشعر فارسی و کوهی جوشانیده باشند باو بدهند از تعاشش به برد و اختناق
رحم را دو حبه سنگ مومیائی با آبیکه در وشاوج هندی جوشانیده باشند بدهند نجات یابد و تپ ربع
را با آبیکه در وافسنتین و بادآورد جوشانیده باشند بهید انگ مومیائی بدهند آن تپ ربع را دفع سازد
و جهة ازان فواق را زایل سازد چون بطبیخ کرفس بیاشامند و جهة کسر چون بیاشامند زود نفوذ
کنند تا موضع کسر و بهید انگ در آبیکه انیسون جوشانیده باشند حل کنند و بر شکم مستسقی طلا نمایند نافع
و برای غشی بر سینه طلا کنند بسیار قوی گرداند دل را بطریق نفوذ بگلاب و بقول ارسطاطالیس
پیه خوک کر نمک سود نکرده باشند با مومیائی آمیخته در گوش اصم چکانند نیکو کند اگر چه اصم مادرزاد
باشند و محمد زکریا در کتاب باه نقل کرده که اگر کسی را منی خرج شده باشد و خواهد که حالی بجای او
باز نشود در آخر حرکت دو جو یا دو نخود مومیائی در نیم درم شنک عسل سفید حل کرده بخورد و اگر
محرور المزاج باشد با شراب سکنجبین بنوشند که بسیار مجرب است و زنهار که این از اسرار است
حب مفرح مخترع صاحب مفرح النفس که نقل کرده که بعد از تجربه نمودم که نشستی که بعد از جماع
طاری بشود و مطلقا مدرک نشود و نیز این حب جهة سقطه و ضربه نافعست و همچنین نافعست جهة
وهن و خلع صفت آن مومیائی کانی سه جزو صمغ عربی یکجزو و نیم برابر هر دو نبات بگلاب حل نموده
حب بندند و نیم مثقال ازین حب تناول نمایند و اگر بالای او شراب صرف بیاشامند انفع خواهد
بود و یا بماء العسل نیز والله اعلم بالصواب سبب کمی چوب چینی و استعمال و فواید و مضار
و مصلح و شربت و بدل آن و آنرا بیخ چینی و بیخ حیات نیز نامند غالبا در زمان قدیم نبوده یا
آنکه بوده لیکن عمل در نیامده و شهرت نیافته و لهذا اطباء اسلام خاصیت آن در کتب خود
نیاورده لیکن در سنه نهصد و بیست چون فرنگیان پرتگال منصرف به بلاد هندوستان
گشتند این بیخ را بهم رسانیدند و ازان زمان تا امروز که یکهزار و سی و هشت است در میان
عالم شهرتی پیدا کرد و صد سال و کسری باشد که استعمال این در میان مردم شایع شده

چند ایستاده ودران جزیره قرار وسکونت میدهند اهل کشتی قدری آب و نان باو داده خیر بوداع
او راضی می شوند بعد از آنکه توسعه وزاد او رو بتمامی می نهد شروع در خوردن گیاه و بیخ مینماید از
اتفاقات حسنه بدستش گیاه این بیخ چینی می افتد و پس از کندن بیخش خوشمزه و گواراتر از بیخهای
دیگر بمذاقش در میگیرد و پیوسته در خوردن آن مبادرت و مزاولت مینماید از اوان اکلش بعد از
روزی چند جراحتهای او بالکلیه روی باندمال می نهد و در خود فرقی غریب مشاهده میکند
همچنین مدتی درین جزیره بسر می برد ناگاه بعد از عهدی بعید باز همان کشتی یا کشتی دیگر بدان
جایگاه میرسد و اهل کشتی که او را میشناختند می بینند که بغایت توانا و فربه شده از و تفتیش این معنی
می نمایند او از ابتدا تا انتها احوال مداومت اکل این بیخ گیاه مذکور بیان میکند انجماعه از بیخ
مذکور بسیار میگیرند و باطراف و جوانب می برند و بدان سود تمام میدارند از انمیان باز درمیان
جهانیان مشتهر گشته بر تقدیر وقوع روایتین چون دران صحرا نمک هم میرسید و اکل این بی
نمک بوده بهر جا که می بردند بی نمک میدادند لیکن در خوردن او نیز ملحی چند است که بجای
خود گفته خواهد شد و طبیعت بیخ مذکور حکماء متاخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم دوائی گیلانی
اکبرشاهی گرم و خشک است و اکثر از حکماء متاخرین این مختصر برانند که گرم و تر است و دلیل میگویند
که این بیخ چون مفتح سدد است و آن بارد و یابس است پس علاج مرض نقیض میباشد و چون
حرارت بین ندارد پس در درجه اول خواهد بود و چون تقطیع و تذویب و تسهیل میکند می باید
که تر باشد و این امر چون ظاهر تر است پس رطوبت بدرجه ثانیه باشند لیکن جمهور برانند که
خشک است و اینکه دافع سودا است بالخاصیت باشد نه بالطبع این بیخ را خواص بسیار است
از بسکه آثار خوب ازین مشاهده کرده آنکه گفته اند که گویا این از اعجبات پرورش یافته چونکه
اکثر بعد از تنقیه بدن مناسب بکار میبرند و پرهیز خوب از نمک و لبنیات و حموضات و ترشیها
و غذا هائی بسیار بخورند نفع می یابند و این را خواص بسیار خواهد بود که هنوز به تجربه نرسیده
و اعتقاد حکیم عماد الدین محمود آنست که حرارت او در اول مرتبه درجه اول است و

دیر طوبت مایل گردد و میتواند بود که جهت همین در رطوبت او تامل تمام باشند بخلاف حرارت که با وجود
انکسار او ببرودت آب بالکلیه منطفی نمیشود و اعتقاد برخی از متاخرین برانست که گرم و تر است
در درجه دویم و جهة مردانیکه سرد مزاج باشند در وقت حاجت خوا ابقفوان چهل ساله گی رسیده باشند
یا نباشند بسی نافع است بالخاصیة در امتحان جودت و مختارات بهترین چوب چینی انست که
سرخ و سنگین باشد و سفید و اگرچه در اغلب اوقات سنگین تر میباشد و این از صفت
امتحان است اما چون دلالت بر فجاجت و نارسیدگی دارد و آن سرخ باشد و باید که بسیار
باشند و تازگی و کهنگی چه درین زمان رطوبت فضلیه او که موجب انفعال حرارت غریزیست کم شود
و حرارت غریزیه ظهور تمام پیدا میکند حکیم عماد الدین محمود شیرازی برین تصریح نموده و سنگین و کم گره
و سطح ظاهر برابر باید چه انچه بر خلاف این باشند تا در زمین کم رطوبت نمو یافته و خشکی بر وغالب
شده و یا بکمال نشو نرسیده و طعم و رایحه غالب از و محسوس نشود و از مقارن متغیرات مثل
کافور و صندل و آب دریا و گرمی آتش و غیرها و هوای برشکال و نم دور باشد و دلیل انها ظاهر
است و جمعی بر انند که با وجود سرخی و سنگینی نشان گره در وی بسیار باشد و سخت نباشد و
انچه در زیر زمین نرم و نگشته است بهتر است و باید که نو باشد و علی الخصوص از دریا گذشته باشد
و سفید او با شهر و طار دیگر نیز نافعست اما در قوت و نفع قسم اول انفع است و نزد بعضی بیخ چینی
سکر مناک و هر چند رنگ میباشد سرخ و سفید و زرد و سیاه و بهترین وی سنگین بیشترین
زردیکه بسفیدی زند و بعضی زردیکه بسرخی زند بهتر دانند و آن جانب خطا کاشغر میاید و از انجا
بسمرقند و بخارا می آورند و نوعی از ان از جانب زیر باد می آید که بهند و بر سورتی آورند و از انجا
بعراق و خراسان و روم میبرند اما نوعیکه کاشغریست و بعضی سفید را بهتر میدانند و نزد حکما
فرنگ سرخ بهتر است چه بغایت خود رسیده است و انچه سیاه است غالبا آب دریا او را
متغیر میسازد و اصلی نیست و چون درین بیخ رطوبت فضلیه بسیار است و رطوبت فضلیه
رطوبتی است که در جوهر او باشد و محتاج جمیع اجزا او نباشد بنابرین مدت بقای قوت او در

کرده وقت شیخوخت متصور باشد و ازینجا معلوم شد که بجهت مرض وقت شیخوخت فایده بسیار ازین
شربت است و الا با وجود رطوبت غریبی اگر مرطوبی بوده باشد ممنوع است و در مزاج صفراوی
چون اصلاح یبوست آن میکند و حرارت او را اشتعال و حدت و سورت فرو می نشاند
قریب باعتدال می آورد و نیز ازین دو النفع بسیار متصور است و اطفال را از استعمال این
دو واجبدان فایده نیست بلکه بیم ضرر است چه حرارت غریزی اینها مغمور رطوبت غریزیه است
وقتیکه رطوبت این پیچ نیز علاوه آن شود محتمل است که حرارت بحیثیتی منتفی شود که تدارک آن
متعذر باشد و امراض مزمنه حادث شوند و بلغمی مزاجان را نیز خالی از ضرر نیست بلکه ضرر در اینها
بیشتر است خصوصا وقتیکه مرطوبی باشند چه حرارت ضعیفه این پیچ در مزاج اینها تاثیر نمیتواند
کرد و از جهت رطوبت ضرر بسیار متوقع است و دموی مزاجان را اگر در حالت صحت بسبب
دوائیست که باین بحیثیت استعمال نمودن آن خالی از خطر و ضرر نیست اما هرگاه مزاج اینها از
اعتدال منحرف شده باشد در عود نمودن بحالت اول بسیار ممد و معاون خواهد بود و بهترین
اوقات بحسب فصول اوسط بهار و اوایل خریف و طرفین تابستان و وسط تابستان هم
میان خریف و انتهاء آن و در زمستان خوب نیست در قدر شربت آن آنچه از منتهای
اطبای متاخرین در مطبوخات استعمال نموده اند در شربت آن اختلاف بسیار شده چه بعضی
صد و شصت مثقال در بیست روز جوشانده میخورانند که هر روز هشت مثقال در شربت
میشود و بعضی دیگر سیصد مثقال در بیست روز بکار می برند که هر روز پانزده مثقال در شربت
میافتد و آنچه بالفعل اشتهار دارد صد و شصت مثقال است و تحصه کرده میجوشانند
که هر روز قدر شربت هفت مثقال و سه دانگ و پنج جبه صورت ظهور پیدا میکند و چون
مقرر است که این وزن مذکور را در یکمن آب بوزن طبی که صد و هشتاد مثقال است میجوشانند
که بحصه هر روز سه حصه بماند و از آنچه باقی مانده بعد از استکثار و استیفای فایده بکار آن دو پیاله
قهوه خوری از ان آب میخورند و باقی آب را در شستن دست و طهارت و غیره استعمال نمایند

برد و موجب استرخاء الیاف و حمل معده است و آن باعث نقصان حرارت معده و کمی شهوت
چه در ینحالت بواسطهٔ کمی حرارت که آله جمیع قوتست از لذع انصباب سوداوی که موجب شهوت
احساس تمام واقع نمیشود و اگرچه حار رطب موجب تقویت قوت هاضمه است اما چون نسبت
استرخاء الیاف حرارتیکه در حمل معده است کم میگردد و بالاخره ضعف در آن نیز اثر میکند
پس چیزیکه دفع این اذیت میکند قرص گل مفرده و قرص صندل مفرده میشوانید بود و دوا
بر میزان آن نیز محل نسبت و نیز چون بحسب تجربه معلوم شد که بیخ چینی در پیران و مرطوبی مزاجان
احداث حبس بول میکند و تقطیر آن چه مواد غلیظه که در عروق ایشان محتبس است
و این دوا بجهة قوت اذابت تذویبت آن ماده مینماید و میخواهد که بعرق دفع کند و بواسطهٔ ضعف
قوت خود یا بجهة کثرت مواد تمام آن بعرق دفع نمیشود و بجانب گرده و مثانه میاید و در مسافت
با اخلاط غلیظه مختلط میگردد و بواسطهٔ کثرت غلظت از دفع آن عاجز میشود و حبس بول احداث
میگردد و یا بواسطهٔ رطوبت ترکیب این دوا است و نیز رطوبت بسیاریکه از بدن ایشان جدا
میسازد و در باطن که موجب امساک بول است سست شده تقطیر بول پیدا میشود پس
در ینحاده مصلح آن عرق بادیان و تخم کرفس و امثال آن خواهد بود خواه ممزوج نموده بخورند خواه
بعد از آن تشرب نمایند و این عرقها در تفتیح مسام و تقویت حرارت او بجهة قوت او را از
مخاطرات ایمن میسازند و موجب این مضر تنها نمیشود و فرقه ارباب تمزیج بگلاب و عرق
بید مشک مصلح آن میدانند که تا شتاء تناول نمایند و غذاهای لطیف بخورانند و از مبخرات و
مرطبات اجتناب جایز میدانند و اصل السوس را نیز مصلح میدانند که باینطریق سفوف
ساخته تناول نمایند صفت آن چوب چینی بمیسر اصل السوس پنجدرم کتیرا یکدرم صندل سفید
الاچی زعفران از هر یک یکدرم تخم خیارین دو درم مشک یکدانگ همه را کوفته و بیخته سفوف
سازند و هر روز ناشتا یکمثقال با شربت صندل مناسب میدانند و بدینطریق تا سه روز
عمل مینمایند و اگر احتیاج باشد دو سه روز دیگر تناول نمایند که بغایت مفید است و بدل

و تعدیل مزاج آن بی نظیر است و در فواید شراب مسطور است که منافع شراب نفسی است
و بدنی نفسی مثل فرح و نشاط و سرور و ازاله غم و خجل و امثال آن ممکن و مقدور نیست که هیچ
چیز درین امر مساوی آن تواند شد اما منفعت بدنی مثل انارت و اشراق و نکوئی رنگ
چهره و تفتیح مجاری و غیر آن چه اگر این میتواند بود که از معاجین و مرکبات این آثار مستفاد شود
اما پیدا کردن دوا و شناختن آن خالی از مشقتی نیست پس بنابرین که شراب انگوری
در قمع مادیت سوداویه و تولد خون رقیق و روح لطیف و کثیر و نورانیت و اشراق عجیب
این فواید است در ازاله امراض سوداویه بدل بیخ چینی میتواند شد و در ازاله آتشک که
متقرح و متعفن شده باشد و چرک بسیار از و آید در نیوقت بدل چوب چینی بعد از تنقیه و
راحت است صفت آن جدوار خطائی عاقرقرحا کندر مصطکی سورنجان قسط مغاث زراوند
مدحرج و طویل حب الغار مرصافی مقل سکبینج جاوشیر زرنباد از هر یک دو مثقال صابون رقی سه مثقال
برگ حنا سه مثقال آب لیمو بقدر حاجت زیبق چهار مثقال روغن بابونه روغن گل خیری روغن
سوسن روغن زیت کهنه روغن گل سرخ موم زرد پیه گرده بز از هر یک ده مثقال روغنها را با موم
بگدازند و بخورها را با گلاب بسایند و صمغها را بسرکه حل کنند و زیبق را بپیه بکشند و مجموع ترکیب کرده
مرهم سازند طریق استعمال آن جمعی در رفع مرضیکه مناسبت آن دارد و توضیح اثر امثل صندل
سائیده با تخم خصیة الثعلب صلایه کرده باشند نبات و گلاب بقدر حاجت و یکدانگ زعفران
پالوده پخته میبندند و اگر نیم دانگ عنبر اضافه کنند هم خوب است این یک شربت است و اگر
مزاج شخصی حار باشد بجای خصیة الثعلب لعابهای مناسب مثل لعاب بهدانه یا لعاب قطونا
یا نشاسته پالوده بپزند و مداومت کنند جایز است نوع دیگر یک سیر بیخ چینی کوفته و بیخته و ده استار
شیره نبات و نیم سیر گلاب بقوام آورده و یک تولچه عنبر با نبات صلایه کرده بعد از آنکه حرارت شیره
فی الجمله کم شود بریزند و با شیره برهم زنند بعد از آن آرد چوب چینی در ان ریخته و بتدریج خمیر سازند
و هر روز بقدر ده و نیم تولچه چینی تخمین کرده بربندند نوع دیگر بطریق قهوه ساختن

مغز بادام سه توله نارگیل دو توله میده گندم ثمن سیر نخستین آرد میده گندم در روغن بریشته سازند
دو سیر نبات و نیم سیر عسل صاف نموده بران ریخته چون نزدیک رسیدن شود ادویه مذکوره
را صاف ساخته کفچه زنند بعد ازان که دو جوش بخورد مغزها را داخل کرده همچنین ربع ماشه مشک
و نیم توله عنبر و یک توله زعفران داخل کرده وقتیکه روغن دهد فرود آورده در طبقی ریزه نبات پاشیده
پهن نمایند و بعد ازان که سرد شود و بطریق شکرپاره مربع بریده نگاه دارند و هر روز ناشتا مقدار
یک تخم مرغ تناول نمایند که نهایت سودمند است و باهی و فربهی آورد و ناقهین و کسانیکه رو به
روی دارند بسیار سودمند است و تولید خون صالح میکند و دهن را خوشبو میسازد و تجربه را
رسیده و نوع دیگر بیڑه او دو ماشه چوب چینی را باریک ساخته و فوفل ریزه ریزه کرده داخل بیڑه پان نمایند
و در خلای معده این بیڑه بخورد و شب آن دو بیڑه تا چهار بیڑه نوع دیگر بیڑه در دیگی
[?] کرده سر دهن آن دیگ پارچه باریک بسته و چوب چینی را بقدر نیم فوفل قطعه قطعه کرده
مانند فلوس بر بالای پارچه مذکور گذاشته بر بالایش سرپوشی بپوشد و تمام شب همچنین آن
دیگ بر آتش بگذارند تا بخار دود آن بچوب چینی مذکور برسد علی الصباح چوب چینی مذکور در سایه
خشک سازند و ورق ورق ساخته شب در گلابی که در آن زعفران و قاقله و قدری عنبر حل کرده باشند
تر کرده در بیڑه پان بقدر یک توله با نیم فوفل [?] نمایند و بعد از گذشتن یک پاس [?] غذا
تناول نمایند و همچنان تا چهل روز مداومت نمایند و اگر بیشتر از چهل روز بخورند نیز مفید است
و مضرت نمیرساند اگر پرهیز از جماع و ترشی کنند انسب خواهد بود و سر و گوش بستن و در جای گرم
نشستن مطلوب نیست نوع دیگر شراب [?] قوت دماغ و دل و جگر بود و ازاله فالج و درد مفاصل نماید
و ضیق النفس که از غلبه بلغم باشد شاید و هر کرا کژدم گزیده باشد سه توله ازین عرق خورده شود
اصلا زهر او کار نکند و اگر [?] بنوشند احتمال دارد که هیچ زهری دیگر اثر نتواند کرد [?]
کند و باهی و تقویت و عرق النسا و نقرس و رعشه و خدر را از بیخ بر کند صفت آن بیخ حیات
پنج سیر پوست بیخ مغیلان ده سیر سنبل الطیب و دارچینی از هر کدام ربع سیر زرنباد و بهمن سفید

و نمک و جماع اجتناب نماید اولی است نوع دیگر معاجین است که با ادویه مناسبه ترتیب
بسیکنند معجون که از مخترعات حکماء متاخرین تجربه است که اجزاء و فلاسفه افزوده و با بعضی ادویه
مفرحه قلبیه ترکیب کرده استعمال نموده بسیار سودمند آمده شربت اقل آن دو مثقال است صفت
آن چوب چینی هفتاد مثقال مصطکی عود زعفران سنبل ساذج تودری سرخ و سفید دارچینی فلفل
دارفلفل قرنفل زنجبیل گل سرخ شقاقل قاقله جوزبوا سعد کوفی اذخر ابو زیدان تخم کشک بهمنین صندلین
دروفنج انیسون بادرنجبویه خصیة الثعلب جدوار طباشیر اشنه فوج اسطوخودوس خولنجان
ریوند چینی از هر یکی دو مثقال عنبر اشهب مشک خالص از هر کدام یک مثقال قند سفید کوفته
ادویه بطریق متعارف معجون سازند معجون چوب چینی از مخترعات حکیم عماد الدین محمود شیرازی
زرنباد جدوار زراوند مدحرج خولنجان باسفایج ریوند چینی افتیمون بلیله سیاه شملیت مغسول
تربد سفید موصوف دارچینی سنبل مصطکی جوزبوا زعفران بسباسه قرنفل پیل از هر یک دو مثقال
و چوب چینی پانزده مثقال کوفته بیخته با سه چندان عسل بسرشته شربتی هر روز یک مثقال نسخه
دیگر چوب چینی شصت درم سیاه دانه هفت درم قرنفل نه درم زنجبیل صمغ عربی زعفران از
هر یک نه درم مشک قدری کوفته بیخته با سه چندان عسل معجون کنند نسخه دیگر چوب چینی
یک آثار فلفلدراز فلفل گرد زنجبیل عاقرقرحا بسبایه جوزبوا قرنفل سیاه دانه نانخواه از هر یک بیست
مثقال عسل مصفی پنج آثار ادویه را کوفته بیخته در عسل معجون سازند شربتی موافق مزاج طبیعت
نسخه دیگر بلیله کابلی بلیله زرد بلیله آمله مجموعا نثفی از دانه بلیله زنگی دارچینی سرنار سنبل اسارون
ترفه زعفران سورنجان مصری خولنجان سعد کندر دارفلفل زنجبیل بادیان رومی نانخواه تخم زردک
تخم شلغم جوزبوا ابو زیدان شقاقل عود هندی اجزای برابر چوب چینی بقدر مجموع دارو با عسل صاف
بقوام آورده معجون کنند و در ظرف چینی نگاه دارند شربتی دو و نیم مثقال از برای دفع درد استخوان
و اشتها و هضم طعام بغایت بی نظیر است و فواید دیگر بسیار بخشد نسخه دیگر از صدر الشریعه
که از معجون سورنجان زیاده و کم کرده چوب چینی تازه هشتاد مثقال سورنجان سفید بهترین

ازان در میان پنج سیر آب صاف با آتش نرم بجوشانند و هرگاه آب بکی کند دیگر بریزند تا نیم پاس
چنین بجوشانند بعد از آن همین قدر بادیان خطائی و پاؤ تولہ دار چینی داخل ساخته دو گھڑی
دیگر بجوشانند و دیگر پنج شش قرنفل و اندک مشک و عنبر اضافه کرده چند جوشی دیگر داده بکار برند
گرماگرم در بیان قهوه و آن بقول حکمای متاخرین بارد است در درجه سیوم و یابس است در درجه
دوم و قابض است و احداث سودا می کند و مورث قولنج است و جمیع امراض سوداویه را قوت می دهد
و جلد را خشک و درشت می سازد و کوبیر و سل و فرفتگی نفس را زیان می آرد و رنگ را تباه بسیار
و وهم و توحش می افزاید و سبب کابوس می شود و سبب سودا و مزاجان بسیار بد است لیکن برای
بلغمیان و مرطوبیان بد نیست و بحال می آرد و طبیعت را بیدار می دارد و استرخای معده که از حرارت
و رطوبت بهم رسیده باشد نفع می کند و قاطع شهوت و مانع نوم است و عربان که قهوه بسیار میخورند
مدفع بالکثرت جماع مشهور اند بسبب آن است که عمده غذای ایشان خرماست و آن مادهٔ تولید منی
و انبعاث نفخ است ازین جهت مضرت نمی رسانند والا قهوه قاطع شهوت است منقول از حکیم
عماد الدین محمود شیرازیست که طبع قهوه هیچ شبهه نیست که بارد یابس است چون دو کیفیت ظاهر
است و سبب صفرا نمی رسانند فاما در درجه ثانیه باشد اما آنکه دو کیفیت متساوی اند یا یکی غالب
است موقوف است به تامل و آن ثمره ایست بقدر حب الغار دو پاره است مغز او در یک غلاف
است و او سیاه رنگ و پوستی است تنک تر از پوست پسته و غلیظ تر از پوست حب الغار در
پوست و مغز او هیچ کدام تلخی و تیزی نیست مگر اندک تلخی با قبض و لفاست محسوس می شود و
در مغزش چربی و صلابتی هست و اکثر پوست او را می جوشانند و آن را می خورند و در مکه معظمه
چنین معمول است و بسیاری مواضع مغز او را برشته می کنند چنانچه نزدیک باحتراق می شود و آن را
به پوست مخلوط می جوشانند و در مکه معظمه مغز او را برشته میکنند و نیم سوخته چنان که طعم آن تلخی
و سوختگی گراید و چون جوشیده شود پوست او بنوشند با مغز بریان کرده نقل نمایند چه مقصود
ایشان از نیها همین است غیر مفرط طبیخ او یعنی جوشانده او در تسکین صداع و افادهٔ نشاط و خمل

او را جذب بکند و ثفل آنرا در میان آن بگذارند و بسیار بجوشانند و طبیخ او که بطبخ بسیار غلیظ شده باشد مضرست و مکرر خوردن آن خوب نیست و هر روز یکدفعه اکتفا باید کرد و شرب آن علی الریق بکرّات در میان نیکوست و ناشتا خوردن نیکوست و اگر بالای طعام نیز خورند که از تعطیش آن اندیشه داشته باشند و بر بالای دیگر چیز نخورند والله اعلم بالصواب در سبب بهم رسیدن تنباکو که بزبان هندی بجر بهنگ گویند بفتح موحده و جیم و سکون را و مهمله و فتح موحده ثانی و ها و سکون نون و کاف فارسی در این زمان بروز کرده و آغاز ظهورش در ابتدای سلطنت عرش آشیانی جلال الدین محمد اکبر بادشاه است و ابتدای از کشیدن جنت مکانی نور الدین محمد جهانگیر پادشاه است که سال هزار و چهارده هجری باشد و بیشتر از جانب فرنگ در این دیار آمده و اکنون از جمیع اماکن هندوستان گشت کار او می شود و ارتکاب کشیدن دخانش شعار که و مه گشته مشغوف و مرغوب جهانیان گردیده جوهر آن بقول حکیم علی گیلانی حار یابس است و از سموم قتاله است و دخانش بسبب ناریت حار یابس است مخرب و مکدر حواس و قوی است و محلل و مسخن جمیع اعضا و مضعف باصره و مزاج هر عضو که رطوبت بسیار داشته باشد با نفعست و در معده که رطوبت بسیار باشد تحلیل آن بنماید و اعانت هضم میکند و ضعف بصر که جهت اجتماع رطوبت یا بخار باشد سود کند و تنگی نفس سبب کثرت و غلظت بلغم سینه یا ششش و یا بسبب کثرت اجتماع بخار باشد نفع دارد و در مزاج هر عضو که رطوبت زیاده از قدر حاجت باشد بسیار مضر است و هر چشمی را که بخار و رطوبت زیاده از مقدار ضروری باشد تحلیل آن میکند و بصارت می افزاید و آنکه از مقدار ضروری کمتر باشد و زیاده نباشد نقصان تمام دارد و رطوبت کبد را تحلیل میدهد و مجاری را خشک میکند و از ان قوت جاذبه کم میشود از کمی باز می ماند و خشکی و درشتی جلد و هزال بدن بهم میرساند و سبب تپ دق و شیخوخت میشود و امراض چند پیدا میکند که علاج آن متعذر باشد بخریزی میگفت که شخصی را قولنج بهم رسیده قریب بنصف شب پیش من آمد هیچ دوا در انوقت حاضر نبود و نزدیک مردن بود اجازت دادم که تنباکو بکشد و دود آن فرو برد باندک استعمال خفت ظاهر شد چون دود آن محلل است پس دود او قوی محلل بجای تنباکو یا مثال این مرض کار او میکند و هر نفعی که از تنباکو می آید از هر دودی می آید چه ادخنهٔ گیاها مسخن

کرده دود آن را در برگ تنباکو کشند نفع عظیم ظاهر شد نسخ الرئیس در قانون جهت دفع سعال

اعلان

مژده باد صاحبان فهم و ذکا را که رسائل نادره در فن حکمت بے عدیل
تصنیف بوعلی وقت بقراط ثانی جناب حکیم نور الدین محمد عبد اللہ
حکیم عین الملک شیرازی نور اللہ مرقده در متن کتاب است مسمی به
الفاظ الادویه و رساله دوم که هر نسخه اش چون اکسیر است تصنیف
ارسطو زمان افلاطون دوران جناب حکیم طالع محمد صاحب ولد شیخ محمد سعید
صاحب مفتی لکھنؤ طاب ثراه بر حاشیه از صفحه (۱) تا (۲۳۸) مسمی به
میزان الادویه و رساله سوم که هر حرفش مزیل امراض جسمانی و هر نقطه اش
معجون مقوی روحانی تصنیف جالینوس وقت سقراط عهد جناب حکیم
محمد نصیر صاحب خلف با شرف حکیم احمد علی صاحب عظیم آبادی غفر اللہ
ذنوبهما بر حاشیه از ۲۳۹ تا ۲۹۷ مسمی به **فرهنگ نصیریه** معروف
به **حل مخزن الادویه** که حق تالیف این نیاز کیش را مصنف عطا فرموده
امید که کسے صاحب مطبع یا تاجر کتب قصد طبع نفرماید بعوض نفع نقصان
نبرد البته چندان نسخ که مطلوب شوند از دوکانهای بنده که علاوه شهر لکھنؤ
دیگر بلاد اند طلب فرمایند بلا عذر خواهد رسید و نشان دوکانها ایست فقط

بمقام بنارس از دوکان میرزا عبد الباقی بیگ صاحب در سرای (؟)	بمقام عظیم آباد از دوکان سید جان محمد صاحب دریاپور گزره	بمقام لشکر گوالیار بازار دولت از دوکان شیخ عابد بخش صاحب

بمقام لکھنؤ چوک (؟) از دوکان نور علی صاحب

راقم
عبد العزیز ولد حاجی شیخ [illegible] رجب علی صاحب تاجر کتب لکھنؤ